



















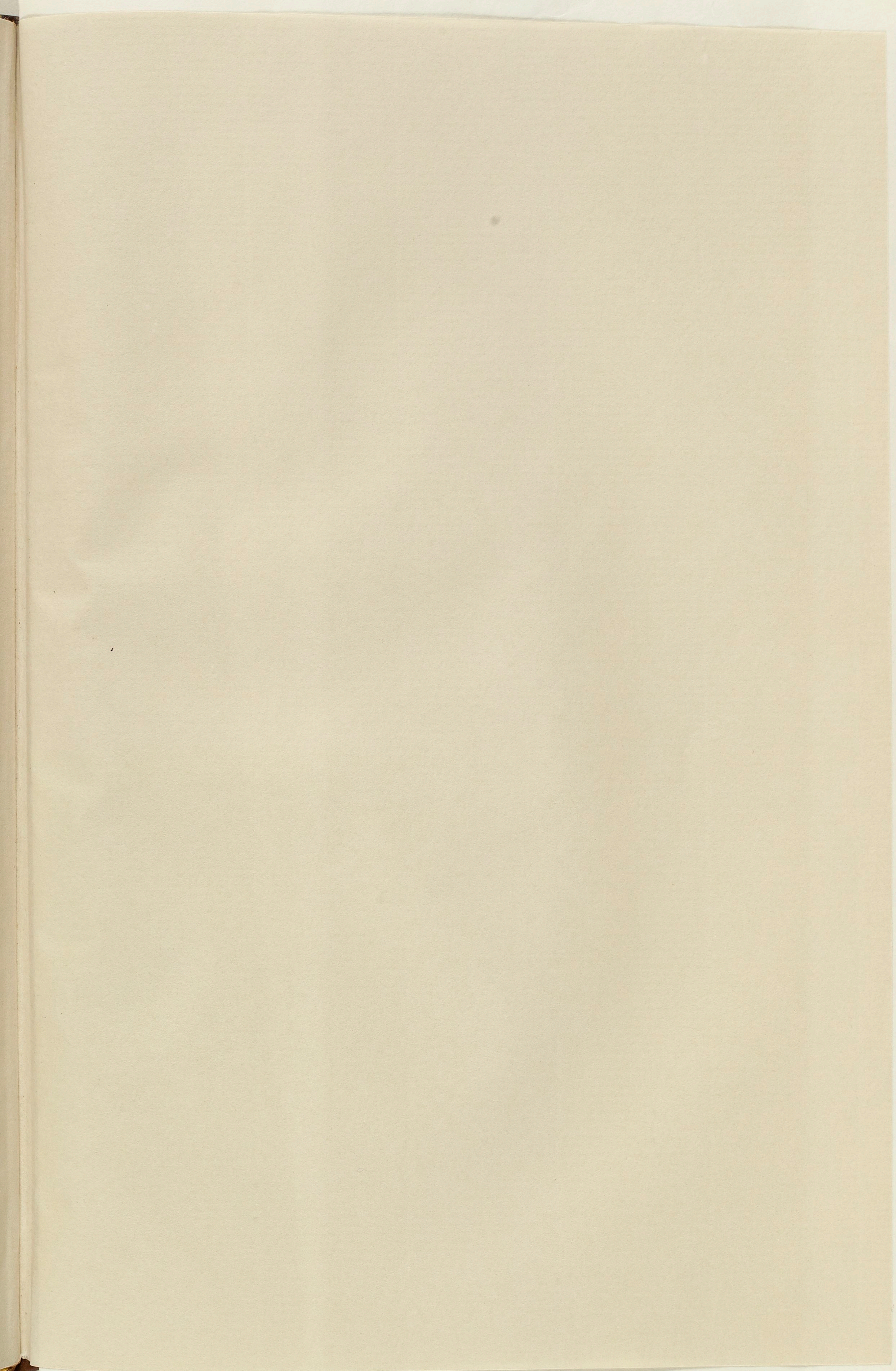


Tota 8.1

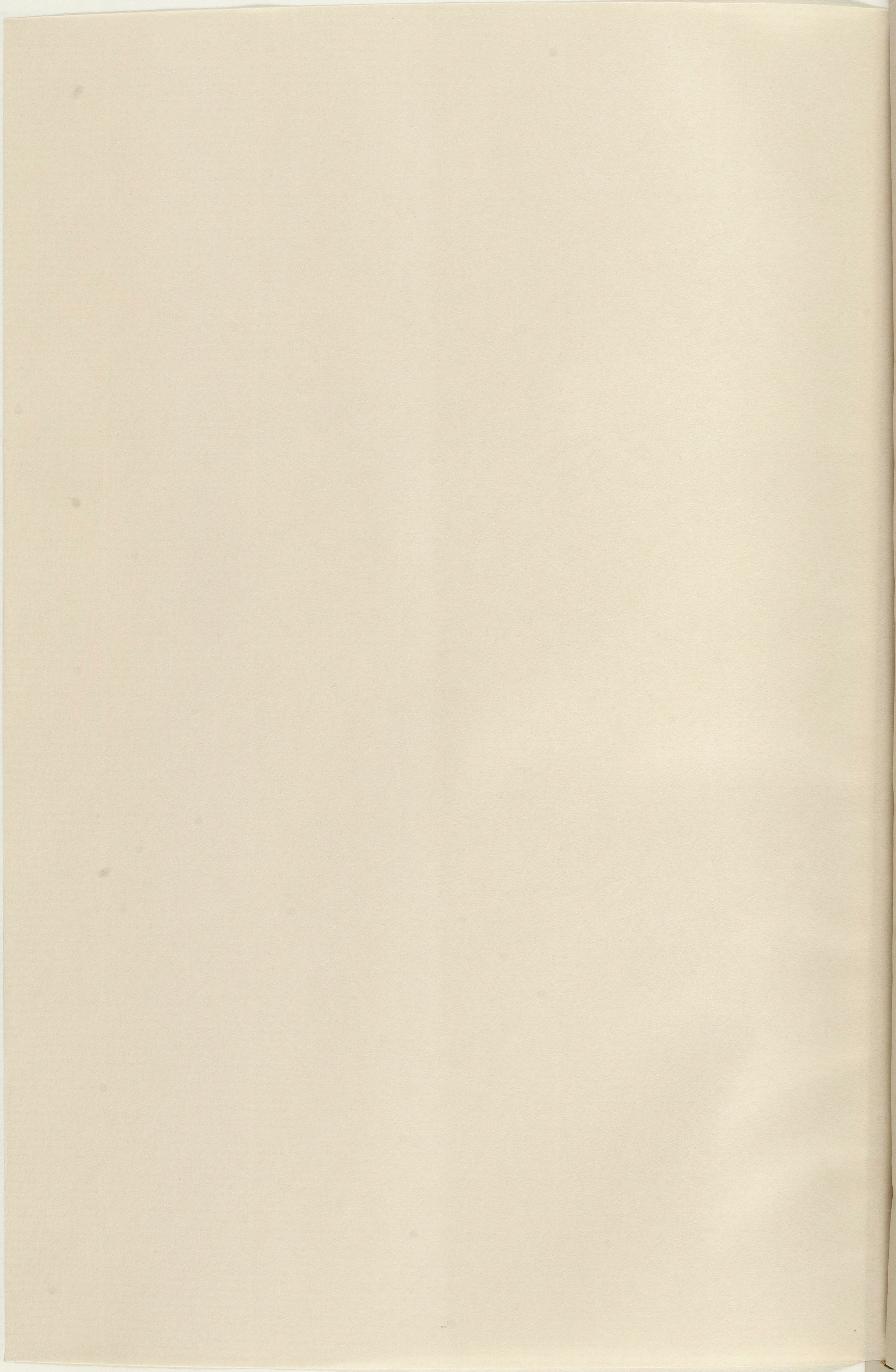




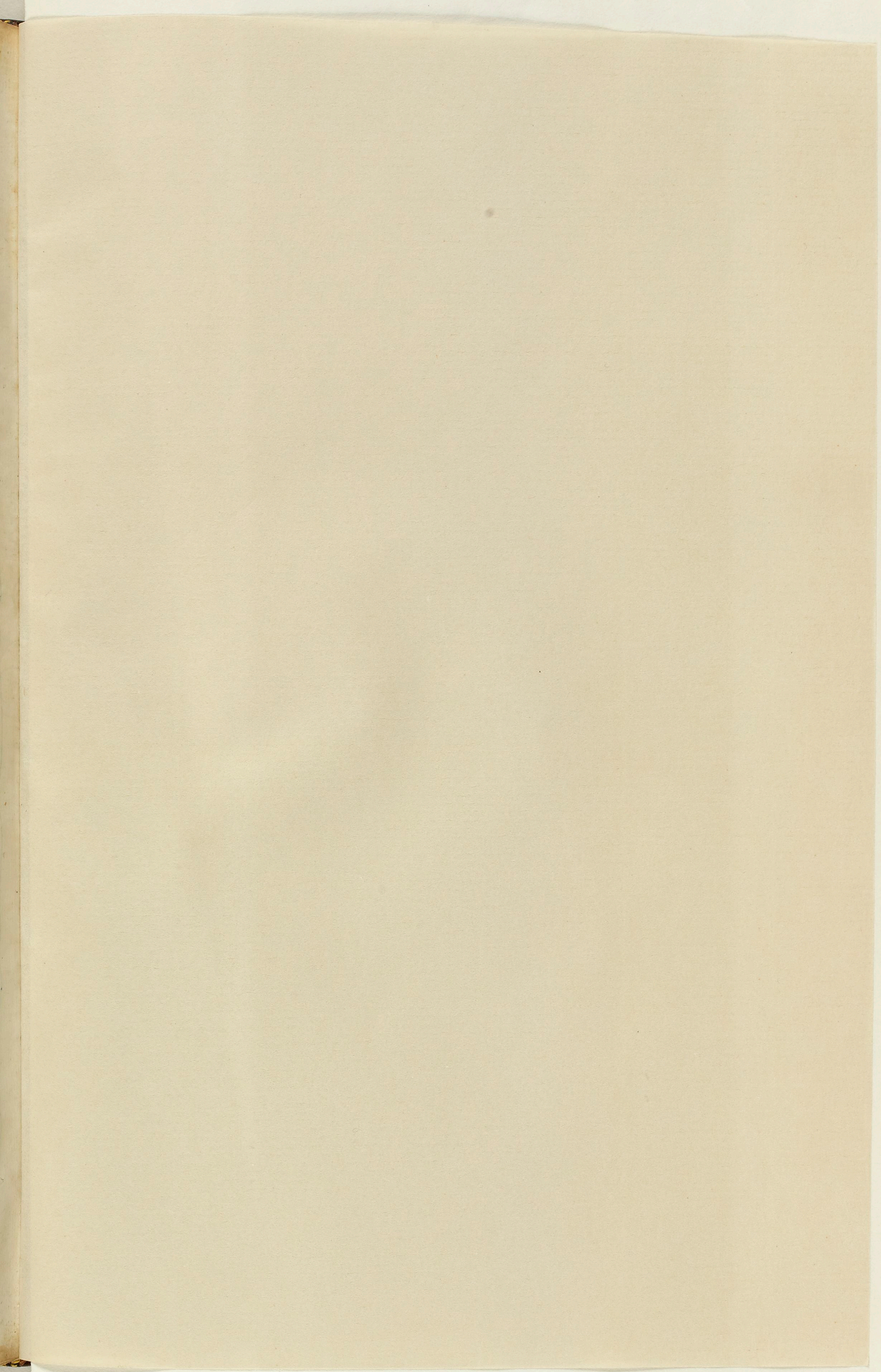


















## فهرست کتاب اخبار القرائب

مقاله حمد حضرت کبریاء صلواته	مقاله نغمه جناب ضیاء الوری صلواته عبد مسلم	مقاله اعتماد مؤلف ۲
مقاله بحث تواریخ ۴	مقاله مدراج بنوی ۷	مقاله جوابی سؤال مقدّر ۸
مقاله سبب رساله ۹	فصل اول اسباب نقطه دوسه روسیه بمالات کرستان و ۵	مقاله غریبه خبری کرستان و استبداد کد شاه بهار کرستان ۱۰
افشاد و کشف دولت دوسه در صفا کرستان ۱۴	مقاله سبب الحاح ارکلی خانه بدو روسه ۱۵	مقاله استبداد روسیه و آمدن شاه ایران ۱۶



مقاله در بیان جایگاه و شرفه ایات و زهاب بیاض	مقاله محاربه شاه ایران و بیعت مؤلف و بعض مقاله ۱۷	مقاله ضمیمه و بعض صالح و شرفه ۱۶
مقاله افکار شاه ۱۹	مقاله در زمره شرفه ۲۰	مقاله فضیلت ایکلیف ۱۸
مقاله غریبه کتاب ۲۶	مقاله تافیر لفظه ایات ۲۲	در بیان مقاله کتاب و ۲۵
مقاله فضیلت مؤلف و بعض رویه ۲۹	مقاله فضیلت نعمتی شاه ۲۸	مقاله فضیلت شاه ۲۷
مقاله احوال شاه ۳۴	مقاله سرعت محاربه نادر و بعض شاه ۳۱	مقاله احوال نادر شاه ۳۰



مقاله مهارت نادر شاه در هندوستان ۴۴	مقاله تفشیر نامه دربار نادرشاه فرزند نادرشاه و انقضای سده ۴۶ صفحه ۵	مقاله نصایح نادرشاه بفرزند خود ۴۷
مقاله تعلیم نادرشاه در تدفیع و فرزند خود دربار نادرشاه ۴۸ و زواید	مقاله اظهار نادرشاه ۴۹	مقاله قصه غریبه از کتبات شاه ۴۹
مقاله فضایل نادرشاه ۵۰	مقاله نوزده کمداران ۵۱	مقاله انتی جنگ و خدعه اعدا ۵۲
مقاله احوال صایق افغانیان ۵۰	مقاله منع مغربی ۵۱	مقاله سزاوارده خان کبیر خاندان فرمانده ۵۲ از سزاوارده
تدبیر مملکت و ضابطه کتابت و سزاوارده مغربی منع انبار ۵۴ بیانی	فضای افغانیان ۵۵	مقاله سبب مغربیت دولت هند ۵۶



مقالة جناب تيدرخان ٥٧	مقالة خرد ثانيه ٥٧	مقالة استفاد و تحسين اسمه خلدون در صوم جناب تيدرخان ٦٠
مقالة خردوان ٦١	مقالة غشتك ٦٢	مقالة كرمك ٦٢
مقالة قباير صيه قزاقه ٦٥	فصل ثانی ٦٩	مقالة غريمه مؤلف بارضه دم ٧٢
مقالة كفه قري وافقه ٧٢	مقالة فضاي غالب باب ٧٤	مقالة سكر لوصه صالح باب ٧٥
مقالة مشورت تدقيق عكر ٧٩	مقالة دكر ٨٠	مقالة مال مكسب سركه روسيه بارضه دم ٨٢



مقاله مضامین مداد ۸۴	مقاله اسیر شدن عیسای ۸۵	مقاله فقهی صالح پاشا ۸۷
مقاله مکالمه روس ایران بواسطه مؤلف ۸۹	مقاله جواب مؤلف پامانی روس ایران ۸۹	جواب امای روس ایران مؤلف ۹۰
مقاله اتحاد داورانه روح در دونه ارسالی بیانی ۹۱	و حال جواب فائز استانه ۹۱	صدرت تقریر مؤلف باستانه ۹۲
مقاله دیگر ۹۴	صدرت جواب مؤلف پامانی دولت ایران ۹۴	بیتف غیر روس روسیه و دریای نخست ایران ۹۵
مقاله احتیاط اتحاد ۹۵	مقاله عجمه دیگر ۹۶	مقاله اتحاد ۹۷



مقاله لزوم اخار دو نین ۹۷	مقاله دیگر ۱۰۰	مقاله اتباع هندو دارنده در ملک ایران ۱۰۰
مقاله لزوم تنفی ۱۰۴	مقاله آب هده ۱۰۴	مقاله وکیل ۱۰۵
مقاله لزوم ۱۰۶	مقاله اتباع شرع وقانون ۱۰۷	مقاله لزوم فیه ۱۰۸
مقاله لزوم حال و محظور اتحاد و نین ۱۰۸	مقاله تدایع رول ۱۰۹	فصل ثالث ۱۰۹
تدبیر تأخیر حذف صبر کار و رکات معارض ۱۱۱	مقاله والدین مخبرین ۱۱۴	مقاله آب طالب ۱۱۴



مقالة توبيه نك الفرانسيه العالم ١١٤	مقالة اخذت ولدت في زمن الملك العادل ١١٥	مقالة توبيه نك كتاب الله من قاروه مؤلف توبيه نك ١١٦
مقالة توبيه نك انتم في صه اهل القبر ١١٨	مقالة طريقت ١١٩	مقالة توبيه نك طريقت ١٢٠
مقالة توبيه نك ١٢١	مقالة توبيه نك محدث عيني قدس سره ١٢٢	مقالة توبيه نك صدرت مكنوب شرايه ١٢٣
مقالة توبيه نك ١٢٤	مقالة توبيه نك اقتب ١٢٥	مقالة توبيه نك صدرت توبيه نك اقتب ١٢٦
مقالة توبيه نك ١٢٧	مقالة توبيه نك شرايه ١٢٨	مقالة توبيه نك اقتب ١٢٩



مقاله توجیه حدیث نور ۱۴۶	مقاله کیفیه کشف ارضی ۱۴۶	مقاله حکمت ۱۴۵
مقاله شرف کرمه ارضی واردات جوشیه دکن قدر ۱۴۴	مقاله عرش وارضی ۱۴۱	مقاله ابدییت ۱۴۷
مقاله منجین ۱۴۶	مقاله زلزله ارضی ۱۴۵	مقاله توجیه اندال حک ۱۴۴
مقاله وباء و ریج اصف ۱۵۰	مقاله جازو ۱۴۹	مقاله گوف خرف ۱۴۷
مقاله اثبات مدعا ۱۵۴	مقاله زورم اصحاب عقل و تدبیر ۱۵۴	مقاله صفت عالم ۱۵۱



مقاله تدبیر و خدمت و رفع اولاده قضای عمده فعالیت بیانی ۱۵۶	تدابیر ملکیه یا شخصی و اصل منصرتینت قضای او در وقت بیانی ۱۵۵	فصل رابع ۱۵۷
مقدمه امر محاربه و مصالحه ۱۵۷	دوسیه عکسینت بدست کدشانی رخ و ساز قضای عذر و قضای مدافعت تدبیر ۱۶۵	مقاله صورت وزیر ۱۶۱
نگار باید روی رسو عکس استوانه بکند بیانی ۱۶۷	مقاله اظهار امر مصالحه و صفات مدافعت ۱۷۰	مقاله غریبه ۱۷۴
بدر می بخندری صوری مقال خاست ۱۷۴	مقاله منع اژای رضار ارسان جدای بقدرت بدان طه نرحان جنرال ۱۹۵	مقاله رضالت علیا بدوسیه عثمانیه باشا و عثمان ۱۹۴
مقاله تحبیه قضا رفصایات و تکلیف غریبه مدافعت الجانب کرمین ۱۹۴	مقاله مداو ریک ۱۹۴	مقاله سبب روضه جدید ۱۹۵



مقالة دیگر ۲۰۴	مقالة در حدیث مؤلف از جانب کربستان ۲۰۱	مقالة دیگر ۱۹۷
نویس ۲۰۸		
قصه غریبه ۲۱۴	نصیحه نیکو در بدوالت بمؤلف ۲۱۰	مقالة غریبه ۲۰۹
مقالة بعض عوارضات در حدیث مؤلف ۲۱۹	مقالة فضایل مؤلف ۲۱۵	قصه دیگر ۲۱۴
مقالة تجلی اصحاب هذه النبیه تألیف مؤلف در ترجمه اصدال قبال ورافه ۲۲۵	مقدمه مقالات در زمره ۲۲۶	مقالة تقریر مؤلف ۲۱۹
مقالة فقط فقرا ۲۲۹	مقالة تحصیل علم وارد اب ۲۲۷	مقالة دیگر ۲۲۷



مقاله شریفیه ارکان دوله ۲۴۱	مقاله مدار دیگر ۲۴۲	مقاله منع آوار و صرار ۲۴۳
مکایه ۲۴۵	مقاله مدار دیگر ۲۴۸	مقاله منع نفاذ ۲۴۹
مقاله منع راجیه تقد ۲۴۰	مقاله منع شکار ۲۴۱	مقاله تخصیص عدل و کتابت رفه شد و غزل و تاریخ ۲۴۴
مقاله امد و افت و ذکر اوصاف ان طوی ۲۴۵	مقاله ان طوی و مقاله ساز و منع بریت ۲۴۹	صدره مکلف مذلف ۲۵۰
تدوین زیل شرح مشدی مذلف ۲۵۵	مقاله تخصیص و حکمت و تفه و نصیحه ۲۵۶	و مقاله و تصدیق و مدد بنای حضرت خدیو اعظم ۲۶۱



<p>مقالة اوصاف فضائل  سعد قطب پير ابيهم  باب  ٢٧٢</p>	<p>مؤلفه ايجاب ايد زود  مرعيه بياخي  ٢٧٦</p>	<p>مقالة اوصاف فضائل  مؤلفه بنته زود اكرم  ضاب كرمه على حفظه الله  بطفه الجلب  ٢٨٠</p>
	<p>مقالة خاتمه  كتاب  ٢٨٤</p>	



[illegible]



4

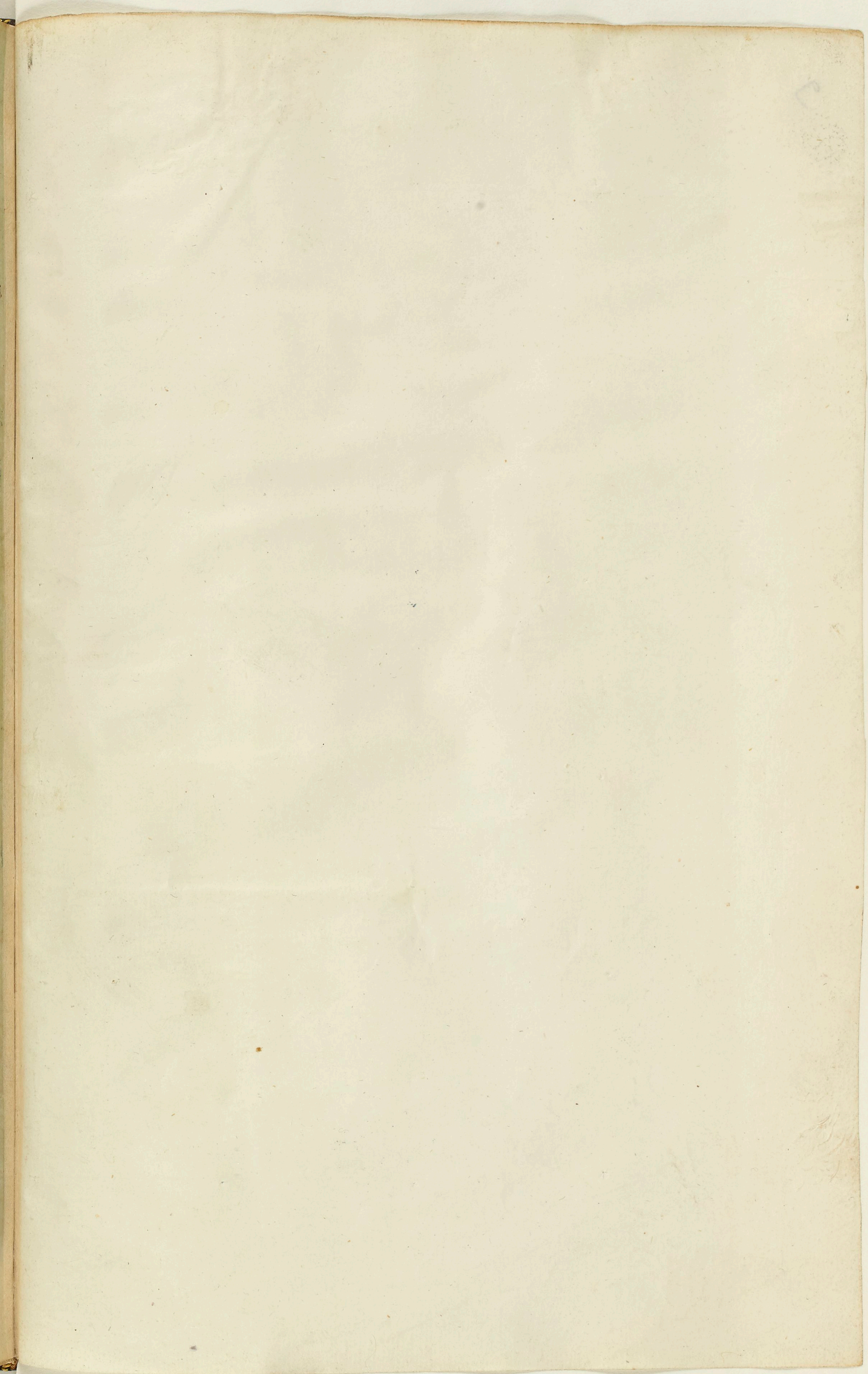








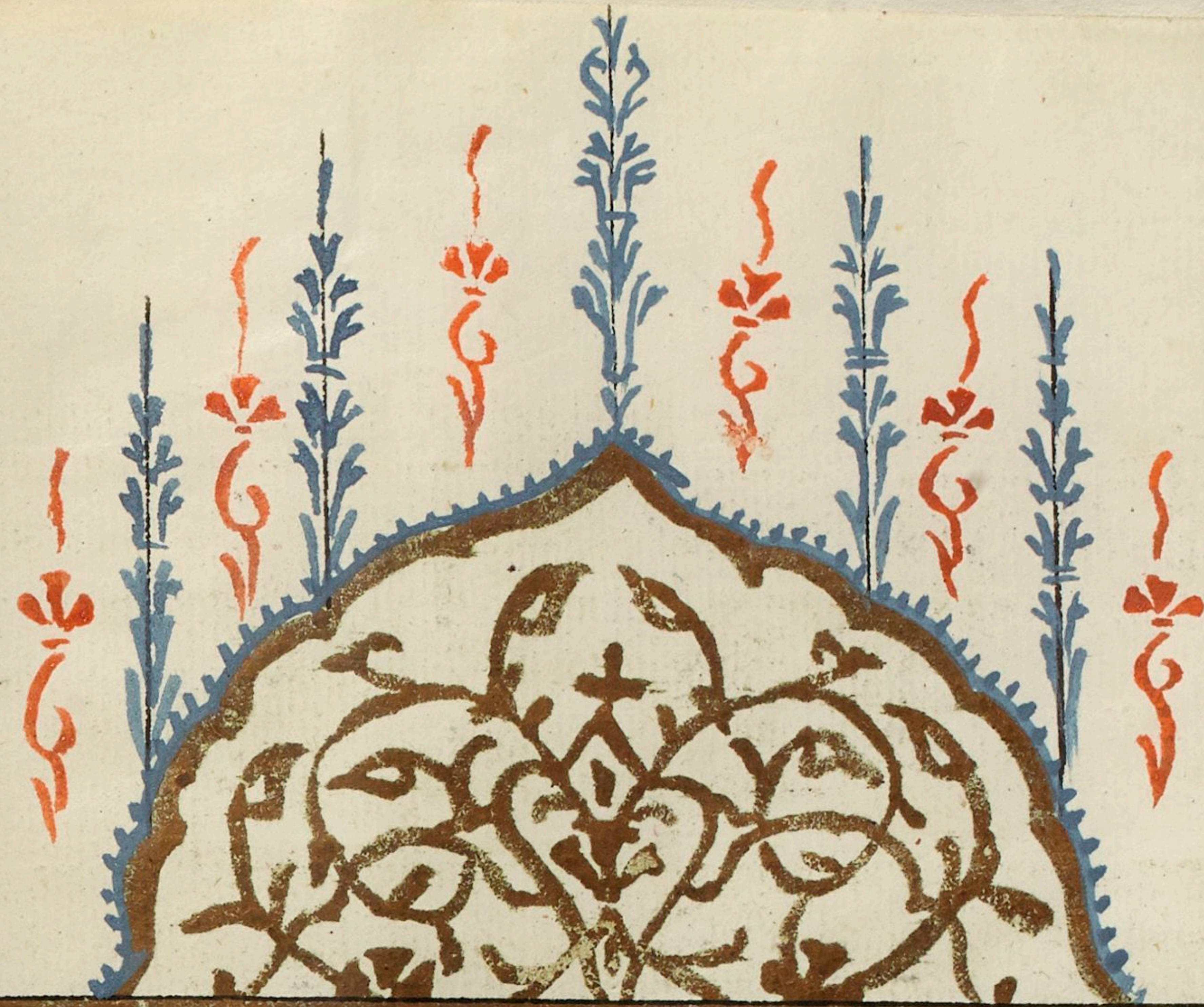












بسم الله الرحمن الرحيم

معدوم ایکن تا ایدوب انار غریب	سین ایکن عاظمه انار غریب
ماتر کلزار — صاحب کرمه	اولون بوسفر نامه ده اضبار غریب

جواهر کافیه حمد تا معدوم اول داشته بند مجرعه کوه وجود وقاد  
مطلوبه درگاهنه سزا والیقدر که افروقه عبق اراده سیه اصحاب  
سیر و تارخی ثبت قیام انار اسوفه موفقه ایتمه

نظم

خا صدر الای معدوم صفه کبریا کما	وصف کمال ممکن ایبه بو بینوا کما
مخلوقه یعنی محکمه ذوالجالیله	اثباته کدی ذاتی ارضی و سما کما
بند صغیر وارذل مخلوقه سیلزم	یا عالم سراسر صفراز دیا کما
سینه غنی و خالو و هاق بوی کما	محتاج در همه ملوک و کما کما
ذات صفات ایبه اولیا قائم وید	مخصوص ما سوا به عدم در بقا کما
بوفاکرانه صودق ان ایبه کما	ویردن لای سویه حمد و ثنا کما



یعنی بود و نیازم الهی را در قیل عفو استاده گناهی ضریا لوری سکا

فای قولک زیارت اوصاف عجزی  
بود ابتدا و صلی بود انتزاع سکا

ولائی درود اول فهرست کتاب زیت ساری عالم شهود و خلقت  
نیازده بند دیوان شریعت مربوط جلیل امینی و مکر علوم اولین  
والاخرین سبب ترتیب البایط و المركبات باعث ایجاد تکوین امکان  
مفردینیت روضه ریاض خدیرین آسا و درگاه قدس و سارینه  
اهد و تحفه خنود که زیب سامعه نبوت **نقص عینک احسن**  
**النقص** بیور یوب عالم عدم پوشیده خلقت وجود اولادت مقدم  
صور مکرمه **بنی آدم** مرآت عجایبهای خلقت جلوه گر اوطفه بادی  
اولوب سرمایه سعادت دنیا و آخرت اوطدر **نظم**  
**مولفه** حب و رسول خالق افدوک **مظهر فهاب و مارد سناک**  
کان فی وصف ذاک لولوک **لم یکن ذاک العلو سواک**  
**دیکر** از برایش آمد عالم از عدم **نفسه اوی یعنی نکند در رسم**  
ذاتی پاکش مظهر لولوک شد **خاکبایش ز بود افدوک شد**  
صلی الله تعالی علیه و علی اله و صبی و علی مره جلاله

مقاله

**مولفه نظم** غبار آلود اولون دل شاهد آتیه فرور **م**  
که مرآت مکرر صورت زیبا به فرور  
مال مصفیقه استخوانه منی بهار گلشن عرفان و سحاب نیسان



۸۱  
 ۲  
 لایق صن بیان اولون ارباب معارف و از عانه نمایاندر که تألیف  
 کتاب و افت مانند اشعار بدو غنیمت اصول واحد او ذره او طیب  
 الحق افت و امید جمعیه خاطر محتاج و موقوف او طیف الحق نظم و شمار  
 هنگام عزت و مرتبه مای و بیکه محزون القلب اولدنی آن طراوتی  
 صن و آن اولی هویدا و نمایاندر ماضی بو اوان فیض افترا اندر  
 تألیفه اجزا اولان اخبار الغائب مطالعه و منظور الحاطه انصاف  
 بیوریدوب بود و گذشته دهان ازدها اولون محروفت حاشی  
 عیان اولدقه بدو رتبه تحریک خامه بیان و تحریر موفقه اولدیفه  
 نزد مکرم و ذاصحاب انصاف مطلق مضمون هجایب من العجائب  
 ظهور کلمه بیک باهر فاشکاده او طیف اولو جریده عقد خط و اصلاح  
 نقصانه همه بیوریدوب جفا ظاهر و تطویل کلمه بیورده تصدیق  
 و اعتداده حاجت قاطع فی مصل و در کار بسته اصحاب فضل  
 و افتادن مرید و مستولدر که فت بضاعت و کثرت محنت سیه  
 وقوعه کلون سر و سقامه عجزانه می اصله معامله تم با الحیر  
 اصوله رعایت و حرمت ایله ر ذیرا مراغ جا کرانه میدان هنر و  
 معارف تحریک توسن قلم او طیب مجرر بودند اقم انداخته و ای  
 نیان و عدم اولون بعضی حوادث و اخباری جمع و ترتیب غیرت  
 بر له ضمن مقاله ده مندرج قنات فوائد عبرتنامه اهل فهاست  
 و زکایه ترغیبین غیب رندر **مؤلفه نظم**  
 نیست جهان خیریه بویه اثرده در • همه براهل لیه صاحب نظرده در  
 یس و زلزل باشد افتاب • بود و رایدن حوادث دور خمرده در



قوی و قوه های قند سابه طهون • دونه جراته سابه ضربه شده در

### مقاله

کافه خصوصیات اولین و آفرینی **قرآن عظیم** **الن** حاوی  
اولدین با الوفا در روز آشنای حکمه از **صلوات الله تعالی علیه وسلم**  
حضرت زمان درالتقواندین ثبت تواریخ اسوده خصه ویرطوب  
بعد از **تکیر دایره سوادین** اقصای مراتع خفاه و عظم **اولوب اردین**  
در یقینه محافظه به اقدام و اهتم به فریضه ذمه انام اولدین بعضی  
وقوعات اسویه دخی زمانیه کتب و اعلام اولدین ابرده اکثر  
مدوم اسویه دخی صحت وقوع خندق اولدین عینی واقع اولدین  
خصوص مذکور ده مؤرخین اسویه حضراته اعتراض اولدین قالدین  
قبل البعثه ساعه عالم و قدم کلون کیفیات مؤخرأ ثبت صفحات  
کائنات اولدین مباشر اولدین تحری و ایضا صبادق اولدین یقین  
مؤرخین ملل ساره دخی تواریخ صحت بیضاء اسویه صبه صحن  
عاری دیو سهر و نول خامه رن جاری اولدین ادعاری کند و رینه  
عانه اولدین بدیدر زیر قبل البعثه قلعه الزره تکیر سواد ارقامه  
باری اولدین وقوعات اکثر یا تواریخ ملل ساره دن ما خود در  
ثانیاً کر صحت اسویه و کر ملل ساره به دار مقدم و مؤخر کتین  
صلح اقل و اثر بیوریدون تواریخ بعضی کیفیات عدم وقوع  
ادعایه ذاهب اولدین بددخی صلح و کدر زیر اصحاب و قابع ویر  
زماندین بوشدق مدون عظامه عبرت داعیه صبه و کج رنن  
ترتیب سازه اولدق لویه رینی اسوده نسه ایمل در



۵  
بر هر حال اخذ فیه تأثری مستخرج از این کیفیت است و یا خود  
بر امر غیبیه نسبت ایلحاک انب اولدیفندن با الضرور اولوادیده ه  
اسیران میدان بیان او طرد در موردی که امانت بود و هر دو کانی  
حکمه عقیده و عمیده جامع در مصرع **ساریدو افدینه غوغای توابع**  
مفاد بجه تفریض تواریخ است و صیه دن غرضدی احکام بعثته بو  
زیننه ایراد نقیصه ایندن کتابه بر بودنی **عقلد و نقلد**  
معیدج و مردود اولدیفنی مبره نذر زیرا اول سلطان هر دو عالمی  
نیجه و نیجه تدریکاه حکمتخانه فوسفه بی مظل و نیجه ملوک و جبار  
ط و بالاد و اولد سوکتی شکسته ایدوب و در دعوای شریفته دماغ  
تختترین مشوخی و محقق زکام عدم استیکدن بسفه بد بیضارینه  
سلم بیوریدون حجه قاطعه رحمانی و صبر اطمین برأت یزدانیکه  
و آن عظیم الشاندر کافه اصحاب علم اولین و آخرین انجمن رای  
ارعا اولدر برایتی نظیره قادر و اولدوب عامه انارری مانند  
سببه معلقه گو کوسه خجالت اوطن غیری نتیجه ویرمه حکم  
ظاهر در **ثالثا** بیواسطه اسباب و بداعیه اتفاق تفکرات  
واصجاب بر ذات حکمه ابات و کرد و پنجاب منفردا عامه عالم  
و عالمیانه غالب اولوب شرقاً و غرباً دبیده کره نای نبوتی  
دعب انداز قلوب جلا نیان اولدره احکام واجب اولدیفنی شریفتی  
قبلاً و قاللاً جایگزینی مبعوث با الحو اولدیفنه عفتد و غی  
نصدیقه مجیدیت باهر اولدیفنی ارباب تدفیه و از عانه ظاهر  
و نما باندز قالدیکی اصحاب تواریخ و سیره نوزم ندرکه و قدعنا



سالفه و لا هفقه ده مبالغه دن بغایت اجتناب ایدوب احاطه می نمیرد  
 اولون موادی کتب و تحریردن اهتزاز ایه لر و بعده ایجابنه بنی ثبت  
 اوصاف اقضا ایدن ملوک عظمی حضرتانک و سائر اهتزاز مراتب انسانی  
 ایتی اولون اکابرک دینه اعتبارینه کوده القابنه دون معاهده و تکرار  
 تعبیر اونیله زیاده **سیدنا ابوالرئیس سید الدواقر والادوار صلی الله**  
**تعالی علیه وسلم** حضرتنیک طرف اشرف و سائینا هلدن ملوک  
 و حکمداران اوسال اوامر و سائر بیوردلوقه عظیم اروع و عظیم الفکری  
 و عظیم القبط تعبیری زیود صحیفه سطور بیوردلوقی ایجاب ایدو که  
 بروجه سطور و بیان صرفا نقدینه دقت ایلام لازمه عیده  
 عیادان و نقادان معارفنا سازد **بیت** صریقان باده هافد  
 دند و فتنه • قریضمنی انرا کردند و فتنه • ترغیبه بوزمگاه عالم  
 هنره قریض فهاد عرفان اولون اصحاب معارف و ایقان کلی  
 ندری صریحی غمخانه اخبار جوانیان ایدوب محسنه مائند جوعه زان  
 ایند کلری در و صافدن غیری نشئه یاب اوله حق پیمانه رصیقه نمایان  
 اولطوب بویورست میکده افکار بقیه قدون درد خمار ایه لبریز  
 بیاله اثر و گفتار ایتکه خواهک و هوکار اولدیفی **سایه**  
 بنی اصحاب عرفانه فرش سحاط نظر اعتدال اولندک **الفقه**  
 من العظام مول • والفقه عند کرام الناس مقبول **بیت**  
 یارب دلمی سر و خطاد صقعه • اوضاعی تزویر و ریاد صقعه  
 فاتح قولک انعامه موفق ایه • دامان دلمی خار جفادن صقعه  
**مقاله معراج**



ایات کبرای **محمد بنک** صلی الله تعالی علیه و سلم اشرف واعظمی و قد عات  
خوار و معجزه معجزه اصحاب حقیقت و سرود تصدیقین تردد  
ایمید بایک بند صبر احکام مولود شده و جاد عنا صبر اولاد  
کمای طبیعیه که دانشا فطرت اعظمی بپوریدون فضل انانیه خوار  
انکاره صبر اولاد قدردن بسقه **بیب** بای استدولیان صوبین بود  
• بای صوبین سخت بی تمکین بود • مدلولجه قمع فرام و ادراکری عروج  
سلی معجزه منزل و قاصر او طغنه **انبیا** حقیق احاطه عقل و ذهن  
تغیر اولاد خوار فی عدم قبول بر له ارباب سرود و عقول  
رضیه میاتت مدخول اولاد قدری ظاهر دور • **طولفه بیست**  
صوب خالو و ضلع سر و رابطه • ازان رو نمودند با الواسطه •  
خاله نظراً صورت انانیه ده روحا اولاد انبیای عظم و با  
فصوص فی الانام صلوات الله تعالی علیهم الیوم الفیقر حضرت  
حقدرن ظهور ایدن خوار و عاده ند تصدیقی خصوصیت تدس  
تعب باز عقل خلیع العنانه رخصه جولان و بر طبیب علی ضرف  
القیاس مناصب والای نبوته خاص بپوریدون عنایه ازلیه  
اتریدیه ایمان واجب زمت عبودیت در زیرا اعیان ثابت  
و غیر ثابت در بر نیت بوانه قدر عدم خلقتی فرض و تخنیتی اولی  
یعنی از جمله حجاب و مظهری بعد اثبات وقوع ایدندی تصدیقه  
ایتمه عقل مخیر و متردد اولوب محالونه زاهد اوله جفی بدیدر  
بر حال قابل موصوفه عقل و ادراک اوطیان خوار قل و قوی  
**انبیای عظمی** مخلوقات سازه دن امتیاز اولوب بدو توقف



دولت تصدیقه نائل اولادند کسب شرف و فضیلت ابد و جعت  
 غائبه ضمه اظهار قدرت و ابراز عظمت و جبر و تدبیر **مقاله**  
 هر برده نمایان ایکن انوار تجلی • چندی کو که بردن او معنی ندن  
 اوتری • قضیه خاطر گزار اولادیه صورت محمدیه صلی الله تعالی  
 علیه وسلم سواکن کره افکار شاهه بر له کافه عوالمه بمعوض  
 بالحق اولدیفین اظهار اداده آیه نه نیک تعلیقیدر

**مقاله**

آئی البیان ترجمه حالتی صحائف آثار و عیان اولی شاهان  
 اجماع بحث ایدوب غیر سلطین عظام و جهانداران مراعی انتظام  
 رحمت الله علیهم اجمعین الحایوم الفیه مضائق قصه و حکایه زندن  
 اخبار الفرائض درج و بیان او طبعی محل سوال اولور موضوعه سی  
 خاطر گزار محرابین گفتار او طبعی بوکونه مثبت اذیال  
 اعتذار اولور که اوردنک نشین سربس طت و درجه حریر و  
 اودون ملوک عظام و قوای بکایکان مضبوط خریطه  
 آثار اولدیفندن بقیه خصوص مذکور کی کلام بدیهه اثر رفیع  
 اورا و خبر ایتمک لزوم کلیدی کیفیت طویل الذیل طومار  
 کاشفات او طبعه بو مختصر مقاله به کنجیستی مقصود او طبع  
 اوقات سیر السیر روزگار دخی متحمل او طبعندن ناشی بیدار  
 اسباب سلطنت و بیواسطه لوازمات دولت مخلوقات اظهار  
 قدرت آیه حکمته مظهر تبار بیدار اودون ذوات احوالی  
 عبره لدولی الابصار ثبت وقایع طاق ذوقکار روزگار و کافیه



دیگر نیچه توجیهات غریبه و تاویدت عجیبه تحریر و اشعار اولنوج  
رساله مذکور جاری روانه و زین العقاید و کلمات فیه حاست  
اسمیه مستی مؤلفات عاجزانم کبی دوت فصدت قسیم و مسطور  
قندک • ومن الله التوفیق والتمهم •

### مقاله

**بیت** در حوصه قلم نکند رازم • کاتش بیان فی زان نتوان کرد •  
ما صدقنه تاریخ غریب و سنه اغیار ثبت ورقه افکار خندنی  
او اندر اقطار شرقیه و لوله ادای ظهور او لون حالت عجیبه و کفایت  
غریبه علی طریق الاقتصاد ثبت صفحات آثار اولوج ضمته ترجمه  
احوال عاجزان مدحی رفیع و اشعار خندنی دوزمه عرف حکایه کفایت  
او طغین **بعدن الله الملك المعین المختار** عهد فریده انداخته  
صدوقه بیان او لون لولی اخباری کثیره مدح بیان  
ایدوب طاق بالادواق افاقه مانند یافته عبرت  
عبده لولا البصار والالباب آویزه قباب  
زمان ایتکه ابتدار او شدی •

### فصل اول

آشنه ابالسنه مدق مدیده والی و اولوالی سنی و فیه عهده  
میرلرنه ابقا بیوریلوج ابالت مذکوره الی وفاته سایه  
انداز بقا او طوره داعیه سیه متشبث اذیال حید و عناد اولون  
**سیمانه بات حضرتی** کرجستان و ایسی ارکلی خان کویا  
ممالک قریح استند سند زکک دوسیه دولته کرداندر اطاعت



و انقیاد بر له ابرار صداقت و عبودیت ایتموده در دیده درج دولت علیه  
 طرقة خدای حاققه به عرض و از این ایتموده دولت علیه ندی طبعی مجبور  
 اولدنی عدم تحقیقه منی هنگام مرقوم کرجستان دامن کشی شتفا  
 اوطنه مآدیه و بوهله اسباب و مدار کلی اولدیفندن ماعدا  
 طاعنان محاکمه واقع اوار و بیکله شرفقار اوون ولایت  
 حاکم و خاندانی عمه خان حضرتیه پاشای مآدیه بالوتفاق ایالت  
 نقیسی و کرجستانه از او وادون خالی اوطیوب بناؤ علیه ولایت  
 مذبور له مانند غبار تذبذب و خوار شده برستان و روضه دارا و به حق  
 پاشا هده حاکم کرجستان یعنی ارکلی خان سلیمان پاشا ایله عمه خان  
 بموجب دیار کرجستانه آزوده کزنده غارت و کند و سنک دخی صمیمی  
 دولت عثمانیه به کردن داده وقت اولدنی اعمار و ایما و از فاوردن  
 یعنی اوسط مقبران کرجستانه فوقه بدست فنام خیریه ایله بفا  
 و اسرا ایندیکه پاشای مآدیه واقف و خبردار اوطینی ارکلی خان  
 علیه تحریکه تا تاران تیر رقار ارسال و قیاد و بعض عاقبه بین  
 اولیان ذوالی اغفال ضمه هده عند انیه عرض رشوق بشماریم اوطلی  
 قبول کراوت ایدن ذوات تلخی انجام کاری بیطالعه شینداو عر  
 رشوق اوله روخص مذکور تحقیق صرف نظر و بلکه تحقیق  
 دوش همدینه کوه البزدون کدانتز کلکین خیر مفوری اسناد قلم  
 در و باب رجا و اتجای روی استرحانه شایند کلرینه بنا حاکم کرجستان  
 ناچار مدق مرقوم صورنا روسیه دولته ابراز آینه اتباع ایدوب  
 می فظه حدود ولایت مدار اولور امینیه روسیه دولته



بر مقدار عکس ابرده صدوق مافتره استخام و بدو سیه اید  
 بعضی محکون اخذ مرام انتقام ایدوب بعدد روسیه عکسین اعاده به  
 قرار ویروب کر جسته جایگزین ارام اولای خصوص اهتیم تام تمثیلی  
 خصوص مذکورده منقود روایات صحیحه دن مشکلی سامعه صماغ عجزان  
 اولون اخبار بود و جهل ثبت اوراق خاطریشان کفزار او طرکه  
 روسیه عکسین موجود جنرال اخته محاربه شدن عذوق ایند کلرین  
 انشای داهم ارکلی خاشاک تا بعضی صبحه ناسزایه اجبار ایدوب  
 میانه رنر عداوت و شنی نمایان اولدیفی حالت عجیه رسیده سامعه  
 وکلوی دولت روسیه اولدوره ارکلی خالی تطیفاً دولت روسیه  
 عاکرین اعاده ایندیروب شمه جرات ایدن جنرالی امضای میدان  
 عتاب ایدوب رتبه اعتبار دن سافط ایتدو ارکلی خان الودش  
 سه مقدراولون مدق حکومته بر قاج دفعه روسیه دولستان  
 بالوقضا عکسین هرب دفعه ده بر درانه عقد پندله اعاده به  
 ابتدا و ایتدو غلبه دولت ایران در صحر خدائین اذریجانت جلد  
 ممتاز عاقل و دانا عربی و فارسی ل ندینه اشنا اولدیفندن بشقه  
 باطناً شرف اسوه صرف و سرافراز اولدیفی مرویدر فی الحقیقه  
 خان صوفی لیرل روسیه دولته بر وجهل مید و رغبتی او طیب  
 دولت عثمانیه به افندو و بغداد منکود صدوق اتباعی ایند مراده  
 جوده نمایان قصصین او طری ابرده دوله علیه طرفین داعی  
 سینه التماسه دست در دن ماعدا عدوت و اماره دیگر دون  
 او طیب از هر جانب قطع دست و جا اولدیفندن ناسی روسیه لویه



ضروری اتحاد و مناسبت پیدا می‌شود •

### مقاله غریبه

اولی خانج در دولت کوندر یکی خبره استانه ده مفتح خانه که  
اولدینی همانندادون حضور صدر تپناهی به رضا اولنقه اواب  
تشریفات مدقات نوجوهر ادا و اجرا اولن بختن استعار و استبایه  
ابتدار ایدکس همانندار مرقوم غالباً خوان دایکان نوال ارتشادون  
سیرنمذاه اوردن اخوانه همکاسه بزیم کرماکم نقد رقوم اولنره  
الحا و اولدینه بناء جدایج دوستی استعمره کرده ارکلی خان وال منابه  
برفاندان بخت عندان ایتمی صفین مرات وقاره ابراز صوحت تذکر  
وصفات ایتم همان حضور جناب صدر اعظمی به هنگام مدخائده  
وقلز و صبا کز خیر لواوله دوستی ریو با بعده کیموب صدر اعظمی قریب  
اونورق رسونه دفعه و بونوعه اظهار کلیانیم صرف وقار بقدرت  
ایتمین • فی مذبورجا بدعواج ایلر فریبیه اغفال ایدوب اولدگی  
بوگونه غافلانه اجت رائیتی اولد بختن **مع** نه جای کریر و نه  
حای قار • خدایجه تشریفات دوله عثمانیه به مفایر خیر و کاتنه  
صدر اعظمی اتقار ایوب زبورانه کلیاتنه حضورندن دفع و صتی باکن  
اولدینی ماف خانه دن اثواب و اشیاخی خانه خوان بی منه دفع  
ابتدیروب در سعادته مدق و افرو اقامت و از هر چه کد بکنه  
کد بکنه نداده اوزده الیکه اوضاع با بقه صدرت رالیر کوان کلوب  
خیر فدری استانه دن طرد و افراج ابتکارندن اولدگی رعبج رعبه  
قرقریه محتاج اولوب عذرت و مکنه وصولنه بو کیفیت نامول شیده



کافه مصالح کجاستان طرف دولت عیبه دن تا امید و دو کردن  
اوله دو تکرار عرض استیج ایندن کفایان مقال ایدوب  
ضدوری اخذ پر دولته اتباع و انقیاده کمر بسته عهد و پیمان اوطفه  
وارداده بدو غنیمتی قوه دن فعه ظهوری اشاده ایران محکمه  
علم افراز میدان دعوی ساهی اوون انا محمد شاه کثرت عساکر  
و سپاه <sup>دولت</sup> دیار کجستانه غنیمت و سفر و شهرتغلیسی دارا امداد  
محصره و اوج کون کار به به بندر مکت و اقتدار ایدوب باو خره  
صورت فتح و ظفر و افت عکس قریبا سیده جلوه کر اوطفیت بده مذکور  
آورده قبضه تسخیر و استیلا ایدکره احراق بالنده ابتدار ایدوب  
کلی سبی و غارت و بغا ایدوب بر هفته قدر اقامت و بعد طردن  
حاکم و ضابط نصب و تعیین اینکسین علی حاکم ترکله ایران جاسینه  
عودت اینک اوطفی سده مرقوم ارکلی خان نیونام قصبه به وار  
وانده بر مدت اقامت و وارد نکله قراجم اکرادون حاکم عودت  
موت ظاهر و عازم سمت ساهه یوم تلای السرا ایدوب سینه  
فرزند نافذ و بدبندی کرکین خان جانشین فطا و عصیا اوطفین  
اهوار و واقعیه و از و سائر محافظه مکه قادر اوطفه صفتی بالنده  
روسیه دولینه در کار اوون عهود اولی تجرید و اقطار شرقیه ده فای  
بیان قنده و فاری تشبیه ایدوب اهلین بر قطعه محض ترتیب  
وامرای کجستاندن کرسوان نام نواده ارسال و ترتیب ایدوب  
سفر مذکور بای تحه دولت روسیه ده ایکی سده مقداری اقامت  
و بعد باب الیوباب یعنی تیمور قیو طردن عودت و صبه ایدوب  
هنگام

بد  
جمعیه



هنگامه قریب بر مقدار روسیه عکس مدخی موزون جانمی و در ه  
جاده شدن ظهور و نفس تقییه اقامته اتفاق ارای جمهور اولوب  
بر مدتی بود و از قید و قال مرور ایدوب خان سفیر صحرای  
وسعت انجای زندگانیرف دور و نغم مستمع اولوان حیانتدن  
صوری و مصندی لاجور اولغله بده اوغلی داور مرزا انی ماه ملکوت  
خانیزه و شرباط غورایتی ایرده با اوغره غل و روسیه دولتی  
طرقه بارض و ارسلان فصوصی سطر صیفه طور اولدیفی اوزره نمایان  
اوطند ماحول روسیه اولدیکه دیان یعنی خاندان اوکلی خاندن  
ایالت کرستانه فرد و احد بر اقمیوب جده خن دار و دیار لرند  
انداخته و رای مافه دورا دورایتکلی حده خاندانری و یوت  
مذکور در محو و نابود و جزای مایبقدرینه ناسیه ایله مطرود <sup>فلسفه</sup>

### مقاله

کرستان حکمرانی سفیری روسیه دولته ابراز صورت انقیاد و تنگی  
مضض مذکوره دانه وکلای دوله روسیه در میان ایدوب قاعده  
طریق تقو و ضرورت واجب اقتضای و تحولات شور و شرمند و حفظ ریه  
اورامده بدو و رای و سوسه فرمان نکول بر له عدم و غیری  
نمایان اولغله از جمل کرستان فیوض شک و نام جنرال بوکونه فرزند  
زبان مقال ایدوب و یکه فی الواقع مالت کرستان داخل حوزه تصرف  
دولت روسیه اولغله از هر چه سزا و نمایان ایرده مالتی خطه  
ایران اولغله سید شاد دولتی میانه ظهور دقت و محاربه باری  
اولوب اصل کلوم ایله شیر بر دوحه ده مقابله و کارزار اینه کلرند



دومند خراب و تار ماد او ملند غیری نتیجه ویرمز دیده را  
 اظهار و ایراد اینکی مظهری با اذکار تصدیقه قرار ویردیکه بنا  
 سفیر مزبور عکس قضیه ملول مآه سیه با افسود و ارکان  
 دوله روسیه به التیا و ذکر اودنان و لوتیک منافع کثیره و پایش  
 وفیره اشعار و ایما ایه تحریص و تشویه ایتدیکند ناشی مستول  
 قرین صیر قبول اوطافین فی الحال دولت روسیه کجاستان تبعه دولت  
 اولون ممالک اعدا دینه داخل ایتدیکنی مینی بر قطعه نامه سفیره رفیه  
 ایدوب کرکین خانی مقدم تبشیر و بعدد شمیر سعدقت ایتدیکن  
 روسیه دوستده علی طریق کوثق دهن و زوال ایلیم اوانده سفیر  
 مذبور باطنسبه محرر و فیه بیان ایتدیر •

### مقاله

بعده بر هت من الزمان کجاستان تحشد ایدن عاکر روسیه جانب  
 طاعتان و سمت شروان و صوب اذربایجان و روانه اظهار و بطول  
 ایدک که اکثر یا ممالک اسلمی ابراز جیره بیضا ایدرک جنات و غوغایه  
 بند حاصل مقدور ایتدیر ده ذکر اوطافین و لوتیک با اذکار کفار  
 و ایل قسیر و سینه به با افسود و مجبور اوله حقدی ممالک ایران  
 نشین اریکه کیا فی فتح علی شاه مظفر دینه معلوم و نمایان اولد قیده  
 اون طوقز تارکته با انصر عکس نامتاهی ایه ایالت روانه ضیحی  
 غنیمت و ایالت مذکورک حکمی محمد خان دخی طرفیه اطاعه ایتدیر  
 درون قلعه ده اقامه اودره اولوب روسیه عکس شپو ختور نام  
 جنرال انوف دخی ذکر اودنان محمد شاه تار لیلی استخبار و محاربه



نیت شروع ایبه تقابل عکس واقع اولدقه لشکر ایران بقیه  
 تاب آور مقام اولوب اودوی شاهی روان کز ساعت  
 کیه ویه خودت وروسیه عکس روان قلمهخی دارا ماداو  
 اوچاه مقدار حصه و تضييقه صرف بازوی مکت ایتکده  
 نهایت هنگام شتاند نفی طریقه بادئ برانه جهت اولوب  
 شاه مادایه صوب اسیتهای ایرانه روسیه عکس رخی  
 سمت کجسته عودت ایدید •

### مقاله

ماصل ایکیوز اون ایکی تاریخه خطه کجسته خطه تصرفه کنور  
 بعده جوار کجسته واقع حدود غنائیه خطه ابدار از جمله  
 پیه کان و جارقضاری ضبط و تادمار ایدوب اون کز تاریخه  
 کجه ویکمی بر تاریخه ایات قح باغ و صوای مغان و سنه مرقوم  
 اواخره روان و باب الوباب جانبدی و جوارته واقع قضا  
 ی غنائ کافه پنجه تقدیر قضایه مغلوبیه بیت سته  
 فوضن اوده اگر دست روزگار • قدیر اقباب منور گشته اولود •  
 مان اوزده جلمه انکشته بر زبان صیرت اولدید •

### مقاله

مبوق البیان خصوصاً که شاه ایران عاکر فراوان و جوی بیابانه  
 قلمه شایخ الوردکان روان اوزدینه عتیت و اول محده روسیه  
 عکس به محاربه به شروع و مبارزه اولدقه پدر محرماله میریوف  
 و سائر امرا و شرقیه شاه مادایه اعانت ایلوب به لشکر ایران



عدم ثبات و متانت نداشتی مدت مرقوم ایشه برادر مصطفی  
 وقوعند تا امید او طفله شاه مت دایه پای تختی اولاد  
 طهران جانبیه رجعت و عودت ایتمکه طرفت و ن ظهروایدن  
 اعانه دن طولی و کار اولان مواده دوسیه دولتی طرفدن  
 کلی ماضی و ماضی و نیلشی ایسه شاه ایرانیه موقات ایدن امر  
 بعد ایوم مغایر مصالحه حاکمانه اجت و ایتمکه باینه هر بندن  
 بردهن التوق اودره قرار ویریلوب یکدی سنه تاریخی و اخرین  
 پدرم طرفدن علی طریف الوثقی التوق اولدیفدن **بیت** کوکل  
 کل ایله وضو خون اشک حسرتیه • قورغه چنک دودر کلون  
 ازان یرینه • و نیره دلو زیمه تفصیه بر مدت اقامت و بعده  
 مانشه دوحه زبور یافته دل والدینی آب موقات عجزانه  
 سر سبز وریان ایلمه زمیتیه دوسیه سرعکی طرفدن صوب  
 پرده بر مقدار اقامت و نصرت و طیش ابرده انجام کار دوسیه  
 طرقة تکرار عودت اوله جفتی باطمانه بر چوق ماه اقامت نصرت  
**بیت** فکرکه بر داعی فکرکوی دلب کلون • کایریوف آنده  
 عاشق خطه یر کلون • مانجه بر تقیب فارص ارض و مع جانبیه  
 هزارینجی مع غریبت اولمشدر

### مقاله

مقدمه و مؤخر اون ایکی تاریخه قدر دوسیه سرعکی تواریخ مختلفه ایله  
 بش دفعه جانبیه طرفه کلوب ینه عودت ایتمشدن فی الواقع بر دولت  
 برویتی آورده کند تسخیر و استیک ایتمکه مراد و غریبت ایتمکه



اور امره مشرب و طبیعت دینه و عادت دینه و قوفا التزامی  
و بی مزاجه اعدا و بر تصرف واد و ارام اید بکنه کبیا طبع و قوفا ایتیم  
اقامت در صرف نظریه عودت و رجعت اهتیار ایتیم حقیقت فائده  
مند اولدنی مال و کلام و از جمله دوسیه و ولتی از منته مرقوم یاری  
کیر و به المیدوب اقامت ایتیم اولسید ایران و طاعتان قوتی  
کمال اولوب دوسیه نیک بود درجه قوت و استقلول قاصد اولدنی  
ناشی زکرا و طغان ممالک و در بازوی هجومه تاب اورینجه مقاومت  
اولدنی و طغان بناء علیه **بیت** و ایت او طغان برده و فرید و ایت  
مفروضه طبر زن عودت ایتیم در بعده اخلاص شاه کربستان  
و از بیجان طرفه تحریک زمان غایت ایتیم جانب ترقه ضاوت  
ایتم ماضی ممالک شرقی و اوداه خواندیده به و نذر و بگذری  
و حتی سال ثانی عازم دال السوال اولوب و ولت مذکور  
بوکونه اقتول و غنائی دوسیه دولتش مرقب و متوقف  
اولدنی حال و اظهاره تمام توافق ایتیم **بیت** و جندی قوت  
ایتیم که تأخیر عجز و زمزمیه تدار حد و ایتیم ضبط  
و تحیره و اربوب مانع مرتفع مد خط سیر خدوف اصل اولیه  
نصی و ابتدار اربوب الی یومنا هذا ثبات و استقرار ایتیم در

### مقاله فقهی اربط خان

اربط خان فریفته خنده کوشی و در اولدق مد خط انجام کار  
ایتیموب خانه و خاندانی خرابه بادی اولون اسبابه غافله تشبه  
وقوع بولون خطر نیک ایتیم • از بیجان تفر و داعیه سنه



همدکار اولوب خوانین روان و طغتلان مافته و عذر و توبه  
 جارت ایلوب بارغره شکی حاکمی صبی خان حضرتیه محاربه شروع  
 و مغلوب اولوب بدو جهل افروزی بین الناس شیوع بولوب کنه  
 عنوان شهرتی شکسته اوطیشی **ثانیاً** ممالک محمد خفیه برین  
 علی افاز دعوی ساعه شاهی اوطی امرن طهرانه اغا محمد ضنه  
 اچه و هدیه ایله تقویت و یروب اولکه ایرانیه تسلط لازمه  
 اولوب خان شرایله طوب سطنتی آورده یوکان تصرف  
 ایدکره صورت مخالفت کونزوب مقارن مکتبی اوون بدع تقیسی  
 دوز بازو دایره ضبط و پریان ایدر مکه سبب تنقل اولد یقندر ●  
**ثالثاً** دوسیه دولتت نخبه ممالک دکار اولون صنعه و معطر  
 دقت ایلوب جایی جدید کار ایله صورتا قبول قنده عبوریت  
 ایدیکدر **رابعاً** اغا محمد شاه حور هنظم شاهانه سیه قری باغ  
 و شیشه قلعه محصره شدن کفید ایدوب طهرانه عودت  
 ایلر ملک اشاده مدد مقوم دولت ایران تبعه شدن معدود اولون  
 ایالت کجه به عذر کونزوب شاه مازالری بیوقه و بالضرور  
 تقیسی اوزرینه سرفیق افتح و عریخته مجبور ایدیکدر **خامساً**  
 محمده تقیسی اوزرینه حکم درون قلعه ده تحصن و اقامه  
 ایدار ایلوب خارجه محاربه به شروع مغلوبیت اسکار اولدیه  
 عذر کجستان ایله لشکر ایران معاً درون قلعه به داخل اوطقین  
 بویه برام غظم و خطوب صمیمه به لویق و اوفق تدبیر و تدار که  
 موفق اوطوب اولکون طرفه شهر مذکور استبداد به غنا اوسید



**سادت** که چنانچه بوقدر اماری ذوقتون و عاقل موجود این  
 فوقه یوسفی بر ساد دل و ناسازی سفارته دولت عبیه  
 ارسل الیه بوکا محاش هزاره مضبوط سجه شماریده  
 تحریر خصی کشید واد ارقامه باری اولور مد مظسیده توسی  
 شبرنج خامه مضمار انجامه ساهه پیک سرجت اوطنی تفصیلینا  
 قندک

### مقاله لزوم سفارت

کافه حکمرانان جهان و سکه زن و از لفظ جعدان و سطنه اولون  
 ملوک دودانه اهر و از م کوریونه موارد اقم و اعظمی بالاقصبا  
 افر حکومت بر سفیر ارسل و اسرا بیور رقدن احوال عامه کب و قد  
 نام ابنتی عاقد و دان یعنی طبایع ملوک و امه اسنا بر دانه نسبی  
 لزوم دن اوطنین ماضی سفارته و اردینی حکومتده حد اعتدال  
 تجاوز ایتیموب عدنان و احتیاج کاذبه ابرازیمه اظهار سفاهت  
 اینه دن معتدنه حکات ايجاب لزوم سفارت اولدینی معلوم  
 اصحاب بصیرتدر از جمله قوغان حاکم سفیری دولت عثمانیه ده  
 بعض دوانه تصرف اولدین ممالک در و تن موجود بر معدن نادر  
 الوجود اولوب بر رویه شیوز عربی السن خالص شیم ضد بخانه علم  
 اولور دیدیکی بی اشاعه امر محارضه پیرایه هوکار اولوب  
 مثل مقادیر کذب استمالدن احتراز اولنه زیرا شان حکومت  
 ضد منافقید مهور سفارته اولدینی حکومتده شرفاتی مخفیجه  
 نصیه مبارک ایتیموب ارکانه علی مراتبهم تواضعه رف ایه



و اول قدمك لاسه اسنا برده كتم و اخفا ايدرك امور او عظمه  
و مقبله اولدني سبطك امور و ثنائيك حد اعتدالي تجاوز ايميه  
و كندويه ظهور ايدن عطيه و اهدايه دار مواد ابراز ممنونيت  
اييوب لكن اظهار كردن احراز ايمى ماسخ غارت سزا  
و شايان اولدني و ارسته تكليف قيل و قالدر •

### مقاله غامخ شاه

قاروده شك و خورتنه سنك فوضن حوادث روزگار ايميه شكست  
و كاتانه سربند شكى صاعقه اتشبار قضا ايميه بت اولون  
اغاخو شاهات زجه اوله اجماع ثبت ايوان انار قندي يعنى  
على نادر شاه پنج شجره سطنه صفديه يى بر كنه سيد و قائمكه  
قصدي واجد ايدرك اغاخو خان مصدع و طفل ايجو خان بودند  
ناتى قدر و اعدا شدن صرف نظر نادرى بيور يوب و مرغ طواشيان  
الحقه جوي شاهيه برورده كنار امان اولوب انقراض مدت  
نادر يدن صكه دور زندگيم فانيه سده صفديه دن بونمه صيه  
طهران حكمدار لفي رتبه بين تحصيل و بعد زمان قليل وجود سبطنت  
زندگيم خاندني عليل او طغيان و بيابى لحاف دولتي بالسه خاكه مبدل  
و مرتبه سطنتي منكر اولدرك اغاخو خان تخت كياينه جانشين و شاه  
بد او طفل رفته رفته اوج اسفند و غلبه به عروج و مانند نادر  
نادر انظهور و خروج او طم ابرده راست و كوه و عداله اولوب  
كوبه سخط و ظلم و غدره مائل ماصل و جور ممالكه مشابه ستم  
هدهد او طغيان كافه اولكه ايرانى تسخير و سنيديه مائل اولدرك  
ممالك



ممالک و غنائی و فی ضبط ایملت سودا سید شمیر ساعد غیر ته  
ماند اولوب **بیت** جهاندار خواهد جهانرا خراب • برانه است  
کاموس و اف سیاب • فخریجه اکثر ممالک شرقی و غربی  
اون بر تاریخی او اینج دفعه ثانیه ده اذریچانه تکرار عزیت اینکی  
اونج قم باغی اردو نیش این صلو صبحی بعد اودا منقول  
اولدنی اودره ضدف عاده غنوده صباب غفله اولدق سر اوده  
ش هیه مستحق اینی نفاذم ضجرا بده ذبح و ضرب ایدوب هکلم ضحیه  
قدر بدو وجه اوجا اوضان احکام قضا و قدر منور و رای تنوع کتمان  
قندوب بالوضع عاکر وضو نینه ایصار خیر دهشته اثر اید کلر ننه  
اوردوی تاهیه غنفته عظیم نمایان اولوب • لواقف قم باغی **نظم**  
ای واری کردی دوران کج فواره باوه • دوز کارد فید نما کاره  
باوه کرداره باوه • تاج سرون تاکه ایلدی دماغ پر غرور • پایمال  
اولدی زمین او سر سر داره باوه • زمر مکسیر کافه شکر بیان  
قم باغدن ایران جانینه کرینان و پریشان اولدیلر •

### مقاله غریبه

اغلا محشره کثرت صم و سیاه جمعیه تکرار جات اذریچان و غنائی  
نیز لجام عزیت ایدکی اوان و هنگام برادر زاده و دایه لای  
اودن فتحه شاه حضرتیه بعضی و صایای حاوی تبرکات لوزمه  
افاده و اشعار و مکمل یعنی بود دفعین کافه ممالک شرقی طوعاً  
و کرهاً قبضه تصرف و انقیاده کتدوب بعده روسیه دولت  
صاف سامعینی لبریز طنین کره نای کبان ایتمک نیت جهاندارم



و در کار و دید که فتح علی شاه لفظه واجب ان شاء الله و بکمال  
 اغا محمد شاه خوف غفلت و عدم انتباه صبیح صودق و اغا غبار کو بند  
 بوکونه وضع ناصوابه اجتناب بر نه زودانه سویشکه بنامه  
 شاهانه مع ایکسوزید عاکر جرات مهور بودر ملکه مالک بر باد هم  
 حاشا اور کلامی طریف تجارنه سالک اولوب و زوان شکیردن  
 صوف و احتراز ایدن عجزه کار بانیا نه لزومدر مقابله شاه  
 م رالیهای تکیر ایدوب بعده دو بره سمت طاعتان اولد قدره  
 فتح علی شاه امور کلیه و جزیه ده تقید و احتیاط بشیوب بعض  
 محرم اسراری اولون و کلام به سراً یعنی عمر شاه حضرت بو فیم افکار  
 شرفیدن صاحبکار رسومت او طعه احتیاط بودر زیر مظهر  
 صیغه طور اولون کلام به انتظامه جرات و ابتدار اید بر دیو  
 ابراز تا سفا بله اولد قدری متقودر شاه م رالیه ان  
 شاء الله لفظی جمیع قول و امدرنه سجه شمار تذکار ایدیک  
 خبر صحت اثری راویان دن استماع اولمدر سند فی دیوان  
 قضا ثبت جریه ضیا اولون حجتی تهر و امضا ایدوب صدق  
 مرقوم اغا محمد شاه و بعد ستم الودی القای دریای قار طهر

### لا یکه

لنا مقه بیت جا، سلطان مراد و کید مظهر • هو فی غادر اجا،  
 الیه الحق • ما انا قارآن قار بنی الومی • ضواند در مکتب او آدم  
 جبریل سبوح • صلوات الله تعالی علیه و سلم حضرت بنی ن معنی نه صوری نسی لفظه  
 جدر ان شاء الله بیکم بر قاج کون باغی انقطاع نزول جبریل روحی اسماء اولیغ



**بیت** ای با فاورده شتاب گفت • جان او با جان استناسه صفت •  
**بومقام** مناسب صاحب اراد غریب طرقت پر ثبت صحائف طهر  
 بید و بختی فقه عجائب که ملوک عظامین برینک اهدوی هوای میل  
 و خاطر بر شهباز بند پرواز حسن و اندک جنکال دایم کیوی و فرینه  
 و قمار و اور غزال بیهوده پابسته صفت کنند پرچم شکیار و اطفال  
 تأثیراتش عفو جلد سوزیه یوما فیما فسته و بیمار و متاع کرانه  
 صنی و آن دزد غارتگر مجتبه یفا و تار مار اولوب حکمای و دولتمندان  
 عصری اول ماه جماله مانند حاله جمعه ابتداء ایتکله کافه حکما غفوه  
 و مفورانه بزمرجای وقت و زمان و لقمان ادویه سرفراز  
 و بوکنیزک دربانک شفی صفت شفاخانه تدبیر مزده موجود و  
 دیدکریه بناء **بیت** از قضا سرکنکبین صفای و د • رغن بارخ شکر  
 میخورد • مفارجه استعمال موافق تطبیق و ترتیب ایدکریه و اکار  
 او طبیب مانند داء موجب شد امراض اولطیفیه اولطیفیه  
 کنه که هدر بوختن آب ضعیف و سوزی اولوب مجاری عروق  
 اعضای فیض نمادن قالب ناصه حاله اماره موت ظاهر اولرقه  
 شاه تارایه مقیه سوز و اشکیار نیاز اوله دره سجده غریب  
 و فرس سجاده تضرع و عبودیت ایدوب جاریه مجوبه صفت شفا  
 حکمه ضباب پروردگار دن و واجوی صحت و رجا اولرقه ذکر ارفع  
 عسبه بیچاره به مهر عنایت ازلی شایان بیدریوب بر حکم نبی استناسه



و در واکت است ظهوریم شاه دلگاه بشیر و فردا سی صدقات  
 اولنوب **لنا مقه بیت** ویرماندلقان تازه <sup>جان</sup> سیاه لطفی طوقه  
 فشی بیماریم نبض نا توان اوزره • فحوشجه اولنا توان و خسته  
 هجاند علی **المشوه مرض سوداوی یکنز با نظر و سماع** قول اوزره  
 مرض نازده عثه اولدیغی فرام اولنوب بیمار مذبوره نده نبضندن  
 کیفیه حال معشوره و ماوای معشور فی استدلال بیور یوب صوب  
 پادشاهیدن هدایای لطفه تطمید اوملار سال و قیاد و وعده  
 احسان بی شمار شاهانه ایضا رفعتب و سیف سامه حضور  
 اولدوق **طوقه بیت** کلوب یغما ایدرمور فطک اولدانه خالی •  
 سه اولمه بن کبی ایماه دوعوای بنکله • مال اجتاب شتعال اوزره  
 حکیم دوا پرداز اولر و نازه بره طراوتجای حسن بیلا سین  
 از الیه دار اودیه ناموافق استعمار اندیروب و در چهارانی  
 کل خزانده به دوندکه جاریه مذبوره به ارانه اولنوب اول  
 محبوب قمر طلعنت روی دشمنان مانع عفت میمه اولدین  
 کوروب صمیمی دکار و بیدار اولون عذوقه و محبت کلبا زائل  
 و یوزخ مدته دار مخائل نمایان اوله رف تبدیل صحنه بومرض هائل  
 بر وجه قابل اولطوب مرغ صیاتی آشیانه قدیمه طیران و او  
 صابیه فدای جان و ترک دازه خانان جوان اینقدر یعنی  
 عنقای قاف و قایمه و طریون جبار البزم قایمه حضرت مولانا  
 قدس سره **ضمیمه حکایه ده** ترتیب از دفر و اشارت اولدقدی  
 کیفیه بو تشریح دولت ایدر که جمیع اموری تفذیض اصکام الایده  
 هر



هر خصوصه شروع ان شاه لفظی را و یا خود عنایتی لفظ  
 ضمیر و ابتدای کلام و تقریر را **ثانیاً** قابل زوال و مستعد اضمحلال و  
 موادم رفته بنده فساد و طبع را **ثالثاً** بر استقامت صافه بصیرت  
 و نور ابدی امان مجرب و غائبه صبی و احمق صندره ترک این  
 حاضر ابد را **رابعاً** قطع عشق صفتی اولاد سودا و سوء فضای  
 عشق مجازی بازیچه طفلان عتبات **خام** ملوک و حکماء و  
 وجودی عامه به نوز کدکندن حفظ و حمایت اهر و ازخ اولادین  
 ادرال ابد را **ساد** خضر صیانت اولاد عارف با الله و خدایه  
 صافه ظهور کردن افعال ظاهریده حکمت معنویه اولادین بکون  
 تصدیق زرد قلمه را •

### مقاله غریبه محبت

می صفت قلعه کرمان محتاج امتداد اوقات و طول زمان اولوب  
 انما محبت هک عکس ماده انزال و پیرایه غایبان اورد و درون  
 قلعه ده محصور لطفعل خان مانند بدی ناکرانی بر کیمه بخونه غریب و شکر  
 شاه صدف همت ظاهر و لطیف شاه ماریه وزیر اول صارف  
 خانه زبانه تبیه و انعام ایدوب همیشه الان لطفعل خان طرقة  
 ندایت یعنی شاه کراه تاب اورد صوت و شجاعت او طیب فرار  
 زاره تبید ابدی زبانه هزار ذریع و بگونه دایره جمعیت اولاد  
 عا کر فزوانی پراکنه و تباه ایندیب هراس قلعه شریفیور  
 یارین علی الصبح کافه خوانین و سرکردگان جنابین بیعت و خی  
 جانشین اوردن حضرت کبان ایستادن بشفه معینه بوشکر



بو شکر بی پایان لب اور غدار فاهوارک و داننده پای گشته ایفا  
 بر له و اور اظم فو غدارک ازاله وجود ستم آوری ملک و منه دانه  
 اسایه مقدمه خدمت ایام روز صدارین استعانه اول جوان ساده  
 دل و لب اعدائیه هوای حطسته مائل اول طفل درون قلمبر عودت  
 فراسه مرقب آرای بیست بکن **بیت** اور مبین عقیب مسکی براسه  
 مصرعته • و فرمه مائل تکرار نوای بند صدای که نای کبانیدن ظاهر  
 اینکده خان مومی الیه **نایقه بیت** صیاد حوص قاجوب اهور  
 وستی • ناطقه سیه نسبه بخش درون بی حضور اولدیر بالوغه  
 قلمه مذکورک برج و باروی بندی خیره ساز قارمکان دیر صبر  
 اول طفل کهنه صم بازوی ضیاله نسجری محال کورینوب صامحه ایستام  
 ذات البینه قار ویش اولدیندن نائی درون قلمده موجود  
 و قاری اوج درق قات براسه اشتراک یوب انبار قلمه کرمان  
 حاشه خانه اصحاب در کتبای ایبرک تکرار نقشه عود و مشافه  
 قار و یوب زمان قلمر طرفه بوضعه ایبه نسج قلمه دسترس  
 اولوب خان مومی الیه قار ایدر ایکن کنای خدمه رنیت غدریه  
 اله کچوب کقار اولدوق عنوان حطسته لایق اولطیان صفارته  
 اویجه بر شمع ویدر ووزاود و شیر کیری قزو و تف ایوب  
 بر خیل مدد مومی الیه مالد نالوان افش و اینکی مرثیه جگر  
 سوز افق کدر اولدیر • **مقاله ضحای محمده**

شاه شاد ایلرک کافه انصار و اقدالی ضحایه مقرون اولوب



با خصوص فردیه قتل موعود اولاد خدام بی امانه تسبیح شمع جات  
ایدوب اولو جهلم کوه جان کراغایه بویه دزد شکر فرسته  
نودیع برله بازار تهنه دوش دتل قضایه ارزان ویردیکدر •

### مقارن طایفه شمع شاه

روسیه دولتی کرجهان و طاعتان طرفدیه سده وار سال ایندیگی  
عکس برمدت اطرافه معارضه شروع ایندیوب فقط کرجهان  
صدوق قناعت کوسدراج اقامت اوزره ایکن جوار کرجهانده  
واقع کنجه قلمه سنه اون اتی و یا خود اونه بدی تاریخچه اول  
عکس کریمه منات ویرسیوب اویه برسدید ثقدر محال ایران  
اولون محلی وقتیه فقط و عیایه به همه ایندیکید **نایا** و به باغ  
حاکم ابراهیم خانی ایالت مذکوره منصرف اولون مقدم غزل ایدو  
ابراز انقصار اینکلم خان عمومی الیهی بالفرد روسیه دوسته طرفدار  
و اتباعه مجبور ایندیکید **نات** روان محاربه سنه ابتدا کند ورنی باقی  
عزیمتی ایی دایمیش ابرده توقیف و اهل ایدوب اونه دوست  
باشنه صفیات فرزند ولی عهدی عباس مرزائی کوندوب مرزا  
تفیع نام وزیر ایه سرکس جهان خانل و سار سرک و کانل  
میان رزم دو کاد اولون منافه و منافه بی تحفه ایندیون در  
اوز عکس ایرانل عدم دقته منی از خاضه سبب اولید رابعاً  
ضوی حاکم جعفر قلی خانی تأمین ایندیوب اویه برسدید خاندان  
روسیه دوسته و خالت و اتباعه باری اولدیقیدر خه خد زانه



بهر صورت و از هر چه مصالح ایران او به بر منصف و معتمد  
 پادشاه سعادای اریکه کیانی او ملشد و مثالی به صاحب  
 نظم و دیوان بر پادشاه معارف عندان ایدی افکار قلم بدوخت  
 ندامت از جمله **بیت** جان دل دارند اما این کجا و آن کجا •  
 هر دو افکارند اما این کجا و آن کجا • تیغ خاقان کاه و زم چرخ سنا و قف  
 بنی • هر دو ضوابطند اما این کجا و آن کجا • ایکی دفعه صدی می توانی  
 و تطفیف کنی و خنامه شاهانری کلید و زیب شود و دیوان  
 او را ن مخلصی ضاقت و تجاوز از این سیانه •

### مقاله قضای دوله دوش

جای مصالح و نظم و خطه ایران زمین علم افروز و عواید آسای و حطنت  
 او را نند طاعتان و شروان و کرجستان و ولایتیه نرضی و اذو  
 و ادون خانه او را قدرند بشقه و ولایت مذکور متصرفی میان رزم  
 و انما و کار و بیدار او را ن غواثر اضداد و اختلافتی باطلوع  
 و ارض بر دولت زیر حمایتی انجایه مجریه ظاهر و هویدا و طری  
 ابرده دولت علیه افکار و ترقی دن دامن استغنا اولوب ایران  
 دینی و حق خارجه دن داخل دایره حکومتی اولوبه مصالح حسن اداره و تطفیف  
 موفقه او را تفتیده ناشی بعضی خوانین و امرا اسایش ملکه صولت حداد  
 اولور من خطه سیم ضروری دوسیه دینی <sup>طیفه</sup> اتباعه و ار ویر و کلری  
 نمایان و بیدار او را شکیب دولت دوسیه مدد مرفوعه فامور شدیدی  
 رعایت آنرا سیه کرجستان فاسدانه ایدیک معامه کافه مصالح  
 شرفه نادر اسباب می گفت اولوب از جمله اکثر یا خوانین و امرا اتباع دن



اجتناب ایدوب دوسیه دوتی طرفه دخی میر و در غیبه زاهد او ندره  
 تحریراً و تقریراً بوکونه ایما و اتحاد ایدر ایدی یعنی که جسته خانه  
 رضا و طبیعتیه دوسیه دولته اتباع ایدوب اباً عن جد صلوات الله  
 انضام ممالک دوسیه ایدی و کند و رید غنی دوله شاه را به اید مشقت  
 واضح در مع هذا مرقومدی کافه دار و دیار رندن ماکور و جد اید میر  
 ماضی و کفیه مذکور انقیاد و اتباعه هوسکار او ندره باعث دو کردن  
 و مخالفت اولوب هر طرف و چهار سو اخذ ضلعت و غوغا او ندره  
 الی ان ذلک در کار او لون تصفیات محاربه عظیمه غیر عیدیه اید طرفه  
 تکف او لون افان و بیروده و وکیلون قانه سبب او طسیدر **ثانیاً**  
 اون سکتار یکجمله کینه قلمه خنی استید اموال و اشیائی بغا و قتل  
 نفوس کثیره به اجتراب به تأیید مدعیای عداوت ایدسیدر ●

### مقاله احوال اموال نادری

**منته بیت** که در مع صودت بکینه بوکونده دخی ● المزمحه آینه  
 بوکونده دخی ● اله لم دستخی ای قلم نادوده دان ● ایللم صحت  
 دیرینه بوکونده دخی ● شجره سلطه دولت صفویه ند نشد  
 و غوغا حطتی هنگام وقوع تجاوز ایدوب قوین دغه ذوال انچه  
 اولد قاضی ممالک ایران غلبه افغانیا نه از هر طرف برکنه و  
 اولغه یوز طووب از جمله تبریز و کرمان شاه ایالتی و اذربایجان  
 اکثر کندی و افغانکوسه دولت عثمانیه اولوب دارالمرز و کیون  
 دوله روسیه تصرفه کیمید شیراز و فراسان جانی دخی حکوم حکم افغان  
 اولد و به وجه ممالک ایران متوسل و متحد و اواده کف نای کجانی



زیاد و اولوی افغانه بعد از اطفائی مدت مرقوم خراسان  
 سرکینه ایات مذکور عثاری اراشدن علی نادریه انتاب  
 پیدایدوب خدمت بی با کتاب ایدرک اجرای مراسم شجاعت  
 و صفت محابره و هلاکت و منائی که هر اوردن پایه عالیجه غنای  
 یعنی میدیدانند و تبکیر شرفیاب اولوب زمان قبل طوق عکس  
 مراتب تخصیص و خراسان و سایر مملکت و دکان اولون اقتدار و فساد  
 افغانیا فی دفعه اثبات وجود ایدیکه صدمه معلوم و با هر اطفائی  
 بیت بالای سرش زده شدی • میثاقه ستاره بندی • موقوف  
 او زده نمود عکسکی دفعی عمره نه احاله اولوب و کید امور محمود  
 حطت اوردن دواطر ذوقن دوسیه عکسکی دفع و اخراج ایدر  
 دوله علیه ضبطه اولون بود والویه دولت صفویه بی ضمیمه  
 ایران ایدر کدنگ اسحه دفعی طرما سب قل خان تعبیرین خیار  
 ایشیدی •

### مقاله

مدت مرقوم ایران مملکت دولت عثمانیه اخذ و داخل زیر طوقه  
 ایدیکه الویه و بود فرصه غنیمه قبیلدن اولوب مجتهد سبب  
 فاد افغانیا دن عبادت اولوب دفع غوائل افغانیا دن صله  
 بود والویه مذکور اعاده به عن صمیم دوله علیه قرار ویرست اوزه  
 ایکن نادوشاه مرام دولت مشارالیه بود تحفه عجلانده عواد کتبت  
 بی جهه اوله دو می ربه شروعی دوله علیه بی با حضور و خدمت و قائله



مجبور ایدوب سنین واقف متعاقباً فکلفات خرید به طرفین  
 دوچار اولتقی بیفانج و دکار و بیدار اولون شواغل افندول  
 وف رات دولین مطو و مطور او و او کاشاندر خصوص مذکور ده  
 الحوضه و قیامت صوب نادریدن فشت ایدوب بوباب دولت  
 علیه معذور اولدینی هویداد.

### مقاله

ما صحرانادر شاه و نفعی اولون طرما سب تا هله بنای کاشانه  
 عربی هم و بیا ایدوب بعده بر طرف شیر خوار تحت کیانین بر قرار  
 اولوب **بیت** جدر دفت از میان شریاران اتحاد آمد تاریخ  
 دولت علیه ایله واقع اولون مصالحه ی قریب کنار مروتا هیه بر عظیم  
 دیدان زنج ایدوب بر مقدار توقیفه شاه کرده نشین  
 کنار مادر مرغان از وسیله زاد و اینی ایدوب نادر شاه امرم  
 مطاع دیده دل ارکان دوله قطب ایدوب یعنی شریاب صفوری  
 اولدین پادشاه چونکه دفع غوائل اعدایه موفقه اولدق اقیل هندی  
 و ستان دخی داخل صوره حکومت ایران ایتمک و طوع بذر دیواراده  
 ایله یور بناء علیه خصوص مذکور کشید راضی همه ایلمت و اجبه نشه  
 عبور تمیز **نامه بیت** که روبر هندی خالک کردن بلور و بیه  
 که طبع جلدی شکریه هندوستان اوزره • مقایسه تدارک اسباب  
 • خف و تغیر ثواب فضیله اهنم ایله دل عازم است اقیل هندی اولدین  
 • بخاراتا هندی دولت ایرانیه اتباع و انقیاده و از نامه کوندر و



نهایت حدود ایران تخصیص مدت قدره موافقه دعوت  
 و اساتد ایتمی اولد قند نناجی شاه مشایخ زود بازوی  
 نادری پنجه مقاومت کو ستمک خارج از عرف قدر اولدین  
 بامت هم طوعاً و کرهاً رضا داده الهیعت اوطقی ایرده مدت  
 مخصوصه موافقه دسترس اوطیوب اشای راهی اوردوی  
 نادری بر مقدار باری توقیف اوطقی اسباب تأخیر و تأشیدن  
 هنگام موافقه نادری شاه طرفین سؤاله ابتداء اولدوق شاه  
 بخارا و سمرقند بود و هر چه قدر زیاده از اولوب شایسته بود  
 اولیه رف تقدیم هدایا رتبه اجتناب و اشتغال باعث تأخیر  
 موافقه جماد نادری اولدی و به دل جواب ویر و کلر نادری  
 شاه دخی بود کونه سکری تراضی اولوب یعنی عی عند مزده  
 ذات شاهان کز مشهور شاه دلاگاه و دینداران شریف قدم  
 میمنت زومنده زیاده عظیم و مرغوب و مدوح و محبوب هدایا  
 واری جوابیه اجرای مراسم جوانمندی به دفعه بیاید بر قاج کون  
 سافرنه اقامت در شهر هدایای لایقه اعطای سیه پای تختی اولان  
 بخارا جانمده رجوع و عودته رخصه شایان و سزاوار کور طرد  
 و آیات غیر صحیحی دن منفرد که شاه مشایخ هندی ضبط  
 و نسخی است که رخصه ویرمی اوله اخرا امر صوب پای تخت  
 هندی تحریک زمام بحام ایدرل قریب اولدوق هندوستانه پادشاهی  
 محمد شاه حضرتها دعی عا کر فزوان و بیرون دمانه استقبال



و غوغایه قیام و فت ضحی در هنگام عصر قدمگاه به شروع  
و اقدام تاج اولوب بعد میدان جاده فوش قانع سربازده  
را سینه طغیدن اهتمم آیدند آوردورینه دجعه و غوغ  
ایلیوب ایکی طرفدخی الحرب خدعه امرینه سلوک اولوب  
و کروی دوله هند موجود معیندی اولان فیلدی قباله  
عاکر ایرانه سلطان ایلک داعیه سنه اولدقلین عفتدی  
ایران استماع ایتمکین آینه تدبیر دشمنکده بودجه صوغ  
و بدکله روایت و دوغما اولتدرکه آوردوی ایرانه موجود  
اولان بلا تملک بویندوزینه برشمع عرا کندوان بنیاد  
اوردوی هندون فیلد نمایان اولدوق شمع آتش ویر  
فیلد مقابله آیدکده کافه فیلدن شمع فروزان کورده  
اوردوی هف دوغری طبر و صیر فرطوم قالدیروب عاکر هند  
مفدیته اسباب قویه اولتدر لکن نادر شاه طغدن ترتیب  
اونان صیرشمع عرا سنه افاقه مانند شمشاد و ایتمک  
ایسده نقه دن رسیف و تبه ثبوت اولوب اقا اوردو  
هند از زمانه فرباغت اولدینی روایات صحیح و ندر بار  
صورت دفع اعدایه ترتیب و مرها اونان صیر و خدعه  
ضد و کورندن اصحاب صیه دخی فرم و احتیاط اوزده  
وزمه دن اولدینی وارسته قیدتقریف و برهاندر

مقاله

بیت دولت خدا نکرده که از کسی کرد ابا قته میشود اغدش خدا



• مضمون عبارتست که او زده و کلهای دولت فحیه هند بوطوقا  
 بدون کناده کیر خصوص و نجاف داعیه سیه ترتیب از غیرت و همت  
 اول قدری سفینه تدبیر رخی توطیع امواج بحر قضا شکسته ابتکلی  
 کلیای که محمد شاه مستغرق در دیای پریشان و بنیاه اول طغنه بی  
 انجار پای تخت دولت هند و ستان سنجید و استیلا ایدوب  
 شاه متدالیه بر طرفه دو بر راه غریبت و فرار او طیب سر این  
 قرار و نادر شاه دخی جوار دارالسلطنت ده ضمیمه زن انتقاد  
 اولوب مدت مذکور ده اول ایکه شاه جید القدر بر بریه موافق  
 و طرفین کمال درجه تعظیم و توفیق مبارکت اولوب برقاج  
 کون مرور نه نادر شاه رای و ندرای محمد شاه غریبت و فر  
 دولت هندی تکرار محمد شاه اباسی و اعطای به همه ایدوب  
 بود و ضمیمه مکتب عنان رقصه تا صحنی اولوب بنه اور و  
 عودت ایتمدر فرار محمد شاه حضرتی خالص البیاراتون  
 اول طه او زده صبح شبی به کافه جوهر کابری هندی وضع  
 ایدوب بالونه شجاع و دریای نور اسمیکه می کوه کراغانه  
 دخی عروج بر له حضور نادر که اهدایه ابتدار اید کلر نه نادر  
 شاه اول ایکه کوه کاندور فی الاصل زیب و وحشت ها کینان  
 اولوب تیمدر خان حضرتی موقیه هند پادشاهیه انتقاد تیمی  
 ایرده کلر شی بر جمع الاصله فحاشی مال دولت ایراند و دیوب  
 فقه بوا یک سند بی برای افتد و قبول ایدوب ماعدانی اعاده  
 ایتمدر محمد شاه حضرتی تها باز مید و هدای اشیا نه  
 عطف



عقده پروان و ساین بر جاریه در بانه دام کیوسنه قرار ایتنی اولدینی  
 قضیه نه نادر شاه اکاه و ضردار اولدوق جاریه مذکورده ی طلب  
 ایتکل محمد شاه خواه و نا خواه **ناطقه بیت** سر سحطت یار سر  
 بیجان و تنی قائم • کیدوب اور غمک دم گوشه تخت بن قائم •  
 بنی سیمغ تخت اشیا اشیامدن • و رای قافه دوشم ایلیوب  
 ترک وطن قائم • ناطقه دلو زیه جاریه مذکور بی کافه استغه  
 و خدمه صوب نادریه ارسل ایتنی اولطین جواد سرا پرده حرم  
 نادریه نادیده و ناشینه بر کمر صواب و مزین تخصیص و معین خدمت  
 طرف نادرین نظر لطیف و ضهاب اولوب یعنی سیمغ دختر پاکیزه  
 عفت اشع و محمد شاه حضرت داماد بنده خدمت و سوره و اندیشه  
 اوزده اولطین دیوتشیر بیور مشدد •

**مقاله**

**نادر شاه** ایران دن جانب هغه غریبی مافه مو عودی تجا و زانی  
 ایسه ده بایکاب برمدت اقامت و بعد صوب ایرانه عودت  
 و مراجعه عید بر مقدار قطع مرصه نفر اید که محمد شاه حضرت شاه اول  
 اشای طریقه همه از ده بختی و اسنی اجرایه مبادرت اید و ب  
 کوندر کی نامه ده بو تعبیریه بخت دفرم آه و بخت ایتلدو که **بیت**  
 بادی هوای چمن آرزوست • دلبر نازک بدین آرزوست • غمی کلدر اکلن  
 ای طبیب • آرزوستی بختی آرزوست • بیتی مانند شعله نما اوزن  
 آتش جانور محمد شاه مانند نادرانکه دوزخ نما ایرانه تأثیر  
 و ساریت ایدر خرایک معلوم قوه مدرکه نادر اولطین جاریه مشدد



دامن عفتی دست نامحمله جان اولیوب بگرد میان دم بر لطیفه اولیوب  
 بالوفاده و افزوده اعلا سبیل صوبت رالیم اعاده به همه و در تبه  
 اولیوب زیاده هضم حرمت و رعیت اولیوب خصوصیت و دور نامده  
 نصیب و ثروت اتمدر ماحضه دهند و ستاندن و لوله کرم نای خودت  
 نادری هتین انداز صحاح ساعده ممالک ایرانیان اولیوب فرزند نادر  
 بعضی خوانین و ارکان دولته استقاله سرعت و صدقات اولیوب شاه  
 متارایه او غنیمت دین کپاره دولت و غنوده مبدعیت اولیوب  
 شریزاده حضرت نه عالم در دیوستان فرزند نادر سکون  
 اضیاد اولیوب تکرار سوال اولیوب و جوابه بیافه اقتداری قاطعیت  
 نادر شاه فرم و سیه داز اولیوب شریزاده نیک تحفه واقف اولیوب  
 بوکیفیات نامأصول و غریب تحریک خون دل جدول نادری به بحث  
 اولیوب عداقت ندانم عدم دفعه و احتراز اولیوب بدوامان مردمان  
 چشم و جدول اولیوب او غنیمت کوزرینه میگردوب خصوصیت مذکوره  
 سب اولیوب دفعی سب است غنیمت اتمدر •

### مقاله

الخفیه نادر شاه عاقد و دودانیش و اصحاب انبیا هتین اولیوب سبیل  
 عزم فزاید اتمدر او غنیمت رأی بعضی و صیای لزومه ضیاء بنام افاده  
 وقت و هتیم اولیوب با خصوصیت شجاع سر پرده سطنه و در کرا نایه  
 دوله اولیوب شریزاده نیک محفظ صندوقه فقط و حرات اولیوب  
 باینه نیجه و در شاه دار نصایح حکمتیهای آویزه بنا کوی تصدیقی اتمدر  
 اولیوب از جمله بودجه اشاف مدعایه و اویروب سبیلکم ای محذوم  
 رانواز وای فرزند جانگداز بوصلت ایران دامن سفار و طغیان  
 بر قوم



بر قوی رسیده یکی از سنده دن متجاوز اولاد صفیه بی بدول  
 وفادان کور شد در بر مقتضای طبایع انسانی ممالک موجوده  
 ایرانیه بدست اتباع و امثاله طوعاً و کرهاً مجبور او شد در  
 اگر چه هندوستان سوشه عودت مقدر و موافقت میسر اولد و  
 فتح والا و طبعی حاصلینه سرزاده متدالیم سن اتباع قدیمی  
 نداید در بنی نادر اولیغ قوت و سلطه مطهریت پیدایش اولور  
 بر صورت سرزاده نیک باستان باب حق و حمایت او طبعه بانه  
 اهتدای نام ایمن تنبیهاتیه صوب هند غایت ایمنی او اندن  
 بر فیض زمان مرور و گذران اینکلم او دوی نادر که دار بعضی  
 اراصف کاذبه الله واقعه ناسع مانند شمشاد دور و دار  
 او قلم نادر شاه هند طوق مستقر سیدب تفت و تباہ اولد  
 حوادث تلک شیوع و وقوع بناؤ قنای فرزند نادر شاه  
 ابراز صورت اخلاص ایوب اورادگان طشت و تیره دای  
 ز عذر کویا سرزاده نیک اعدام و تفتی دوام دولت نادر یه  
 باری اولور موقوفه بوضع ناصوابه ابرامه باعث اولدق  
 شیرازه دیوان دولت آراصفیه به تدبیری اندازه ایله مقراض  
 انقراض اوررقاری مروید **نامه بیت** حکامنه ابرام قضا  
 و قدر ایله باوه حادثه کون فاده ندر ایله

### مقاله

چونکه نادر شاه جانب هندوستان عودت و پیروزی فداست  
 عاقبت محزونان دینارین تفت جبارق ایندکی کافه ارکان طشت  
 موجب حیرت و وحشت اولمیش افرایور زلایم شکر خور



و نداشت عهده ایرات قصه بادی اولد بندن اکثر با مغایر  
 حکومت حرکات نابرابر باده ابتداء و جرات ایتمی از جمله رتبه  
 امکان تجاوز و محاربت بندن معدود اولوب خاصه مناصب والوی  
 رسالت و مربوط احکام بعث و بندت بیوریدون یعنی اجتراد  
 تبدیلی اخذ و ملت و تغییر عقاید است خارج از عرف قدرت بشریت  
 ایکن شاه شاه دایه بوکوتی ری فرام و اورا کن قاصد و طفل تغییر  
 مذاهب او عا سینه ذاهب اولد و اهرست و الجماعت مسلح سینه  
 اختیار و بو طریق سلوک ایدوب دولت علیه ایله ناجار اتفاقه  
 قرار ویرد بکندن بشقه جایجا او غلبی بکارها ایتمک زبده دل  
 ارکان دولته سیاست فانی او طیب بود و جمیع امور مملکه  
 مدار او پیشی بیت یوزالتی بر تاریخ کجستان حاکم ادکل  
 خانک اجداد و تصفات محروم و فقه واقع اولون منافقه و مغایرت  
 صدق قید روان و هفتان و اذربایجان ساریت ایدوب  
 اقصای رفته ده بوکونه وقوع کلون کیفیه ممالک ایران زمینه  
 رضی تأثیر و مدب می لفظه او طغیه شاه شاه دایه **بیت** بر برین  
 تعقیب ایدوب حکم و دست قضا هر طرفن خاطرات و سکود  
 ردت ناطقه سید سفینه عمان سطنه و رطه خط ناکه گرفتار  
 اولدین با اهل هم جانب هفتان دن عدوت و محاطه بای کته  
 عزیمت مبادرت و کلاوت قلم سده اقامت نیت ایتمی ایدوب  
**نامه صبح** جهان که اسرار قضایه اشنا او طاز مؤدب  
 اشای طریقه مصطفی خان بعضی خواننی ابرائیمه سرائین را ای عهده  
 مودت و شاه شاه دایه قلمه شمشیر ساعد اهتم و دقه اولد  
 رکاب



و کاب عکریه دخی یکد و یکجرت اوله ده نیت مخصوصه ری بروجه  
 مام قوادگیر اولدوق خوانیندن اون بشی علی قول یکرمیدن زیاده صبا  
 قیب حاضر و اماده اولوب اول شعله جویانوزی اطفی داعیه سیه  
 داخل سر پرده شاهی و طغین درون هم نادرجه و اصل اولدقزخ و طغی  
 خان و همیره داده سندن غیری دخور حومه که ده جارت اولوب  
 و عثه احتراز و اضطرابه جمیع خارجین بای بند حیرت اطفال خان  
 مدعی الیه و همیره داده که خیمه گاه شاهیه مستجد و تکالیف او زره  
 جولون ایند کلرین جواریدن بری حسی ایدوب شاه قضا و سیف  
 بدوی تکرار کرده اکاه ایلوب نادر شاه دخی خواب خون الودن  
 بیدار اولوب وضوء برپا نه سیه شمشیر خود تیره بدل دست قضا  
 بسته به برابر اولوب فرسندن خارج کناده صیقل خان مدعی  
 داخل حرم شاهی کورد و کن ای زن قره این چه طور بی ادبیت  
 دیوب خهاب ایند کلرین خان مذکور جوابین پادشاه حضور شاهیه  
 مخفی افاده و اجبه ذمت عبودیت اولون بر کیفیت خاکبای ملوکانه  
 به عرض و استعاریه مجبور اوله ده بو گونه ضوف رسوم و اداب  
 رقیه اجتناب اولندی دیو تقریر و بیانی و سیع سرحد ضام اولدوق  
 نادر شاه تکرار بوجهر استعاره دیوب یعنی قضیه بویله حرم مانع و کدر  
 شایع صدور و استقامه طرفزدن تمام غیرت و رعایه اولنشی  
 فی الواقع حکومت و سلطه دائر سرور و با خصوص کوری ایجاب  
 ایدن معادی ملوکانه استعاره مضمر بران تأخیر و توقیفه خصمه  
 و جواز و بر طعنه بر صورت بر مقدار صبر و ارام اید بندگی البانی



لباسی ایدوب کلمات او زده کم و به دل افند سفا صیف ایچون محسنه  
 وجعت ایدوب دوان مصطفی خان فرام و سیه ضمیر ایدوب  
 و دانندن هجوه صارت ایدوب نادشاه شمشیر قضا تا شیره  
 و سترسی او طردن تا امید اولوب بدین که ابریقی خان صوفی الیرلی او زده  
 آنوب لکن مقصوده اصایبه ایتمکدن تکرار محذره سرعته مباشرت ایدوب  
 طناب قضائیه تقریر با اولدور و زمینه دوشد که خان صوفی الیه بر رفه  
 شمشیر الیه ضرب ایدوب کند و سیدنی خلیفان غلبه خوفیه روی زمینه  
 دوشد یکی آن همشیره زاده مائیددی ناکران ابریشوب سیفه  
 سزادری سزندن جدا ایتمکدر مصطفی خاندن منقولدر که او زده  
 زود باز و سیه او زده آتدینی ابریه اصابت استبدی یوزگی  
 پاره پاره ایدوب ایدی و ایاعنه طناب ضمیمه طوق سیدی بینه غلبه  
 ایدوب ایدی دیوب سجا عتدن بخت ایدوبی ماضی اولد بیه  
 غلبه نمائت فردا بر هر دو آرمه سیاسته و سزا اولدینی شفاها  
 دوایت اولدیفندن بشقه بویکی بیتک مائده و سنی دوله ایدوب  
**بیت** سرب و مغنی بتاداج داشت • سحر که نه تن سرنه سرتاج  
 داشت • بیک کوشی جرف نیلوفری • نه نادر بجا مانده نه نادری  
**• الملک لله الواحد القهار الذی لویزل ملک •**

### نویسه

کرچه ناضق دست رأی و تدبیر جل عصفه تقدیر ایتمک عاجز و قاصر  
 اولدینی عالم و عاطبانه ظاهر ایدوبه نادشاه حرم شاهیه مشیر نابویه  
 کیفیت بعد از طلوع تدارک اسباب دشمنگیره وقت و اهتمام  
 ایتمکدر تحسین و قوت داعیه سیه فقط الله بر ابریه الوب  
 اعدایه



اعدايه و ستم جقي عقد و سجا عته لازم کردن خرم و احييت طبع  
خود فير

مقاله

شيمه مادر ووزگار ديب كه داده اشتراد ايشيكي زواق بلمه هت  
واقف اوردن اطوار نادوي پسنديدن ميزان دغبت و قبول اولاد بقت  
اسباب و حكمتي دولت هندی بعد از اسيد محمد شاه حضرتش توحيد  
منصب عباي سطنه ايشيكندن بشقه شاه بخارا به دخی تطفيف  
و توقير ابدار تكرار مسند والوي شاهجه جانشيني و ابقا ايتي  
اولاد بقتن ماعدان ه غسانه سرفاي خاني اسير ايشيكن خان  
شاه را بهت او غلج محمد خان محاربه به شروع عمار نادوي  
صدوت از تمام و پريت في نمايان اولاد قه سرفاي خان حضور  
نادوده كجيب اولوب او غلج به در عايه اغاز ايشيكن شاه مشا داله  
صدوت رضا كو سز صوب بويه ت هياز بلند پر واز شجاعت  
انگ و اولاد ديو خان شاه را به تسليمه بخي درون اولاد قدر  
غيري قارص ارض و زمين بوهندن جاموس اغا اسيمه سرور مرد  
دليبي عكر نادوشاه كريانكي اسير و حضور شاهي امضا  
ايشيكندن اغاي موسي ايه اولاد بقتني فرام ايدوب بود و به سز داله  
ايشيكندن ايتي كنند كه ايات وان و دوان و قارص بنم كنند بخي و  
ايشيكندن قار اولاد جاموس اغا سندن غيري واد مير  
والو هكنه به اسيمه شتر اولاد جاموس اغا سندن عبا ر كنيد  
ديو كلونه خلع و یرد كن بهت ه حضرتها چراگاه حدود خاقان به



علف فوار صوای کاو زار اولون جاصوسی اغا بشدن عبارت  
 اولوب بوقیفای محاربه ده تحریک غریب فون ایدن بشقه  
 جاصوسی اغا بوقدر دیکره بودفعه خی پای بند ذریه سیاست  
 ایتیموب سومت باقسم بر دخی بنج عکرده جنت و جدال  
 ایدومسینی خطابی ابراز ایدیکه موحی الیه بودجه مردانه جوبه  
 قصدی ایدوب اظهار ما فی الضمیره اجتناب ایشد که شاه  
 حضرت بر دقم دکل هزار گریان حیات مستعد قید اسره گرفتار اولوب  
 سونده تکرار عودت مقدر اولورسه دولت علیه خدمه و جنابکزه عداوت  
 مباردت واجبه ذمت عبودیتدر دبه دلج ابراز صداقت و شجاعت  
 ایتدیکه شاه شارالیه خوشی کلوب شایان اکرام و تشریف و سزاوار  
 انعام و تطیف اوله روم اعاده نه دقت ویردیکه قاصد رضای  
 علمای و خاندان قدسین دینور کرده انقیاد و اعطای داده الهی  
 صبی حضرتنندن مسجوع کاجوانم او طدر دیکره غتانه اهلیندن  
 جنه عظیم و زلمت صبح بید در نیل نفادوم در دست اولوب  
 کافه قتل و اعدامه امر و شارت ایدیکه عفو و عفو صوفی  
 کافه خوانین ایران زمین استعاض و ابرام ایتدایرده کادر  
 او طوب غازی قدغه تابع ایتنه نام فریده مدوی گوشه  
 از و امولفیندن الحاح شیخ دوداندی حضرتنا امینه استخص  
 اسائه جان پرده از و ایدوب شاه مالدیج رجایه کدکم  
 اوبه بر فاضل دیندار صوب نادرین شایان اکرام و عباد اولوریندن  
 بشقه اسرای مذکوره دخی عفو و الهوقه سزاوار بیوردینی  
 انیت



اسکون سناہ

سقا

[illegible]



نزکیه اونی بشیبت غوثی اعظم سید بر محمد مافتمه اقامتیه امر  
 ایدوب فردسی بر عظیم دیوان زنجبالبی و زکی مذبوری دخیضاد  
 ایدوب قله مستحقه و سزاوار او نذران برادری میدان سیاست کتوری  
 و اعدائی نزکیه اشعار اید کلزیه هه نزکیه بیچاره مانه جزا اول  
 مردنا چادر سینی بدن جدا اید که بنی حال نادر شاه نزکیه ندا  
 ایدوب سیمکه ای نزکیه بنی فرمانده اعظم برادری قله اجساد  
 ایدیکین حکمت نذر اول آنکه نزکیه بدکونه جوابه تصدی و ابتداء  
 ایدوب سیمکه ای شاه صیده کار سنی بنی خدعه احسانه مجبور  
 انظر ایدیکین سبب اولی بعد نادر شاه نزکیه مذبوری بودجه  
 اظهار ما فی الضمیر خیر و اکاه ایتشکه داخل دایره جمیع اولیا  
 عاکر جاد و خدائینی ذوی القدر و زخم خود بیشتر اشتراک اولیه  
 زین تمکیم اعتبار اولیه عاکر و خدای و مقربین اوج قسم **قسم اول**  
 مظهر لطف و احسان شاهانم اولوب **قسم ثانیه دخی** مذرب ظهور  
 احسان و طفل دایم رضا جویانه غیث و حرکت ایدوب **قسم**  
 ثالث دخی بودایی گروهه مغلوبیتیه با ضرورت انقیاد و احسان  
 او طرد در دیوب سخن پریشان گفتار زکین حاصل اولون  
 غوائل قطع به بودینه بر طرف البشدر •

### مقاله در خطای نادری

دستا و نا حامد و اعطاف داده **بیت** انقلاب ایتیمیه حامد مراد  
 اوزره جرف • جرف دوا دی بید سکنیم و کل بی انقلاب •  
 مزایا سندن خرم و اصیاض ایتیمیه راجع ابتداء دولت عمیه ایدوب  
 صافی



مصلحت و مخادنته موفقه اولیوب ه غسان طرقة دخی الحاج صبی  
خان و سرفای خان حضراتی بدو تأمین هنده عزیمت ایتسیدر  
ثانیاً شریزاده نیک حفظ و حمایه خصوصنی او غنده مواله ایدرب  
تدبیر اخراجه محافظه مکه ایکن دآینک عدم دفعه خط ایلمسیدر ثالثاً  
اعاده قابل امکان اولیان خصوصیمه موفقه نداشت عاقبت مخدوم  
کوزرینی تحفه جرأت ایتسیدر دایما بعضی اولیای ایدره بنچون  
اولی بنون دجا ایتسیدر دینه دل به سبب سیاست صباله ایتسیدر  
خاصاً هور دغتن تاتن بسیر سفنده بدو کامل نکرده  
امنیسیه توسیع ممالک سودکننده دور قیای اقا لیم ایدن شانه  
اکثری تلف صیای حادثات اولیانی موجب کافه کائنات ایکن  
اتحاد مراتع عقیده بر محمد صورت ثبات و قیام کوسه سید رفقه  
**بیت** مدوزم بسیر سفنی شدی بدولت کیانی کیان کی شدی  
مفروضه ماصد و اطفه موفقه اولیوب داعیه سید الحود دور بدو و مکه  
رغبت ایتسیدر ساداً ممالک عجم دولت علیه بعضی اسبابه منی  
اخذ ایتسیدر بدو والویه نیک اعاده و عدم اعاده خصوصنی تحقیق  
والتماس ایتدن مقدم دولت مآرایه ایه محاربه به جرأته قرار  
ویردیکیدر ●

**مقاله**

کافه حکمداران جهان و عامه ملوک و دوران حضراته لازمه دندو که  
نتیجه مودت نداشت اولون مقدمات امودده غضب و هوارینه  
تابع اولیوب ملامت سطحی اصحاب دای و تدبیره تفویض و احالیله  
هت سف و حضره اقامت ایتسیدر امکانه دفعه ایلیوب و عدالک



دخی کند و رینک افعاله موافقه و صا به کیفیت نه کسب  
 وقوف و اطلوع اید کلر نه احکامی مادی و معنوی و اولی و ثانی  
 بغایت حذر و مجانبت اید در ذی اظهارا مساوات اوزر و کاهه  
 اولی و ثانی کیفیات باطناً مغایر اوطی قریب الی احتمال اولی و ثانی  
 ظاهر و بود و معز و مقامه دار یعنی سائر سیر عالم معکوست  
 حضرت مولانا قدس سره الفیض فواید کثیره حاوی مستود  
 پرده باطنی بود و قدری در مذکور و کثرت ازین بیدار اولی و ثانی  
 ظاهر بود و وجه ثبت صفات خط قند که بر عطاران و کاهه  
 موجود اولی و ثانی طوطی شریف فاده کند و ری شرف آخره اشتغال  
 خدمت محافظه و کانی حواله ایدوب راهی اولی و ثانی اولی و ثانی  
 ناکاه و کانه نمایان اولی و ثانی فاده به بر کدی جمع ایند که طوطی  
 ده شترده کوته و کانه بنه اولی و ثانی و اولی و ثانی و اولی و ثانی  
 ایدر این و غنی شیشه به طوطی شکست اینک طوطی ناچار  
 رهها امنی فادغ ابلار و اسوده حال اولی و ثانی آرام اینی ایدر  
 فرش عمار دامن عفت عاشقان کبی الوده و سخ و در غن  
 اولی و ثانی در حال عمار و عودت ایدوب و ایدر کاهی اولی و ثانی  
 رقه اینی و ایدوب اولی و ثانی ایدوب و اولی و ثانی الوده هر کاب  
 و سخ اولی و ثانی به مود و خط ندامت عاقبت سر طوطی به ضرب  
 سکه شرف اینی و ایدوب کفنا و طوطی به عارضه غبار کت  
 و و نما اولی و ثانی شرف فاده سیر نیندا و الف اولی و ثانی بار  
 و مشرقا ملک و اولی و ثانی در غن و صید کساد تجارت  
 و کانه



دکان غارتگر متاع صبر و آرام اولوب عروج طوطی به اشتهای صیاده  
 محتاج اوطینی ماضی بود و چهارم دواچوایکن دکانی فارصن برهنه  
 بر صاحب درون و دهند و هاهون اسرار و ضبط طوطی به اماله نظر  
 کما اثر بود و قدر طوطی لول آغاز اوازده مقال ایدوب **بیت**  
 ازجه ای کربالکون امیختی • تو مکر از شیشه رغن ریختی • مضدینه  
 مرغ پریشان حال اولدات کرامت اشتهای نمایان اولن کیفیت  
 کنی مبتدا اولدینی قرامته تشبیه نسبت ایلمد **بیت** چون بیورد  
 مولوی ای هوشیار • یعنی در رغن حکایت کوشدار • و فقهیه مسطور  
 بطور دوایت اولون عهده دکی اصحاب حکومت دخی نا اهد تفریض  
 امور ایتمند زرا طوطی محافظه دکانه قادر و کدر ثانیاً خواهند  
 سایش و راحت اوله بقدری آنه نظر اندازدقت اولد قیومیت  
 اوصوال اولون بر رده اقامت ایلموند ثالثاً دکانه دونه  
 بازار تجارت ایندکی طوطی به ضرب اید و طار سوء ضرر و زیان  
 اولون عهده و مشله عاقبتی موجب ندامت اوله جبهه خصوصه نجه  
 مبادرت ایتموند رابعاً مانند طوطی صورت نه کرده کنده حاله  
 مشابه کوردیکی کیفیت صفیقه و باطقی اولد چهار قیاس و ظن  
 ایلموند •

### مقاله امینی حکما

کرده حکمادان ابکی حکیم ذوقدن و نبض شناسان بخت جدل امتی  
 ادوب بین اوطیا بدگونه قرار و بطشکه احدها اخوه بر فغان  
 سه هوس و زهر قاتل ترتیب ایدوب نوشته نوشی ایلمد حکیم  
 صدکون و قایده به مدار اولور معالجه ایلمد نفسی می فطره صدور



مفتاح ادویه حکمتیانه دوت آنت دست استعداد یکسود  
 دید اتمام مدعای مرام اید کلزج اول حکمت برسی فی الحقیقه  
 بر فغان سرق تل حاضر و مرها ایلیوب اخینه استعمال ایدیرکیم  
 اول آمده منبر زهر اولون نزالدن عذبه مباشرت ایدوب  
 بد مشد کریغ خط ناکدن کاربان متاع صیغی سدمت کیمیوب  
 نوبت دیک حکیم ثانیه حکم ستم مهکدن صرف نظر برله نوش  
 ایدیکی ذهر و نیکه مابه فقط بر فغان صدور و اید فغان  
 ایلیوب بعد فقط ستم دار معالجه استعمال ایتکلم حادق قبی اید  
 من یخ تبرید ایدوب اول و دوناک بالافه تکف و هدر اید  
 فی الحقیقه زهر اولی اویدی ضعیف اسیر ایدیا دیوب حکیم ضعیف  
 بر داز بر ضعیف زمان مرور کتم صواب ایلیوب بعض محرم اسرار  
 فله مرشیه و اید ایدر حکیم مقول ذیب و رقه تذکار  
 و تأسف ایدایشی ماضی بر وجه صبه و غده دشمنه این  
 اوله تجویز کرده اصحاب عقول اولور موادون اولدیفی معلوم  
 ارباب معقول و منقولدر یعنی اعدائک افعالی ظاهره و  
 موافقه کو سزوب باطناً مفارقت اوزره اولی موصوفان  
 بعید و دور اولدیفک لوصه ضمیر مطابقه تحریه تصور صورت  
 اشار و بیان بر وجه ثبت صیغه احتراز و تدبیر قلندر که  
 از جمله ایکی اوردو بر برینه مدق و مقابل اولدق طرفین  
 مدت اقامتی امتداد زمان محتاج اولوب غلبه داعیه یله هر یکی  
 بر دلو صنایع ضعیف و صبه به دار بر دو صنعت اختراع مجبور  
 اولدق حادق وضا طریقیدن بر دقله بناسنه شروع اولسه



هـ في الواقع صورتی یکسید فی قلعه در اما احتمالاً در که بریسی زیر  
زمینه بادوت خاد بر اقوب بس ترک و تبدیل محل ابر در  
او در وی دیگری اول قلعه به حب و بوشلو خدعه تار به اینه  
تفه ابتدار ایتی اوله در هر صورت و از هر جهت افعال  
اعداد ان احراز و بجانب لوزمه عرفه ارکان دولت اولینی  
وارسته قید و سعاد دور

مقاله در سقوی

انحصار ثابت الارض سخطی اشیا نه بوم و غراب و بنای قوی ارکان  
دیوار دولتی تزلزل تشبیه حوادث روزگار به خواب و تار مار  
اوطفه کب استعداد و لیاقت ایدن و دوندن شعار قدیمه ظل  
عارض اولدیندن بشقه ت هباز لونه صدقه و استقامه اولون  
بندگانی وادی طرد و تبعیه پر واز ابر کله کلندن ماعدا **ص**  
که استرا و دولت میکند ببقدر نعمت **م** مفاد بخ سده دولت  
صفویه نك امتداد مدت عظمتی اکیوز حدیثه ویب اولوق  
عذر رخ ایلی و سفاهت مستخرج و حمت و کلا و رعایای  
وضع گوشه عدم ابتکار از جمله ذمه نصارادن برین افغانیه  
حاکم نصب و تعیین ایدوب امر او اها لیه غدر و حقارته ایما  
و استدار ایتی اولد قلدنن و قریع افغانیانک امر وینه صیت  
تامه وطنی انداز صاف سامعه عاطیان برده خواجه نا خواه  
مفدوره برمدت اها عنی وسیله حصول امنیت و راحت بیلوب  
بالوفه میردیس زیارت حج شریفه کمر بسته عزیمت کشمیر عذر



ساعده ایلیب موجود مشایخه ما ملکی اولون اور ایلی  
 بیلر کیشی و لودوی مکده مکده ده فراده و مزید و غبت  
 و روحانیت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم دن اجازت بعد  
 محل حکومتی اولون افغانیا: مضیه دان و لوله عودت و مضبوط  
 جریغ کاشاف اولون مخصوصه: جباروت و مباشرت دولت مشار  
 الیه باری اولدق دیرر ثانیاً بوناثره عاطفه و استیغاف و  
 قبول عامه اولون برسطت بخت اقدار ایلی تکرار خلفه مدار و تطیف  
 دقت ایتمیب حتی اصفهان می صومعه کذاب و بیج جلا نیلری  
 تر کج غفلت ایتمیه اوضاع نابرجایه صارف ایند کلیدر سبب  
 انقراض دولت صفویه مقیدلر امور ملکیه به مداخله ایلد تدبیر  
 ملکه جوآندری اولدینی دوایت کرمه نقال و وزیرک و غایت شهادت

### مقاله منع مقبیل

تحصیل نوبه و تقرب نامه ضمیمه دانما مقبول اذهن اولون  
 مقبیل تدابیر ملکه صرف اذهان دقت ایتمک موفقه اولدق دیر  
 اسبابی امور ملکه مداخله ایتمک جائز و کلدر بر حال مقیدلر  
 امور اولیای امده مداخله اختیاف نظامه باری اولدق رعایا  
 و برابریه غدر و ظلم مبادی اولدینی جمیع زمانه مجتهد حاصل مظهر  
 و مظهر سطوحی کاشاف اولون دول منقضه نیک شیرازه  
 نظام مجموعه دولت و مقبول کتاب سلفی قطع حارثه مقراض نقاض  
 اوطان اسباب قریه قریه رجال و داعیه توسیع ممالک و ظلم  
 رعایا و ترک اسایش عمار و اسراف اموال بیت اطال اولدینی  
 مبرهندر



میدهند سوطین جوانان به پیش مواری ثبوت زیر غم  
مفروض ایدوب خصوص مذکورده صورت تکالیف و احوال  
که ستمگر ملک و صحت حکم و جود اولدینی امر بدیدر اما  
ذکر اوضاع ادکان غم نه اعظمی قلم و جالدو قالدیکی خدمت  
سطح مستقیم اولون ادکان دولت تابع اولدینی شریعت اتباع  
تامک اولوب امر دین حدوری اولعه لوزمه و ندر زیرانزکیه  
نفس امای عاقل کردن ظلم و هدایه مانند سلسله و عدول و طغیان  
تأیید بخان قوی اورکان دولت اوله بقدح <sup>مختار</sup> بکفایت برهین و کلام  
مقاله سوطین محمد خان

فایز داد السلطان الفطنیه سلطان محمد خان علیه الرحمة والغفران  
حضرت ایام ضیایجام ضد قدرته شیخ ابوسلمه زمان بولسان  
زوانه وقایع انقراض خاندان قسیم حضرت یعنی نام خدائنی قسیم  
اون بیت مقداری جوامع و صاحبان حاوی اولدینی میفل مناره  
تذکار محراب افتخار ایمن زمان قبل طریقه شمس جراتت جسطندی  
مفردون محراب ذوال اولعه حکمت و اسباب نه اولدی دیر  
سوال بیورد قدرته شیخ ابوسلمه حضرت اواب مراسم رعایت  
ایدوب پادشاه سوطین جنکریه عاقل و دان و اصحاب رای  
وزیری و ذوال و کندیه موقوفه اوله قدرتن قشت ایدی دیر  
جوابه منی ختام ویرد که سلطان محمد ب شاه حضرت وزیر  
اعظم محمد باب حضرتی احضار وقعه موقوفه ب ابراز و تذکره  
بیورد قدرته وزیرت رایه آقای قلی شیخ ابوسلمه امضای تصدیقه



قال قبوله الطوبى بكونه خیر ضامه بیان ایشان در که باشد  
شیخ الاسلام حضرت مظهرها یون و آن کتاب ادبالتزام  
ایشان اول قدردان اظهار صوره است رتبه جادق او شامش  
زیرا خاندان حکومت قریب عفو و عطیاتی پادشاه و سید طینه  
موفقه او طریقه اگر چه پادشاهان عفو و اولی عفو  
و ادراک کن خانی و بزرگ اولان و ذرا و و طریقی استخدا مده  
بنیان سلطنتیه برهن سیدب اعدا و فادایشان را یدری فو  
پادشاه صوره کوی و صوره سنده ضام کدوم صدر اعظم و شیخ  
الاسلام حضرت معانی و ذرة فاضله ایده تعطیف و اکرام میشود  
پادشاه مآثر الیه عفو ان پناه امثال و التزام احکام واجب  
الامتزام سرفیت غرا ایند یکدن بشقه نظیر شان علما و تکبیر  
سادات و فضویه و فقه دوت علیه نیک قبول عامه او سینه  
سبقت اولوب داخل جریف سرفیات او طوع و وضع قوانین  
واقدم قنقه از جمله شان و برمد مدامت ایشان ر یوان  
هایون قلدی مآثر الیه زمان ایجاد و اختراع اولوب مظهر اعظم  
فتوحات و مآثر فیات و صنات اول قدی آثار شریفه رزیه  
فخر و هویداد و رحمت الله تعالی علیه ●

### مقاله سلطانیه

مرتب قوانین سلطنت و مآثر مآثر دوت ال عثماني سلطان  
خان عمده رحمت و الفغان حضرتی از هر طرف امصار و الویه  
اورده کند تحیر و تصرف ایده رتبه تکرار توسیع مکه نیت  
و بودجه



و بود و چهارم آنچه دولتی ممالکند ضمیمه و تخریری فصوصی و فی جیشی  
شهادت و بای تختی اولاد بیج شریخی محصر به غنیمت بود و در  
اشاده شیخ الاسلام عدومته الانام ابن کمال حضرت بر کیمه حضور  
پادشاهیه بود کونه تخریر زبان مقال ایدوب یعنی پادشاه  
بنی دین و دیانت و فب و صداقت و اشرافیه جلاله خاقانیه  
مدحظه اشتباه و ترواده اتصال و ادمیدر دید سوال اجتناب  
اید کلرنگ پادشاه مفضل شاه حضرت بعد از این حالت غلطی  
مت بیضا و امنای سلطنته عبادت دینی و دیوب ساز و ارشاد  
خدا بود و قدرنگ اقدی مالدیه بود کونه وضع و دو اندیش  
تدبیری و پیش ایدوب عرضا فی الضمیر ابدار بر له اشعار  
و بیان بود و مشدد که پادشاه <sup>توسعه</sup> ممالک هوسکار اولاد دوله  
عواقب سلطنتی زمان قید زوالی نتیجه ویرد یکی اظهار مسمی  
اولدیفه اصحاب تجربه و خبر و ادب و ادب و سید معتبر اتفاق  
اولدیه ثبت صحیفه اثر ایشدد بود صورتی تخریر ممالک  
نچه سودا شده صرف نظر بود و دیوب مدت سلطنته ضمیمه  
اقایم دولت علیه عثمانیه اولاد و لایندون بشه اجداد غف  
حضرات اخذ و ضمیمه اید کلرنگ بدو و تفرده وضع قوانین عدالت  
ایده دل نظام و انتظامه وقت و اهتیم اولدوب توسیع مملکه  
رعبت او بخند کف ید بیورطی فصوصی صومعه مملکانه دره ضمیمه  
ظن اولدور ویده دل بعضی اخبار سالفه بیانیه اثبات  
مدعای مام ایدوب کلام سلطنت انجام شیخ الاسلام سیر غایبه



ضام اولدوق باوی اشارت مفتی الانام طفرای غای کسین  
وقبور ایله مطرز و سخی صد و تجلیات هانه ایله شریکام و غیره

### بیو و طرد • مقاله در خط افغانیا

اوضاع سده صفویه دن کران کلوب نایار طرفین ماعده  
والتجایه ابتداریدن و لایحه ظلم و تعدی به اجتناب ایند کلدیر  
ثانیاً بعضی محله عاکر افغانیانک اوضاع نایار جاریه محل و طیب  
تفدیه جرات ایدن قومه بدل ساز مملکت اومدی اعدامه مبارز  
ایند کلدیر ثالث مادالکر دولت علیه طرقتن اخذی ارجاب  
ایندی ممالک عریض افغانیانک اعاده باین ارسال ایند کلدی  
نامه نک زمین بیت خدا کشتی انجا که خواهد برد و کونا  
خدا جامه برتن ورد بیت کویا استدعان ماعده اولند فی حاله  
سزاکدی مضربه کلوز مائی ایما ایدرک یعنی ایلانی زمینک  
برکوت سده تنظیمه مفرد اولوب مدت مرقعه دولت  
عنائیه کبی بر مظم بگونه مفار اصول و اداب حرکات  
نامرضیه به بارنه دولت م رالی اعانه صفویه مجید  
ایند کلدیر فی الحقیقه افغانیانک بدوضع ناصواب ایدر حقیقه  
کافه ممالک شرقیه افغانیانک ندای سیف ابرازینه یار  
اولدور فی الواقع و اندک فطر اضمصاص الیه اولوب پادشاهان  
و حکمداران قولا و فعله نظم و تکریم اهنم وقت بوزعه  
وقت ان نیت اوطین حق که بویاب اودیا روندینک  
نظم مملوک و سلاطین فوضه رعایت و احکام نامه لری  
محید



محمد عقول اولی ابصار و ماصی اعظم ذاندیه تعظیم  
 بنقه و قتیله مقیم اولدقدی ساری و تختا هدیه دخی باب تکیم  
 و تقیرک ده دور بیت پرده داری میکند دو قصر قصر غنکبد  
 بوم نوبت میزند در قلعه افاسیاب مائ سرفات ابوانع نمایان ساری  
 سلاطیه خاندان قریب هیت اولیسی اوزره معمر و جمیع مفروضات  
 و قنادیل و خدامیده ادای خدمتی بر کمال اولوب هر کجه دوزند  
 بر تواف اولوبه شعله شمع علی مصفا و قنادیل بر ضیا ایله ضیا  
 اولدده قصدیه و تماشا ایزند درون ساری بر پادشاه  
 اقبیرک زینت طراز تخت جهان آوردن و خیمه ای در

مقاله

دولت قحیه هندوستان بد قدر قوت مایه و کثرت عاکریم مالد  
 و جامع اطراف بر سطنه قدیمکینه ایکن و نادر شاه دخی و خفت  
 لشکر و سترس اوطنی ایسه ده حدود ایاندن انتمی مرصه بیرون  
 قطع مافه بعد ایدرک و هندو دخیفای بی پایان و هامون اولد  
 در مانع و بدو غنون هند و اردیفی آنک غلبه نک اسباب قویه سی  
 نادر شاه بر ضیعی مدت و ولایت ایران علم افراز دعای ساهی  
 و سنجیت اولوب طرف طرف زور بازوی هسته ایران زمین صیغه  
 تصرفه داخل ایروب دولت علیه ایران از ابتدایی مراتب مفارقت  
 و محاربه ده صورت نما اولون متانتی دخی اقبیر هند عکس  
 انداز دهشت اولدیفندن ناشی اوازه سطوت نادری دولت  
 هند بدو سیه اولوله ادای مغلوبیت اولدیفنی بدو سید



## مقاله جن تیمورخان

وقایع احوال تیمورخانه معلوم بخت ایشان اصحاب و قوفدن  
 بری تیغ و دودم زبان آبی و تاب تکرار و بروج محراب از لغزشیدن  
 بدگونه سوال عجایب اشغال ابتدای ادب سوبدیکه تیمورخان  
 کافه عنایت شجاعت اولدینی ممالک اکثریا طریقه اتباع و امانه  
 سادگی اولوب ولایت ایران مژدایرک دارالحکومه قریب و جوار  
 اولدیفدن بشقه بیخامه مافه سفر ولایت مذکورن نشخیر  
 واستیدسنه بیت کفتم باین تیغ ایران زبانی • کشیم بسی کینه  
 از اهددینی • مایه صدق غی و خط مژدایرک جود شمشیر  
 جهانگیرن جلد ک اولدینی نه اسبابه مبنی و نه حکمه بنا قندی  
 دیدکدن صوب عاجزان دن ویریدون جواب فی الواقع عرف زهر  
 تیمورخانه راضا اولون ممالک نسبت قوت ایران قوت و کار کرده  
 اوازه مراتب مژدایرک اولکه مذکور و اصل اوطن مقدم محاربه  
 شروع و حرکت اولوب اولوجهر دوی شمشیر و شمشیرن  
 جود اضطراب و تأخیر نمایان اولدی فی الحقیقه جهانداران زمانه  
 لزوم دندرکه ضیه و شخیریه هدرکار اولدقدری ممالک قبیله دن  
 اقدم حیت طوق تاحه عدل و انصافه قبول عامه اولدقدریه  
 دائر نشر صداوت سردهسته ضیه اقبالیم و بوده باعث اولدینی  
 وادسته ابراز دلیل و برهانند •

## مقاله تیمورخان

مظرافتصاص البریه اولون ذواتن قبل السلطنت مناصب و اولدی  
 نبوت کبی یعنی انبیای عظمی صلوٰه الله علی نبینا وعلیه السلام حضرت  
 قبل



قبل البعثة بعض موارد عاده نك ظهوريه مانند اماده نبودت  
 بودند وخی افعال و حکامته عظیم سعتت فاه او طفه بشد  
 بناد علیه تیمورخان حضرت اباعنی جد امای سمرقنده اولوب  
 ابتدای عالی و سخایه معاشدن مقطع الاول و فای او طی ایره  
 ناصیه صانیدن نمایان و باهر اولون افتاد شریقی قدوس سلطنت  
 یار و اغیار یکس و از طرفه مداومت وخی سوار جوانان جوانی  
 اظهار قصب کردجه ایتمکه مجبور ایند بکنده بشقه بیت . اناکه  
 خاک را بظر کیا کنند . ایا بود که کشته بشم بجا کنند . ماله نائل او طمه  
 استعیده جدار سمرقنده واقع بر ذاف کرامت ایات و ولایت  
 سبانه خفه خانقاهی زاد و ذخاردن نای قاطی او طغیان  
 اوج کوه فدای درگاه مداومت صیاف صمان اولون لقمه به  
 دس او طیب عراف جوع و جود و لکینی تنف و اعراق شروع  
 استیکی آن جناب تیمورخان ~~میرزا~~ خانقاه مذکوره بر کوه سفند  
 قرب و ندانا و واف نان غنیه کرا بیل کتوروب خان مدعی ایله  
 کشت توانای کنای ایله زنج و بریان ایدوب حضور پنجه عرض  
 وفقای خانقاهی جمع و اطعام طعام ایشید که ضابط شیخ  
 خانقاه تیمورخان مظهر نگاه و خطب ایدوب بیوشکه با تیمور  
 سه جوان بر ادنا بلای و بلائیه اشتراک ایشید بخار و صلح خود  
 شاه ایران زمینی صوده نقد و اذغال بر له جانب دومه غم ایدوب  
 سله آل عثمانی فی فقه بر ریه ایله عودته مقرر قند و دیوبند  
 ایش . بعد چند روز مرور نم جناب تیمورخان نائل کین و ایضا اول



بیت. بر شخصه اوله حضرت صفیه عنایتی. موجود اولور زمانه ده  
 اسباب دولتی. مفادجه مث دایره اسباب سلطنتی حاضر و مرآت  
 اولطفین هنگام مذکور ده عروس اراضی سرحد و بخارای و داغوش  
 و قح مقدی سلطنتی مانند شربت سرحدی نوئی ایدوب ایران  
 زمینه دخی اظهار بد طولی ایدوب بالافه جانب دومه و اصل اولدوق  
 وقایع غریبه غار زهره محو شده برده ده دوشی باط اقامت اینکلم  
 عیسوی اوردیده و سازش دیگر محکم بودند نیر فانی  
 بود و جهل اقامتی حله ال عثمانه کیم تقض داعیه سنه در اصفیه  
 بنای ایدسلطان و مدقاری حضرات سلو ال عثمانه تقضدن  
 کف یدایه دیوانه عاینه کلنه نیر فانی فله اندیشه و ازین  
 ایدوب بوکونه تحریک بحی زبان بیان اینکلم بن دولت عثمانیه  
 روانه مودر دکلر کنی بر جزای رجه ایدیه حال و استقله بدینه  
 مودر جدایه شیخ مودر ایدیه تنیه و وصایای ایا و اشعار  
 ایدرک تکیه عداوت اضطراب و اتصال ایدوب از میر  
 فنکون اخذ و ضمیمه ممالک اسلام ایندیکی هنگام عقینیه مانند  
 سید بدیعان عاکی مودرای الشریع ایدوب ایدوب بعد  
 زمان. لافقه صریح. آمدنجه اخذ و راه فله رفت. ماصدق  
 اوردده قصد عزیت خرافیم فله ایدیکی اوانه اثنای طریقه  
 عازم دار بقا اولدور مث دایره به پادشاه عظیم القدر  
 مقصد حذف اصول و مضایر اداب مرکبات افساری اصحاب  
 تدارج و سیر میانش اولدو اطور نایجا و ناپسند و غیر معتبر اولطف  
 بنار



بناءً عليه احوال وحوادث وبقية قاله وقلمه النسيب اكثر  
وقد عانى انداخته تاضية نسيبه فستند عادت مشار اليه قبل المضي  
برحل مرتفعه عروج ايدوب وادو وسته نظر وحدث نعمه خالقه البشر  
اي وروح زياده بيه بها و شكر گزار وني بارگاه جناب كبريا اولديغي  
نوشته كلك بديعه نادر

مقاله

صاحب فضائل وفتون جناب ابيه خلدون نيمدوخانه مدق شريف  
بيوريبوب صافي سامع جناب مشار اليه مدق فهاب ودرودني  
ساليه حال ايه فاعب ويا اولي الالباب ويره روح نيمدوخانه مظهر  
اوليه احوال فاهيه بيم مظهر اولديغي تجلي وقوت قاهر به استغراب  
اوزده ايكنه افدي مغزي اليه بكون ابراز جواب ايدوب بيشكم  
مردود زيب كخته راحت اولديغك عادت خانه فتوده باب  
وفتونا عطفه ده واقع اولوب ورون عطفه به داخل اولدقده  
جانب عيشه اوجني باضود وودجي قيو اولوب ورون وبيرونك وبع  
اما فتون كلي ضيقدر ديدك ايه خلدون تكرار صخر اولدود وقع  
اولدود فواظع استغفار ايدوب في الحقيقه ماوداي السرردن  
ظهور ايدون پادشاه جواد نير مرده بنم خانه عا جزانه اكا اولوب  
بوديه ارباب تحفيه واصحاب تدقيه وانتباه هر صانع جهاندارغه  
تراو تا ياندر ديدو سراً نصديعه ابيكي روايت استماع اولمندر  
لوجه مصاح عا قه اداره به كس استعداد واقصا ص ابله  
حكمة محض البريه دور ماث اليرك بودكا ماثل غربه قابل صيطه



تعداد و کدایه ده ضربه و قایع اطوار نیمه رخانه ابتداء اند  
 دولت علیه دن اجتناب اید و با ضرورت قایم نبیند ثبت  
 صحیفه طه را بنمود و مع هذا سوطین غلام العثمان و محمد  
 الله علیه اجمین حضراتی مدون و حکم اوان صفدره ذم و قدسه  
 رضا ویرم کلدی و فصوص مذکور عند رنه منقول اولدنی مسلم  
 در باب تحفیه و شعور دور

**تحقیق**

<p>نه جوهر دور اید صیغه ها ایست                  او پیدان مقدس سرور الیم فیض و کمال                  انما از خاصه اولضه نه نه سینه بیابان                  که چون تصویر حایط نقشه حیرت در کمال                  او ملک وصف کلز بر چرخ کسوی صفایت                  کند و فاضل ضیاء اول زلف پریشان                  کند میدان فایضه صلح آل عثمان</p>	<p>اونند کیمی ای دخی خامه من و اغت                  مقدم ذکر شروا اید کیم پیرانه حشر                  او دینه خانه تأثیر ایدو انفسا ساری                  بسط اری که مانند یو و شروا و قهر                  و مانند جنت است طول در اذایت                  او کیدی صقیه شانه فرکان کوسریمه                  سرین لیر اولوب کیم وادی کیفیه شرف</p>
--	--

**مقاله شروا**

کلزار فقرات نام رساله مزین بعبار ترا نقل اید احوال او که  
 شروان اجماع ثبت صحیف بیان قلمد که شیخ سید محمد شیخ  
 محمد الدین و شیخ نامدار و شیخ محمود و شیخ یوسف و الحاج الشیخ  
 محمد یغفار و بدو ذوات کرامه امثال معدود سجه شمار و موجود  
 خاتمه انقامه و وفاد و هزاره او بیای صاحب ملکین و شهاد  
 و پیران خواجگان نقیبه دن و اصل انداز اسرار کدکار قدس  
 اسرار هم الایوم المیزان و القدر حضراته مراد منوره رسته خفا  
 و تابان



و تابناک اولون خان عهده ناک شروان اهابندک امر دینک صبت  
و اهتک نامه در وجه زبانه موصول کبار و صفارینک احکام و  
الوصام شریف غایه امثال و انبا علی خد ذاته صیقل اولی  
الوبصار و در جمله اهل سنت و بدیدار مغفرت انوارک اکثر فی المذهب  
اولم مذهب لطیف صیف صنف قبل العدود و فی المضاف یکی ایالت  
حبیه حاوی اولوب و یکی خاندان منور و شکی و شیخی ناصح یکی  
بدیه عظیم مقدسندیدر طوعاً دولت ایران تابع اولیب صبا زین  
قنار و کارزار متابع الایام و الوعصار و بکرمی بش تاریخ قدر  
ساجد و ضارب نام فطیحه نام پادشاه اسوده زینور محراب  
تذکار ابدی استخراج نام و معلومات و اختصار و تحفیه و ترجیح  
تفریقینه مظهر و شایان اوله اوزره انقاس قدسیه صیقل  
هر دوده اولوز عددی حاوی علاقه ذوی الاقدار یکم تاز  
عصه اشترار اوله کلیدر نامه بیت ولی ایند کلری جمیع  
ماتهدور خوانان خواجگان النجا پیران شروان و صحیح  
العدالتش بیک عکرا فاجنه محمد و بحب الحود و داغستان  
و کرستان و ایران و یونیکرینه مقصد

مقاله طغستان

عارف اهل حال آسا اظهار فکریه و اوضاع دوزکار نا اهداد و  
دائما حبیه در صیین یعنی العجوبه ذوی زمین اولون جبال البرز که  
طول و عرضی اولند و قوه قوت و مصله مافه بعیدی حاویدر  
و کراونان جبال عظیم المثلک درون و بیرون اطراف و هوایی



طوایف نزد و پاداد و قلمرو و بفقار و ساز انواع منفرد که  
 خیر از به بند رساله اتفاقه اولون سان غریبه بیانها بر برینه  
 مغایر ماضی و توفیق یکی و دوله زبان بدیع الزمان و دوست  
 مذکوره سان اولد بینه ناشی اکثر مملکت عربی تکلمه مانند  
 اولد و عرب و رفته اقوامی سخن اصیاج اولوب کتابت قصص  
 عربی تحریراتکه محتاج اوطافین قدم مذکور علم کمالی المذهب  
 امر دین صمد بیری مشهور افاده اولوب استخراج نام معلومه  
 مالت بالملک علماء حدون اقو و ندر بر حدود مملکت قسیر النما  
 و ارمک شیع و غیرت اراده هبیه آمدن بوانه قدر بقیه  
 بر طرفه حکم از طبیب فقط سایه حضرت پیغمبر ده کب ایند کلا  
 اتباع عامه شرفه صبی دولت ال عتاه ماسم انقیاد و اتباع  
 پابرجای ثبات و استقامت و طغیانه و بستی تاریک قدر اسم  
 پادشاه اسوده محقر ازای محاب باهات و افتخار اید طبر  
 التي عدد ایالت صیحه فاندان مربوط ماعداس وای شریف  
 پیرای علمایه منوطر معدود وجه بقیه اوطه اوزره مردانه  
 و شیرانه حب و وضعت ازما اسیر الاداره و الو خراج  
 در توفیق بیت نفق علیه متحد مالت مذکور نیت بر جانبی  
 شران و خزانه و بر حتمی کرجستان و طرف دیگر مقتضای  
 طبیعتی اوزره حدود قزاقان و ندر

### مقاله کرجستان

حدود اسلامی به قریب و ذکر اولونان و دینیه جوار اولد  
 بدینجه اجمالاً بیان احوال من اشمال کرجستان بود و جوار اول  
 جوار



جانوس ضیاء قند که جمال و لغوز شود اقرا و تناسب اعضای  
 و لک و صن و وز افزون بپیرمت را یکی داشت و همدون صرف  
 نموند بر لاله و اغداد و امن کسار بر از هادر کونا کون و چه  
 و انواع اشجار و از یاد اید و لال و لیر اما نشسته عاشقان و بک  
 و باب ایمان و عرفان اولون دیار کربستان ایالت صبیح دن  
 عبادت اولوب او بیوز سنه و نیر و دولت ال عثمانه اظلا راه عت  
 و ابراز مرام عبودیت ایدن اولاد بیک دیانه منحدر مفرصکتی ز کور  
 او زرنج واقع شر تقییس اولوب آیه باشد دخی کوریر اولاد و نیک  
 ممکن اولاد قدس مفرصکت کوریر و داد یاندر آیه باش ایالتی شک  
 و کوه ر اوطه صبیح می هوا قیل و دوندن کن ایالت تقییس منافع  
 کثیره اید عالم اولدیشنه بشق لعل آوردنیکله مشهور معادن  
 عظیمه نادانظهور و صدق نادان هندی و ایالت مذکور حکومت  
 و اخ و الحاقه مجازی و بخاری اصل قبایق آوه عشار صبیح حاوی  
 و شمس اوله ره لعل مذهب یذهب قییدن او طیب جمل صفتی  
 المذهب و دیندار شجاعت و متانت شریعتی بر قدم پسندید  
 گفتار و در و جاست عبیه معنویه میر به الدین غازی  
 و قصه عجیبه کذا و فتوحات بر وجه تفصیل محراب اولون شیخ بیفت  
 شریع به محمد مدفون خان عظمنا کدر غری باغبان صنع ازل  
 اولون تازه زبان حدیقه سن و آن یعنی دیران کربستان  
 و کات مطبوعه ری شوریا فکری اقییم خان اولمینی و جوهده  
 و تحنین صدیقی شایاندر خط و ضایع غریب و شکای برچم و کیم  
 و چشم بادام و غمره جاد و اصل سن و لود الله ملو بر ولایت زهت



افزود که خاشی خلقت هوشربا را اندازه تقریف و توصیفند  
 بیرون و بیرونیت زلفه سوزنی سوال قلمه • کیم اولی کیم قصه  
 او زو نذر • و نذر کیم طی تفصیل بیان قلمه •

### مقاله

یادان که بوده اند ندانم کجا شدند • ایامه حال بود که از ما جدا شدند •  
 مال فرقت اشتغال او زده زجه احوال کجاست تا بیانشه منظور قراقه  
 فرقه فرقه قبایل صبیحه دن عبارت اولوب صله الفیحه اجداد و تعلقات  
 عاجزان نه مریده او طغیان قبائل مذکوره غم اصل قبل البقیه حجاز  
 و هیف اطرافدن تاتارستان کبیره عزیمت و قراقه کبیره ضمیمه  
 صیای اقامت و غنائل هائیکه شکسته به ده تکرار عودت و البیوم  
 ساکن اولدوق محمل و ماوی رنیت بر طرف کجستان و غنجان  
 و جانب دیکه اذربایجان و حدود اصفی و قارص ایا نکره قریب  
 و جوار اولوب نادر شاه هده مقدم باشک باشند بر حکومت  
 ایسه ده شاه مژد ابراهیم دیکه دماغی شخیره غنجان  
 هده سیه غنجان ایندکه قبائل مذکوره نده جا مستدن اهواز  
 ایدوب اون ایکی بیله خانه ممالک ایرانیه دوان ایلیوب  
 ما عداستی کجستانه الحی و انیمه اولدوقدن ۱۲۱ الوقت  
 کجستانه ملحقدر اوکل خانه اجداد و تعلقات عاجزان  
 میانته دوکار اولون مراسم من عودت صبیحه ایانت کجستان  
 مضرت ه غنجان و اعدای سارهدن و قایه و باب کی قطره  
 غنرت و همتی کشاد ایلمشدر عواقب نادریه بالاده ایما  
 و اشعار اولدوقی وجهه ابتدائون و ظهور کجستانه ایدوب  
 بعه ممالک ایرانیه ساریت ابدن اختلال و فادمت مرفوعه  
 اوکل



ادکی خان اجداد و تعقیب آن میانه واقع و اشکار اولاد معادان  
 نشئت ایوب عاقبت بومواد ازاله وجود نادر که باری او شود  
 ارضی واسع و کثیر المنافع بر کس نزهت افزاد و عاکس کافه سواد  
 و آت اوزدنی شک کردن پرور کی تقدیر اندازده ماسمن  
 اجداد ماه و یوانه قدر چند و غدا ده مفلوینده خیر  
 او طیب کافه ممالک شرقیه ده صنایع صریح و شجاعت مسلح  
 اوطین اولکه اذربایجان قبائل مذکور دن اجتناب و استراحت  
 ایدر باها لغواید و صیح العقاید بر قومدر علما و از کما کتب  
 و شعری کثرت اوزده رویا پور نیست هنگام شتاده مقیم اوقفا  
 محله صافه کز واتی ساعت هر کوشه مانند جند در فقط  
 مریان و تموزده باید درین مضمون اولاد جای فرخنده اقا  
 و استراحت ایدوب اغنوی و صومعه صومعه غرض کج اقلیم هدانده  
 اعتدالی قاطبی مای اوزده عودت ایدر انواع محموله مردوم  
 و مستقر اولوب هر قبیله نیک هنگام صومعه عندان اوست می روی  
 سوطیه مشهور میان رنجه دوم عادیلی اولوب ارایه ذریع  
 مخالفه و مفایر ایوب خاندانینه انقیاد و استراحت زان  
 عن الوصفدر و خاندان عجزانده منظر و بازی تعبیر اولند  
 بر نوع کچون با عفه عنان وجود اوطین صی دخی بنی آدم بهر  
 یعنی زکوری آنه سنه و قضا و قدر داشته و آنه سیه معافه کردن  
 معافست اولون مادیانه طوق نماز و سوار زین صبار قناری  
 اولندون بر کعبه صبر و زیان اصابت ایتیکی مسبو و کلدر  
 کافه ممالک ایران و توران و غایت نزع مشهور و معتبر اوطین  
 از جمعه نادر شاه و اغتانی داعیه تسخیر و توحش تیمور قندهار



او در وقتیکه ای که صبح میر غیاث الدین ذکر اوتنان کجیوند  
 کزین برآت اهدا ایدوب بعد زمان هندوستان و لوله اراک  
 استیت اوله سوراسیه راهی اولدیعی اوان ذکر اوتنان اسبه  
 سوار اولوب اثنای طریق خدائیدن بری نادر شاه بیکونه  
 سخن پیرای ایت راولوب دیشکه طغنان کبی صعب و کتاف  
 بر اولکه نیک نسیخه همدکار اوله دوه تحریک عیان اختیار  
 ایدوب صیغه شمار و ص به کلمت خرابی و عاکر جوار بریده  
 و بیفتار تفت و خمار اولدی و یوب ابراز و اشعار ایندکی جواب  
 رسیده مرصعه ضام اولدوق شاه مژدیه بود و جهر نریز کیم  
 نوسن سان ایدوب سوشکه فی الواقع اسبران میدان مقال  
 اولدیفنت سئال یزید در لکن میر غیاث الدینک اوان زیر  
 رانمخ اولون کجیون ضیفه طغنان داعیه سیه صرف اوتنان  
 خرابی و تفاته مقابدر دیدکی مرویدر فاعته و یا اولی الالباب  
 واد و دیار مدن دور وطن و خاندن ماکدور اولدیقم او اندنبر و  
 اجدادیت سوار اولدوق کجیونه بدل طوبیه خانه عا جراته مع  
 نوسن غم دوست غریبان مع غنان الم کوردم و ذلک تقدیر عزیز  
 السیر واصل قیامت مذکور نیک ساکن اولدوق محار و کجی  
 غرائب ممکنات حدود و حد بدن بیرون و اطراف و اکثاف عجبانه  
 شمعن اوطین از جمله السنه ناسر کوه زن تعبیر اوتنان  
 صغیر عجب و عظیم که امدی صحیحی کوه سان یعنی هاندبیل و یکدر  
 فی الحقیقه شنی چشم دور بیه فلت کوردمی بر صوای وسیع  
 اونخای دکتاده هیئت مناده اوزره معادکار خانه قدرت  
 اصحاب



اصحاب دقت غریبه بر عیبت ضلوه و تکوین ایتمند ذکر اولی  
 صفت با لایحه عوجه مفصل طریق اولوب اولی بقیه مقلود  
 تختن نصف ساعت مقداری بعید اولدی با لایحه کند نظر نقله  
 ایتمد فو قه بعضی اشجار معدود اولوب ایکه قطعه کلبا رسیده  
 بناسی وارد و فو قه اقامه روز کار زود کار ماندر حاصلی  
 خدم ذکر اولان قبائل اطرافنی محیه اولوبه حال و کوه ر  
 له فیه صیای فرمغانه کویا عاشه اولوب مانند سیاح بیار  
 طرف طرف تیره کنان و قطعه بار اولطین اکثریا ابنیه خانه  
 منقص کنار جدید اوله روه بریده رود و از بار درو قبائله  
 کلش خدبان جهان کی رفتار و جریان ایتمک در **بیت**  
 کور مدح اویله زمین صلی بن اویله دیار • بری وارد مدح روم  
 کون اولورسن خدبار • کرچه اکثر عشار و قبائل اقدامال  
 و غدره مائل اولوب ارباب تجارت و ذراعته باعث و غدره  
 و غدره اولدقدن بنار علییه فی زمانتا بین الناس مشرک  
 اولمندر لکن قبائل قراوه متفرقه رویای نعمه تجارت  
 و غدره ضررجه ذراعت اولطین اقدام سارویه نقدی و غدری  
 موجب حرکاته صادر و ایتمدر ذرا قباائل مذکوره به اگرچه  
 اهرید و نیلر اقامه اولوب رویی و ابنیه علی و ذریب  
 و اشتغال ذراعت و آمدند امر تجارت خصوصه و دکار اولان  
 وفاه و اهتام مدینه بنار غدره و فی نسبت و مثا برتیه اولطین  
 فی الحقیقه بود و قبائل اوصافدن اعد به کیفیه عقد پسند



مظهریت و اوسته قید و الزام

نظم

ویرا خدا و سفا و سجاقت قیانه • از هر جهت ویرلدی قضیت قیانه  
 اول نیند او دی قیانه ضانه • بنیزی بویه یعنی بود دولت قیانه  
 یعنی محمد نینه اول شارح سفا • هب ویرلر شرافه و رفعت قیانه  
 به ادعای ایتیم انشا الله یبور • مخصوص در سحت و غیث قیانه  
 اجدی شریفیت صبح قیه دن • فایح سن اید کذکی نسبت قیانه

## فصل ثان

بارده رخرده بیان اولدینی اوزده اسباب معلومیه  
 بکرمی بر تاریخی او اخرنه ولایتیه جوق و قاص ارضیه  
 جابیه عزیت و محد نکون ده اوله ماه مقداد اقامت و بعد  
 ارضیه طرفه ارضای عشان غریبه مبادوق اولوب یوسفیا  
 باش حضرتیه شرفیاب موقات اولوب مدق مرقوم دوت  
 روسیه ایله واقع اولون محاربه به بناؤ تکرار قاص طرفه  
 رجعت اکیاب اینکله هنگام محاربه ضامنیه اولنجیه قدر خدمت  
 عالمین موفقه اولدینیه ناشی سرعکث دالیه دوسه عاتیه  
 نوصیه لوبقه ایله ارساله نیت اینشایر ده صلواتنا صلی  
 باشا دالیه ارضیه و شمیه دامن مراجعت ایندکه اصدقی  
 ارضیه **بیت** و ادایک بر جای دلکش شره است و مبدل کی  
 ارضیه آه کی بر کفزار اکله بنی • مفادیه قاص مطلق



مدرس داده عبد الله بن حضرت باوقضا قارصه تدقیق  
 بیرونه سرعده استقام ایندیکند ناشی مدق مرقومه  
 مصحح قارصه اقامت ایجاب ایدوب فی الواقع دولت ایران  
 و اگر ادایه بعض وقعه کردن حادثات هائیکه دفعی دفعه  
 موقوفه و طبع بعد زمان بر مقتضای قسیمی قسیمی  
 ذکر اوقات محله فلت رابطه اقامت و یکری دور تاریخچه  
 است و بعد از جائنه تحریک زمام غایت اولنوب بر زمان تحسین  
 عدم شریفه اشغال و ترک اشغال و نیای فی الحقیقه اقصای  
 مراتب امان اینست ایسم **بیت** های سلطنت بر آرزو در  
 در کیم صافی **•** بیان کار بانق ماه کنعان چالار چار پار **•**  
 مقال لطافت مانه بنی آرزوی صیوش هم دنیا نعت مشاع  
 کوشه اثر وای غارت و بغا ایدوب تکرار بود و رای بی سرو پا  
 سر سودا زده هزار دوسره مبتدا بتکلم جایجا دو کبار دوله  
 و با خصوص موصی و طیف نظر افندی حضرت بنی النجا اولنوب  
 یکری اینی تاریخچه دولت ایران که کف در کار او یوسه مناف **•**  
 تدبیر عا جزا زده بر طرف اولد یقنده بشق و وسیه دولتی فاشی  
 قلم سید جور کصوی صاده ایتمک ابراز رغبت ایندیکه فصول  
 ایجابیه و رای و تدبیر افندی شارایه طرفه کون عریضی جزایم اولد  
 اولدض بر وجه مراتب من ضام بولوب بناء علیه ناسو له و فی یکری  
 طه و زنده تاریخچه و مع کتب دیوانه ها بدو الحاقه ایدوب  
 سند مرقومه او نور سکر تاریخچه قدر ذکر اوطق قلم و اوسه صورت



قیام و شبان که سرش بسته اند از شادان و فائز  
 صبح بر مقتضای شیده تقدیر خدا غنچه باغ امان هر تصویر  
 اسنان شکفته و بخت و نفع و دفع مقصود و باده و صربا  
 قاشکیه بیت . بوسه بک به باله روح روان و بر . فیض  
 بنده هر تصویر جان و بر . مدد و توبه بشقه شکر المنعم  
 علی المنعم علیه واجب قول شریفه انبیا ثبت اذکار جمیع که  
 روزمه ذمت فائز بدیده عدم او سر نور دان اصحاب علم  
 و هنر آصف شان معارف دور مدبرند ابدیت و مت شید  
 بنیان فدائیه دوت مدد و حیات مجدی بطنه سحر حضرت  
 شهریار کثرت اسبه زینت طراز مقام والای صدارت عظمی  
 شیرینی نیرالوزیر ابوالوزیر السیاحی علی بنی و حقیقه علیه  
 حضرت نیت حکام ضرابی صدارت کاشه و طوبی عاجزان  
 بدیده باده صرف و دامن صیب آرزوکنش هر مقوف اولی  
 سلم اولین پایه دون عنایه اولان فواج کاندو رتبه سید  
 قدر عاجزان رفیع بی بدید و و اوج نه سی تاریک و کیم  
 بعضی مقررند و بوی صفت مطبوعه واقع اولان مجزیه  
 با اراده شاه شریع جانی سرکش غایب پشانت معینه  
 مباحیه صلیت خدمت بعضی خدمات تحفیه روزمه انضمام  
 مقررین اقتضای ادب الحو محاربه و مصالحه ده جانب راز صیه  
 واستقامت خدمت کمر بنداهنم و رقت او شادان و ریاض  
 امان عاجزان به یاران سحر باز و یاور او طریقت زلال باغ امید  
 و غلی



و تجلی بار آور او طیب بیت تدفیع رفیع اولیه جمع فائز بود قدر  
 آن به بوداده عقد او باره ضرر اید و نیزه کنی صیغه ص بدین  
 بیرون او قدر بکون املک صدر تا هباز مشهور او بدین محلی  
 کلد که ثبت ورقه طور قلعه نوزده کلد بدایع نکاح عجزان  
 اولشدر

### مقاله

بیت یکیدز قزو دوق سنه تاریخ ارض و مه وصول عجزان  
 قدر اولوب بر راه مروزی ممالک غنائی امرغزایه تشویه  
 و کافه امور و خصوصاً و عامه نیاز و مستلک نزد و کلدی و  
 عبادیه قرین ماعنه و تسبیح بدین صبی اشعار به و امده و صیب  
 اسیرین مال و مال آفا به و ماعده ایدوب و در بنات سازه مسدود  
 او قلعه ناچار ذکر اوج اف و در تبریز جا نموده ارساله قرار و  
 تبریزه مافوقه بقیه غنائی الحاح بیان و ساطعیه و غلام  
 دولت ایران عباس مرزادخ سفایه اکران و محل مالدیه و صودیه  
 خصوصاً اقدام تاج ایدوب بدین حاجی مومالیه ارض و مه صیب  
 اوله و تکرار غنائیه طرفدین تحریک و تشویه اهتمام اینک  
 داعیه سیه اعاده و بعضاً خصوصاً در تفاهاتیه و افاده اوله  
 هر قسب می دبه شرعی زمان واحد تصادف ایندیشی لازمه  
 او بدین نزد عجزان مع سلم و مستم او بدین نشانی مقدم و  
 ارساله ابتداء اوج او امر و جدایات سازه در بشفه صوب عجزان  
 کوند و یکم و رفعت مانع بگونه درج و نظیر قسب یعنی بعد  
 ازجه طرفه ایصاله مندی ضمیمه اولون تحریکات حادی او بدین  
 مان او زره محاربه به انفا و اینک ایما قسبید مؤخر استه و قمع



تعبیه لفظی است و واسطه تخصیص مدینه ارسال ابتدای مکتوب  
عاجزانه می باشد باین معنی و عهد ایران توقیف ابتدای یکی او مکتوب  
هفت گشت است محاربه شروع افتد و در دوریه باعث ارتفع  
ذکر اوج و رفعت اسالی نهضتی شود ان حاکم مکتوب خان و مع عهد  
طرقه اناس است ایسه ده کار که اولی و ثانی فی و قایل آوردی  
سرکها منزه است برت نه و تار مار اولی و ثانی است اعانه  
مالت هفت گشت نه مخیر و سرکردان قاطع ایسه ده بعد المصالح اوج  
سنة کامله پدید بیرون و کسبه ایسه صفت و غوغایه اجترایه و ب  
طرفینه حدود ضابطه رونا اولی و ثانی تخصیص کمر عاجزانه او مکتوب

### مقاله

ارضدوم و صد طبع بر یک ماه مقدم ایات و قله فارسی و اولی  
کود مقدم و افنی مکتوب قضا و قصه روسیه طرفت  
چون است او مکتوب و دور عاجزانه مدینه بر هفته مرور و روسیه  
سرکها بقیع غافل ارضدوم اوزرینه غایت ایسه یکی شایع  
و فارصه افنی بیت و افق کوه و اوده ها مهاله وضع ضیاع  
اشام ابتدای خبر مکتوب اثری باعث و غوغایه و دور سرکها  
اولی و در عقب صوب عاجزانه مه ارسال پیام و صدوریه قادم  
جنان قیام اولی و اردق سرکها لوه صالح باش و مکتوبه  
مکتوبه و اثر و اندوده مکتوب اثری صوب عاجزانه مدینه سئاله ابتداء مکتوب  
افراغ اولی و مکتوبه مکتوبه صوب عاجزانه مکتوب ایسه اولی و مکتوب  
بود و دفع غوائل و مکتوبه یاز و مکتوبه مکتوب ایسه اولی و مکتوب  
ایسه هنگام ایول و مکتوب ایسه صوبه ارضدوم شد و شانه  
اشام و مکتوبه مکتوب روسیه سرکها ایسه مکتوب او ان مکتوب  
بود



بر و وصول شده ضروت ايجاب ايند که بر حده ضرب اولف  
 امتحان بوقدر بریده بود و ادوات و هشت انگیز ایند عک و اها لیه  
 ابراث و هشت ایلک و خصوص مذکور اعتماد اینست عبت نوعی  
 او بدین ظاهر در هر حال بود و ادوات غیر صحیح و ن صرف نظر  
 اصیاط قلعه بنا سدر دیدیم سر عکرت را به تصدیقه مدعا  
 ایدوب رفع شدا غلظت و هراس ایدید و الواقع ایک کون مری  
 روسیه سر عکرت معینه بود و اوله عکری اولی تفسیر جا نبه  
 عورت ایدیک صواتی شیع بودی مدت مرقومی بر ماه تجاوز  
 ایدیک استغاثت ایدیه اهان و تکالی اسبابه بنی نصب  
 سر عکرت غزل و مقامه عار اندر صالح باث نصب و نصیبه بودید  
 اندر افشار شرفیه کافه عرف شیریه احواله اولی اسباب نوزده  
 حوب و قال تدارک همه و بذل ماحصل غیبت ایدیک شروع ایدید

### مقاله غایب باش

فیه حد ذاته غایب باش مضرب بر مقتضای تجلی افرینش صاحب  
 رأی و زین و دور اندیش بر ذات ابرده کافه امور و در کار  
 اوله رخاوت و تکالی وقت و کاسه غایب و دایما عقیده  
 اعتنا به راجع تفرده طالب اولدیننده سر غیر ملوک شرف  
 جانیه واقع اولون فضا از جمله قاص می فقه سده قانون  
 داده مطلق بت کبی بر و لیر کجاعت پیرا و شیر کیرل مودیتیه  
 صرف نظر بیدوب جدول باش مراد اصایه افندی میر میر  
 رتبه سیه قلعه مذکور عرف می فقه سده احواله بیدر ثانی  
 صیت و شهرت لیر صاف سامعه اطراف و اکثاف یعنی



است عین حق باشد کجی بر وزیر جامع الاطراف افشاده غزل  
 ویرینه سحر احادیثی نصب ایلمیدر ثالثا محاربه دن بر ماه  
 مقدم مقام نفور و صلت اولان قاصد قلعه سن است در شعله  
 با نفس کند و غایت ایوب امری قطعه به صورت قیام و قیام  
 کوته مدخلید رابع ظهور شایسته سفاک شایسته شریه جانشین  
 موجود در سیه عکسیت عکسینه کد مکنی غافله سفره اوله روم  
 رد و دونه تحریک ارسال پیام ایلمیدر حتی خصوصیات مطروده و قیام  
 و دو کار او و سیه ظهاری باطنیه دو بروث و الیه افاده شمار  
 اندک ابراز تأتف ابی راجع رأف قول محرم صورت رضا  
 و تعبیت کوته دید مدفای شایسته محاربه سنی ایله مدد و  
 و نهایت رحمته مدد اولوب جریزه نقطه مالک هر حال  
 رفتار و گفتار و طریقه صد و سراده سالت ایدی و حسن عینه

### مقاله

سر عکرافه رشده و سپر سالار او و روی غم صالح بنای حضرت  
 ندرکات کثیده و عاکر و فیره به فریفته اوله روم مقابله  
 اعدایه مقامات خصمی کتخاری ابراهیم پاشا ایله باله تفاه  
 ارض و مع اقامه ترجیح اید کلک شاه اولدوق ارض و مع  
 اعیان خیرالدین اغا و عرغا و مفتی ادهم افندی و نامو و خوف  
 بعض دوانده مدافعه اعدایه سر عکرافه ابراهیم ارض و مع  
 قیام کوته و حق باشد حضرت ارض و مع خارجنده ضرب  
 ضام ایشام ایوب بدستال او زده تارینه اولان دشته  
 و ارض دست اثبات مدعا ایله سوزن قلب سر عکرافه  
 کجی و پنا



کچھ دھوپ ضیاط دیا دوزخی سرعکہ مدافہ کلے ایسہ وہ  
 دوزخ و نقصانہ **مصدوقہ** بعض اوقات بدکونہ قاب صدقہ  
 و صدایہ مبدون اوٹش ذوقا صالعبار تدبیر ہوتے غلبہ بقیہ  
 ابدہ و رخ غرغش اولوب مجر مدافہ اعدایہ عزیت اولوب  
 خصصنی شادایہ تعریف و ترغیب ابتکلم قوہ دوق سنہ زانچہ سنہ  
 اولوب بدی کئی ارض و مہ اتی ساعت مافہ وہ واقع صن قلہ کے  
 نام مجر واروب برق کورہ مورنہ زویہ نام قریہ منہ جابنہ  
 واروب صفایا رخ عزیت سرعکہ مدافہ صدغاندہ غی  
 زوہ سنہ شکار دوزی رینکہ معروف محسہ سنات ویردیکل ورتو  
 سرعکہ شادایہ داعیہ امداد و اعانتہ ضرر معرکہ کادزار اولوب قدر  
 شادایہ مانع عمر <sup>رینہ</sup> مبدون اولوب عاکر یکدی دقیقہ طرفہ کاری زار  
 اولوب صورت انزاع اشکار اولوب سرعکہ شادایہ تکرار صن قلہ سنہ  
 عدوت و صفایا رخ اور دوسرے صعبہ ایندیر ذرا بے علی گہ  
 و رسیہ عکس صفایا شادایہ اور دوسرے ہجرت ابتکلم عکس اولوب  
 و قال پریش اور دوق صدمہ شادایہ اور دوی سرعکہ یہ  
 واصل و غلغلہ انداز دھشت اوطین شادایہ مبدون معنی اولوب  
 عاکر کئی ارض و طرفہ میں و رخت و طرفہ شمنہ بغایت ضرر  
 و مجاہدین شادایہ ابتکلم با اضرور جانب ارض و عطف عنان  
 عزیمت مجبور اولوب بعد مغرب شہر مذکور دروٹہ داخل اولوب قدر  
 و جدہ مملکت واعیان ولایت کافہ صدوب عجزانہ عزیت و سخن  
 ادای جمیت اولوب بدو جملہ ابراز مانع اضمیر مبادوت ابیدرکہ



سه آتون و ادوب اهل طرقتن کفیل اوله روه محاربه به ابتداء اونی  
 خصوصه و اثر سرعک باش به است وقتاعت ویر موجود اونیون  
 عاکون توفیق صرف اراده همه بیداریدیم بگونه قی و قدرته  
 جده من وینه بینه و دولت علیه ابد فریه او غریبه جانت روه مرستی  
 اجرایه مرهبا و اعاده ریه دیوب ویر دکلا جوابدیه کور فقیر حضور  
 مژدایه و ادوب بعضی آینه کلبه نامه خصوص مذکور عرض  
 و اشعار در ملک مژدایه ایضا ضمتی بود که بجهان مقال  
 اولد که کچه دولت علیه نده مخرجت المنافع ارض و مره ذبانه  
 صلی موجود ایرده لکن مخرجت المصالح ارض و مره معادل ایالت  
 او طبعی سلم و باهر ریه و دولتی اجرای مخرج خدمت و عبودیت  
 این به هتک ظاهر او طبعی الحوب سجا قضیه منی بود دفعه  
 واقع اونیون کفیه ناکر ظهور ذات و دلکته موجب حصول و خود  
 او طبعی اطراف و جداب بدیده آتون موجود اونیون عاک  
 تقدیت ویروب طوب طاعتی و کرمه بی صینی بوقیه مظهره  
 دفعه ایتمت لوزم کلدیه است ایست غلبه قریب الیتمت لدر  
 ریه دن تفریه ضام ویر یکیم اولد ویر هر کانه ابتداء اونیون  
 بینه مذکور ده دفعه دارک اغدا و اخافه سیر خزیه و قدری  
 و صراف عکس معدن جابته قضیه فار و اریال اولد بینه بینه  
 و اهل نمایان اولد قله خارجه نقد عاک و اریه فراد  
 و درون قله موجود بعضی عکس و اهل بینه فار و قدره قرار  
 ویر و کلدیه ناچار حاجی عبد القادر او غلی عثمان اغا مشدقات  
 خانه بده اشیا نه ویرانه سنه و بعد سرای جناب سرعک به جمع  
 اهل



جمع اولوب اغای مذکور سر عکس ماث را بری علناً تحقیق جارق اینک  
 دوران جود سخن برای سر عکس پامال کوه اسافل اولمین  
 مصلحتی غای بر طرفه و دفتر دار مصفت شعار بر جانندن  
 مفتاح قلعه نسیمه صدوق رضا کوسه مکه تمام سوز ایا غه  
 دوستوب می دبه پیشرفت امر عید اولدیفنده شفه عاکر دوسیه  
 دهن تقاب ایدوب ارض و مه بر ساعده مافه دوه بدینی نام  
 مصنفه نصیب ضیاع و ارام ایدوب اها لیه بر قطعه مکتوب تحریر و می  
 اسیر ایتدی مکتوبی افی نه ارسال و تیب ایدوب مکتوب مطهر  
 عثمانی اغایت مانند دار الله و اوله خانه ذاع ننه سینه  
 قات و معلوم اولدوق تدسن دای و تدبیر هیچ بر وادیه قرار  
 کیر اولدیفندن با لوقه مفتاح قلعه نسیمه دوی نسیمت کوسه  
 اولدوبه ابحن ارای اتفاق اولدقدندن کویا شروه و عید و یقه  
 اجلاس ضمیمه صوب عاجزانه علمادان واعظ بشیر اقدی کوندری  
 طب او ندریده بدو ضمیمه جوابه نقدی قندی استماعینا  
 بیاعیه قبال و بیزاره حرب و قات مفتاح قلعه ارسال اولمغه  
 قرار و طرح عذر شرعی بولند فی صورت تسلیمه جواز و بر ط  
 علی و وجده بنده سوم ایله ناموس و شان ارضرومی هبا  
 انشوب بر دفعه غوغایه همه ایستند آینه جنت و جدال سیه  
 صفیه دونا اولدو که بنه مردانه صالح اولدو ره مرام اوزره  
 اجرای لازمه حاله کون بنین طب ایستند و اتم مرام و تیری طلعه  
 قلعه بدکاره نسیمه قرار ایله بنم بولنم ایا ب ایست



حاصلی کردم بوقین و قال فدا و اشتغال ایشان شکر دو سه  
 از خدمت خارجیه کشی کند تعبیر اوضاع محله ضرب ضربه قرار  
 آید که مزاجین و ساز ایشان غاراف و بغایه اجتناب  
 آید کردن کتیا و جوده و اکابر بین الناس ساقط عن اربعه  
 او طغنه و فتره دار افندی و حاکم افندی و عثمان اغا نام یادگار  
 منت بحرام مفتاح قلعه تعبیه اقدام و ارسال آید بیدر •

## مقاله

سرکشت را ببرد از خدمت خارجیه غزینی ذهن و تدبیر  
 عاقلانه بر رتبه تقبیح او نشاید که حتی هنگام غیبتش  
 الحاح الشیخ محمد راقی حضرت نیت استقبال قدم بیست روزی  
 بر خانه آید که حال حزن و انفعال در آن را ببرد شیع اصونه  
 رعایت آید من قله سن و درودی ضربی و فصل اول در  
 روسیه عکسیت حرکات و کنایه بدلتفیه قدیمی مشهور  
 اوله حال و اظهاره تطبیقه ای به دل اردوی اسوده  
 علی القله جمع ای به کنی ایما و اشار ضمت بر قطعه عریضه خزینه  
 مجید اولم یعنی من قله سنه ایرویه تجاوزه من و هوس  
 او تنیوب عا کر اسلم طوب و مرهات ار اسنه مجتفا ثبات  
 و قیام او زره اسونده مثال و رفته بیان قلمشید کنی  
 مژدایه هفت در وید و فکار بر وزیر ایسه ده روسیه محاربه  
 غافل او طغنه انبا و اشار او نشان کیفیت افاده و ثابته  
 او طیب صرف نظر آید در صید و شکاره کیدر کبی بر مقدار  
 و پیاده ایده زویه طرفه عزیت و محاربه به اعاده اولدوق  
 عا کر



عساکر دوسیه علی القصده جمع ایدوب با بر منوال شروع مستوفی  
جیش دیوان قضا ثبت جریح ایما اولونه اصکامه مطابعه ذیل  
حجت دعوی عا جرای می تمهید و امضا ایدی • الحکم له ذی الملک  
والجبروت والله غائب علی امره •

مقاله

**بیت** هر کسی از همزبانی شد جدا • بیزبان شد کرچه دارد صد ندا • هر کسی  
کود و مانند از اصل خویش • باز جوید دوزخ کار و صل خویش •  
مآبیده سوزناک از مننه و افرو دند و دمه پیرای و اسرنا ایده  
سینه جان اولوب تربیه زی سابه تحق و الدیندن نال برک اوی  
چشم ترار تشنه کنار جویبار وصل خویش و تبار او طفل دوصه زار  
وطنه نند و نما بوطن سینه بیگانه کی جدا ترک ریاض اوطان  
و دیار چه سنگش دیدار یار و آشنا اولدیفدن بو محاربه نصر تمال  
اقربا و تعلقاته باعث تدفی نفث وصال اولور امید و امید سندن  
بشفه تکین ناموس مدح و ست و محافظه شان عظمت داعیه سیده  
بقدرالرع و اومکان قوت و فعلد جانسارانه هت و غیرتی  
واجبه دقت حیت و دیات بلش ایرمه **مصراع** تقدیر خدا  
قوت باز و ایده دقت ماصدق اوزره اسباب مغلوبیت مدوظه  
ایتیکیم مواد که سر عکس ارض و مدن خارجه عزیت ایتسندن  
عبارت ایدی مثالیله افاسته وار قطع سر دشته امید  
قبول ایدوب تدقیق قصصی استی ن و خارجه بقدره و رکاب  
اولون وضامت و مخطرات بیان و در میان اوله روم بر قطعه



اصول اوزره باب عییه و برقطه عریضه قائمقام فصولی حدیثا  
 حضرتیه و برقطه ورقه دخی خزیه و کلبه بشرایا به و دیگر مکتوبات  
 دخی اسبیه و مرقوم کتبی بحسب افندی صوب عاجزانه مدتی  
 نوبت و تیسیر قنوت هنگام محاربه به قدر بر مقتضای قدر قبول و غیر  
 قبوله را از حد و غیر جواب و اراده ظهور را تمیزب <sup>حاصل</sup> از امر  
 در سعادت و درود مع سرک پاشانست از ضرورتی خارج عدم غریبی  
 صبیحه ارسال ایدیکم معروضات بود و نعم جواب و اراده صادر را اولیانی  
 نه اسباب و نه حکمت بنا قندی ریو قائم مقام ثانیه حضرتندست  
 سزاوارست را اولیانی بود و ضرورتی جاری مکتوبات عدم وصولی  
 اضداد ایدوب سار رسیدن کذاست بنا علیه صوب عاجزانه مدتی  
 موصی معروضات او بود امام علیهم السلام شخصیت تحقیقه مبارک او توفیق  
 تحریک طفره اخذ ایدیکم از ضرورتی روغی طراز و نا  
 قضا سنه واقع خانه سنه کلوب برای کون مافرت اوزره مقیم  
 اویش بعد قریه اهلبندن یکی تعداد بر برجه غوغایه تصدی  
 ایش مذکور اسم امام علی بیان ری تفرجه و اصدومه مبارک  
 ایدراکینه اند فلک قدرتون قضا و مرقوم طوقب و رحال  
 ارتحال و اوبقا ایش و مکتوم صیب کتان ایشیکم او را قدر و اود  
 تنف او طفله قرأت اولندب فتح اولندن قاطش او لیس کیفیت  
 صوب عاجزانه مدتی مرقوم اعدون اولندی • **بیست**  
 دل جوری کوه ذلفی مریلی • تا بود اعلی قالدی بو منوال اوزره

**روسیه عریضه سقیج غریبه ارض و مه خیر**

**ایشیک قائم مقامی**

**رویت**



دولت قویکت روسیه نه داض صوده حکومتی اولون ملل  
 مختلفه و با خصوصیت اسلامی نه امر دین و دنیا ریه مدافعه  
 و معارضه اولمیشد. حکم تابع اولدینی شریعتیه میسینه اجرای مراع  
 آیینیه و استقامت ایندکله کافه عالم و عاقلانه معلوم و بود و جهل  
 سر دخی بود کار به طوعاً کونده انقیاد و اهانت اولور بکن  
 فیرا و اولور فکزدن بوامان نامه به اعتماد اولمیشد صورت مختلف  
 و عناد نمایان اولور چکه عامه سی و غارت اولور بکن یقیناً مجر و مکر  
 اولدوق عاقبت دق و مرگه مبار دکن و اینه و شکر اولمیشد  
 حاصلی معلوم بود دفعه ابراز و تسبیح ایندیکم اما نامه به انتیت حاصل  
 اولمیشد غوغایه مباشرت و اجتناب اولور بکن هنگام ضلالت  
 و قانع سی و ضایع اولون صبیان و نسوانک بوم میزان و جزایه  
 وزیر و بانی سزای عائد و راجع اولمیشد مضروب بصفه مسؤل  
 قند بکن کفیه عیب اولور جهل ارجاب و اقضا سی اجرای سرعت  
 و مبار دق ایستادن زیرا بود کونه استدار و فغان تکلفات سفریه  
 مقصود و مراع قصد اهانت مت اسلامی اولمیشد مجر و شوکت  
 ایستاد و بار شام مضربه شوکت سلطان محمد و مضرب نه  
 میان ملوکانه رنج واقع اولون مافیه ده صده طرفه اولدینی  
 عامه جلایانه اظهار و ایضاً مجبور بکن عبارت در حاصل  
 بد ضحوتی حاوی ارسال ایستیک مکتوبک ما معلوم علم اهالی  
 اولمیشد زانو در وند شریعتی دکن فانی اولوب دران  
 قنده مذکور مقاصد ارسال و ایضاً مقصود قرار ویر عیب



قریب شش ماه محرم الحرام بشتی یوم خیس ساعتی بچشمه  
 عاکر دوسیه داخل درون شهر اولوب کذاک یوم سطور  
 ساعت کزده ایچ قلعه دهن نسیم او شفق سراسر عکری به  
 و ایجاب ایدن محله غفر و پاسبان نصب و تقیبه اولوب  
 اولکجه تا بصباح تحین دوق بیت مقداری عکر درون شهره  
 دوز و محاطه به مشغول اولوب فردا سی هرکس تجارت و عبارتیه  
 شروع و مداومت ایدوب صلوة جمعه بهر حال اذن غایبه بود  
 اولدیفندن انکضی ادا سنه رفعت ویردیگی و اولدیرایله اعلون  
 و شایع او شمعین دفع غداثره ها شده ناس و دفع شواغل خوف  
 و هاس اولوب هرکس طبعی مجبور اولدقد اشغال و اشتغاله  
 قرار ویردیر.

### مقاله

اول و آخر باطن و ظاهر دوسیه دوسته صوب عاجزانه مدن  
 و سمر مرتبه درکار اولون مخالفت و مغایرت اقتضای عامه  
 ناس است اعتقادی نامو الخ و فکری خصوص و بدینی بروجهر ممکن  
 اولور مواد و کدر مقابله ای سنه ناس تفوه و دور و تنقه  
 ایدی فی الحقیقه اسفار سابقه و بوضع ده دولت مث رایه صفیه  
 ایت را و نشان حرکات و افکار عاجزانه نظر اکر بیان زلزل  
 حیاتم دامن صبح قیامت قدر دست عذر و محنتن وها بوطاز  
 فتنه اولوب صفیه دوسیه دوستی سرک طقدن صن مصلحه  
 و رعایت بروجهر خاطر و ضیایه فطوره ایت ایدی حتی فرشت لب  
 ارض و مه و صدف ایران و کیندن قایق اقدی قرار ایدی  
 و یا خود



و یا خود برونه سیدر سدا لک استماعی دخی اثبات مدعی یا س  
 و نذات اینشیدی بدانشاده کرجستان امراسدن بر شخه معتبر  
 بد کونه ایصال خبر صحیح اوثر اظهاریه ابراز مرام ایندی که انون  
 تمام بکرمی دوت سنه در دوت عنایه به خدمت و دامن در میان  
 صداقت اینک اودینک معلوم و محکم در کار اولون عنایه بدینی  
 کاهی بخیر اوطاف ماضی دوت ماه مقداری دوت دوسیه به ماضی  
 اودزه غایت اینک مطلوب در مدت مرقوم دوت دوسیه نیک  
 معامه و تطیف بکرمی دوت سنه طرق دوت علیه دن تا اولدینک  
 تطیف و احسان معادل و یا خود زیاده اولورجه بعد ترک محنت  
 ایدوب و یونیکه اقامت قائلدر و الحی ص صنا بکزی غیر بد کبی  
 اید و تکبر ایلمت دوسیه دوشنت شانه لایحه کیفیه اوطافیندن  
 مجرد و فتنه غایت خصوصه قار و پیشدر دیه دوح جا یکیمه  
 ایندی که مرامی ساهه تقیر و بیانه کندوب رسیده غایه فت می  
 اودق کارگاه تدبیر و افاده به بومندال اودزه تار بند و تقیر  
 اودیکه بی الاقعه چند روز مقدم کورب و کورمیکه اقبا و نسفا نیک  
 مقداری برادر ص ص بای طوقن صوب عاجزانه اشعاره فتندن  
 بشقه و یونجه غایت خصوصه دخی هزار ابرام و الحی ایلمت و نبدخی  
 بر مقتضای بشریت آرزوی همدای وطن و ماغ جانده تاثیر اینش  
 اودیندن غیر بسفوح غافل دخی بدو وجه مقدم در کار اولون  
 اولون رعایت و احرامی ص مبا لفه بی تجاوز اینش اوطافیه خصوص  
 مذکور هر حال صورت رضا و نسبت کورمیکه لازمه عهده



ان ثبت است در ممالک دولت علیه طرفین مراتب دوی  
 مفلوبیت کوه سردی بودند اوزرینه بنی و یونین طرفه غریب واقع  
 اولدین صالح بود حرکتی است بیضا اسود میاتر شایع اولعب  
 ای اخلاص سر و پیش تجارت اوله جفدن ماعدا حله خاندانه  
 اسباب که زلفت اوله جن با هر اولدین محتاج اثبات و برهیه و طبع  
 بد دفعه بتکلیفدن صرف نظر قفسی سند عادر زیر دولته صدق  
 اثباتی اوی دیوه احتیاج و رعایت و کدر بعونه قضا عهد قیاس ملا  
 ارون صالحه ضمیمه نیت عقیده دولت علیه طرفین مآذوناً و یونین  
 طرفه غریبه عهد ایتم ایمان و التماسیه اعاده و نظر دفعه قصص  
 مذکوره دائر صادر ارون کیفیت جدایست ایزدیه بعد استیو  
 تمام یکدیگر کوه ارض و در اقامت اولدین بر کوه قباله **مقاله**  
 هر چه بار اباد بفسند هادی کاظمه • و تیرکجه اوتوز قوه نفر دفعه  
 بد اذن و رضت بعد مذکور دن قس رابطه اقامت و ترجان  
 قضای طرفه غریب آیدرب اثای طرفه ندره مباشرت اولدین  
 فراسی قضا مذکور یکی اسمیر بکات قونا غنه قش باص  
 استراحت اولدین اطراف واکان فیه بعد ارون دره بکله  
 و میر میانه بعضی و صایای ضمیمه و تیرکاف رینه ضمیمه نشر  
 صداوت فرج و ایفا ظله صادر اولدین ان است نکین  
 قصه مکالمه دولت ایران خت منقعه امور عزان ماس  
 نتیجه بکان بکان کشید صی بفا بیا قنور و الله کند فیه و اوتام

### مقاله

دوسیه عسکری ارض و می بعد استیو ورق کون و دره عسکری  
 و دره



حضرتی و دفتر داری و میر میراندن احمد پاشا و عبدالله پاشا بی  
 در و سنه دعوت و بر قاج کون مافوت او زره طو توب تفسیس  
 جانجه ارساله مبارک است ایوب حق پاشا حضرت بدعی افندی حاکم  
 دوزی نام محمد دوست و ارسال او تفسیر و دانستن مشاوری  
 ابرام متعاقباً کوندر یوب هنگام صبح به قدر تفسیر اقامت باشد  
 ایده حیدر مافوت کافه اسبابی و تفسیر نامه التماس و استعاضه ایوب  
 و ذرا و میر میران و دفتر داری غیر بدعی رفعت و بر یوب فقه سطور  
 ایوان ذواتی مخصوصه فصوص و و تفسیر مباحث نه کونا قرار گیر و لو  
 اول وجه هرگاه ابتدا اول و در به در ابراز صورت مدافعه ای در  
 جواب و بر دگر نامه خوف بوزینه اسباب میدان مقال اولد که  
 قدانیه دولت و کسبه معلوم و مضبوط در جناب کون سرکار عذاییه  
 مقدس رضی الله عنه مادامکه دوستی که اهرامان اقصای تفسیر و تفسیر  
 بهر حال بر افسر محبت دولت آخره اعطایه مقتدرین بدو صورت  
 و جان عذکرده مرغی و معتبر اولدیندن قبله قرین اولدی و کمال  
 رسیدن سرحد ضام اولدق اولنقه نام جهان جبارال کیفیت  
 افاده بی تقریر و بیان ایوب چهره و تفسیرده اماره حجاب اضطراب  
 سنان اولعب و ذرا و میر میران و سائر به کافه اذن و رفعت  
 و بر یوب رضی الله عنه و عیان ایوب بی احوال هنگام مذکورده  
 تفسیر طرفه عدوت و و صوفی عامه اسراعه و ذرایه و فیض  
 و بر یوب صوفی صوابهای مراتب اسوده راهی ایوب مخصوص  
 و ذرای عظمیه و ذرا التماس و تفسیر مافوت اولدیندن عکس  
 ثالث عثمان پاشا حضرت افاده و اخبار ایوب بدو وجه



و در سعادت از لایحه ایما ایستد بکیم. دولت علیه طرفین مضمون طلب  
اولین قیام عاده و ذرایه اعتماد اوینا و دیر رخ تأثیراتش ایستاده  
دست مرقوم چند روز مرور رخ و ذرا و اسرارند فارص و صول  
صداوت اعوان اساعه اولندی حتی دولت طرفین عثمان باش  
سراحت اوینان قائم نام مانع بدکونه افاده مرام اوینان بیکه  
دوسیه دولتی است و در دست ارباب و ذرا و اسرارند خدمت  
دار بر صورت سخته نام استخوانه غیرت نام کونست سینی  
و نیش ایستاده مضمون مذکور غیرت عا جرایم و سبب ساعه  
ظهور اولدینی افاده اسعاده بحکم مقرر بید و بدینی امور سفیر  
واقع و در کار اولون کنه و خطای مانع اولدیک

### مقاله فهای صالح باشا

سر عکس جانب شرفه صالح باشا حضرت بنده مقرر اولدینی محاربه به دار  
وساثر حیدر و قوه کلون فهای بوکونه ثبت صحیف آثار قندر که  
ابتدا شرفه دفتر داری عارف اقدی حضرت به امتزاج ایتمید ب  
عزلی از لایحه ویرینه کامر زاده کبی محول و مقرر و شورش اشنا بید  
نایبای خدمت مذکور تعبیه و ابقایه باری اولدینیدر **نایب**  
دفتر دار مدعی الیه است از ضرر و مصلحت حرکات نامرضیه به اجزا  
واجب و عدم معالغه دن تجاوز ایدوب حالات ناسزایه ابتدای  
فی هر وهوب ایدوق دولت علیه به بد از لایحه و بار بیک نفیض و  
مذکور ده و کوی دوشی اسکانه مقرر اولدیده و در آن طریقه ایستد بیک  
اصفا و جارت ایتمید فقیه محرم و دولت دفتر دار نصیب  
بید و سیه مرقوم عزلی تکرار در سعادت و کبر و امید ایستد بیک



**نات** موجود معینی اوون عکرایه ارض و مع افسته صوب  
 عاقرانه مدن و کار اوون ابرام و الحامه وقت واصفا ایندیکید  
**رابعاً** هنگام مجاری ده طوب و مهانی برابر الطوب و وسیه عکری گبی  
 بر لک آتش فشان او ز رینه قریب کیت عنان ایندیکید **خامساً**  
 مدد معینی اوون عکرون جنت او و کزین بر مقدار عکری صوب زاده  
 ابراهیم پاشا معینه افراز ایدوب اضی طرفه ارسال ایندیکیدن بشقه  
 وان منصرف میر میراندن تیمور پاشا یا بایزید او ز رینه مددرا کوندر  
 جمیع عکری تقه و بر یکید **سادساً** امر جهاده اقدام و اهتیم  
 اوئی خصوصه کافه اسلحه مشرک اولدینی با هر و هدید الیکن  
 اندر سفینه اصحاب و آئی و تدبیر ایه مشورت ایندیکید **سابعاً**  
 محاسبه دن چند ماه مقدمه روسیه فرم ثانیه عقد و فاسدن  
 عاری صورت بشده بر صیدان نا همداری سفارته قسید  
 و اسرار مایه ماهیتی بازار اعداده زیاده دوشی و لول شترها و  
 ایندیکید هنگام مذکورده جوضه می صفی پاشا حضرتیه نسبت افغان  
 خط فقط انزاع او روی سر عکری عقبنه ارض و مع طرفه غزین  
 بر مقتضای تقدیر تشیر و امن همت ایندیکید فردای روسیه  
 عکری ساعت ایکه مشا و الیرایه تخصن ایندیکی محمد هجیم اینکلم  
 معینه موجود کوف عکری بدو عجب و قال مغلوباً و ارا بتش  
 اولطلم کند ورنیت اسیرا طه باعث اولد قدیر عکری مشا ربه  
 رحمت الله علیه فی الحقیقه امیه و صادقه فعدت زبیه امراض صافه  
 مانند طبیب خاذه مقدم و فعال قس و آئی و تدبیر که و کار دیده



في هذه ذاتة بر شیر سجاعت اشغال ابدی رحمت الله علیه  
و تجاوز ذالک عن سیئاتنا •

### مقاله مکالمه دولت ایران

وقد عهد دولت ایران عباس مرزا طرفدین سرکد صاحب با حضرت  
وصوب عا جازانه ارسال اوشان نامه روح مال حاکم بر سرینه  
دن خان و کلا برده **صع** سدیداده و نالند و ضلعه بدو اسرار بدین  
• و تیرگی به بعضی موقوفه به منی مراد ثابت صحیفه بیان او طیب  
و ربه جیب کتان اوشان مودی حاصل نامه ب تا صوب  
عا جازانه عیان و بیانه شروع ایند کلیدن ناشی و عهد  
نامه سه جواب اوطه او زده بود و جهل خامه جنیان سرعت اولی

### صدوق جواب کور

تشیخ بنی دولت ایران و وضع سیاه دق و از عان اولند فده  
دولت علیه ایله هب زوی معانعه کردن اتحاد اوطه اماره و عدوی  
عرو جهت جامعه اسلامیه دن طیان و نمایان اوطفیه قصد  
مذکور و مصلحت مباشرت اولند یعنی خارج حدود خاقانیه ده واقع  
الویه و بی قدر مصروف و با نفوذ شده سرکد حضرت ایجن  
ادای عقد مشورت بعد در دولت ایران و اشارت اولند مارالند  
اتحاد صریح و میادنت صحیح و ارکید اولدین صدرت است الله اطفال  
دولت ایران قیام و ثباته اسباب قویه اولدین و ارسته قیه سید  
و تعریف اوطفیه و کندی دولت ایران با لفا بیان مواد و نوزمه  
اطرافیه مطالعه و در میان ایدو نتیجه رأی و تدبیر نه کونا و ارکید اولد  
طرف جناب سرکدیه و صوب عا جازانه رفیم و انشاء مباشرت ایجاب  
س



شش جاناتاب دولت عمیده عثمانیه ایده دولت فحیده ایرانیه میانه  
 حائل اولون سحاب تردد و غداش اصیاطی هوای لطیف تدبیر  
 و پذیرایه مجلی و برطرف ایست خصوصیت هت و دفعه اولنمده  
 ابراز صورت اهل اولنیه کسکم •

### صوب کرم جواب منای ایران

بومرجه تقیر اولون مواد ضعیفی زماندند و جا بکیر ضعیف و صلا دولت  
 ایران اولوب بوندن اقدم خصوص مذکور اطرافیه دولت عمیده عثمانیه  
 ثبت رساله مطهرتشی و منج اولدین فداش طرفین مسطور اولش  
 ابرده دولت عمیده خصوص مذکور ای بغداد و ایسی طرفین ضعیف  
 استقامت ابدید وائی مشارایه بعض غرض و اسبابه منی خدوف  
 ماوقعه بی انرا و اعموم ایتمکین بوصولت ضیاءنجام ترک و تأخیر  
 اوطفه باری اولش ابرده جنابری مدالقم مصالح شرقیه  
 خاندان زاده رندن اولوب بیه اوم غیرت و به بین اثبات  
 وجود و مدعا ایتم اولدقدندن همدار ابا عمیده دوستین  
 علینک صمیم ضیاءهای اولدقدن هر و زانک امنیت طرفین  
 باهر اوطفین ماصن اقصای امالی ضیاءها و عاقبت  
 اندیشان اولون اتحاد دوستیه و اثر مرآت خطر رن جلدونه  
 بیدریون رای و تدبیره صورت من رضا کدستریدگی  
 نمایان اولدق بوصولت ضیاءنادر بر مقتضای وقفه حال  
 حصوله سرعت و ابتدار اوله •  
 مفاده اتحاد و اثر نامه رعیت در روز ۱۲



مع عهد دولت ایران عباس مزدطرقون و بالنفس اریکه نشین  
 تحت کیان فتحعلی شاه حضرتند و متعاقباً صدب حضرت عسکر که  
 و صدب عاجزان به ارسال اوطح نامه رندن بشقه ل تا شمارند  
 و فی ماله و دولت علیه ایله سفر و حضوره اتحاد و اتفاقه تشدید  
 ساعدهت و غیرت ایینه حکمرانی و الا افران زمان حضوره مذکور  
 بیه الدولین محکم و استوار قلوب اساس بنیان حب و خدمت  
 عداوض شمه و رهنه کردش و وارون مددکاری هایت معاد  
 تدبیر جانی اینده مصون و پایدار قنده روه مرعی و معتبر طوطی  
 حتی مع عهد رینه دخی دولت علیه طرفین براف عی و ریطی  
 عداوه اتحاد ایله حکمرانی شرف طرف سرعکردن قلم انندب  
 نامه رایحه معاً در دولت بهت و اشعار اولندوق صدب عسکر که  
 و دور ایدن مکتوب قاتلک فخره

### مقاله قال قائمه

مدال قدیم اظهار و حرکات دولت ایران ایام مختلف هدایایی  
 بر رنکه هدایا و اوطافین مسلم اولی اوجبار اولدیفندن  
 بشقه قصص مذکور اخروجه اودرینه عارض اولو کیفیت  
 و با خود طوطی اولون بر فایده نوحاً ترتیب مقدمه رسته  
 فلم اوتش اوطافین بوکونه میدان ابراز کند و کلری صحت اتحاد  
 زبانت مزملی ایام زاف البین بر بدشاه و اودر عظیم به شوق  
 اوطافین اصول قدیمه دولت علیه به مغایر اولدیفنی بیداری و ظاهر  
 اوطافین ذکر اولشان مدارج قبولی و کواستماعی دخی عند المقادیر  
 تجویز اولندور کیفیتدن اوطافین باهر در با خود بر دخی  
 ملت



ملت بیضاء است و به دن معدود اولدین شرفه بنی نقض عهده  
مباشرت و دوسیه و دینیه محاربه بر تکرار عزیمت ایدرز ویرایم  
کیمی سنه ده واقع اولان مغلوبیدینه بوادعاری منافیدر حاصلی  
کندم بود وضع نایجا ایله بیرپرده مزجات قیل و قالی قرطه بنا کوش  
قبول و سماع ایدوب تکرار قالد و قلمه الکر ایجاب ایدرایسه  
مفکده اتفعال شاهان موجب اولور ندیجی تیه بدو قنیه و بدو  
موجب تکدیرها و مارا بیان موادل بر وجه شروع قبولی فائده  
و عدم قبولی تلکون ایدن فاد و ضرری بیدر خط مشا ابرای بود  
تحقیق اینک کرون غیرت عاجزانه کران کلکین صوبه جازان  
نقصین ماحضتیه قلمه النان تقریر بود و جه ثبت صحیفه نظیر

فصل • صوت تقریر تحریر

بدرجه بر ابوسیمه نیت بین الدولین مصلحتی اجرایه مصلحت اولون  
وزرا و خدمه دن ابتدات همه ایندکله فائده و ضرری استماع  
بر له ایجاب بعد اظهار مصلحت و فنی در میان اولمه و انکار کور حرکانه  
نقدی قنیه و نیت ویدی اظرفیه بنات بوزمه مصلحتن ایدر  
مضوض مذکور بیدر خط کلیا دو و دیو بایع در ماعی س اولدیندن  
ناشی اجرای مرام عبودیت مضمع سالف ابیان موادی عرض اولان  
واجبه زمت رفیق اولدر اوند بوسال نصف اشتغال واقع اولون  
سواغل تارید و غوازل مدمع سفریه غیر عیدر ظاهر ایکن یعنی  
بر دولتی بوسل و قدمات ایران دولتی مانند بر حکومت اولدیوب  
مجدد ملت اخرون بر ایالت اتحاد و اعانه فواید کثیره یا حاوی



اولدین بیهوش و باهر اولدیندن غیری الیم تربیت و تربیتی  
 خصوص کول عریف چاکانه بیوریدون مالد شرفه امر جاده قیام  
 و اقدام اینجمله ایران دولته اتحاد و برادری صالح سره  
 حاصل اوله صفتی می طعم اولیای امور بیوریدون محذور آخر به کندن  
 صرف انتقاد بیوریدون ذکر اودنان اتحاد خصوص ضابطه عکریه  
 وضعت شیان و سزاوار بیوریدون امر مع ساعده عالمنداره  
 سرعت بیوریدون مقتضای مصلحت اولدین مصلحت اولدین اولدین  
 امر اوله امر کرد بعد ذکر اودنان خصوص طرفیند سند و به  
 اوله اودره وضعت و قدر و بر طس ابر ده بر مقتضای اصحاب  
 قضا و قدر وقت و زمانیه ایران دولته خبر و اصل اولدیندن  
 کان لم یکن شیا مذکوراً و مزینه نظریت پیدا و نمایان اولدین

### مقاله

فی الواقع ایران ماده سنه ظاهر و کدی دولت رای و تدبیر  
 برین اولدین مالد عاقلانه ابر ده بعض تربیات غریبه ند  
 افترا حیده تصدیق اینده ضمیر ایندیک صورت و سببه ابر زانیه  
 از هر طرف مالد شرفه غوغایه مجبور اینکی پیش ازاده و غیرت  
 اینتسیدم بنای عید خصوص مذکور اطرافیه ایضا مه اجت را و نیمه  
 عرض اولدین اول امرده طرف دولت علیه دن آیینه مراد صورت  
 ساعده کدست طیب بر مدت مانع عقده تعلیمه اوطس و مع عریه  
 باعث اشتباه و کفیه اولوب کیفیه حال صوب عی جازان مدن سوال  
 اولدیندن بالضرور و بریدون جواب حقیقه اشتباه

### مال صورت جبار

دولتین میانه منات پیرای استقرار اولون اتحاد و تفاقه در  
 و قیام



وقد عات سخته نه کیفیتی کما هو صقه در دونه عرض و از  
اولین و وصول خبری صوب عکریه اشعار و انباشتن  
اولین ذک او نشان مواد بر مقتضای قانون حطت سخته مجلس  
شوریه احاله اوله غایب عظمای دولت به نظر نیک بود که  
صورت رأی و تدبیر روندن و چهره کش اولوب یعنی از جمله  
دولت فحیه ایران محاربه دن منع صورت ابراز اوله  
**علاقه** اراده قاطعه سخته مخالفه و تشویه ابتدای حاکمه  
قد این دولت مفایرت این اولور مدینه خاطر گذار اوله رفه  
بر مقدار خصص مذکور تأخیر و دوچار این شده بواسطه رفه  
مراج ادا و صدور این تأخیر این بر مقتضای خبر فواهی  
بعض و صابای خبریه نه افکار و اشعاری تمام صحت  
و انقضا اوله تشوی بدو جهاد افی زار درون صقیفه مشون  
اوله که دولت علیه نه سایه صاحب شریفه دول سازه اوزینه  
شرف و زحمتی نه و هودیا این روح معنی و قد عاتق روسیه  
دولت طوقه بعض تفهات بود بود دفعه واقع اولون تکلف نه  
نقض عهود و میثاقه باری اوله یعنی اقتضا ایدر که هبوط آمدن بونه  
قدر کافه دول دامن شان سخته در کشیدن بری و میثاق  
ایم کد خط معاد نامید که دولت با الیه سخته تفهات  
عبارت در حاله روسیه دولت محمدن خارج و بعضی  
ضمیمه در دست حاله عاریه اولین علی حال بوماده روسیه  
روسیه عده فریب محاربه کما نتیجه و برهان دولت علیه طرفه



مترقب اولیوب ال بر لکیده مندی ضمیر طرفین اولون مخصوصه  
ابتداء اولونسی نوزمه دندر •

### مقاله

فوالواقع دوسیه دولتی سفیرینج پای تخت دولت ایران طهران  
مکن اولدنی خانه اهالی طهران و اثر امارات احاطه و محاصره  
ابتداء ایدوب توابعاتیه اعدامه اجتناب رینج اسباب تحقیق  
مبارکت و صقیقه حاله احواله نظر دفعه اولدوق تفصیل و قایم  
کریستانه و قمره کله بیان قنات انعام شاه طغوز تاریخچه  
تقلیبی ضمیمه و غیر و اهلیتی پای بند زنجیر سی و اسیر نمیشدی  
و اسیران تقلیبی نفس طهران اولود و عیال صاحبی بونانندی  
متمردند و بیه دلج لوعا و کرها اخذ و حبس اینکله بوکونه  
اصول دوله مفایر اولون اوضاع ناسازدن کفاید جرات  
ایتمی امرنه و کلدی دولت ایران طرفدن تنیه و اعتدال اولوش  
ایسره کارکر اولیوب قطعاً جمع قبول ایله اصفا ایتمیکندن  
ناشی غیریکشان طهران بودجه و مفرورانه حکایت محض اولدوق  
و سیدکار و باسرخوان فحوسیه مارا بیان مواد غیر واقعه  
تشریح دامن جمعیت ایلمشدر و الحقیقه مخصوص مذکورده و کله  
دولت ایران مخیر و صیران اولوب سفیر قتنه و اثر مدافعه  
اولدنی یقیناً تحقیق کرده عافران اولمشدر •

### مقاله

انفا کشیه سله بیان قسطنطنیه و وجه اتحاد مخصوصه دولت  
عیه دامکش استغنا اولدوق تکرار عرض و انرا اولمشدر

عندم



علاقم قبول و دنیا و وطن را برده طول زمان که بچوب حتی طرف  
دوست علیه دن تحریر بیداریدن سند بعد التمهید او جهاه مرورنه  
ارضه و مه واصل اولوب حامل نامه تذکره اول طیبی افندی هنگام  
وصول او در روی اسلحه صورت از تمام کوه مشیدی افندی هوای  
ع **رجعت مد الفیت بالویاب** مضمرن کویان اوله روم جنب  
استانه به صورت و شتاب ایدوب الا طاش الله فراده همت  
ایتشده

**مقاله**

بد کون بدل ماضی مقدود و صرف نقدینه کجور اولن رشته طول  
اصل وضع مندان تقدیر غرض اول طریقتن ناشی در دونه اتحاد  
نامه نکت سرعت ایصال دفعاتیه ایما و اشعار اولنشی ابرده مانع  
عقب تردد اوله روم وقت زمانیه واصل اولوب بنای علیه دوت  
ایران روسیه دولتی طرفه میر و رغبته ملکا و مصلحتی کجور طفل  
از جمله مؤخران غنائی تخصیص مدت ایدوب کار به شروعدنه  
و اثر ارسال و قیام اودان مکند عاقرانی تبریزده توقیف  
ایستادیه بنائ و دوت مذکور امور کار به تردد و نقدینه  
باری اول قلدندن **بشقه** و عهد طردن ابراز ماسم اخص صفت  
او غلی خرم و مرزای کوندوب مارا بیان سفیر قلی خط اولیقتی  
ابنا و خصوص مذکور دن و ولایه اصل و دکار اولون اغبار و انفعالی  
نداخته تا حقه نیان ایتلری دجا و بیان انیش اول طغیان مرزای  
مدی به تفسیه وصوله بر جنرال رحماندار نصب و تعیین بیداریدن  
روسیه ایچا طوریه مدی ملوک التماس اودان خصوصاً کافه صورت



صورت ماعده بیدار اولدیفندن ماعدا دولت ایرانده بیدارده  
 اساسی عامه ناسی داعیه سیده وضع اساسی بنیان صالحه اولدوق  
 تضمینی تجارت و دو ممالک و مصروفات صریحه ایچون ایران دولتی  
 طرفدن روسیه دولته ایجاب ایدن دوتیوز بیلک کیه ای قی دن  
 باقی قیون یتمیش بیلک کیه مبالغه نفقته تزیل و نصف دیکرینک  
 اراسته بئسته دولت و بیروب مرزای موسی الیرای انواع اکرانه  
 تطیف و تحبیل ایدرک عدوت ایندیشر ●

### مقاله

سالف الذکر اتحاد بر وجه مراد قرار گیر اولیوب عقد تأخیر و تعلیف  
 دوچار اولدوق دولت ایران مانند سیف دور و روسیه دولتی  
 وکود سنت تحصیل رضا بین آرزو ایدرک دولت علیه ایله ابرار  
 می صمه و مفایر نه برانجه اولدوقری بین الناس باری اراصف  
 و گفتک اولدیفندن بشقه وان ایالتیه واقع قطور قضا سن  
 ضمیمه واستید ایدرک خبر موش اثری ایالت مرقوم منصرف  
 نیور بان طرفدن صوبه عکله عرض و انرا ● دادره الطیفه  
نقده اخیری قضیه دو نما وطن ابرده قائم مقام مع عهد مرزا ابو  
 القاسم طرفه صوبه عاجزانه مدن تحریر و انبا قلوب ایام و حاج  
 ایتیکیمه بناء ذکر اولنان قضایه کویا قضاء کوندیدون عکری  
 کیرویه اعاده ایندیروب تکرار طرافت نوازش و تواضعه دی  
 اعتذار کوندون برکنده بی خیر و قیایتمشیک

### مقاله اتحاد

في الواقع دولتين مابین ایجاب ایدن اتحاد و دائر وکلا طرفین  
 بعد



بعد زمان و قدی تحتی اولان عدا صانه لویضیه دق و از هر  
 جهت نقشند لویه اتحاد و اتفاق اولد قری خصوصاً مع صدق  
 فوائد مطالع وین علم البقی اوطافیه او مثلاً امد و عظیمه و دایره  
 اشتغال او زده اولوب بیرده تفسیح اوقات ایتدن لیر بطرف  
 اوطافه اصن و البیه اولدینی ظاهر و هویداد و زیارت ایران  
 اتفاق مزاجی دولت علیه ایله دفعانیه در میان اینستدایره  
 دولت مازالیه طرفدن ماعی او نمیدنی اتفاقه دایره بعضاً مذكور  
 و مخاطرات مملکتندن بشقه اون بشی سنه تاربخندن یکم میسنه  
 تاریخچه کهنیه قدر ایران دوتی دولت علیه امر اتفاقه زنجیر  
 و تکلیف ایدوب از جمله روسیه دولتییه دولت علیه هر نه وقت  
 محارب بولنوریه بزرگ دخی محاربه به شروع اید و از اعرارنه  
 اولوب یکم بر تاریخ روسیه ایله واقع اولان ملامت خریه ده  
 شروع جانی عکس مصلح بدست ضیا باشا حضرت طاقت محاربه و  
 کز ماه مقدم ایران سفیری کلوب شروع جانی به باو اتفاق  
 امر قائله فار و ریوب تاریخ مذکور افریادنه عکس قائله  
 ایران اتفاقه فریفته اولوب تدارکات لویضیه یکم  
 اولمیدوب فار قتل سنه غریب و اون بشی کون اقی مذكور اید  
 نام زهره روان حدودنه روسیه نه تحصیل و نظام ویرانی  
 کوی نام فریه اوزدینه غریب و ایران عکس صین خان دخی  
 روان ایالت و افعواج طیب جوارنه قم صونام محمد نصیب  
 امشام ایدوب دولت علیه عکسیه مفا محاربه به صورت



قیام کوستز می آید ده سر عکس را به ذکر اوفنان محمد قوه  
 بر کون اقامت و هفته ده بر و بعضی یکی دفعه محاربه به حد  
 کش عزیت اوطه امرینه مباشرت اوله ده اربعین تا می اولوب  
 مقدمات و عداوت فاقه مبالغه ایله ابراز قیاس ایدن دولت ایرانست  
 عکس اوردورکنه استراحت وقت و اهتمام ایدوب بالوخره  
 قوه بیخی کوفی روسیه عکسینه تکرار تقییس طرفین که بیج ضار  
 بر مقدار عکسینه اعانه و امداد داعیه بیج کلوب فراسی علی السو  
 اوردوی اسدوم اوزورینه دفعه دفعه اهتجام ایدوب نصف ساعت  
 صفاری طرفین جنت و جدال واقع اوطس ابره ده **صبر** سو  
 کوردی نه شمع مجلس آوا و ارنه پر وانه **نقد** و وقت ضعیف دن  
 اقم بر مقتضای تقدیر **وینام** اوردوی اسدوم کس و از تمام  
 نمایان اوطلم قاص قلمسته عدوت و درجهت اولندینی هنگام  
 ایران جانبدن دوسیه طرقة دوی مخارت و احترام کوستز دکلری  
 معلوم انام اوطمین حدت مرفوع دولت علیه دن ایران دولتی  
 جانبدن متوجه و در کار اوون **نظم** و نسل مرآتیه عباد انفعال غرض  
 اولوب ببع اقتضا ایدن مقاله مقرون رای صواب و تصدیق  
 اوطیب فصوص مذکور میانه ده باعث و حث و عدم امنیت اولدینی  
 معلوم ارباب تدقیق مذکوراً ابراز ساعه بیان قنات اتحاد  
 فصوص طرفین سده و بط بیورطه و در دولت عرض و استرام و ابرام  
 ی جزایم حد مبالغه دن کیجوب دولت ایران دخی سوز ویردیکز  
 معلوم و کلوی دولت اولدنی **نظم** و ابراز ساعه بیان قنات اتحاد  
 اولون قاص و ارنه دینه کیجوب اولندیک و **نظم** و ابراز ساعه بیان قنات اتحاد  
 ایدر **نظم** و ابراز ساعه بیان قنات اتحاد



**مقاله طبایع**

طبایع ملت ایران کلاز قدسات نام رساله مزده بر وجه مرام  
 ثبت صفات بطور و بیان قسماً او بدینند بشقه یکمی تاریخ  
 و قد عبودون محاربه دن اقدم هنگام حرب و قتال و اتفاقه قیام  
 و اهتمام ایبه جگرینا یوسف ضیا پاشا حضرتیز تحریر و تالیف کرده  
 پاشای شادانیه مصیفه حاله کب اطلع نام را عیسیه کیفیه مذکور  
 ن موافق و دن سلاله ابدار بیور و قدره دولت ایران دوسیه بوشه  
 نکرار عاده حربیه مقدر و هدسکار او طیب مودر مصیف اولون  
 عکرایه لشکر ایران صف بسته انتقام اوله روه غوغایه شروع  
 ایتمدی مودر و کدر دینکی ایدی بعد قوه اوج سنه تاریخ  
 صوب عاجزان مدن دشته بند انتظام اولون سجه اتحادده **بیت**  
 همه هوشدار دین شهر و دوسه طارند که بتدبیر کلاه از سیرمه  
 بردارند مال لطائف اشغال اوزره کتابه لوحه تدبیرده نقی  
 غریب و معتبر و کمتخانه ضیاده شیرازه بند نسخه و یک اوله  
 فتن حیل و خدعه حربیه به دار بر صوره سائل و سائل موجب  
 ایعب ثبت صحیفه ضمیر و از بر قسماً ایه ره حکمت از لح به  
 نوافه ایتمیب **بیت** پریان خاطر مع نکته بسته دش  
 قادی نه که حکمتی اندر نه راغب عدنی سوبلر

**مقاله**

قسمه وار نه نه استیدی کوچی زده و کروی دولت ایرانیه اولد قوه  
 صبحیجا دولت علیه به ابراز مفاربت و مخالفت اجزا ایتمک



او بدیدایده مقدمه زمانه تدسین اسرارین نسیم بدعا جازان  
 اینجی اولدقدی محذورون بشقه قانع و عهده مرزا ابو  
 القاسم عاقل و دانا و دوراندیش و عاقبت بین و حکمت اسنا  
 برآدم اولطف صوب عا جازان مدن بدمشهد حرکات نامرضیه ندی  
 بین الامم ساعه ظهور کلیدب مشور و رای مکتوم قاطعی فرمود  
 اشعار ایندیکه فی الواقع مرزای مومنی الیه بود بایره از هر جهت سعی  
 و غیرت و هنگام مذکورده کب استعداده برله جریان ایدن  
 سیلاب فاد و زلاله سد منافعت حکمدر تجاوز الله عن سبانه  
 از جمله ادعای تکلری امور اتحادیه مخالف فطوره قضا سینه  
 عکس کوندر و ب ثانیاً ذی القصد ندی اوله بشنید محارب به شریع  
 اولسون ایما سیه ط غسانه ارسال ایندیکم مکتوبی تبریزده  
 توقیف ایدوب ولایت مذکور مقامه خصوصیه تردد و تأخیراته  
 بادی اولوب ثالثاً تحریات عا جازان می روسیه عسکر سینه  
 ارسال و تیار اینجی اولدقدی سلسله اتحاد و اتفاقون  
 عدوله برهان واضح ایدایده ده اسلوب حکیمانه صوب  
 عا جازان مدن حرکات ابدار اولدوب ابراز صورت استغنا  
 کومندون سر رشته ویرمیکدن عنایه عداوته صادق  
 ایندیکه القصه وارنه قلم سینه غلبه دوت روسیه  
 شایع اوطدن مقدم اتحاد و مادکسنه تعجب و سرعت اولنشیدی  
 فی ثلث دن فتح اوطدین مهالعه اولنشیدی ●

مقاله

خوئی



**جزوی و کلی** صورتهای ظهور اولاد و خصایص حقیقت  
 و حکمت دقت و اجبه عریض اصحاب سلطنت و حکومت و طفل  
 هر صانع عدم تحفیه و تدقیق انجمن صورت ندامت اولدنی  
 هزار تجربه کرده کبار و صفار اولفین از جمله تیمور خان و غیره  
 و اندکهای غلبه و قوت طایع صبیحه آینه مرایه شاهد کلچره  
 اقبال یوز کوسه می ابرده بعض اصحاب بیچناب برجم و برای  
 اموری شانه تحفیدن فتح و طفل مرآت سیف نصرتی سکنه  
 صورت مغربیت کوسه و ب جوده دورم شیعی رخنه  
 انگار دن و ارسته او طرایدی حتی بر استار کامل شارالیره  
 مثنی نموده برنج جوده دار اهداسنه اجبار ایدوب  
 ذکر اولون شمشیر ابدار جوده نه اجرا ایدیکی صنعتکه بوی  
 لطیفدن کنایه در **بیت** کفره باین تیغ ایران زمین • کشیم  
 بی کینه از اهل دین • یعنی بدویش اول استار معارف  
 معناد مانند خط عمادیت ایدیکی خط جوده پیرا بین انظر  
 و انکی نمایان اوله روه قرأت اولنداریمکی مع هذا تفصیح  
 اولدنی هنگام دقت اولنمیدوب اهدایه ابتدار ایدن استاد  
 کامه بر جزوی اکر ام اولندیقندن ناشی مانند عرفای زمانه  
 زجاج همدم و غمد موده باعث اولوب بعد جوده آب شمشیر  
 اجرا ایدیکی عزیز ساعه هنری سنارنی اصحاب قتله فرام  
 واد راج اولنوب شایان احسان بی پایان اولدنی نمایان  
 اولوب بالتحفیه جانب تیمور خان و فاتی اخبار اولندوقه



اول پادشاه جم اقتدار تأسف و ندامت کرفتار و اطفاس  
 الی اخلاص منظور استماعی اولون کیفیت تحقیق طریق  
 سلوک و رفتار ابتدایی ثبت کرده و او یا نذر حتی ابرخیزند  
 معارف فن تواریخ برهک و اعداد انقاسه و اثر مبالغه ای  
 ثبت خدمه زهک مشارالیه در سبب صاف سامعه و اطفاس  
 مرد و ساکن اولدینی محل و عارف خانه لرین و ایجاب ایدن  
 اطوار و موداری اول رتبه ده تحفه بتمک استناد که این  
 خدمون اول قدر احوال خانه یه و اقف اولیه خصوص مذکورده  
 ابن خدمون صدور ایدن سنا و تحین بابوده ثبت صحیفه  
 تزیین قندشدر •

### مقاله

ذکر آنی خصوصی بعضیری ملوک فساد اسد فیه بکه ناز  
 عرصه سلطنت او نندون برینه و بعضیری ناد و شاه نسبت  
 ایشدر یعنی دور قیفای سفر و ناز بالی مضارید  
 اثناده بر مرد هوشیار براب نارینه و صبار رفتار مودور  
 تاهی به احضار ایدوب شایان احسان فراوان و بیشتر  
 بیوردینی عقیقه اسب مذکور صاحبی بنکاد بود و جوده  
 قریب لجام اتعاری بیدوب یعنی پادشاه اهداسه اجناس  
 و مقابله احسان سزاوار بیوردی کجسته کندم سوار اولوب  
 بعضی صنایع بدیده و اطوار عجیب میدان ابراز کندی  
 مرام نیکو کار در دینه دره نورد کریم بیان اولد قدر  
 طرف شاهین دقت ارزانی بیوردی و زیب زینه و اراو  
 روان



**دوان** فراده ابتداء اتمکله و دانستن بر قاج بیت سواری ایستاد  
 ایتمی ایرده سمند باد پانده غبار بدخی بدیدار او طیب **بیت**  
 کجه مالک اولون اکیری نیدر • اول کید شدر که کیدر و افی کیدر •  
 مآ نجه غائب عن النظر اولد قدن بر مدت مرورن اول مرصفت  
 سعار اسب مذبوری ساعه اهدایه اضار ایدکره محبت بر محله القا  
 و کیفیت واقعه یث هت رالیه عرض و ازنا وقتی خصوصی عدوق  
 مقاله ایما اینه کلرن اولت ه نکته دان تبسم کنان تحریک زمام  
 بیان ایدوب دیمشکه صورتا اول مرد صیه کار دن ساعه ظهور  
 کدون حرکات نایمان حقیقی نه حکمه منی اولدینت تمثیل  
 مقدم قر و اعاده مطیه دان و ادنی عدم ایتم ایجا جائز بعده  
 مرقدی اضار و صقیقه واقعه استغفار اولدوق بوکون سواد  
 کیت جداب اولوب سیمشکه پادشاهم ماوای عافانه صاف  
 مدت شرکامی متجاوز اولوب ده راستم دزد دهندن ضح  
 او طیب حقه درکار بیدریون اصانه خانه مه یته بوآدن غیری  
 ایضاله مقدر تیه ضیال بویه بر میدان جلولی مافه حظه  
 دن صدمه بعید کوندیکنه بنا بر وضع نایجا به اجتناب اولوب  
 اول نقد یکان رونق اقرای دکاخانه ویران اولد قدسک  
 اعاده ایتم دیوب قطع فقه گفتار ایدکره اصانه اولی نیت  
 ایکی مقدار بی اعص و سمند باریه بیای دخی اعص یکسزار ایدوب  
 فوازج لویجی اینه خوشحال وجیب مالنی مال مال ایدوب  
 اعاده سنه اذن وضعت شایان بیو طشر •



## مقاله وکله

عالم و عالیهانی خفی و کله در که انعام ناموس سلطنت داعیه سنه اولون  
اصحاب حکومت اسباب اسبابی ملت و ملت خصوصیه استخدام  
ایندیکی امن و وکله سنه وقت و بین انان قدرارکان دوسته  
رعایت و داخله صوره حکومت و احسان اولون دعایایه فکر  
عدالت و امثالی بقطعه دوله تواضع و حرمت و خواهشگر حایه  
سودا سنه دوش حکومت امداد و اعانت ایلمت سبب قیام دولت  
رباعث انتظام مملکت و باری اتباع اقایم و ولایت اولدیغی مصلحت  
ارباب بهیتر در دولت عثمانیه نایب ابتدای دبدبه و سلطنت در  
بقاعده مرضیه و معنی طوطی فتنه دور سازه اوزرینه تحویل  
فنی و حیثیت ایتشیدی بعد زمان داخله دایره حایه ارزونه  
میر و رغبت ابدین حکومت لایفیه ماسعه و همت اولمده فتنه  
تاجی یوزالیه سنه طوق اطراف عالمه بویان حکومت بکضوه  
امرا عانه ده روسیه و دینی جائینه میر و دخت استکدر  
صدور استفا که سرمدوب جده سنت اقصای عالمه بذل  
حاضر مکت ایتکل افرایم شرقاً و غرباً احوطه سنه بویفیت  
سبب نقل و طدر حده صفیه کون اراط سلطنت  
• و کون اوان انقراض دولت عید دن اعانه و اتفاقه هزار  
بار نیا زمندرجا و دامگیر الی و طدر ایدره طرف دولت عید دن  
خبر اولون دست و دست استفا افرقیل بر یوزبیل ادمت  
تفیه اویمه بر سلطنت صیه نایب انزالی دونی اوطفه باعث  
اولوب خصوص مذکوره اهتای ایتیدب مصر دیوار دولتی  
اولون



اولون بنیان سلطنت ایران خواب و پریشان اولد یعنی سبابه  
بنی باو دفعه یالکد دولت عثمانیه نیت بدمارده و قد عبودون  
زیان ملکی مضبوط جریح اصحاب دقت اولد یقین بشقه  
بعض دشمن ضعیف ندرک میدان فرصت ایدوب عاکر و میکن  
رواج ویرمکلی قطع مراسم باج و خراج ابدیه دکن اوج استغیثه عروج  
و بادی سلم اقبال و فتنه خروج ایدوب انجی مکار کافه منتظر  
اولی ابصار و د

## مقاله

بر مقتضای تقدیر ممنوع التقدیر امر قاطع الانصاح توئی الملک  
مده ثاء و تنزع الملک مده ثاء و هد علی کل شیء قدیر حال  
اعجاز شتالنه نظراً سامة عالم بر ذائقه بیداعه اسباب  
سلطنت بکه تاز عرصه شرامت و چوکان ربای میدان دولت  
اولعه امرنه مشیت ازلیه الهیه تعلو ایدیکی آن ربی کافه  
حکمداران جهان و زمان الوده دناک خواب غفلت ایلک  
حکمه ابدیه اقتضاسدن اولد یعنی مشرود اصحاب دقت  
و بصیرتدر بعد زمان اولذات نصرت ایانت دبدیه کوس  
توئی غلغله انداز صماخ جهانیان اولد قمع عامه ارکان دول  
خواب بهنگام و نابجیدن بیدار و امر محاطیه مدار اولور بابه  
قار ویریکه ابتدار ایند کلرنه بود و جهل نظر انضام الهیه اولون  
ذات بیداعیه محنت و بیواسطه اسباب سلطنت مالت اولد یعنی محال و قوی  
مفرد اولوب طالب لذایذ غفلت و استراحت اولور و ستایه تحصیل  
ایندیکی بنای سلطنتی آزموده رخنه یاب و بنیان قوی اولور کان



حکومتی آئینة بود و غراب اولدیفی وارسته قیدارتبایدرد

### مقاله

عامه حکمداران جهان و كافة مدوین زمان حضرتیه حکم لازم  
الومثال شریعتیه اتباع و مطاوعتیه بین الناس تخصیص رتبة قبول  
عامه و کسب مراتب اتباع تا مه ایدوب تأیید بنیان قوی و درگاه  
سپنت ایتکه همت و اسباب ایسی مدح و صلت اولد  
تعاریفیه و مراسم تحسینیه و وضع ایدیکی قانون مرعیه  
رعایت و تدبیر ماسم و تشریفان بنفایت حذر و مجانبت ایدیک  
ایرادملکیه و مصارف عکریه مخصوصی حد اعتدال دن تجاوز  
ایندیرمیدوب افتخار ایدیکی امور جزایه و کلیه ده توسیع و  
مباعدت ایملات باعث ثبات حکومت اولدیفی ثبت و قایم  
دورنگار و وزکار در از جمله دولت قویکت عباسیه نیک  
ایسه فافق دوتی قریب مقراض انقراض اولطفه قامت سلطنتیه  
اکای فروغ اسراف ایدیکلدن نشئت ایتکی اولدیفی رقمده  
صفیات کائناتدر اجنبیه کثیره و جیمیه به عدم میل و رغبت  
لوزمه ارباب سلطنت اولطفین اولطفه طی همجار کفشار قندی  
فوائد قیدر عامه و منافع اتباع نامه از جمله دولت علیه  
عثناییه صفتیه هزار بار و قدم طردن حوادث مرهکه و وزکار  
دن خصوص و ثباته مدار اولون کیفیت مجرب قبول عامه اولدقدردن  
صدور ایتکی بر صالندر توسیع و اثره ممالک و مصارف  
زائجه به هوکار اولطوب قوت مالیه و عکریه سه عت  
و اعتماد له رعایا وارکان سلطنته عدم رغبت و اعتبار قوت  
مفردن



خطادون معدود اولدنی نقش کرده دست زال و ذکر و وضیعه  
و در بعضی محالک اسباب قویه ابراز صودت عدالتن عبا و تدو  
و اتوجه و قوت و صودت کلمه.

### مقاله

بر دوت افرید و بسته ابراز صودت مفایه و محاربه به عزیمت  
ایده که ذکر آن مخصوصه دقت ایست هر دونه نوزمه عریض  
اصیاط حطندر یعنی محارب بوشنی دوشته ابتدای عکریه  
ثانیا و فرت خزیه ثالث مهات عربیه رابعا و خارج صایا  
ملکی بوزنه ایدوب تمام مساوات اوزره وضع میزان یغیه و دقت  
تکرات امتداد سفر و کارزار صیبه اسباب محاربه به نقصان  
وقت عارضه دخی موقوفه دن بعد و طوب اصیاطا هنگام  
مضایقه ده لوازمات عربیه استانه به بردوشته دخی مضایقه  
ایست الزم و اهر اولدنی بدید.

### مقاله

کذاست ایکی لظت بر بریه پیوسته دست اتحاد ایدوب رفع شوال  
نظام و باز و بند شحه اتفاقه ایبه دن باعث ایست صودت  
اولون موالوت صقیفه ی شمیرا عده است اید کدره اتفاقه دتر  
مظهورات و مخی طرائع موقوفه و دقت ایستوب بعد از قرار بر وجه قطع  
رشته مودت ایتمیه دن اتفاقه دخی افاندینه اسباب غرور  
و خوف ایتمیب هعاله تواضعه و کانه مبارت و ایست صودت  
بذل فضیه موقوفه ایست نوزمه عنوان است و دوام حطندر.



## مقاله

اریکه پیرای اقلیم سظت اورنت ارای عالم دولت اولون پادشاهان  
 جهان وسطین زمان حضراته البعه و تا یا ندرکه مادون سظتی  
 بونان حکومت اجرای مراسم تواضع و تظیف ایتمکی التزام ایلمیه  
 زیر تظیف ترستی روزگار مادون دولتی اولون حکومتی اقدار ایتمکه  
 تکلیف و تواضعه هنگام مجبوریه عار بوجه اوله صبی درکار اوطافین  
 خصوص مذکور وقت و زمانیه وقت ایلمت لازمه دور اندیشی  
 اولدینی معلوم اصحاب بصیرت در انعامی فطنه امور سظتی حکم و صوبه  
 الزم و اهم عدا ایدرت و قایده به صرف مصلحت قدرت ایلمیه در حال  
 کالای کرا برای حکومت قبول اندازه شرکت ایتمیکی شرعاً و قانوناً  
 نبویافته اولدینی زمان عدالت عنوان ضوفاً سید اولیاده  
 نمایان اوطشده

## در فضیلت

اسدالله کفای علی بن ابیطالب رضی الله تعالی عنه و کم الله وجهه حضرت زین  
 نز و ولایت بنهادن دنیا و مافیها مانند دانه خردل اوطافینی  
 هدیه و مستدل این هنگام ضوفاً نایجا و نابجی ظهور ایدرت  
 مخلفیه مدافعه به هندی مجد و قایده نامدر احکام ضوفاً عباد  
 ایدی و اتونه آنکه مراسم سعادت ارایس سظت اوطح اوله نوبه  
 و تا ویلی کافه عرفای ملت بیضا اسودم میانه التزام اولنوج  
 بودادیر ندرن رهوار قلمی جاده مستقیمه ادعای عنان ایدرت  
 بحث تأخیر ضوفاً حیدر کرده قطع صافه صحرای سکوت و التزام  
 ایلمیه



ایلوب هزار تاویل و توجیه اصن و ملزمه به مدفو اولدقلری  
 مبرهن <sup>کلی</sup> ایه ده بر وجه غریب دخی مرآت خاطر محرومه  
 رونما اولطین اللام اسباب رجحانیت صبه جهت العلم والشی عمه  
 و بالنسب والشیاق جناب کار جمله سنه قایمه اولدیفی درکار  
 و بود و جهل حکم واجب الاصرام ضوف لزومه عنان شاه و بویست  
 مدار اولدیفی ظاهر و اشکار و دیده روح اعاده پابرجای ثبات و استقرار  
 اولوب خضاء سازه ندج بعدلنی ضیفه بالحوه اولدقلنی افکار  
 ایدندر عین انصاف حقیقت بینده صرف انتظار دقت ایدوب طریق  
 فتنه و اصداره سون و رغبت ایندکلی حاله محو بر تقصیر بویست  
 زیب صیغه تقریر نظیره اجتر ایدر که تأخیر ضوف سلطان  
 اولیاده ایکی وجه متصور و در یعنی زیور کریبان عریج بیور بیون  
 و امن آسمان پیرای نبوت اولور و احقاده مربوط قلنه زیات اولور  
 آویس کله سلطنت اولوب احکام و الای رسالت مانند مراسم سلطنت  
 اولدیفی نمایان و خصوص مذکور مواد مستور و در وقایه خلدیفی  
 و ارسته فیه دلائل و برهاندر ثانیاً او ان بعثندن هنگام خزن  
 انجام صلت علیه به قدر ضفای عظام رضوان الله علیه علیه السلام  
 حضرت خذمت خیر الوری ده جانشین را بر مراسم اجرا ده مهربند  
 صدق و اهتمام اولدقلنی بناء دنیا و آخرت اعزاز مراتب  
 عبادی ضوف ایتمای شان نبوته شایان کویلوب اولوب جمله  
 بدو است ابد حده مظهر تیل حکم معنویه به بالندافه ضاراده  
 حضرت پیغمبری اولددر فی الحقیقه اصی بفضیلت و ادراکه



خفی و کلد که بحث مذکوری اساس بنیان عقاید است اید و جب  
بین ادم موجب تفرقه و نفاق و سب برودت و سفاک  
ایتماع و بودارید کریمه صعب الصعدیه کتماع عبت و خطا <sup>و عین</sup>  
اولدینی هدی و فصوصی مذکوره مدح سادات صوفیه و نفعت  
باسرا هم سلم و احوی در

### مقاله والدین محترمین

شافع و مشفع داری **رسول الثقلین سید المرسلین** صل الله تعالی علیه  
وسلم الی یوم الدین حضرت نیک **والدین محترمین** حضرت حق تعالی بعضی  
مقالات غریبیه <sup>باجتسار</sup> و بگویند سوادیه ابتداء ایدند  
عقد و شفاعت پیغمبری به مظهر اوطار را به نکال و عذاب کفر  
اوله جفا در کار اوطافین از جمله هبوط حضرت آدم در تشریف  
طراز خلقت عالم صل الله تعالی علیه وسلم حضرت زین العابدیه قد را با و اولاد  
پیغمبر وقت شریفی او زده تنه بند نکاح شرعی اولد قریبی اخبار  
بپور قدردان بشفه نور عالم فروز محمدی صل الله تعالی علیه وسلم  
مرآت ناصیه علیه و آمنه رضی الله عنهما جوده کر و رونما اوطافین  
و اندر و دیقه کبرای الهیه اولون کنز کفیه واقف اولو جوده  
هزار ضار و عاده نیک حکمت عارف اولو رو لایق و یو یو نیجه  
اشاد معنی نیک ظهوریه رفیاب بیور یوب اور سلطان  
علم لدنی به کبشرف اطلوع ایتماد اید ده هنگام بعثتی در  
ایتماد مقدم غنوده صباب خان عطر ناز اولو قبل البعنه  
نصدیقه مظهر بند و رفیق بن نفع کی ایمان و نصدیقه  
عالم عقبا به تشریف دی ظاهر و فصوص مذکوری بگویند نصدیقت  
ایجاب



ایجاب عند الحقیقه والاشاعه فرض و واجب اودینی باه و طغی  
اول مجتبی طی تفصیل طومار قید و قال قنندرجت مستغرب  
ابوطالب ده دخی ائمه اهل بیته اتباع لازمه عرف امتد  
هدانا الله تقی الاسواء السبیل

### مقاله ابوطالب

بیه الانام هذا البیت مد فالله الاقدام اودینی مالو کدودر یعنی  
باسان دوگاه جوانپناه رسول خدا لای مریدان سیدالوری  
و پدرشان اولیا جناب ابوطالب الی وفاته اسوم و ایمان  
ستورپرد کتمان و اخفا ایتد حکمت معنیه مشاربه اعظم  
قدم اوله حبیب اهلئ مکه مکرمه تعظیم و تکریم خصوصنی واجبه  
ذمت بیوجب و انما رعایت و احترام لازمه عرف حجت بلج  
اود قدرنده ناجی اکثر با طرف اشرف سیدالورایه جفا و اذوریه  
میر و جبارف که ستمدهدی بحور ابودیهبت علوناره غیره  
هدا کیر اوج اظهار اولوب ابراز شعار اسومیه به ابتداریه  
ضیاء ایدی بناء علیه نه هرا شعار بیضاء ملت اسومه  
راغب اولوب بدو وجه شایین دین مبین ایتد اصحاب  
نعم الطاب رسول الله اذ ادن و قایه به هت ایدی قالدیکی  
طهر صیغ روان صحیح اودینی اوزره حضرت محمد صودانه  
دکار و اشکار اولون اخلاص و عبودیتی و برهان ریاض  
حب نبویه غری و پرورده ایتد یکی زلال عشقه و مجتبی نعم  
نائل دولت ایمان و سعادت وطنه ولید وضع و برهان  
فاطمد زیا ابولربیب لقمه فرشت جیم اوله صفی آیات  
بین نه مثبت اولوب بورنه مقلوع الاصل الیک فاستدک



حضرت عباس رضی عنه در آن روز غریبهای دویاد  
 مآه ایدوب استغفار و حال اینک سزای شدت عذاب نادر  
 اولدیفن افاده و اشعار ایندوب فقط یوم اولدین با و ده غلام  
 تخفیف اولوب ماعداسنه روی راحت کوردم یوم مذکور که  
 وقت ولادت شفیع کائنات در دنیا نشریفین ثوبه نام حایه  
 طرجه بشیر و اخبار ایندکدرن کمال صبر و سرور مدته مثالی  
 ماطن ازار بشیدیم یوم مذکور عاظمه پاره غریب و دل اولون  
 شمع مروت و محبت شمع هفته ده برکون میوه چای  
 باغ راحت و سلامت اوطفه باری اوطشر بوضوح جناب  
 ابوه بیت ایمان و اسوی حقنه بیان و بیدار اولون اخبار  
 صریحه و روایات صحیحین قطع نظر حال با کمال رسول الله  
 و صیاب اولدیفن برکون و ارایه اولکدرن سزای عتاب اوی  
 مقصود در فهم حال العالم عند الامتعال بر نقش غیب شمال  
 و حق بحث بیمار تله الفرائض بعد اولدیفن هدی دار

### مقاله

عنان فضائل و علیم اولون غمهای ملت بیضا و عرفای امت  
 و اولون سفا به تخفیه و تفکر جدونگر کد اب صیرت  
 ایدن بحث عمیق تله الفرائض السوده میناب روضه طره  
 قطع بار اولون سحاب حکمت سبزه نوظهور تا ویلی بوزین  
 اوزره بهار ادای روضه بیان قندور که علمای غفام و فخور کرام  
 هذال میاتر بوسیدوب خار اوج قسمة تقسیم اولوب حتی  
 سید شریف شرح موافقه توقیف ایندوب بعد التوجه  
 مفریات مدله در ربه دل سداب سید عباد و حبه سیده  
 حق



حجت و قبالة توجیه و فتح و امضا ایتمی ابرده کافه اصحاب  
 تواریخ و سیر به کیفیت غیر معتبره یا ثبت صحیف اثر ایلیدج باعث  
 خدشه ذهن و نقیصه درون بشر اولد قلندری حکمتی نزد عارفان  
 مجبور توجیه و تا ویلی خصوص الحود مانند کربوه اصحاب اصول و طریقه  
 السلام ضبط حضرت ادم علیه السلام جناب بنی الرحمه به کتبیه قدر هر  
 نبیند بهشت او بدین امتی سبطان علیه السلام القای فساد ایندن  
 او طریقی نه هر و بعد انبیای عظم صلوات الله علی نبینا و علیهم السلام  
 حضرت شریفی میزان صفایه احکام جناب کیریا او طریقه آیین  
 صفت نمای شریفی فاد شریفان غبار ضل عارض او طریقه **صریح**  
 کونخ طوغدوق زیاده ظلمت حجاب او طراز • مانیجه پرده ظلمتی  
 جهان تاب شریفی محو و زائل او بدین وارسته قید براهین و برکت  
 بناؤ علیه سوره شریف و اینج نازل اولوب نبی زینان قواف  
 و تدوین ابتدای بیور دفرغ شیه ندخی عدیه زینت سمعنه طور  
 ورقه بیان قندینی وجه طنبیه انداز فاد او طری و طه نفع کفار دخی  
 زبان کوه بار نبوتن صادر اولدی او هابیه سجد ده موافقت  
 طرف اشرف نبوت و شان اعجاز عنوان رسالت باری ایجاب  
 نقیصه دکندر زیاده ریای صفوتنمای شریفه القای شیه اولو  
 صیفه فار تدوین عمان قوت و امواج بحیرتیه انداخته کنار ادبار  
 او بدین باهر و نمایاندر صا سربو و قدی دخی احکام و احباب و احترام  
 رسالت نقیصه و ضرری مرتب دکندر بر حال بودند کفیات  
 غریبه نیت ظهورن حاصل اولوب غوائی واردات الیه و قوت کینه  
 نبویه رافدر مند بر روضه دلواری محدود نیت درون نمایان اولو



سبزه بیکانه و خاریدن انداخته دست بیکانه کان اولون سنده  
 و کلدخ صاحب دوضه نکه اصابع اهتسبه قطع و انداخته کنار  
 دوضه و در کلدخ و علی هذه القیال ذات رسالت آیات و بعد از  
 غایب از ان احکام جناب خدا و طیفین امور عیبه محدود و اولد نقیدن ضوف  
 رضای الیه و مغایر سنی نبویه اولون خصوصیات دیوار شریفیدن  
 خارج قاطیفین یعنی کل الوجوه کافه فاد داخل دایره شریعت اوله رده  
 باق قالدوستی ممکن و مقصور و طیب خصوص مذکور صحت و قورعی مطلوبه  
 زبان بد بیان شیطان دن رسیه صامخ ساعه کفار و لوب بعد بی  
 زین دافع فساد نا کران او طدر مؤلفه بیت قبا احمد خاصیت  
 الله در هیکل یوز طوف وجه الله در مال حقیقت اشتیاق  
 بناؤ قسیر یف بنی محل واردات سجاد و بن معج بیان پیغمبری  
 ظهور و صدور امر و بانه در بناء علیه شیطان عفت فارسی قسیر  
 و بن پیغمبری به طریقه تأثیره مجال بطی امر غیر و محال در زیر ذات  
 رب لیتاه نظراسی هاری اولوب شیطان نظراسی مضدر افقنا  
 مغایرت نظریت صبیبه قدر و فعت ظاهر و باطن متمثل سیرت  
 و صورت اولو حد امکان و کدر

### مقاله

دیگر کارگاه کائنات بافته دست اخترف اولون بر نقش غریب  
 و درت فی زمن الملک العادل کدمنک بعضی حدیث اولونه  
 و اهب و بعض کفیف صیه صمدن عی طریقه طریفیدن اثبات مدعا  
 ایند کلیدر بدیاب مرآت خاطر عکس انداز اولون داشته باریک  
 تحفیه بومندار اوزره دبط سیرازه تدقیقه قندور که سبب و روی  
 عدم و قد عن انکاره باری اولون افتخار و طیب مجر و عدالت اوصاف  
 کامله



کامه ان نیت اود یعنی امتدن اما یوم القیم ساعه ظهور قدم ۴  
 زیادۀ اجود و سلطت اودان ملوک و سوطین غلام حضرت نفیس  
 و اشعار بیور می اوله و یا خود و بودت عارف ایاندنیت مدتن  
 اخبار دن عارف اوطح اوله و یا خود شمس جلالتاب و بودت نیت  
 تقدی هود سلطت نور و انه باعث اقتباس نور عدالت اود یعنی ایما  
 بیور دقری اصحاب دقت و ترجمه نمایاندر بد صورت حدیث و دیه  
 ارعایاندن معذور و در امامت جهت افتخار بیت سزد که بدورش  
 نیازم حنان که سید بدودان نوروان • ناطقه سیده صاحبکسان  
 بتاتع مانند بیل نغمه پیرای بیان اود دقری جیت عالیدن احترام  
 اوله زیرا دعای داعیه افتخار و دودینه مانع اولوب اومضاره انکار  
 وقوع ایندلمصیب و مجبور در ••

### مقاله حسنا کتاب الله

ذکر الی خصوصه مت شعی تدریضه ابتداء جبارت ایند کلرندیه بنفیه  
 کرده صوفیه دن بعضی بنی دخی مبتدی دغدغه اضطراب و افکار بنی  
 اطفالین اجمالت بودکده ایراد و تأویلی صورتی بر وجه مراتب مراد مناسبت  
 کو طرح اولمدر یعنی فاروق اعظم و ضیفه مظهر جناب **عمر ابن الخطاب**  
 فخری لم سید بنی ارحم **شیخ الاسلام** صلوات الله علی عبده سلم حضرت فاضل کمال  
 دار بقا بیور دقری امت میانش اختلال و مفارقت موجب حال بدن  
 وقایع شمس بر وصیتنامه عیدت ترتیبه اراده قاطعه رالتباهی  
 نمایان اولوق حضرت عمر رضی الله عنه حسنا کتاب الله دیه دل ویرجری  
 جواب مانع اراده الهیه اولدی دیو ایند کلری ادعای غیر لازم  
 صفیه عداص در بای ضیال آورده کنار وصال ایندی در ناد



و نارینه دل بود کونه نظم داشته صفت اشتغال قندور که الکرام  
 جناب **ابراهیم خطیب** **حسین کتاب الله** جوانیت ظهوری بر مقتضای  
 بشریت **فی عالم صلوات الله علیه و سلم حضرت زینب** **وجود سعادت زینب عارضی**  
**اولون** اخراج صبیحه مزاج هادیون نبویه زحمت اولون مضربند  
 عبارت اولوب و یا خود نورات شریفه بیان بیوریدنی وجه حضرت  
 یعقوب صلوات الله علیه **نیت و عید** **لسم** هنگام روضه او نور عظمی  
 اول ماه جوانی برای نیت اطلاق حاله بند جمعیت و برویت نامه زینب  
 مبارک است **ابلیج** یعنی ذات شریفه **صک** ۱۲ افراد مان سندی  
 آوردن رسالت بیوریدون ذوات است اسماء شریفین امته ایجاب  
 ایدن خصوصیات انضمامیه بیکان بیکان زینب صحیفه بیان اینکه  
 شروع نیت بیوریدن **اشاده** **منعنه** اراده قاطعه **الیه** صادر  
 اولدنی حکمت معنویه به بناء سید کائنات علیه صلوات حضرت زینب  
 بود **لسم** **فی انتقام** **سامه** ارای انام اولدوق **توقیفه** اراده **الیه**  
**تعلقه** **نیت** اوله **العلم** **عنه** **الله** **تعالی** **بوصور** **فاروقه** **اعظم** **حضرت زینب**  
**قبر** **زینب** **اقتبال** نور صفت **ایتمیمه** **ندیمه** **کام** **موافق** **تقدیر**  
**اولوب** **علت** **ته** **مظهر** **برهان** **قوی** **اولدینده** **بشفه**  
**حسین کتاب الله** **نقطنی** **شماره** **ابتدای** **مجدد** **قرآن** **عظیم** **الن** **ان**  
**کافه** **اصکام** **ترجمه** **یا** **محیط** **اولدین** **بیان** **بیورم** **اولدوق**  
**رضی** **مکرر** **دو** **و** **جای** **استباه** **اولدین** **معلم** **ارباب** **بصیرت**  
**و** **مخبر** **اصحاب** **دیانت** **بر** **حال** **تان** **خدا** **راشدین** **اصحاب**  
**سید** **الرحیمه** **تکبر** **و** **توقیر** **واجبه** **ذمت** **استدر** **هدانا** **الله** **الی**  
**سوا** **السبیل** **باضا** **ریدانه** **باسم** **یا** **محمد** **بارک** **و** **نیر** **سجده**  
**بافص** **فی** **صمودات** **وسب** **صفت** **کائنات** **صلوات** **الله** **علیه**  
**و** **سلم**



حضرت زینب و ائمه ارج و تقییه غایت الفایه دقت و سداد  
 سادانه بطنه ذواتی ذات رسالت پناه اجداد تعبیرند  
 حذر و محنت ایستاد زینب صابر طهارت اولدینی وارسته قید  
 ارتباید شجره کجینه رسالت شمس جوانی صبح سیادت  
 سیده فاطمه العاطین ام المومنین **فاطمه الزهرا** وصال خاتم  
 صدف و حاکم اقصی و بیت **علی المرتضی** رضی الله عنه و عنده حضرت  
 دامن جناب سید الدرایه رسول خدا و حبیب کبریا دیو تعبیر  
 بود و قلب هدیاد

### مقاله اهل قبه

بیت عقایدی بیزخیس جلال ایدوب اصیب کبار دن بونان  
 اهل قبه تکفیر انماز دیوانه مجتهدی رضوان الله تعالی علیه اجماع  
 حضرت محکم زن اجتناع اولد قری زرخا صالعیار وضع سیکه  
 توجیه و عیار قندوب بدو جهر دونه ارای بازار نقد اشتراک کند که  
 از رسول الله صلی الله علیه و سلم خلفای عظم و بعضی صحابه کرام میانه قوم  
 مذکور ادعا ایند که مفاخره روایات غیر صحیحیست صقیفته آگاه  
 اوله رو اجتناع دروغ و غایبان و در کار اولون ظاهرینه تحسیر و قوف  
 نام ایتوب و عذاره ضروری اعتقاد مجبور و طند اب کرم مذکور  
 تکفیر و قضا و عداوت مجبورند ظاهرینه عدم و قوفله اولیوب  
 توفیه و تخفیفه کرم عداوت مجبورند ظاهرینه عدم و قوفله اولیوب  
 تهاجمی یعنی اول مرده شاه اسماعیلی مافقه مدلت و سلطنت  
 داعیه تفرقه بیان من سوادنه زاهدانیم اولیوبه اعتبار  
 ایند که اقوال ناسرا مجبورند ظاهرینه تابع اولد قدرناشت ایند  
 و به دن من مذکور کفر نسبت ایند ایستاده بهر صورت اهل



قبه بکفیه رخصت و بر موی جوارین هدایه عرق مشیت  
ایست آنسب و اهدن و خصوص مذکوره اجتناب و آنکه دینه مثال  
و اتباع الزم و حسن اولدنی عند العرفا مسلم و مبرهنه

### مقاله طریقت

بیمه الامم مباهنه طویل الذیل طومار کاشاف اولون فضیله شریعت  
عز و طریقت علیا میانشد و در کار خدایه شراع بجا تفصیل کذا فنوفا  
نام رساله مزده ثبت صحیفه امده فتح ایسه ده بر مقدار دخی مد است  
و الزام اولور ضمیمه تکرار احاطه بگویند زیبا سر لوصه اشعار و املو  
قدرد که شریعت ذات رسول الله طریقت صفات رسول الله در خصوص  
مذکوره ادعای نادر و ایه رغبت یعنی سرگردان صوای غفلت اولور  
میان شریعت و طریقت فو و مفارقت دلت در یاده واقع اولون  
استباه و مخیلفه مطبق در زیاد دلت در یا صورت تقدیر ایله  
تعریف قبول ایندیکه کبی طریقت و شریعت دخی تقدیر قبول ایندیکه  
داخل دایره شریعت اولوب مشیت زیبا استقامت اولور بخیر

### مقاله طریقت

فاما ماهیه هک الطریقه <sup>العلم</sup> قوام العبودیه له <sup>نفا</sup> بد و ام حضور یا الله  
نفا نفا بطریق القلب عما سوی الله و تخلیه بد و ام ذکر الله تعالى  
فیقطع عن غیر الله تعالى قال الله زهر و جلاله بتیاف الوبه ذکر الله  
نظمین الفلوب الا ان تنسی غیر الله تعالى و اما شرطه فالتزام  
بالکفایه الشریعه و السنه و الاجتناب عن البدعه بل الرخصه  
بوضوحه ملج و تزیین الوضوح الذمیه و اما تلقین شیخ و یمنه  
فی منفعة المصلحة الاصله السعاده صل الله تعالی علیه و سلم بواسطه  
صدیق الاعظم و المرضی المکرم رضی الله تعالی عنهما و اما ایندیکه  
فقطها الملة ایضا المجمع علی و لا یترجم کجند البغدادی و بسطی  
و اسقنی



واسقطی و دود الطائی و خیان ثوری و شاه محمد نقشبند و عبد القادر  
فکر منیر همواره العظمیٰ قدس الله سرهم و نفعنا الله بانوار علومهم  
ماصل باقیه کارگاه قدرت ازلیه اولون قاج ذراندوز یکرند  
شریف و طریقه طمغان کله سلوک و ارشاد اولوندر صدر زین  
عباردان میزان حقیقت اولون کافه ائمه حنفیه و اشاعره و محلی  
شناسان سادات صوفیه و نفعنا الله بشفا عشرت حضرت نقد ضمیمه  
روایت و اتحاد اوده قاب اتفاقه مسدود ابد کلا کبریا  
وضع کتابه تحریر قند

مقاله

**فصل شریف** و زیور لویه ملت اولون علماء عظام و نصیای  
دوی احترام و حمت و رعایت ایدن حکومت بجزاحه اکر قبول  
عامه اوله ره بین الناس اقیع و بومش جید القدر مقلدین عدم عایشه  
مشتر اولون حکومت و سلطنت عداق امدری ابر و عقیق اولدینی  
سلم اصحاب دقت و طبع سیر اوطمین خلفاء عباسیه نه که زن  
عالم اشترار اولدقدی بوقوعه مسخره به اهتاج و هندن نشست  
دینج اولدینی معلوم اولور اولو بشار اوطلم نیر فانت دخی بکه ناز  
نامه نصرت و شرامت اولدینی بدکرم و اولویه اتباع و اعتبارده  
واقع اولون معامه مرضیه نه نعم سید بنا علیه سلسله ملوک  
الغنایات بوقاعده مرجیه به رعایتی الحقه محمد عیسی قدس  
صتی مدرج زمان ارشاد و کرامتی اولدینف شیخ محمد عیسی قدس  
اسرا ده حضرتیه سلطان سیرت علیا علیه ارحمة و الغفران حضرتی و شف  
خودقدی مضامین مذقات داعیه سیه هزار قطفه دوجار اولوب  
است نه به صبی فصوص ابراز صورت احکام ایتیموب التماس کونه  
معامه بیور دقدی شریور افا قدره



## ترجمه حادغریز مشایخ

**بیت** از برای صحت سالا با زکوة اذان خوشحال و فرموده  
 ارشاد و ولایت از آیه ای عامه اولون عظمای ست بیضا و  
 سلیم تاج العارفین شیخ **یوسف همدانی** و **حسن خرقانی** و **بایزید**  
**و جنید** و **عبد القادر گیلانی** و **شاه نقشبند محمد دیرالدین** و **مدری**  
**محمد بدول الدین** و **ایقین** و **جناب ذوالنون** و **مرشد ذوالفقرون**  
**اولان اولیاء الله** و **ذوق علیم** و **یوهم بخیر نون** سرنه مظهر صاحب  
 فیض و نظر • **سنان اقلیم** ولایت سریر آری آوردن کرامت •  
 مرشد کمال راه حقه • **مرتب سالکان** طریف و بی افلوه • **الشیخ محمد عینی**  
**قدس سره** اسراده و زاده الله بالروحانیه انواره حضرت ذیل صفا  
 و اشدی مرغی و ولایت اولوب **نورزاده** طوفانی و نبی  
**صبا** کیچوف **ذهب** الصلای العباد **سار غاصر** عمر نازینی طوبی با قه  
 باز از تکلیف و وقوف او در قیام تحصیل علوم شریفه و رخت و قهری  
 شر در بندینه عزیمت و ضعیفی مدق کب علوم نافه و اعیه سیه  
 محمد مذکورده اقامت و ذکر اودان بده علما سدن کرامتو الحاج  
**الشیخ حسین افند** حضرت ذیل طریقت علیه نقشبندیه به از رقت  
 انابت اولوب علوم فقهیه و باطنیه ده اخذ فیض و مرآت ایتوب  
 طریقت خلوتیه به و فی شیخ **بیرقدیر** ان اقدایدوب ایک طریقه  
 و فی مرشد صاحب فیض و ارشاده قادر صوری و معنی کعبی  
 علی و وجودی نادر ایدی مشایخ علوم فقهیه و باطنیه به موفو  
 او در قلندری و ولایت اولون مرشد امور فتاویه مد اظمت  
 و بعد زمان والی ولایت طرقتن صمد سار تدری و قویم کدون  
 ضیانت و اهتدایی او را قناب اوج کرامت خودی حکما اید  
 بیج



برج صاحب شریب به رغبت و هجوت اینکده نافع عیناً به مصرع اجابت  
کرد با امر لطیف فائز و اطاب • تاریخچه صاحب نفسی الحی حسن  
افندی حضرت بن شجاع سر پرده عصمت کوه بکنای دریای عفت  
اولون که بجه محترمه رین محی شبنان نظام و ذفاف ایدوب  
اول ولی صاحب تمکین و استقامت و اول سیده قدر شهر و لایست  
مدت مقدمون الی بر سنه تاریخ شهر رمضان المبارک اولون  
یدی سنه قدر زیور عالم حیات اولوب هتکام مذکورده غنوده  
صیاب مغفرت اوطفان اولون عنقای قاف صبر و قناعت و اول  
البرز و قار و استقامت صاحب شریباده واقع عثمان پشا جامع شریفی  
جداره ضمیمه و فتح با و سکون یا تخانیه ایبه صبیحه نام محله رفون  
و غریبه دریای دخت خداوند بیچون اوطشدر مثالیه صاحبانقا  
و استقامت و احکام واجب الاصرام شریف غایبه اهتکام نام و  
واصل درجات عالیة ولایت اولوب بید و زار مواظب ازکار  
و مداوم عبادات شایع و احکار بر ولی کرد و نقرار ایدی قدس استقامت  
سره العزیز عادت سینه اعد و ادنایه متواضع و شریف صوم  
داخل و العاده القدری بیوریدون ذوات کرام فطر تطیف و کرام  
بیوریدوب وفا و مرهمه و انما یارب جای ثبات و استقامت اولوب  
قبول دائرة محبت و عنایتی بیوریدون احبا و اصداق بیکار و شنای  
بر وجه و امدتی بیوریدون احبا و اصداقان حی قلیل المقدر  
هدیه عندانیه تقدیمه اجتناب او و نفع بعضی نیک اهدای نائل  
حیاطه قبول بیوریدوب اکذیا افه اعط بیوریدون بیت یکسوف  
یکدی انی سنه تاریخچه استبداد شریف بیوریدوب صوب جناب  
شاهید و ساروبه دامن همت و قناعتی الوده لکه زمت اهدا  
اولوب زید عفتی پان و مبرا اوله و عورت ایدید استانه



برسد اقا مندرج طرف صف ندن عدد ته طالب رفعت  
 اولد قدره ساری پادشاهی دعوت اولندب صوب ملوکات دین  
 وقدم کردن تقطیع و توقیر قابل موصیة تقریر و تعبیر او طیب  
 حتی فرقة شریف اوله سنه هنگام و راعی جناب پادشاه  
 عرقیزتایف و عجب اوله روه طیفندن جزا دعایه ابتداء اولندب  
 ببع اغای دارالساده و ساطیحه قبول هدیه بیورده ابراهیم  
 اولد قدره ایینه سوال مامع بود و جبهه ذیب ارای صورت جداب  
 اولد قدره از هر جهت شد کتوب پادشاه حضرت صوب داعیان  
 تطیف و یحیی اید مجبور الحظ بیورده قدری فاه او طیفین بنه مراد  
 ها یونند تحیر رضا اب قبول هدیه تکلیفندن صرف نظر  
 بیورسوند و بیدیه بالضرور بر سوال مطور حکایت ابتداء اولند  
 عزیزت دایه یکرمی یدی جازای الاول او اسطیخ استانه دن  
 فک رابطه اقامت بر له برا محوئے بروک جابنه سایه انداز  
 هت و کرامت اولد قدره بحر و قدری نشه زول وصال اولم  
 متحد او طیب تکرار بجا بیت **س** اصحاب کرب و روزی چند  
 به نیکان کف مرده شد **م** ثلثه ماصدوه او طعه سور سیر و رادن  
 عزیت و بجه مذکوره شرفیاب موفقات و صحت اولوب قدره  
 اول اهدوی محای و بیت محوئے بروک هم عید دماغ رفیق اولون  
 ابرار صراف مبارکه مطربین فکای زیارت ایدوب بر محله  
 جلله فقیفه اید اساج و استراحت اوزره الکیه دست  
 کرامتی رنه اولون **س** حجه شریفه کسته تار اولوب  
 تنظیم محرم اشارت ارزانا بیورده قدره دران تقطیع و صدور  
 عایدینه تقدیمه ابتداء ایدیکم خاطر پربا ثماره بود و جبهه  
 ظهور



**ظهور** ابتدیه نسیم مذکور جای منظورها اولی در ساحت نظر کیمیا زده  
جلده نما اولی در امتیه سیم سرور اولی در حالت سیمه سطوری  
حاضر اولی در برینه اعلا ایدوب صوب عاجز از هر توجه برله  
نسیم بید و قدره ایکی وجه تصور وضیا اولی **وجه اولی** **ظلال**  
**نیم** عشت نه جوونکه قست • مزایای وجه ثانیه یعنی  
دافل صفت کندیجت اولی ایسه و اثما صبر الین نظر صده یا  
بند عنایه سین هماره نار ضعیف سیم به کردن بسته فواد اولی  
ایماندن عبارت اولی اولی فی فرام اولی عزیمت و البریدن  
مد غیر اراده و قدر کردن خوار و عاده مد صده تقریر و تصاده صفیاز  
از جمله مزج کتاب قاموس غوامض عمان معارف و عرفان ابو الکمال  
احمد صالح اقدی علیه الرحمة والافغان سره ابد وضو نمازه شروع  
و تکالیف ابتدیه لطیفه طریقیه یا هواگاه اولی ابدتال بند  
وضو نماز صحیح و جایز و کدر جو در خاطر ابتدی کلندن بشقه  
رای همایون ضو جو رندن جواری سبوی الحاج مظهری اقدی حضرت  
قدارویه مرآت عجایبهای دوباره عزیمت و البریه زیارت و وضو  
امامته اشادت ابتدی بطلان همه فرداسی وقت عصره سلطان  
بازید در خانه سینه واروب شرق ادای موقوفات اولی قدره  
اقدی موی البریه صلو امامته اشادت ایدوب بو کیفیت غریبه  
نمات و قوعی نزد موی البریه مجرد کرامته حمد اولی نورایدی زیر  
رویت اوطفیجی بر مقتضای رؤیا بو گونه جلد نما اولی  
کیفیه کرامتن غیری معنا و یطز دیده رات شار الیرای  
صفت رفزده کلمات از اولی قباله کرامت و و یونی تصدیقه  
وامضی ایدر ایدی دیگر انگشت کزای صیرت اولی کرامت




با هر روز بر یاری یاری تاریخ مبتدع اولدیم عت صبیح  
 سه نزار مع بر نفس و زبان ببقار بکت بیانی مانند بیل و نفس  
 قاطیکن هت علیه کرمپیر لریه وجود عا جرائع اسیر فرانی  
 اوطن ازاد و سان بکت قشانی فتح و کساد او طغیان دانی غار  
 قدم اکبر تو املین کرمپیر اصفهان جان و سرمه عین دوش  
 ایتشیدم کوه بر کوه هنگام و داعیه بر میند زلفه اقیع  
 نوزم انظیر عربستانه غم و جرم خصوصه اراده و شارق بیورد  
 بناؤ مر فادوة العطره غنیمت عا جرائعی عوض و شکاره جهار  
 ایتشیدم تقدیم ایتشیدم و بیه یطفا تر فیم بیورد قدری جواب  
 با صدایا تنزل الرحمة عند ذکر الصالحین قول شریفه امثالک  
 عنایتنامه مذکورک ثبت و رفیمه صحائف اخبار الفرایب تزیین  
 قند بقدن بشقه نفع عامه مشتمل بر نصیحت او طغیان زیور کتابة  
 تطیر خندی مؤلفه بیت بیو اجماله و کلام قانع • بیک اوقات  
 جو سیف قاطع • عزیمت ابراهیم سبای لقا قیبر الرک  
 اسم اللون مدح اللفا معذل قامت مشی خوش صحت مهمل  
 مالک حسن ادا یعنی صدق و معنی درجات عالیله اهی بدن  
 اولدینی مبین و هدیدور • فی الشارحه الفریز •

صورت مکتوبت رالیه

بسم الرحمن الرحیم

و صل الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه وسلم و بعد اذ اجمع مولانا قاضی  
 فتح الله علیه و سر کل صعب لیه جنا بدینه عفت و عافیت  
 و سعت رعاری تذکار و تکراریه مفاد فقیر لیدر که بجز انفع  
 بایون و السلام مر قاهره به اعتراف و بالقر و الاضرام اقامت  
 بیوردینی



بیود و قلبی مفار مرسول مکتوبی موصول و فود الفایه سرور  
و حبور و دعای موفور محصور و وسعای قدری هر امور رنجه  
استقامت و امر میشتند قاعت و طول آمد و ذل و کل  
موجب آمدن قبا و قابلاً حذر و بجا نیت و فقیر رینی دخی خیر عارزدن  
نهای و باطن موصوفه رینی تدبیر و تذکیر ضمیمه است بود عا نامه تحریر  
و قیر اولی 

### مقاده مشایه

سلطان سیم خان ثالث علیه الرحمه رجا الوداد حضرت غریب الشریک  
رویت و زیارت داعیه سیده استانی به جبهه خواهشک او بدین معنی  
مت هم بیود و قدری دعوت خبری و وصولدن اقم **مذلف بیت**  
اول صاحب کرامت بغداد و دودی رو • ایندی لسان حال سیده اصون  
سرفرو • یعنی اشای طریق غریب الشریک تصادف ایدن اصون  
مراتب معنیه دن رزان و حیران اولوب **بیت** هر که رسید  
از صوفی کزید • ترسد از وی انسا و من هر که دید • ستریفی  
نمایان او طیفین حاضر دار السلام بغداد جانبدن بالاضی و السلام  
عدوت و قطران طوبی بر مدق سیر صنع کرد کار قصیده سیاحت  
اوزده او دقلین سلطان سیم خان حضرت استماع ابی تکلم او راوانه  
کتی ای مرید علیای طقت بونان یوسف اغا حضرتیه بوسر بسته  
ابنا و اور کوهر کز انبرای و دوتیت جواهر رضاری تحسیر و اشترا  
اونسب محفوظ صندوقه مباهات دوت غظمی او طوعه امرنه آتانه  
جبر فیضی اراده و ایما بیود و قدری اغای یومی ایردخی مترجم کتاب  
قاموس احمدی صم افندی رحمت الله علیه حضرتینی جبب و احضار و خصوص  
مذکوری اطرافیه افاده و اشعار و حصوله کدیکی صورته مراتب مطاب



موردیته ناشسته دفع غبار خاطر ایستادن بنفشه جیب ازاده  
 عارفانه و کینه قلندرانه نیزالان اوان بشیت غرض اعطایه  
 مایه مار اوله جفتی دخی ابراز و اظهار ایستادن اقدی مومی الیه  
**ص** بز قلندر دوش بزره ثروت کلز • مضمون باطنی بعد بگویند  
 جدایه تصدی و ابتدار ایدوب سیمشکه فی الواقع بود ایدوبان  
 و عنایت مظهریت حد اعتبار مدن هزار مرتبه اقرون اولدیفی نمایاندر  
 لکن فرض ایستلم ایستون شوکت پادشاه حضرتینی دود پاشا صوانه  
 رعدت اجتنار ایستم ربه قدری سحر اولدیفندن قاندا صفره نگیری  
 موجب اولدو کیفیت اوله جفتی بدلی و بدیدار اولطفین بنای علی حکایت  
 و سکنای مربوط و ارادات الهیه ایدون اوستلوسه ان افسیم و  
 خدوف اداب رعدت اجتنار معنوی صوب عاجزانه باعث مروت  
 و ضار اوله جفتی امر اشکار اولطفله هر حاله خصوص مذکور عرفت بیاقتدن  
 بعید و دور اولدیفی هدیاد و دیدار • انج العذر عند کرام الناس  
 مقبول • **ف** خدایه عذری قریه قبول اولدیفی او انج کلیسی شیخ عثمان  
 اقدی اوله بیت غرض اعطایه منفرد اولوب عازم سوی مطلوب  
 اولدوق مشارالیه اعطایه شریفی تشریف بیورشدر ایست بر ایستاده  
 اسایح صوری و استراحت معنوی عقیقه ذکر اوضانه مکن فله  
 رابطه اقامت و سلطان یابید جامع شریفی مدرسه تودیع و پای  
 تنیه و اشارت ایدوب یعنی عزیمت خلعت تحبث اتی ساعت مرون  
 ظهور ایدون زانه سیه بنم و راندن کلیدوب همان کلدیکی مدعو  
 و مراجعت ایدون زیرا عنقای فاف قناعت ایدون هت عاجزانه  
 آشیانه دوتنه پرواز بر وای دغبت ایتمه چکی معلوم ایدون  
 فی الواقع مشارالیه اشعاری و جمل مدق مرقوم مانند مرغ دران



الحاج شیخ عثمان افندی نمایان و واصل و امینه ضمیری بروجه مراجع  
 حاصل اولدی ضیاییه مدرس افندیکن سائمه وصال اولدوق  
 مدرس افندی در حال ابراز ما فی البال اید کلزله افندی مرقوم متحیر  
 بیجا زهی تصویر بیجا زهی خیال محال مقال یاحی ماییده دجست  
 قهقریه مضیه دان استیجار اولوب **○** دضیت من الغنیمه بالوجوب  
**فدایه** مضطرب الحال اوله ده عودت شیر جهان اقبال اولمشلر در  
 بعد زمان سلطنت حضرت محمد زانیه یکدمی اتی تاریخچه در سعادته تشریف  
 دعوتیه اولوب بجد اشارت و وارد آتله در مآثر الیه ایله کب  
 شرف صحت و تحسین دولت قرینت ابدن دوانت اکثر یا متحیر و تعجب  
 اولدوق خوارده عاده یعنی کون کوهار و کون صیاده حاصل  
 غریبگون و مأمور اولما به محال و اماکنه اطعمه فاکر نظیر مشاهیر  
 ایدر رایدی از جمله **موصی** در رتبه کلسن باغ طریقت  
 غنجه روضه صقیق کلسنی **مختار** در کاهنه البوم سجاده  
 پیرای روضه متین شیخ ابراهیم افندی عزیز مآثر الیه ایله ضلی مدت  
 زاننده افق و صحت اولدیفی اشاره بر کون حب الشربادون  
 بر ساعت مافه بعد **نامقه بیت** نسیم جهان در دلی جا گرفت  
 تمام کنان راه صی گرفت مفادجه قصه غما صوغ کبیا ایدر  
 غریب بیقوب بر صبر مقصود صفور عبادت ایکن شیخ ابراهیم  
 علی طریق الطیفه حالت جوعدن عارض اولون عجیبی اظهار جرات  
 ایدر کس طبیعت نه استر بیان ایله جه اشارت بیور قدره باغیر  
 هنگام صدوت انجام یار اولمه تقریبی بودریای بیابانه زینت  
 اشترای نفس و طبیعت برنج بدویده ات لقمه نه طالب وفا  
 فنون و فنون میوه به فدا هکدر رغب اولدیفی اشاره مبارک



ایند که بر مقدار ذویه صبر و تحمل قرار آید در آن عالم نیز همه  
و آنم عنایت آید ایماخی تخمیناً بر ساعت مرور آید که او بخت تقدیر  
ظهور و برسد الی مطلوب و منظور طعام و فاکرهای بر قدح آید  
عرض حضور آید کلام شیخ ابراهیم آید صیقل سندی اولوب  
غزیه ضباب آید و بوی سبزه یعنی بنسبش کردن خالی بوی بیدرداغ  
باشند بود واقع اولون حاجات و حالات غریبه سن عالم السـ  
وقاضی الحاجات بیدردک لکن بود مدله نه گونه بدیدری اول  
سره اکاه و واقف او طعم صامع عجزانه در ریمتی بعد کفنی بقیب  
ذکر اوفان ارمده برندن استعاره صفت حال ایلمی اول مرد  
زود استنا کف اسرار صکت عالم بالا آید و ب اول و ادب و تربیت زعم  
ساده آید و ب سبزه نماز صبحی بعد اودا دو چشم عجزانه مانند  
نرکس بیمار کنار دوحه زارده الوده ضواب اولوب زینت ساری  
عالم دویاده غزیه بوی کلی نشر بفرین بیان و اشعار آید و ب  
طعام ماضی اشارت بیورد و یلر

زمینه صادی صفا دور اول داری عرفان  
نهایت الی طوق فنا اول بجای عمارت  
چو صودی کلینی باغ جوی ای بسبزه شیدا  
او عمان کرامت قاف ارض استقامت  
او شاه کباب فیض واداکا قسیمی قاف  
بخت تکلیف قلم کلشن کلستان  
چو قطعه صریحی او نامدار عمارت قدی  
که موجود ای کویا سیدون کلید  
ای کلون طبع سادع حشر جوی  
بعید طراز صفا طبع او روح خاق

### زجده حال عالم آید

غده ناصیه اصحاب علم و عرفان مردمان عبود ادب باب فضل  
وازعان ابوالکمال احمد علی آید حضرتها فی الاول عینا بی  
اولوب علم و نافع عقینیه و ذاردن برینه دیوان کتابی خدشتی  
اختیار



اختیار بمع عوارضات دهریه اسبابه بنی خدمت مذکوری زجمله  
 آنها که ده بر مدت محضه برای قرار اولوب محرم قومی اتمام آج  
 ودانه مقوم ایتکمل حبالشرباده دخی بر زمان و ساده ارای  
 استقرار اوطنی ابر ده زبایت حب فاضیه معاد در عادت غریبه  
 همدکار و جلی مدت استانی که کوشه اثر و اوحت اختیار ایدوب  
 اول در دریای فنون و بدوخت بازار زبان شعاع عالم ابراز سرایه  
 معرفت ابر صوب **ح** **رضیت الله تعالی** **بالایاب** سوره غبت  
 او زده الین **بت** دهر بر بازار دهر کس متاعی عرض ایدوب. اهل دنیا  
 سیر ز راه هز فضو و کمار. ماله امثال بر له کف بضای ریای  
 فصاحت ابریه در **زجه** برهان قاطعه است ایدوب **سوره** **سیر** **فان**  
 ثلث حضرتیه تقدیمه ایتکمل کالوی کران برای فضل و هندی  
 ضاحیه بندرگاه **فضائل** عند ریح سلم اولوب اولوب **سوره** **افا**  
 اوطمین طرف بادشاهیدن شایان انتفات و احسان اولوب  
 رفته رفته سلم اعتباره عوجه نظریت پیدا ایدوب باد خره  
 ثبت وقایع دولت عنایت خدمتی عرق فاضله رینه احاطه بیدوب  
**دوره** **مخدوم** **فقه** **سودیت** **مولو** **سینه** **بکلم** **اولوب**  
 اور غلظت کوه رصاف او نورانی تاریخی او ایتن **دو** **جای** **زجه**  
 زه شیراجل و واصل دعت عزوجل اوطفه اکداوده واقع زمره  
 ابراردن **زجه** **احمد** **حضرت** **جدار** **مدفون** **و غنوده** **معباب**  
**مفت** **مقدون** **مدون** **آثار** **رایه** **حضرت** **اشار** **قلم** **اکبر**  
**نوا** **ملدن** **از** **زجه** **سجه** **باب** **ریاض** **ظهور** **اولوب** **زجه** **نفت**  
**قاموس** **که** **اوقیانوس** **اسمیه** **سی** **در** **دیگر** **قطر** **سیر** **بفکه**  
**هنگام** **خبر** **انجام** **و** **دور** **هایون** **نبودن** **صلی** **الله** **علیه** **و سلم** **اوان** **خون**



افتد آن رسته قدر رفیع و قایم اثار ایدوب سیرة الحکیمه و بطل  
 معروف کوشتر رود و لغت فارسیه دن ترجمه برهان قاطع  
 و دیگر لغت منظومه عربیه که ترجمه عاصم تعبیریه بنام مسلم نمایان  
 نمایی از باب همدرد ماضی زین و بیاض معارف و بدوخت اولی  
 ذات فصاحت ایام جریحه و همه مرهم نافع و اول اوقیانوس  
 هذین هر قع کصوم و دعا که برهان قاطع اولدینی بدیای  
 و مبرهنه سیمای لغت قناری اسمائون و بالاف ایدی  
 رحمت اللهیه اول ذات فصاحت سیمای تالیفات و اثار شریفه  
 مانند سجات مندرج اولون حسن و آن بدوخت نمایان یکی بعضی  
 هوکاران خود فروشی آورده سرر مستغنی تعبیر اولون فصاحت  
 قاعته ایمنیه سیمای سبب اثاره جزوی فصاحت جبار  
 ایدن مثنی نمونه ضروایت مازدوب استماله مثنی جبار  
 روانه سیمای قنار ساقی نامه عجزانه زیر طبع فطون  
 اسرار برورده ایدوب مانند یافت سیمای بزم هنر  
 لبز قع و بیاله اینکار صریح بدوخت نشئه برای انجمنه  
 طبیعت اولو داعیه سیمای تقریض مذکور برای نسبت کسبه  
 سیمای طوفانی طوفانی بیت از برای صفت انفا لیب  
 کریم در سیمای کرد از عیناب

### تقریض مذکور

سخن فحمت و دقت کند و هذا جوف فاح دوری کن تو کند • خوش  
 ساقی نامه طالبی که از مطلع تا مقطع ملاحظه و معان و نسیم  
 تعبیرات و نکین و استحکام مضامین و نشیئه صرف بهر وقت  
 و از عیان او و دفع صفا که هر طرف در صفا صفت و هر کلمه  
 بیانه



پیمانه لبریز باده معرفت و هر مصرعی باب های بون کهن سر وحدت  
 و هریتی بیت الشرف زایچه نغم حکمند **بیت** سخن کرچه از غریب  
 زیر و بفرش • سخن نیز از دشت **ضیاء** و بفرش • اول در نضیه  
 رشته نظم و ترتیب کشید ابدن فاع میدان زبان وری ظاهر  
 فیض و فتوح هذوری با شانه شبره مایه دار کنجینه کنج کاوشه  
 نیر و اندین جانی صبی معنی اولدینی زایقه مندان واد مشنوی  
 اولدیم و ارسته قید و بیا ندر • زمره حقیقت سخن کوثر است  
 زمره حقیقت سخن کوثر است • بدینچه به تاب اول منظومه به آب  
 و تاب معالمانده بود که نشود یحیای کتب ایستادن  
 بشقه بر تقضای خیر خواهی دولت علیه کردن جناب همیشه  
 زمره کتاب طرفه هفت خالصه از معروف و علم معرفت و هنر حقیقتیه  
 نشود و نماند غریب خالصه از معروف و علم معرفت و هنر حقیقتیه  
 مقدمه تا طبع موی به خدا بجان هر آن معالی ارکاندن اولدینی  
 دو بان باری دشاری و بعضی مرتبه تسبیح و تقالید عادی  
 اولدی علی اوطوفه نازبانه مطایب خواهی و شوا و اوطوفه ضمیمه  
 او مقدمه ادب استعداد و سخا و مقدس سراج و هاج لطف  
 و عنایت بر توانکیز و سحاب نجای توجه و عطف باران زیر بیو طبع  
 از قیام شیمه کریمه ارکان دولت علیه اولدینی سجد رضیه عالم و طایفه  
 غیر ضمیمه اوطوفه او بیابن امر و احسان کاشته کرم بجای بایانند

**مقاله**

سید کاکیم خان ثالث علیه الرحمۃ الله کوارث حضرت نیت و انما در یابی و آ  
 شاهانه اول کوه عثمان معارف حقنه ندوظم و تعدیه حکمده اولوب  
 شایان مراتب علیا بیو طری هر کوز ضمیمه ملوکانه لری اوطوفه ابرده



علمای رسیده اند مویه دار قیل و قال کردند اجتناب اولند  
 قاضی و آلاء تطیف حضرت شاهزاده اصفهانی خدمت املول  
 مدون الکلام سربازی ابراز و انوار ایدوب بود و جبهه سزاوار  
 فضا بپوشید که با عاصم آقایی از قدیم اصول دولت علیه مراتب  
 و مناصب فضا بر قهر و عظیم و بی شماریست بهر که اول  
 قهر و کجی و شتران و اسنان و شور و هماران مستطیع فضا در  
 اکثر اوقات کجی و کیده قلوب او تنه است تصادف ایدر  
 بدو غریبه به کجی و مخیر و مضطرب و حیران ایکن و رادان بر چهار  
 دخی تقدیم ایدر ماضی کیفیت جریحه روح دولت بوسالت او ز شیشه  
 بند غفلت ابرده امسلة ملوک آل عثمان مزاج و طبیعتی  
 هر دو زانته اعتبارا کجی و کیده نظریه میل و غیت بیور  
 حاره و در دیرت نظر اندازد و اوله کلمه در معنی سنان  
 قدر و اعتبار از شاهان و جمعه به مجرد دیده در تطیف  
 و تسیه خاطر بیورش در طاب شاه

### مقاله

بیت ادباج فضل و معقل ماعدان کیدر بوفان دهرده  
 خون جگریمی • مفارجه زهریت را ابریت ایینه حاشی صورت  
 عرف نمایان اوطین اوان اریکه پیرای سطلت آل عثمان  
 سلطان محمود خان حضرت بود و جبهه عرض ما فی الضمیر ایستاد که  
 یاد شاهرهم بر کتاب کنار نمی کوردم و یا خود نقه دن استماع  
 عافیه می واقع اولدی اولو جبهه نقی لوجه خط او لون حدیث شریف  
 رضایتی ابراز مجبور اولدم یعنی خبر صحیح از خبر البشر بگویند  
 ثبت صحیف از بر فضا در که عدل و انصافه موصوف راق  
 و جهت



و ساحتی معروف اولون سلطان عدل اینک زمانه برآمد  
اولین حرکت عالم اظهار اینک بد ضرورت او قاتلدار اولور  
یوم تبلی لایحه اور سلطان منصف اولور ملک جیب و کربان  
درست ایدوب ساحت حکم عرصه بکوین دعویه نفسی و ابدار  
ایدرکه برآمد بکاف و نیاده افاده حال مرام اینک بد نفسی القای  
و دله ضرورت اینک بد عقلی ستم بوضوح عالم عقیده شوکت  
افند و هنر نیت دست های یون ملوکانه رندان کر بیان حیات فقیر  
و قیه وقت الی این خدش و ره های جوأت ایتکی و اجبه وقت  
بمیکند عرض مائین خیره جارت اولدی فی الحقیقه بو عریضه  
تر شاهانده غایت مقبوله کجوب کیه امیدی نظر اصان  
واوان و هیان نیازی مال و مال بیکران بیو یوب الا اولور  
جایی طرف شاهین نائل اعطای سوال بیور بدیندن بشم و فائز  
رضی کافه دیون طرف یاد شاهین ادا اولدی رحمت الله علیه  
**نظم** کجه اربانه بو عالم صبر عالمیدر **ه** مصلح عاقبتی بود و نبد عالمیدر  
**ه** هر و روه صامه و هر زهره عالمیدر **ه** هر و روه صامه و هر زهره عالمیدر  
سرعت سینی مائین و دویا صمه **ه** امتحان اولکک اثبات وجود عالمیدر  
فاتی سندی ایقا اید کور نام نشان **ه**

**مقاله دویا**

نفس بدیهه غای دویا **ه** اقلیم و جودت نیه **ه** اولون نفس ناطقه  
کیا بندگی اطلع قدیمه سبب اسرار عالم بابو اینک بد عبارت  
اولوب اصی ب **ه** دویا نفس زکیه اربا بندت ایه نکرار نصیر **ه**  
محتاج اولوب **ه** رأت مناصه شاهه ایتکله وجهه دویا اولور  
اما نفس غیر زکیه اصی بندن اولدنی خالصه کور یکی دویا عبت غای



بجای بر معبر صفت است آن تعبیر به احیای ابد است و در  
 بحث دویاده حکمانه نقش محایف تصور اولیای فطری و مجربات  
 عند ربح علم الیقین افراد افریه نه کافه مجربین اولیای فطری  
 بی ثبوت شریک کذب و ریاضی هزار بار مشاهده ایند کذب خصوص  
 تفاضلی حکمت عقلیه به صفای اولیای بدیهی و صوری و اصل  
 کمالات انانی و استدلالیه اولیای ابریه بعضی موافق و بعضی  
 موقوفه اولیای مانتد عقل حکما انکار اولیای هفتاد و یک حقیقی  
 حکمت خارج از عرف قدرت ابریه بود یک صیل و مع و قدرت  
 عاجزان و مقداری ثبوت قائمه اثر و رفیع و راه خبر خند  
 هدانا الله الى سوا السبیل

### مقاله حکمت

چونکه علت غائیة بعثت انبیا صلوات الله علی نبینا وعلیهم تسلیم  
 وحدانیت و اجرای عبودیت و انبیا موجوده که ماسوا الله و  
 مخلوق و حادث و مستند عدم اولیای مخلوقات تعلیم و تفریق  
 عبارت اولیای حقانیه و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا  
 و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا  
 حضرتان اراده قاطعه صادر اولیای حکمت معنیه اللهم  
 بوقدره جوه کرامیه تحفه بود و جلال زبور کردن عرض تدفیع  
 قسود که انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا  
 و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا  
 اولیای بدیهی و علم و ریاضیه و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا  
 و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا  
 ناسخ عقایدی علم عقلیه و انبیا و انبیا و انبیا و انبیا  
 ضلوع



ضد اولو و موقوفه اربعه هفتاد و اعيان فائده حکمتخانه نبوت  
بخش داخل و طمس شد

کیفیت کمرہ ارض

جواب کره ارضی الی میل مقدار هدا کجی اولوب ظاهره جریان  
ایدن بجا و ازها رشتله باطنه رخی عوده بنی ارضه جریان ایدن  
در آسا هدا و ما جاری و سیدن ایتمکه در و ذات شریف ارضی کوکب  
جبهه دن معدود و معتقد فوه و تحت تصویر بیجا در انحق  
انبیای عظم علیهم السلام بعث اولند فیه جانیه مدیه جهت الشرف  
فوه اطلوه اولنور دوی ارضه موجود اولون مخلوقاتک فوه و حتی  
مطلوه بولند قدری مکانه نسبت ایله بلنور و الا قبل الخلقه فوق  
و حتی مضمور و کدر ارضی هوا و بعد قوت سما محیطه هیچ بر جانیه  
مرکز دن خارج ارضه حرکتی ممکن اولمید اوزرزه موجود اولون  
اجسام سخت و غیره کی جاذب و محرک هوا اولون قوت مضویه  
کافه اجسامی جانب ارضه و افق و آسمان دخی مرکز دن خارج ارضه  
بر جانیه میل و حرکتی مانع دره

سفال

مقاله  
علم افراز میدان حکمت را بنظر از ساحت نبوت صلی الله علیه و سلم حضرت زینب  
زبان معجز بیان رسانید از زدن ثور غنی الارض واقع اولاد  
کره زمین اند فوضع ثابت وقاعد و بدو روایت او نبات کلام غبار  
انتفصل تدبیر و تاویبی الله ارضت فار و نباته کره ثور مرداد  
او بدینی رمزی ایما و اشعار و زیاده کهنه کره دیکه دور و نباته  
و نشود نماده اسباب قدیه او مننه قدرت باهم و قدرت فاهقه



اریه تعالیه ایندیکی شمس و قمر کرة ارضه بحسب و در کار اولون  
 تأثیر و ترتیب رندن مستان و اشکار و نور القمر مستفاده شمس  
 فضیه معلوم اولی ابصار در کف افدک بر برینه دور و نبات  
 و ترتیب و استقامت مدار و اسب اوطلس و ارضت معالیه و طسی  
 و مؤثر حقیقت بودند و قوت کامه و تأثیر ضلع بتی و بیل عظمت  
 و برهان قوت اریه در قعر زمین هدا محدود و مکب و طغ هفره  
 محبت اولون هدا مثل باضع و فی دور ایمکه در درون زمین  
 کلیاً اجد و هدا مملو اولوب الی میل مقداری ارضی حفر انیم  
قاب پژ و شمس موجود و جاری حائل و طس و راسی ضی و زهر و  
کمانت تأثیر کوکب اتفاقیه ارض معالیه در دیه دل و کار اولون  
ادعاری و جبر ایده اعیان خاتبه و اشیای موجوده نات حد و ثقه قل  
وعدنه عقیده ماندایه ادعای سلم امام عالمه بصار و  
محد و کوبن ضوض مخالصه زاهب اولد قلص عالمه قائم لایه رض وط  
هدون و ندم اولد قلص منفعه عبره ابو سینا دفی کمای اسویه  
و تکلیف بدون فوق کلمه اعزاز مراتب اشراقیدن و مت نیون  
ایتم لایه ده بج عبیه حدوث و قدیم و سربهم و جود و عدم و سینه  
سرشته فیقای ظن نات اولوب ذات عقاید متفقه بج  
غفلت ایتم ماصل شاه بند روان اعنقار کفر داع  
فوق حکمت اوطن و قایه ایدوب نحیل رایه علوم خود صبر نه  
صرف اوقانه دق و امر زین نمازه مدامت و باب صحت  
تثبت صلقه هیه بقدر باضنه موزمت لازمه ادبای بصیرت در

### مقاله ابوسینا

حکیم مدعی برهان و طس صیسی سم قند اولوب نحیل کالت بوی صی  
فنون خبر



غریبه به مالک با خصوص علم شغل و نیرنجی و بوندت مانند  
فنون عجیه: مالک اوطین کیفیت علل و امراضه واقف و خاصیت  
نباتات و تأثیر ادویه و ماهیت عقاقیر و عارف ماهر جمع فنون  
عمده مکتبی ذوالعارف اوطین از جمله فتح و تسخیر و مقدم  
قطنیه ده جانشین حکومت اولون ملوکون برسی بر علت روانا پذیر  
ستود اولوب یعنی اوتورینی محمدن قیام و قعوده حرکت اقداری قاطب  
دانشا مقصد و اسیر فراسی و خواجی اود قرق مدد حکومتین موهود کافه  
حکما و عامه اهلایا که تیراده فلت در صفای جرف در مانج **•** مصرع  
عجی نمایین کویا اوله ره با لایحه ابوسینای جبهه قرار و سلطان  
غیاث الدین حضرتیه نامه و سفیر ارسال و قید اولوب حکیم مولی البرک  
کوندلینه رجاستد استدعا اود قرقن سنان تارایه نبض انناس  
قاله وضع سیاهه اقبال ایدوب ابوسینای سفیر ترفیقاً ارسال  
رطی مافه بعد ایدوب صاحب سیاهه واقع فوج بیت اسکله سنه  
ورود رزق حکیم مولی البرک سفینه به سوار اوطین اجتناب ضرب  
واجبارده بادی اوطین زلات رت حکمت بیوت بوسینا مانند  
متجربینا بسته اوله ره سفینه: القا اولوب برقاج میل یکون  
کمی مرور و گذار اود قرقن بدرینک کمی رینه دانش رجایه ابتداییده  
کمی ساع اولوب سفینه به سوار اوطین استدازی خصوص سوار اولوب  
قریب ساع اولوب سفینه به سوار اوطین اولدینفر صید ابرام  
حکیم مرقم مداینه زمره حکما و اصحاب تألیفان دن اولدینفر صید ابرام  
و جبر اولوب سفینه به رکوب اختیار نسیم از قضا غره دریای فنا  
اولمه اصناد در بند صحران بو عالمه کشتی سوار بج معارف و حکمت اولون  
زوانک عند رزق کالون کرانبرای تألیفانم اعتبار دن ساقه اولوب بازارا هنر



و رانده کم دور راج اولور مدو خط سه منی شد و در مخافه با کف در  
 مجبور اولدیم زیر سفینه موضع هر که در غنچه طبعیه کشتی سوار  
 او طعه شایان و سزا و کلد و دیوانه ایدوب بعضی استبدیه و در  
 نبض قزاقه وضع انگشت دقت در دم قاسد قزاقه نکلون ایدن  
 فاره کب و قوف نام ایتدک کنا در سرده مجددا بر حمام  
 بنا او منی تنبیه و ایما ایدوب اولدو جلد بنای حمامه شروع و انعام  
 اولدوق کلنی حمامه طبع و آتش وضع اولدوب درون و بیرون  
 ماسن آتش زردست حارته اکنف و ماسن مال اولدوق کوبل  
 هجی تعبیر اوضان محمد قزاقه فرج با ه استاذت اولدوب  
 قزاقه فدقش ناسم اولدوب زکرا اوضان حکیم رخی باب حمامه بسبب  
 صبار قزار مسای و اضمار ایدوب بر ساعت عورن درون حمامه  
 داخل و قزاقی خواب سبات آرامدن بیدار و کردن قزاقه ضربه  
 شمه رخی اجتناب ایدوب ایدو سیان بدو جلد و قزاقه حرکت  
 نامسبده و خارج از دایره مکتخانه ایدوب حرکت و حقیقتی نامسبده  
 نه ه و وضع ناصواب و اطوار فاسد باعث جریان خون و اکثرا  
 ماهر بوکونه طور و اسلوب اغربا قبه دماغ و آلی بی اختیار هوا کید  
 ناسره بخار غضبیه اطفال کلنی درون اکنف شراره کین چشم  
 چشم آلودی مانند زجاجه دکن اطفال هان یزدن صحر ایدوب  
 ایدو سیانیه هجم ایدوب سیار رخی ناچار میدان سوخته جان آتوب  
 اسب مرهابه سوار و فاره ایدوب ایدوب در دست و قزار طعه  
 داعیه سیه و رانندن بر قزاق نفادیم بسیار اولدوب قزاقی  
 ضوق ملول و جورن آنز بیدار اولون می و حرکت اقتدایه  
 صرف



صدق با صحت از عان و دقت بر به تکرار تعظیم و ستودن مضارینه  
 اشارت اتمکین حکیم مدعی آیه اول و چهارم اعاده اول و دوم مضمره داخل  
 و مرتبه انتفاعه نادر اول دفع بعد اخصاصت ظاهر مغایر مراح  
 و ادب ساحت ظهور کردن افعال ناصواب مدعی الیه در سوال  
 اول دفع ابد سبنا بدو وجه کف برده اسرار ایدوب و عیتر که  
 و بعد از سبب ثبات و در قاص ساعات حیات اول و دوم در حیات  
**خلع عارض** اول بدیندن و اکتاد و طی بر حال بدیده عار و جدید حمامه  
 حدته تحریک غرور و غضبه بادی اول و بر کیفیت ترتیبه محتاج  
 اول بدیندن خصوص مذکور بالضرورت اجتناب اول و بدی و بدی و ادب  
 و بر دگر در قرآن طرفین هزار لطیف و تحسین بیان کردید و حکیم  
 رفعت شام حیات ترک هدای و طبع ابدیه در قطنینه ده  
 اقامتی خصوص ابرام و اقدام اول دفع ابد سبنا سیرازه بند صحیفه  
 اشعار و ایما اول و دوم بدو گونه و در کردن رساله بیان اول و دوم که  
 در ادب و در الحکومت کرده اقامت صدق عافران و موجب ایسی  
 و راحت اول و صبی نمایان اید و جنبه نادر طرفین در اجتناب  
 اول و ثان حرکات و خصوصیت اسطوره سحر فیک کردن صفت و قوه  
 کردن صفات میانده بادی تفاوت و حجاب اول و طبع بر صورت  
 دندان قضا و غفلت قطع ابتدایی رشته کت که بند انقیم اول و طبع  
 احتمال و در کار اید و عفو در قضا اول و طبعی اظهار و بدو وجه داخل  
 دائرة تفاوت اول و دوم بالافقی و صرافت تفاوت اول و طبعی انجاش  
 و خصوص مذکور عدم دقت عند الحکما غیر معتبر اول و طبعی بر حال اعاده



عاجزانم خصوصاً صرف اداده رخصت بیوریدوب بر منوال افاده  
 صومافرنه رعایت بیورطه مقتضای شان حکومتدر دیو آینه  
 مرآه و آله بوزینه صورت استعاره استغنا کوست و کلزق و آل  
 طرقدن نظر لطیف و سزاوار احسان فراوان بیوریدوب و اعاده به  
 رخصت و بیوریدوب قطع مرصعه مقصود ایدرون جانب سحر فیه شکفای  
 ورود و بدقه شفایه مدرسی اف و اول تدریسگاه حکمت اداده  
 الا فراتر قرار ایدوب بعد وفاته مدرسه مذکور غنوده حساب  
 اختفا و طند ریت تدفیع رفیع و طبعه فائز بودر • اف و بودر  
 عقله او باره ضرر ایدر • مفارجه حکیم مومی البه حکما متکلمیندن و عظمای  
 ملت بیضا: مسیحیندن بودند با حجت فاطمه صوری و معذک و  
 کلام رب العالمین یعنی کتاب مینه کب فیض اطلوع ایتیم علومه  
 زوقنون ایکن التزام افکار فلسفه ایتیم اظهار شفاقت ایدوب  
 متراباد و اعاده مدرسی قدرت تامة الیهیه بحال ظنیه  
 متفرد و ربای غفلت و غوطه خوار عمان صیرت او طند  
 نجات از الله سبب آینه خاطر محرریت نثاره بود و جهل نمایاندر که  
 منقد لونه عمل و حرکت مبادرت و بخت عظیم معقد لونه العالم غنیه  
 اعتقادیه سکوت مدائبت ایدوب سفینه عفا یلی کثیر کتار  
 سیرت ایلالت و اجبه دقت احتیاطدر •

### مقاله عرش و رضی

سبب خلقت عالم یعنی عرش اعظم کافه کثر افدون و سماوات  
 محبت اولوب احاطه ابدیکی اعیان ثابته ده کیفیت و ضیای قرار  
 واحد اوزده در قدرت و قدرت الیهیه مظهریت تامه سبیل  
 مدیحه کافه



کافه افدکدر سئونانی افدک ساره ندک تأثیریه محتاج افدک  
 بر سابه اوزره دو کف ارضدن ایلیم مقدارى بالیه عروج اوشه  
 رندک اقباب مانند ذهب خالص او طیب هارای دخی مؤثر و کدو  
 دنیا سحره ت هه اوفان رندک و حرارت بخار زمیندن نشست  
 ایلیم لکن تربیه و تأثیرى با خاصه دو زیاده هارای دخی کافه کف  
 اوزره طوب بکمت انقش دور واستقامتیه مدار ایلیم بالی صه  
 صوبک سفایى فوقه ادا که کذا لک کره ارض ایلیم مقدارى  
 محیه و در و نه دخی تجس ایدن هارای جاری و ثابته ارضت بیک بقدر  
 و صفت مائک منبى هارای ثابته دو **لله الاله وحده لا شریک**  
**له لا اله الا الله و هو علی کل شیء قدير**

**مقارنه شرف کف ارض و اداده جوده و جود**

کف ارض مکرم قس سموات و مرکز دایره عالم و جامع القسین  
 و منبع نوع بنی آدم اطفال کافه افدکدن اشرف و مازدن ک  
 الاله للعالین فیه به مظهر بیدریون ذات شفاعت ایات  
 خیر البریه مرفد **منشعبت** ایه هزده غباردن تاج سر  
 خاک ارضه با صدمه ادا به • فوایه تطهر شان ارض ارباب دن  
 و عبرته الزم اطفین احوال عجیه اشمال ارض صفت افعال الیه در  
 زیاده بر تخم امید که ذراعت اولند منبى برورده ایدوب ساهه  
 ظهور کنند یعنی ان دخی هر خصمه که صرف اداده و غزیت  
 ایه قدرت کامله الیه اولوجه فله و تکوین ایلر از جهل خیر ک  
 اوعاریکه بعضی افعال شری غیره نسبت اینه بدر بصورت ارضه  
 صورتی نشو و نما اولدن اشیا نك صد و تجس دماغ جان اولدیر



اراده و ضوئی غیره نسبت ایستند و رضی ارضت احکام قدره  
 فعلت روانی و کاد و حتی اسباب هیچ بر شیشه یوفیه نشود و  
 و برین حاصلی کلام بحث با بیان قدریت الهیه و مستور بیرون  
 احکام مقدور و در که لایعجزه الا الله یعنی دعا و اسباب قشبه  
 نه و اولوب الله تبدیل و تغییر امکان و انید تعریف قدر  
 بود و جهت ثبت رقیه اثر قدرت که وقوعی بحد و نظم بشرکتی عدم  
 ساهه ظهور کردن احوال مجزوله و افعال نامعلوم در که بالویج  
 نمایان اولور هدایت در روش موجود و کف اولون آب طر معارضه  
 مکتوم قنانه سیم و در یکی کافه خصوصه مقدر بودجه ایمنی و بخت  
 و اسباب نشین غفلت ایست افعال اسباب حکمت معنیه به  
 جرات ایتمکدر بر حال امر دنیا و عصبیه و مثبت از یال اسباب  
 اولمه لازم دند تقدیر منزه اولون تأثیر اسباب مداخلت  
 و اراده جزیه و فی ان نه مخصوص صفت مؤثره اولوب احکام فضا  
 و قدری صجده کعبه سبب اولون عبارتند و قدرت الهیه  
 هدایت تعلیه ایدوج خلعه اندکی اسبابه امر مقدر و نیلور اراده  
الیه نیست تعلیه و وقوع کلام کیفیات ظهور نمی تلوینه قاجیت  
 پیدا ایدوی و یا خود از بعید عبودیت اولقدر تدرسه کنه پای  
 تفکر بوداری حیرت فزاده رفتار و جود و رفعت و برتر علما  
 عظمی مضائق بی تعلیه اراده الهیه بر سیدری سنیست و بخت  
 بال و بر اینست مصدر کدر هر اثر است یعنی وجود سنیست خلعه  
 اولمه امتناع بود و یکدر و الا هر چه بود و قدرت و استعدادینه  
 کوره هر کانه قاجیت از بعد و در قول فعلیه فاعله اولمه کای بودند  
 کن



لکن اراده جزئیة نیست صرفیه اکثر یا ذاتی خارجیه مطلوبه اولیون  
 قصص جابدر بواسطه سبب نفعند اولوب قول فعلت خالقید  
 تعبیر واجب ری نه اسبابه معیندر زیرا خالقو ایجاد محالوت برله اعلی  
 جسم و روح ابدن ذات عظیمات است صفاتید از جمله بحث انجیا  
 صلوة الله علیه نبیا و علیهم مضانی اسباب توحید و هدایت و تکلیفیه اتباع  
 و امتثال سبب نجات دنیا و آخرت اولفین هر دواری مواله عمره  
 مقدر استیکر حاصل بعثه انبیاء است علت غائیة نه بشقه بر معنا  
 ویرست ايجاب و اقضا ایدر بواسطه محال و موجب صدور اولدنی  
 بدیدر ماحصل امر معاشه مکل الوجوده اسباب قشبت ایدوب  
 امور معادیه سیرازه اعتقادی مربوطه رشته کتاب قدر ابدان  
 بر عینار و غفقتن عبارتند **بیت** الدن برافحه رشته اسبابی فاتح  
 مربوطه در بورشته کتاب مقدره

### مقاله حکمی

حکای شرافتون و شایسته قریه عالمه ذاهب و بوداوی حیرتخواه  
 خود فاسخ انجیا علیهم السلام اختیار مذاهب اینک صلاحتی بود اقضای  
 قدرت خالقیت و ايجاب حکمت عظمت الوهیت تکوین و ایجادیه  
 اولطیب عکس تجلی ذات الهیه اولون مخلوقات قابل عکس و قدر  
 و برین جانب عدمه طریقه بدو طیب عفت و دهند و کربوه ظنان  
 غفقت و سرشته فبای حیرت اولشدر در قصص مذکور قول  
 اصحاب صفه اتباعه مدقه اولد قدرند بقفه ذاتنیک بدسیه  
 فاض وجود و تناد کبرداره شهود اولوب ابا و اجداد رست  
 مطهران صوای عکس اولد قدرین تفکر و مدینه انیس اولسیدر بد تکلفه



و سخن را یکی زیرا شمس عظام کتاب کائنات افق عدمی و غروب  
 ایوب بعد اراده الهیه است تعلیقیه تکرار بود عظامی مانند  
 نیمه عظامی منه و تکوینیه اوطنه بود اعیان ثابت است و در راه  
 باریه عدمی اوستی مانع و کدر حدوث و قیام بحثی در حق حکایت و ادبی  
 مقام بیبال و در بند اختوف و اختور او زره قالب مقدره سوء  
 انظنی مدح اربون اسباب قدیه جناب ضوئه علی الاطلاق هر آنکه  
 نیمه عظامی ایجاد و تکوینیه قادر و قدرت تامة الهیه جمیع محال و نه  
 نه هر یک محو و اثبات محال تعلیقیه ایوب قدرت تامة کماله الهیه  
 ممکن الوقوع او یون کیفیاتی سبب ابتدای صدور تصاویر و ادراک  
 او نه یقین در او نه بدید **مذلفه بیت** ذات صفات ایله اولوب  
 قائم و ابد • مخصوص ماسوایه عدم در بقا کما • مفروضی احاطه  
 و اقاربه موفقه اولیای ابره اکثر یا قلیل علی عقیقه ده شریعه  
 مدافعه و امر هدایتیه مطابقه اولوب تزکیه از هان و فکار فیه ضریف  
 نوع بنی آدمه ابتدای قدرت اقتضا مقدره مقالات ناسرینه  
 ابتداء اولیوب استحقاق قدری عدالة غرق شیت ایلمت نقصانی  
 شان و مروت انبیا **مقاله زلزله ارضی**

**زلزله هیت** اقوی ارضه دار صحرانورد اختوف او نشان توحیه  
 و تفصیل اسف و اختوف عقیقه قریب ابره ده بومیدان ضالعه  
 الاقدامه بدکونه غریب زمانه نوسه سارت قسود که کف ارض مجبه  
 او یون هدایت بهضاکس اختراعه واقع اولوب تکرار تجدد ایدن  
 هداده در کار او یون شدت ضرب حرکات ارضه بادی  
 او بدینی اصحاب رفته هدیادور



نویسه

بجاست الله و قدرته کره ارضه واقع او یون ذکره هدیه بانت طبیاً  
بخار ارضه نسبت قبل الوقوع اضار بجی منافیر زیرا تأثیر کواکب و فوق کون  
نشت ایدر ماده اولیه ب جود بخار ارضه نسبت اوست اصحاب بجی  
اول تر بسته اکاه اولیه رله زهر و صحرای ضد اول در ایدر  
به هذا قبل الوقوع ایما بشکل منه ظهوری بجود ایدر غیبیه وقوف  
مربوط علم از لیه الیه اول بفندن حکمت ارای کارخانه علم صلی الله علیه و سلم  
حضرت بعضا که استفرونی اول ند صاحب و تجربه ایده کب اطلاع ایک  
احکامی غیب داننده سور است کنی و حق ایدر ب جهت نای اغوا  
رو شیت اصحاب بیده و صحت بجود بیور ب زمره منجبین  
بوا اصیاطه بنی تصدیه اول ند بدر

مقاله منجم

صاحبه ایجاب ایدر احکام تجربه ده اکثر یا منجین اصابت بدر  
و منجین زاجه سناس احکام کائنات صلی الله علیه و سلم  
حضرت نزد صدر ایدر اراده نبویه بامفتی خارج رحمت الله علیه توجه  
ایدر ب مقاله مشکلات منه بگونه منه پیرای عقده  
تفسیر واقف او شد در که یعنی مافیه بعینه دن بر مقدار عکس  
نمایان اوست از افزون ما هم ایدر جمله سوار بدر و بدر  
در و تن پیاده موجود اول و مختدر و یا خود بالعکس او عا اوست  
کذا یک اما فاطر محرره ظهور ایدر مصادق بری بوجود محرره  
حکمت بیان قندره که منجین حدیث ترتیب سب در ور ایدر  
موضوع کذب نسبت بی طرح اول در زیرا مطر و باران ند ظهور بنی اعا  
اکثر بافه هاله اول یعنی تجربه کرده ارباب بصیر ندر



## مقاله کسوف و خسوف

مرآت عالمهای سمی و فخر ده نمایان و معروف اولون صوت عجبیه  
 کسوف و کیفیت غریبه خسوف نیزین مظهرینت بر برینه مقابل و قدر  
 میانندیه کوه شریف ارض را خدا اولوب امدی افق اولو جهل نور  
 وضیائیه حائل اولدیی امره قائل اولشد و مستدر و یا خود کف عالم  
 ماه و آفتاب بی محس اولون همداده اضراقت و قدعیه نکلون اینت  
 کیفیات غریبه در ذکر اوضان غائبانست و قدعنه فخر عالم صلوات  
 علیه و سلم حضرتش ایکی رکعت نماز قیلوب طالب استدعا و نیاز اولدقد  
 حکمت بین العلماء صلوات و ایضاح اولدیفندت بشقه حکماء ملت نصار انست  
 و قد علی مجتبه و صبر مریوط اولون کیفیات و اثر ادای صلاوة اولمنه  
 تدقیق و تحقیق عدم و قدغه ادعا و اعتراضه جارتدیه بدگونه حید  
 خامه جواب قلند که اقوال انبیا و اردات صعه و افعال شریفه  
 حکمت و طقدر زیرا انوار سمی و فخر روی ارضه بصور او بر او انست  
 نشو و نما سنه مدار حکمتی اولو صبیح و قدع کلون کسوف و خسوف  
 رخ جانب ارضه ترتب ایدن رخاوت و حضرت دفعی بانبع  
 بارگاه جناب بی انبازه طرف اشرف خیر البشرین تضرع و نیاز  
 اولدیی اصحاب دفته نمایاندر و حکمانست قوت بود و قوعانه در  
 نشست اربعین حضرتین احتراز زینی بنی زبان فخر اجرا  
 بیورد و قدص بدیهی و لطیفه فصوص مذکور مقام تردد و صبر و کدر  
 فی الحقیقه حکما هنر قدری و ریاضاتیه قابل استعداد و اجتهاد  
 کمالوت صوری اولشد ایراده عدم قوت قدسیه روحانیت  
 صبیح کب کمالوت معنویه دن ز اهل اولد قدندت بشقه  
 نائب مقام جناب صعه و ضمیمه اراده قاطعه سلطنت مطلوع  
 بید زبون انبیا و عظمای مسکنه کلون انجیوب در و ندر  
 محل



محل واداد الربیه اولدیفند افعال انبیاده خارده عاده  
سرزده ظهور اولان حالت غریبه نفع حکمته تحصیل وقوف نافع نمکه  
ناش و موقعه اولدیله زیار عارف اسرار عالم دل اولطیان ارم مهر  
باطنیته ده غاقدور

نظم در بیان شرف قلب

اولدیفند عرفان کوشدن کوشده	ویریلور بدیهه فوش الی کوشدن کوشده
مادان اولدیه پسته اگر خانه دل	اصیلور روزنه جان کوشدن کوشده
آیت تر وجود اولدیفند برهان بیل	اولدیفند نازل قرآن کوشدن کوشده
قید اولور صورت موجود سیدی دله	کشف اولور دفعه اکیوان کوشدن کوشده
وسعه مینه هر خط کعبه کتمه در	نیجه بیت عالم امکان کوشدن کوشده
لوحه خاطری مرآت تجلی ایله	عکس ابره حکمت و برهان کوشدن کوشده
ما سوزان پاک ایله هم اولد غافل	دور ایدر صحنی شریان کوشدن کوشده
ابتدی نبض نه تحریک انبلا اما	ویردی اول حکمتی لقان کوشدن کوشده
راپکا اطمینان مائه کت کت مخفی	صرف اولور کج فراوان کوشدن کوشده
طریق اکندر دور طماندن دوندی	آذیفند چشمه حیدران کوشدن کوشده
در عارفنه عجب ایینه عبرت در	کوشتر صدق عنوان کوشدن کوشده
هر بنه نیجه خطا سر ابرده ناز	قدریلور شوکت دیوان کوشدن کوشده
حضرت فائده قرآن مدبر دیوان	که حبیب اولد انون کوشدن کوشده
ابدی نیر، سکار طریق اخلاصه	یول بولور شرب زندان کوشدن کوشده
بر برندن اکور اندازنی مانند جاذغ	صدورت سیرت انان کوشدن کوشده
کوشل اسرارینی او زانیه سوزانیده	دید اول حال نمایان کوشدن کوشده
دید هر سیدی حکاکه طبع غائب	نقش اولور مریحان کوشدن کوشده
نیل فیض آقدی بولور کوشده کوشده	دوشتی چون نقطه عرف کوشدن کوشده
کسب فیض ایشی و باری معارف اول	جریان ایدی عمان کوشدن کوشده



اصلی بر لب اکاهه مدوق است **ه** دور ایدر عالمی پیران کو کندن کو کله  
 متصرف اولان اقلیم موجوده فاع **ه** سید ایدر عالم سیران کو کندن کو کله

### مقاله جازو

علیه الله البشیر به بن مقایسه اشیا وظیفه قوانیه حکما اولدیفند  
 اعیان ثابته و غیر ثابته یعنی روحانی موادی دفعی کشف و ایضا صبر  
 ماضی مقدرت ایلیوب فقط بیه انالی معروف موشر اولان  
 جازو دیدکله کیفیات غریبه به دشر بن و خیر لزومه عنوان  
 اصحاب حکمت ایکن ثبوت صحایف اثر ایتمکله علت مذکور عدم و  
 انکاره سند و حجت اولطفی اما کیفیت مطور و اصل رتبه توانرا  
 انکاره مجال مرتبه محاله موصول اولدیفندن بومالات عجیبه  
 تحقیق و تدقیقه صرف ماضی وقت اولوب قدیمی ترکیب خورن  
 تعبیر و طعن علت روحانیه اولدیفی اشکار و توجیهی دفعی خردینه  
 اعتبار اولندی مقظنا اللهی بویکیفیت ذاتیه نکلون ابدن آدم  
 هر قدر اکی ضلعت فاحش صورت انسانیه ایتمی ایسه ده  
 سیرت حیوانیتی غالب اولطفی مایه خلقت نباتیه قوت اولوب  
 سبب خدمت دارینه اولون عباداته ترکیه نفوسه سالک و  
 فضائل نفسی ناطقه ماله اولدیفندن وجود نبات ارضیه  
 ایتمیه مانند نباتات نشئه ثانیه بیدایتمی مستعد اولدیفی  
 نبات جسمانیه مانع قوت روحانیه اولدیفندن زیر افشیدن  
 قطع عذوقه ادبارت ایتمیوب مانند عفت دوی زمینیه المایوم  
 انضام اقامت ایدر کیفیه مطور جمیع مبدء ظهور ایدر اما خارجه  
 اهانت و ضرری ترتیب ایتمی مظهر علی حاله قوه کون زیر کد جفا  
 قالی



بعده تنف اولور قالیکه روح ایلی خطه سنه واقع اولجا زونک  
 زبان و ضرری ظاهر غایان اولوب اسباب عادی اوزره قیل  
 و تنقه باقما دینی حایره برخیی زمان امتداری بکرت اول ارضت  
 خاصه سید سادات صوفیه و تنقه ایله شفاعت حضرتان کرامت  
 انتقام دین اصوح نفس ماده یه دایر صادر اولون امر و تیریش  
 بونک و بونک امثال بر زنون سوخته اثار اولدینی وارسته  
 فیه تعریف ذکرافضان خصوص حکمانک عدم تعریفیه غالباً اعاده معدی  
 بخشه درکار اولون ادعای مانع اولشور

### مقاله و با

مه دین العقاید محوره **نظم** ایته بر قومه غضبی و ازل  
 ایلر اولوب و هوشن محمل قبی اکر معتدل اولمسه هوا  
 حکما دیر بوکافار و با ایتهی فالعه بونی عصیان عیش دیدی هب  
 بوکافجرول مرض ایلیوب بونک سوطی رقت ویردی تحویل مکانه  
 رخصت ماضی بیه اولم تفرقه زن اقدال عالم بخت مرض و بادیر  
 سریع التائیر و الدایه اولدیفندن تدبیرین دواشناسان حکمت عاجز  
 اوطافی غدا حکما تعبیری مرض مجرول و طریقه عروج و ادویه مقرون  
 کربق صعب الحصل اولدیفندن ماعدا فی الحقیقه ساری بازیه اولور  
 علت مذکور اوان ظهورین دیا خود مقدم ادویه دوائی جسمانی  
 مداومت یعنی اتقا و نظافته دوائی و مواظبت ابدوب بعضی معالجه  
 ضعیف و بارده یه رقت و افراج دیم و کسادکی یعنی ترکیب بقی دیکر  
 وقت اکل لحم و طعاج و عدم استغاثه کمرنبه اهتم اولوب هر فرد  
 خواهشک اولدیفنی سول و طبیعت مزاجه خدمت ایله و ظهور انبیه



محل و خانه دن افر بخت که مافه سنه اختدوف مهال او طیه  
 غریبه رخصت و بطشدر رضا فرار ایدند کدخی مقلدین قیل و قال  
 تجویز او نماز زیرا بوشلو مادون طبایع نال اجتنابه مجبور  
 اود کردند یعنی خطر اندن تحاشیدر عقائده طوقنور ماده و کدور  
 زیرا صحت عقاید استوح و باران عدم احتیازه بنا قلمی شد اما باری  
 بر ارم وفات ایدوب علی حاله جنازه میدانه قلب قریب اودون  
 جماعت آثم اولور کمن کفری مؤدی و کدور و علمای عظام مضاتلح  
 جواز ویر صیوب فرار دید کدور غالباً بود و بواسطه طبعشیدر بوشد  
 امام اقدیر ادا ایدوب فرض کفایه او طفل امت سازه دن سقاها  
 صه اولور مدت سلطنت عباسیه ده بر حکیم سازده و دانا علت مذکور  
 عروج و تدبیرینه موافقه وائنا او طعی ایسه ده بر آذ مدت طوقه  
 بکمت الله تعالی اول حکیم ذوقنون ابتلای علت جنون او طفل ادویه  
 ماضر و معلوم موضوع صندوقه اخفا و مکتوم قلمشدر ذالک تقدیر  
الفیض العظیم منشئه نظم سرعت قتله اودج اصغر شد ضربله  
 و باران بدتر ماضل بوعنه ابکی دفعه مبتدا اولیم معلوم حاتم الطیر  
 و مبتد من غیر دایمی دفعه اولاده مقصود صابنی استعمال ایدوب  
 ایکی ساعت مروزه عقر بن عافیت اوله روه بر آتام حاصل اولوب دفعه  
 ثانیه کوکب نصیه واقع اولور و تکرار جائه زورقم سوار دوست  
 اولیم کمن دفعه ثانیه بیرون عدوه ایدوب یعنی لیون صوبی  
 فتنانه صفوف جائی که برابر نوحی آید کیم بر ساعت مروزه اجرای  
 خاصیت شربت سرهل ایدوب صحنه مبتدا اولدی

مقاله خلقت

مقاله خونی



خوشنسخه لطیف ابدی منظومه وجود لفظ و دل اولی معنی  
 بیکانه استنا • ابتدا ارض قدرت الهیه نکته تعلیقیه اکتساب صدر  
 خلقت ایدوب بمعنی نباتات درجه ثالثه معدنیات و مرتبه  
 رابعه حیوانات کافه لازمه هواجس ان نیه اولی فیندن و یا اولی  
 ان ندخی مکلف و حاصل امانت کبرا و قابل فیض علوم و ستر اعظم  
 و اشرف مخلوقات عالم اوطین درجه فاضله آینه بند وجود  
 و صورتی عالم خلقت و سرود اوطر منشئه نظم هکلن  
 صدرت ان نه ان اوطاز • یعنی الفاظ عرب آیت قرآن اوطاز  
 نذر و دوه بدعت و کلچینی روضه فصاحت اولون اصحاب  
 معارف و عرفانه اشعار و اعدون اولون که بعونه نفع و قدرته  
 رشنه شیرازه کتب اوقات نور دین دست روزگار هارم الذات  
 اوطیب قادر بود عمر عاجزانم هر بند منوال حیات اوطعه مقدر  
 اولوایه نقص لومه ضمیر و ضیالات ابتدیکم اخبار الانبیاء  
 علیهم السلام بعض نکات سربسته و عقده دل شکسته نک  
 صل و ایضا صنه خرب خامه غبت ایلات موعود کلک  
 بدایع نکارد و غزل ای خامه منور و ابدی صفت غنایتی  
 ثبت ابدن صایفه اسرار مکتی • بر عارفان ظهور کلوب  
 فیض همتی • ویردی کفا بسامه ده جود و رضی • عالم بی  
 بضاعه ده صاحب اثر اولور • بشخصه اولی حضرت صفت غنایتی  
 صون امر و به دولت ایه توأم اندر • بینه بیان نه ندخی احوال  
 دولتی • تا اینه به معارضه اغیار ای کوکل • اینه دبل صحت شاه  
 و لوتی • صبر اینه وضع کردی دوران فاتی • محو ابدی که مایه و ضبط اقی



## مقاله

ابتدا ببدء علی الانبیاء ثم الاولیاء مصداقچه زمان صوف سید  
 اولیاده میان امته فخر و اماده قنای خود آنومه صمد  
 و دعوت پیوریون ذواندن بری صفای آراشیدن رضوان الله  
 علیه اجمعین حضانت زمان هایونص بدکونه غوائل و شداید  
 عظیمه مفرور او طیب صیاف کاشات نوبت صوف شاه و نور  
 زمزمه جانفوز حادثاته اکنه و مالومال اولد یقت حکمتی ندر  
 دیو سزاه ابتدار و اجتراید که اول زایچه شناسی سرار  
 روزگار یعنی حضرت حیدر کار رضی الله عنه و کریم الله وجهه شکر بر  
 قد تقیر و بیان اولوب بوجه اشارت بیور شد که صوف صبیحه  
 اکبر ده رضی الله عنه بن و فاروق اعظم و عثمان زوی النورینه حضرتان  
 متفقه الکلمه اولد رفه رأی و تدبیرده بر برینه هبا زوی معاونت اید  
 و بعد ایکن فاروق اعظم معینه ایدیت و هنگامی زوی النورینه صحرای  
 بدیهه غمای تدبیرده همچنان ایدیم انون امور نوبت صوف  
 مجر دکنی رأی و تدبیرمه محتاج اولد یقین اصحاب صقیقه اولون  
 امر معانی دنیا باعث اختلال و غوغا اولدی همه اصحاب رأی  
 و تدابیرن هان و هر زمان روزی تنبیه و ایما بیوریلر لایحه  
 قب شریفه و ارادات الایم ربان اولون ذات کرامت ایاتل  
 تدابیر صالحه افر احتیاجی اقتضایدر که ملون و سطون  
 سازه مجر دکنی رأی و تدبیرینه تفویض امور جمهره را تیمید  
 اصحاب عقل و تجربه دن بونان ذواته دانماینای امور مستلزمین  
 تأیید و اساس دیوار دوشدیه تشبیه ایله لر



## مقاله

دولت ایران از اکثر اوقاتی مانند طوایف جمهری و اولاد یفند و اورند  
 نشین گیاره و در راه های قوایی مرعیه و مراسم مربوطه، رعایت وقت  
 استیجاب او ان سلسله صاعقه علموز کبی گذرانه استیکه اولاد یفندی  
 زمانه گیاره نیاوند ایکیسوز اوله ایکی تاریخه دکیه کافه اصحاب تدایج و  
 کثیفه ملت تقریر و ثبت صحیفه و رفته اثر استیجاب اولاد یفندی هدیه و مدت  
 شاهان عجم ثبات و استقرار اولاد یفندی تأثیر آب و هدیه نسبت این  
 کلمه ایراده اوله ایکی تاریخه جانشین سیر گیاره اولون فتحعلی شاه  
 ادباج دانش و انتباه دن مرزا شفیع و مرزا برزق اسمیه سی  
 ایکی شخص نامداره موفقه اولوب عامه امور سطنتی عهده تدبیر و با قدرینه  
 نفوذ و احواله ایتمکله قوه سه دن زیاده اسباب ایتر و ادبیه  
 دولتی اماده اوله روه **بیج** وارد رکف شاهی ز قدرت اذلی گرفت  
 خانم دولت زمان فتحعلی مؤدبجه زمان سطنتی قرین رفاه و سحر  
 اولطفه سبده امثال اولدر ذکر اطفال و ذرا مادامیکه سوار  
 عرصه حیات ایدی دولت نظردر ایران یومافیدما کسب شرف  
 و شان استیکه ایدک بر مقتضای تقدیر صیتی قدیر متعاقباً وفات  
 استیکه نگار سب اختلال و باری علونم زوال اولدینی منظور  
 نظر عبرت اشتغال از جمله سیاح تدبیر ابوالنجیب اوافر دیت  
 فی طمینه نام رومه ذبول یاقه سطنتین سر سبز وریان  
 ایدکی مستغن عن ابیاندر

## مقاله فقهی تدبیر

**نظم** وادی تدبیره سرگرداندر عالم ولی صیده تدبیر سلب حکم تقدیر  
 ایاز مظلومینه بعض اوقات و احیاناً دای و کلوده وقوع کلون



فقه به غضب و انفعال اینجود باب حق التفات کوری در  
مصحح التفات آینه در صورت استعداده • و نیز آنچه از باب  
 عقل و تدبیری دوچار سکنه اغیار اینجود و انما تأیید ایلم  
 سزاوارتن اصحاب حکمت اولد یقین بشقه محاربه ضد ضمه  
 بین انکار مدخل و مشایخ اولدیب قضا مغلوب اولون سر عکس زان  
 عز و تشکیه مبتداییدب نگار مغریتنه تقدیت ویرست  
 ایجاب صالح حربیه دندر زیرا اولد آمده مغلوبیتنه اسباب اولون  
 کیفیت اطمینان دفعه ثانیه اعدایه غلبه مخاطر بر حال سیر  
 فیه محاربه ده ملازمت عکسیت اعتمادی اولوب اولدوچهره تفنن  
 امیه اولد اقصا امر محاربه در باب جواریه ضربه ناظر و کلی  
 وضیع زعفرانی مدبر میر میرانده اعدای ضربه ضربه شنا  
 وضیت ازما اولد یقین ضد مددکری باطناسبه انکار و ایجا  
 ایدیکده بعضی صیقل نف حریه انضامیه ضد یوه دعا ایدیلر  
 حاصل صاحب سلطنت از باب رانی بیه اناسی تحقیر ایدن اعداز  
 واجتباب ایدیه زیرا حقارت و کد باعث ازاله قدر شوکت  
 و مراتب دوت اولوب تخصیص مراتب علیایه حریه اولدو داعیه  
 بر طرف اولدو جانبارانه خدمت و صداقه هدکار اولدن  
 عدم رغبتی مدجب اولور هنگام جدایش مفت و مجانا استخدام  
 ایدوب ایام انحطاط برورده نعم عظمای ایلم قوانیه بعضی دو  
 وسلطنت اولدین حقا که ضمیمه مذکور اسلوب حکیمان بر کیفیت  
 اولدین بدر سید •



اصحاب برفت تدبیر ملکيه تخیر و اصح مخیر ایوب غیر یدر  
صت و صداقته سد ایمن اجتناب ایمه وهر مکدنات  
جاسته کدر مافور رجانه اوج ویا فدر دوق ذوات لوزمه  
دندر که نفور واعتبار بربرینه مادی اوله تا که اعتدال  
اودره حرکاته مجبور اوله در بیه الکد واقع اولون منافیه  
فهریه نات دفعه می واجع داولنه زیرا افتدوف و مصدق  
وظلمه بادی اولمنه بنیان قدی الارکان دوتی زنده افطربه  
کفر رایوب میان رنج در کار اولون عدم امیت صبیه دوت  
مصالح محالت محدود ویقنه اجرا اونیب اصها افه اسناد  
قباحت وغر زمنه میا اوله رو خراب مالت ومنه باعث  
اولک وارسته فید وبیادر لویه سار فاجبه افار اولون  
طغنه که میان رنج عداوت ونفایت وقوعه کلدر برده تطعم  
اصواج مرکه اجاردن انگشت سینه یه اتفا ایدر مصل  
وکلن دو نات رض میانت بر نقضای بیرت عداوت نفایت  
نمایان اولمه ایجاب ایدر ده امدر لوزمه ملکت وضو مرعیه  
سطحه اتفا و اتحاد اودره اولوب خدمات لوزمه ده مغایر  
بنایت حذر ومجانب ایلم واجه ذات اولیای امدر اولی  
اصحاب تعد وایفانه نمایاندر مضمر ملون وسلطیه برزنت  
اوصافی و ثانیه حدا اعتدالی تجاوز اینبیب قدح وزم نیکه  
رضی مبالغه دن اخر از اولنه برکيه صداق و استقامته  
مصرف اولون زاته عکس فضیه ظهوریه مطابق طرق انفعال  
ایجاب ایلم زیرا طبیعی ناسی اطدار افدو که م بردر اکثر اوقته  
استقامه مصدق اولون ذوات عدم استقامت دخی بصیر کلدر



خدمت دولت تکبیر و تطهیر کعب استقدار و بیافت انیمه کعبه  
 مقدس نازده فروز غضب و شعله افروز همت اولفقه معنا  
 اولیوب اجتناب اصحاب مکتومت عبت انداعدن معدود اولو  
 امکداران سطنت هنگام پیری و انحنای طبع بحیثیت فتنه فتنه  
 عظیمه زیر عذاب اعدای باطل و مظلوم کافه اولکان دولت  
 نفست و استراز صول اولوب موجب انفصال عامه باعث زوال  
 دولت اولدینی مبرهذر صوری و معنی شایان تطیف اوصاف  
 اولدنه عنایت و اکرامه تأخیر و اهل ابلات موجب شامدر  
 ملکه عدالت و کلدیه صداقت رعایا به امانت موجب عاقبت  
 و سلطنت اولدینی محتاج دلیل و برهان و کدر بیت بر شکر ضمه  
 ایه بزیم توفقه رام ایدک بنی • نیم صون بیمانه ساقی تمام ایدک  
 بنی • ناطقه سیه مقدار وسع و قدرت صریحی شریکد ارفضاد  
 و حکایتیه لبریز بیاله بیت الذهب حکمت ابدوب و اسرار حکمت  
 مخفی الله نشئه سیه دفع خمار غفلت ایدرک صوب مطلوبه  
 عزت و انعام کتابه مراجعت اولندی • و منی التوفیه والایام

## فصل الجمع

بیت مدبر جمعی نالون شمع • جفت بد حالات خود حاله شمع •  
 بالوده دفعه ده کلام و بیان اولدینی اوزده ارض و مدن فک  
 وابطه اقامت و ترجمان قصا سنه دو بر اه عزت اولدوب  
 اور محله بی کون اقامت بعد از ترجمان قصا کجانبه تحریک  
 زمانه رحمت و انی کون اقامت رضیک طریزون طریقه مطهران  
 میل و



میل و رخت اولوب سج مذکور ایله اردنجان میانه وقع کلید  
 نام مفتکه واصل و انشاء طریق حاصل اولون غبار و جنائی  
 بر مقدار آب انرا صیه ازاله و زائل الیاس داعیه سیه نزول  
 اولوب بی دقیقه توقف اولتی ابر ده ناکران دو سیکر عسکری  
 با انقی او در سیه بودن بجز محله نصف ساعت مافیه یکدی کنی  
غبار ایند کلرنه دوان سوار توشی وار و کشیانه جاده دو سینه  
ایضا و ایروب دو بند مزبورون ام المعادن تعبیر اولنان کشیانه  
نصبه نه و صو طریقه و تک اد شکر کذا نق سودت مقدار اوله و  
یکجه سودت فدک طریقه نه بادیه نور مصافت اولوب عسکر  
لوه عثمان بنا ایله موفات اول نق طریقه نه صو طریقه  
دو عاده ازلا و مور عوف فدک بی شقه دو دونه بعضی مصالح  
مقتضیه ایله ازلا ایضا می نبیه و ایما ایند کلرنه اولوب جه سود  
عاجزانه مدن مروضات تحریر وامد اولوب معیت عاجزانه مدن  
اولون تانا سریع الیرجه بعث واسرا بیوردید دو عاده  
نظیر وارسال افغان مروضات عاجزانه مدن مانع صف الحیز  
اون کلرنه دو سیکر کلید قضا نه قضا تصادف اولوب  
انشاء جاده مدن بالضرور اخر افه مجبور اولونه دو طریقه نه  
وصول عاجزانه می بعضی مروضات مقتضیه انضامیه انبا و شعار  
ایتمیم حکمت خدا حاجان زاده جوخه می صن بنا نک ازلا سیه  
محرم ازلا کلید بر سینه مفایر اول دیندن استماع کون مشار الیه  
قبول کند طرف نق جواب ستم امیز ظهور ایند کلیدن بشقه  
صده بد شمار کودم غیر صمیمه ایله تکثیر سواد ارقامه اجت اب



هفتاده انفعال اویای امدی نتیجه ویر زیر صفای خیر  
 اود بدین با نفس کلید صراسته اود دو قالد و سب  
 نصب فیام احتشام ایشم دیده و اصل اولون خیر انگری  
 متعاقب فاتح افندی تقریری کلدی و ماه مطورت اود  
 سکرخی کوئی ذکر اوضان کردن طرز و ن جانسته عبور و مرور  
 و مذکور محمد عاکر اسدیه دن فرد واحد مدهور او طیب ضح  
 اولدینی عرض و بیان ایلمی بد صورتی مادانکر محرابی کلدی  
 ایجاب ایده بود تدبیریه مشارایه تنیه اولنی ایسه  
 العاده لایک • قویجه دانشا عرض و افاده به ابتداریه  
 فصوصات صحت مفرد او طیب ضوف موقوفه به تحریر و انرا  
 ایتدیکدن کب اطلوع ایتدیب ایجاب ایدن مودضات عافانه  
 مان مدجهت الصدیه مفار اولدیندن فصوص مذکور صحت  
 تحفه و شمع ایتدیکه عکس تحکیمه عکس ایدن کون  
 عکس مشارایه و کون صوب عافانه عداوت ویر و سیه  
 ایه شری ایتدیکه مجربیت بید ایتدیدی باث یفته کار بقیه  
 جرف دوار و کون بار اندی روز کار او طیف عکس باثی  
 دام ایلر فیه کوفتار ایتدیکه راجیه سنه اولدینی ناصیه حال  
 مفدت ایتدیکدن بیدار اولوب کند قوه مصار شرفیه  
 و لوله ادای رعب واقامت و عکس دخی بد حال اوزره طرز  
 فوج باث اندامت ایتدیکه اولدیندن مواجهه اعدیه  
 جارت ایتدیکدن کتخاندن و عافانه مدتی حدود  
 ایله



اباح سبعة به موصول اولدوقه افرنجی اصل طوبال جنارال  
 ارجیت مقداری عکریه کتبی استید ایندی خبر موصی اثری  
 رسیه سمع عکرا اولدوقه ناصیه حائذن اماره فار و دهشت  
 ثابان و اشکار اوطین بهی غبت سجاغت اواله نه نسبت  
 بنجی درون اولوب نهایت نوک باری کون کلت زبان عجزانه  
 بود وجه نقی ضیة کین قندیکه روسیه عکری طریزون اوزینه  
 دفع مدفع اهتیم اینز دیده درک به مقدمه برهان ابدی باعث  
 دفع غوائل رعب و هراس اولوب عاکر روسیه دخی بهفنه کتبی نه  
 اقامت و اهالی طبعاً فرار ایتکلی امداد و اشیای بیجا و غارت ایتیب  
 ارض و م طرفه ده نورد عورت ایتیکی شایع و اخبار اوردیفند  
 بشقه کافه قضا و قرابی تخیه ایتکلرینه سرکث را لیه  
 ایه صر بانا کونا کون معار و یردن کویا فست غنیت  
 عدیه اوزاقدن اوزاغه تمقیبه جارتیه مبارت ایدیلر

**مقاله**

روسیه عکریه نه هرده بدو سبب بایبورد و معدن و کلکید  
 و شیران قضا رندن ارض و م جاقنه عودن خصوصه دار بره قی  
 مقالات غیر صحیحه السنة ناسر مانند مثل سائر دور ایتکلی  
 اولدیفنه بناء سرکریا صوب عا جزانه مدن بود وجه صدت  
 صقیقت ابرازینه ایتدار اوندیکه روسیه عکریه نکرا و  
 محارون عدرت و رستی قصصه بیه اناس نش و تفوه اوق  
 حوادث صاب فرع اگرچه مهور مستی اودون عاکر مدیقت  
 قن و ثبات اوطق اولوب بدگونه صورتا فائز درکار ایدیه  
 لکن روسیه نل بر اثناده تخیه فرا و قصیات ایتکلرینه اوج



منصور دو وجه اول غالباً ضربه و استیلا و مصرم او توحد و  
تجاوز از بطل دولتی طرفین اعاده و اشعار او شدی وجه ثانی  
ثالثه صالحه دو وجه ثالث بودند بقدر محله کوه و شکرستان  
اولی او نویاسی بایبورد و سوز صوانه مثل و همدکار  
ابتدای داعیه سند وضع دانه دام حیل ابتدا و دفعی کتله و مایه خود  
بهر صورت صورت تمکین و انتقامت کو سرب و سینه فاده  
و دیار و صوب صدایهای صبر و تدبیر مائل اوله و فقه کشی  
واریت و اول محله بر دست مترقب اراده دولت او طوع مقصود  
و دفعی طوع غالب بود اشاره صالحه قرار و برپور و یا خورنگار تأیید  
امور محاربه بکسر و قتل بعد افضایه حرکات ابتدا و اولور

### مقاله

ماصل تقیر محضیت را ایرام مؤثر و قرار گیر اولوب فرجه  
سند و بیع الاولات او بکنده طرز و نذر سوار اشراف  
و کثافت به نخبه زمام عزیت و ذکر اوطان محله عداقت امد  
اهتمام و دقت ایدر اقامه نیت ابتدا برده جوفه می  
صوب با شانت اقصای مال بجائی سرعت را بر می کرد اب  
بج بویه کفر اینه محصور او طایفه بود سینه ایلر طایفه  
مانع مطلقه و حروف مایه ابتدا کردند صوب سرعتی بویک  
تخیر و اشعار ابتدا را تمشیدی یعنی بنی او غلیم اسد فز غالب با  
و صالح با شافران کبی جنابزد و فای اقله نیرم زمام اختیار  
ایروب بود و جهل رؤیت امور محاربه مدعی ایرام رأی و تدبیر  
احاطه و تفویض قلعه تجویز اولور موادون او طیب و بر حال  
زات



ذات دوستی بر محل مناجی تشریف بیرون بود و معین او را  
 و زاری عظم و میرمیان کرام و سائر سرک و کان مضامین طیار و  
 بایب و قلع سینه بالنفس و اوطاف مخصوصه و اوطاف مفضای مضامین  
 اوطاف بر مناد و روح کتانی جوارنه خاطر خواهی بیدرید  
 بر محل مناسبه تشریف مستعد و بدو تفریح و اریال ایندیگی طبع  
 بیضا نه تأثیر عکس باطنی کتانی نه به اتی ساعت مافه ده واقع  
 تکیه نامی قریبه و اروج انجمنه ارای شورت اوله جعفری و ناسه  
 الحی و فلت برابر بوننی ایما و اشعار ابدی کتانی صوب عاجزان مدد  
 بدکونه جوابه تصدی و ابتداء و نشیکه حرفه جی صی باطن کتانی  
 زاده زلانی زاده ایدوب درون صخر و اماده ابدیگی آینه مرآه  
 بر صورت ویرست و دانه زاهب و طرفه عکس ظاهر از ایندیگی  
 فضیلت او صورت او غیبی کتانی کاذب او دینی عکس انداز  
 مرات او را کم او دینیت فرام ایندیگی نانی حر و حروفی مکرر اوله  
 کند درینه معارضی اولوب فرام و سبب از ایندیگی بایستی او دینیت  
 بر حال صوب عاجزان مه در کار او را عداوت باطنیه ابراز  
 مجبور اوله در حرارت کاذب و دین و دماغ کتانی غیبیه کتانی  
 طرفینه صوف رسوم سلطنت قبل و قالی موجب بر کیفیت حدیث  
 اغلب احتمال اوطاف بنای عید و فزدار طیبی افندی خصوص طبع  
 اجزای نوز و کتانی مواد صوب عاجزان کتانی کتانی تفهیم کتانی اوطاف  
 باتی مذکور افندی موی الیه دانه مخافه کتانی کتانی جناب  
 دو فکری و فی تأیید مذکوره همه بیدرید بنای عید و فزدار طیبی  
 سرعکس باطنی و دقت دار افندی ذکر اوطاف کتانی کتانی



اسعد باا و عبد الجلیل زاده بجی باا و حرفه جی صص باا حضرت  
 دخی کلوب جمعیت پیری صورت اولد قدره صص باا مندی ضمیر  
 ضیا تخیری اولون بایبورد قلعه نه وارطنی تنسب و ترجیح اینک  
 سرکشتار الیه عداق امدری بیها لعه مانند طفل شیر خوار  
 عسرتی امیز موی ابره مائل و هو کار اوله روم بایبورد وادی  
 ضمه صص قرار ویر دگر نه دفتر دار اند افاده عاجزانم اوزره  
 و خاصه انجام کار مدد خط سیده رأیدینه مغایرت ایدوب  
 کشتی ناطرقه تکرار عدوت و مراجعه ایند کدینی و سرکشتار  
 بایبورد طرفه غریبه ابره کلنی استماع ایند کجمن هآ در عقب سرکشتار  
 ابره تقیب و بایبوردده اوج عتافه ده واقع فواض قلم سینه  
 بتوب خواه و نا خواه هزار ابرام و الحاصه توقیفه بندر ماهر  
 قدرت اونی ابرده اوج کون مروزه بایبورد و صاری هوا  
 طبر زن رصت اولوب قصبه مذبوره اتی ساعه سافه ده بر  
 قریه متین ضرب ضیام اقامه ایدوب اول اثنا صص بابه  
 تحریک و بیدار صالحه امری کدی کنی سرکشتار حضرت فضیحه  
 عاجزانم افاده و اتحاد اید کدرنه وقفه حاله مناسب بدکونه  
 جوابه ابدار اولندیکه واقعا صالحه ضربی کلنی ابره بعد التحقیق  
 صالحه دانه اولون اداره ناک مائل روسیه سرکشتار طرفه اخبار  
 واعدون انشون زباصص باا ناک ضوف اصول جا بجا  
 اطوار نایجا به ابدار و اجتهادی روسیه دولتی غافه کران کلنی  
 اوطفی بولکوندرم بایبورد قلعه نه تمیز ساعه اهتیم اینی  
 منظر



ملحق نظر **صرع** عروج واقع می‌شود از وقوع باید کرد. ماصدق اوزده  
 کسی جاسوسی او را در مختصات قبل الوقوع دفعه صرف ازها و فیه  
 ایدم ایجاب صحتن اولدینی هدیاد هر قدر ابراز اراده صالحه  
 به دار صوب عاجزان مدن اقدام تاج اولدیه ده کار او طیب  
**صرع** وار بر بندیری اما انکار اینم بکاف **صرع** بر صفت صدقجه ابراز  
 امر صالحه ده در کار او را نرد و اضطرابی بر سر بسته به دل و استیجابی  
 و جنات حال و تحریک منافع و ضمه استمالدن واضح و پاهر اطفال  
 نکرار صوب عاجزاندن بگویند نیز بجای نوسن گفتار و سؤال اولدیکه  
 ایدم صبیحه دو تنگ ده او صبیح نقره بانغ عکس موصود برده فقدان  
 زخائر و مایه صبیح اولدنی لایقیده اینه بر ایدینی نه هر و بیدار و امور  
 صالحه و محاربه کافه مربوط اراده دوله اولدینی انکار الیه ایدم طر فخر  
 غوغا به شروع و ابتداء نهجه اعتبار اولدور دیوب کدوم صبحه انجامی  
 رسیق هفتام ایدیکیم قید کنی اید صبیح زاده بادکار نیات یعنی  
 صالحه افت و ابراز اولدن مقدم ارض و می فیه و نسیزه همه بیوروب  
 یا سر هم یا ستانم کرده قضیه نه امثاله همه بیوروب و طوبی عالیه  
 ثابته خیره اجتناب استیجابی شقه خفیه اراده و اظهار اید کردن و طوبی  
 نفعی صیغه نظر اولدن موادی بیانه شروع ایدوب دیدمک غایب و سیه  
 سرعکس تخیه قرا و قضات ایدول ارض و ده عورت ایدیکین  
 ص باث بشقه کونه خیره و اید ایدینی اوله یعنی بویقه طره اولدور که  
 دوسیه اید محاربه ایدن تاب آور مقاصد اولدوب ارض و  
 جانیه ضررنا فر ایدیک دیدن از ایلیم اولدیفتم نیاؤ بویقه غلبه



ارض و صدفی ضربه و استید حیز امکانی فرم و اردان او بند حب  
 شمس آینه صدف و صدف قیامی لم مدو خطه سید شفق مطهری ترقیب  
 و اردان افقنا ایلمی و مال شقه به بودن ماعدا معنا و یمن و فالدیکه  
 ای لاله هفت بدیه اندر غطیه قیوکتی اسی شقه سید آتماز اولنماز  
 ماضی و بعدی عجزانه مع او حیای اندر ضربه و اکاه او طیه و نه مج و قیوکتی  
 عقاید فاسک اوزره العینیه بختی بذب ابیه فحوسیه خدمه ایشیکی  
 وزیر خدمت موفعه الحسبه دوله علیه دن تامل تحسبه و سترس  
 کین باد آور آفریه او طوه استر فاین انزیا صده بد طتاو و ضروب زبان  
 زدیای او دفعه یوم مطهری حال بد منال اوزره ایلمی تکرار  
 بایبورد طرفه اصدرا بیه مرثیا و آماده اولوب ندای بند صدای سفر  
 صاف سامعه عاکر صیه اقزاده جلد ک او دینی کونکه یوم جمعه ایلی  
 ماریه ابیه ساحه بره تنه زانوزده صحت او دین صانع صالحه  
 دایر طرفه دخی زیب صقیه صدور بیدریک مکتوب قائم مقامی طرفه  
 ابیه نه قاعه ایلمی بایبورد غریبه مصر او دفرغ تکرار  
 بد کون خیرات سال مقال ایشیکه الیم صبا کز بد کون اقامه اوزره  
 استاده بیورک نه کز صی پاشا به واروب بر مقتضای قوانین  
 سینه سینه حرمی بونوه صید سزدن مقدم بایبورد غریبتی  
 اقزاده ابیه زیر اسرک مقدمه الحسبه اولوب حرمی اون اتی غه  
 مانه و راه بدینوه و جناب سر عکبه بایبورد غریبه ابیه بندخی  
 کلمت اوزره کی ثابته معینه مودر ایله مفایر مرام بود و جهر ایلمی  
 نه اسباب صید ریه لم زیر اوسید عکس و دق کون مقدم ارض و دن  
 مرکه



حركه و بایبورد جانیه سود قصد عزیمت ایندیگی استماع اولدی  
 بوصورتی مصالحه خبری ارسال ایدوب اعدون واثاعه ایملات  
 واجبه ذمه مامورین اینک ابراز امر مصالحه به رضا ویر میوب  
 اسایج عامه موجب اولون مصالحه نیت اظہار و اثمارینه صورت  
 مماثله کوندن ذاته میدان محاربه به اسبان نیعت اولوق  
 واجبه ذمتی اولدیفنی کوش هوشنه القا داعیه سیم عرضه چی  
 بان طرفه واروب کلکید وارندن بر فریه ده موقوفات اولندوب  
 بر مقدار صاحب وجبه قضیه ده ملک فاضل حدت قضیه ایله  
 صلح عقد درون ایدوب سید ملک صومعه عافانه مع ذات دو قلندر  
 و بعضی ذواندن واقع اولون فیروقات استماعی بنا ساز افاد  
 نقضیه انضامیه جناب دولتک نصرتیه مجبور اولدم اولوسیب  
 قلم ربای محاربه به سد مماثله اولدیفنی فی الواقعیضا صوب  
 عافانه مع مقامی تاسمه وخصی مذکور صومعه اولیه روم جارت  
 حکم نه اولدیفنی محتاج براهیه و بیان اولطیبه از جمله اولوز قومه  
 بیت مقداری عکس بر سنه کامه وافی و کفایه ایله جت زخائر  
 ارض و مدینه جمعه صوب عافانه مدن بذل ماحصل غیث اولندوب  
 کافه لوازمات عکس و راهیه عربیه بشتور معلوم المقداری کارل  
 صوغاندر واقع و بایبورد صیانت ایشکلری محاربه عامه عاظمیانه  
 معلوم و ایلمی موجد مصیبت بدندان عکس اوجیبیت نفردن عبارت  
 اولوب ذخائر و مہانت رفی عجمی و جودی جمعه نیت عنندن مجزوم اولم  
 بوصورتی ایکسیر الی قطعه نوب و اون اتی بیکدن زیاده صولطانت  
 قرئنه بیقا زوج تکرار تحصیل و ذات ایندن الیه اعدون مصالحه



مناسب آید بدو جهت طرفه در صورت رضا که سطر طریکی حاصل  
 بر مقتضای قوانین سطحه سینه اثنون جنبه مقدمه الجیمی اوله  
 باید رده غریبه بیدون بعد سرعک باث وخی غریبه تشدید و این  
 همه بیدون بقدر تقدیر و تقدیر دیدن مقاله و صبحه وسیع سرعک  
 اولوب نصف ساعه مروزه باید در میانه سطر طریکی کرد  
 بر نفق قدامی ظهور ایدوب روسیه عکس ایدوب باید در او زینه  
 کلوب مغلوب و ضرر اولدینی حاصل عدوت ایدی و بدینش ایدی  
 صی باث بدو ایدوب غریبه در صی باث اولوب بر مقدار  
 توقیفه صی باث ایدوب او غنن بدو ایدوب بر مقدار کلوب  
 مانع ایدوب علی روسیه عکس باید روی سید ایدی  
 ضربه تحریر و بیان ایدوب ناخی صی باث مغربی باث و کم کرده  
 شده ماصد و ایدی **ص** اولدینش **ب** زال جهان و بر روی  
 اشد عروسی **ب** کون طوغدن شیده شدن ندر طوغر •

### مقاله

روسیه سرعک باید روی اسید ایدی ضربه صی باث  
 وسیع صی باث سرعک ایدوب صی باث ایدوب ایدوب  
 باره و سوار اولون و کون گنج رجه فرقی اوله رف  
 مارا بیان قدامی استادی طرفه اعاده اولوب باثقی  
 کند و ایدوب قدامی توابعیه بدو ایدوب ساعه ایدی بقیه  
 صی باث ایدوب ایدوب واصل اولدینی بر مقدار استاده و مقدار  
 عقین سوری غننیه ماصد باث و عجب جلیل زاده یکی باث  
 صی باث



**مقدمه** بر فائده بجمعا کوشه نشیبه و شنه اولدقضا حاله کربوه  
 کههار تبیه عازمه اوطنه ابرده واری صبرت اقزایه دوچار اولوب  
 نوسن صی انود و رای و تبیه سوار اوله رفه تهیزه زمام سانه جزات  
 اینیب مانند صورت دیوار متحد و سرکران اولدقدنن ناچاره  
 اولدقجه نمیزنیک ویه قارو اسد یاشادن غیرک نایاب و نادر اولدقنن  
 ناجی شار ابره بودجه تحریک عنان بیان اولدکه <sup>اولان موجود معنی</sup>  
 کرم شکران بدو حرج و قال یعنی بیداعیه جنه وصال دوباره  
 فاد اوطفه قارو بدو حرج محتاج برهان و استدلال اولوب دوسه  
 سرکاری دخی باریه بعد از و ال او ددوی اسد مه جمیع ایه حکمی  
 قرب ارضمال اوطنین مقدمه دخی ابراز و اشعار صمدی صوب  
 عاجزانه مدن افغان و اهتیم اونتی ابرده بعضی اسبابه منی امر  
 صالحه موضوع صندوقه کتمان و افعال اولوب بناء علیه ضیاط  
 بازار عناد سرمایه متاع دفته کاد و یروب باوضع عدم تبیر من  
 میدان سوه جهانیه دوش استحقاقه بودکده و زانتی کیدری ادا می  
 لویذکر لکن ایوم پیام رامت انجام صالحه ارسال اونفقه لوزمه کار  
 ریتان اشمال اوطفه هان بدانشاده بر مناسب ارم تدارک  
 واضار و صوب سرعکبدین دوسیه غافقه بر قطعه و لونا مه خیر  
 و اشعار اولسون دیده ده فتح وثیقه کلام اییدیکیم بودور اولون  
 وزرا و سرعکردن لوزمه دایر جواب صادر اولوب نیم خطه صبر  
 و سکندنظره یحیی بات حضرت خفی اوله ده صماغ سامعه عافزای  
 لبریز طنبیه صبرت اییبوب سوبدیکه بدو فصوص اصوغ و التیامه



برآمده بیافه و قدرت او لطیفی ظاهر و بر هر حال به حرکات  
 او زده تکرار تحصیل و زواله این حکم بدیهی و با هر در همانه الامان  
 از خصوص مذکور در اجرای مایهینه قشیر بازوی همه بیورل  
 کدویه واقعه مه بوه جوابی مه بای دقتی قاز یانه غیرت  
 او در حق تکرار صی باتابه افاده و اشعار ایتکه الحرج سجال فضیله  
 مبنی حضرت و غبه ده قوت و کثرته نظر او نماز بد صورتی موجود  
 معینی او در عا که بر کل مناسب تدارک ایدوب بر مقدار اعذاب  
 قاب آور ضمت و قال او طوع حد امکانی میر شارایه جوابی  
 به نفس من ماعدایه کفیل اوله می دیدی یارب ساعه مروزه عکس  
 باتایه اجمال در میان ایتیکن ضمه تدبیر و اراده کند و یکین  
 بنی زرفا صیارتی ایتیکم خاص تدبیر وضع یوتی قبول او طوع  
 مطلقه جبر کن ضیانه فکر و ضیا کن در مبدون و مکتول اطفه  
 محتاج در مقابله اظهار صدمت عجز اید کلر نه نه ساز و زار در  
 جواب ظهور ایتدی بدقی و قال بیال اثنا سنه عا که فیج فوج  
 فرارینی ضروریدر هیچ بری جوابه تصدی ایتیب اختیار سکوت  
 بی هتلم ایتکلر نه در عقب را کرده خفیة صلیک نه و قوعی  
 و روسیه او در دونه ارسال جوابیه اشعار او نه ضعی افاده  
 ایدوب تکی غایله رب و هاس ایتج ایتج قاعه کلید  
 بشید زن زیاده کوه عکبه هتکام بید فرار ایتیکی فردای  
 تحفیه او نمدر وقفه ضعیفه دنصک اسد بات صغریه تحریک  
 زبان ضحاک ایدوب دید که بی اناس صلیک ضریک شایع او بدی

بد  
 مایهینه



مصدق و عکس مذکور فیت و عدم ثبات مجزوم و با مضمون قبل المصالحه  
 شرعاً و قانوناً امر مجامعه اقدام نامه ایجاب و اقسا اینجی اکیه  
 و جمع لوازمات حربیه موجود اوطعه اوزده او تو زیب مقدار  
 رسا و اماره عاک صالح باشا کی بر عکس قوی اوقدار و صقی باشا  
 کی بر وزیر نامدار محاربه و مقاتله به ایشار ایشیر صوب و الیم  
 مظهر المصوبه عجز در کار و فقدان مهاله و عدم زاد و ذخائر انکار  
 اکیه و وقفه حال بیحال بودند اوزده او دینی صورت مصالحه مری  
 عدم ابراز ایدیه افضایه اجتناب نه اسبابه منیر زیرا مصالحه به  
 دایر ضربه روسیه عکسینه ایما و اشعار او نذیری حال بدصول  
 ایدین بیت اکیوز قریبی نه ایدینست او صبی کن اوزده  
 قرار گیر ایدین مصالحه ضربه نه مدارتی روتی طرف روسیه  
 عکسینه و اصل اولوایه بعضی عکس ترک نقض عهد و میثاقه است  
 ایدوب طرف استار نه دایه سیده ابراز خفته مدار اولوایه  
 ثبت ایتما و ارسته قید است و ظنون در بودت روسیه عکسینه  
 نکرار تکلفات ضربه به ناچار دوچار اینست ایجاب ایدیه  
 بعد ادبیای اندر سینه نه جوابه الکانه قرار و بطور استانی  
 ثبت زیر جریع مقال ایدیکیم اسبابا ضربه مدعا ایدوب  
 فی الواقع بودای و تدبیر خفی میزان قبول اوطفا یا اندر  
 ویدوب مراتب عامه عجزانه صورت نسبیست کوهتر رک با اوتفا  
 اشعار امر مصالحه قرار گیر اولی  
**مقاله**  
 بعنوان مذاکره و تدبیر ابراز امر مصالحه قرار گیر اودق کوهتر و فیه



متوجه اولوب یعنی نزد ماعدا اندر خاتمه مناسب و اثن  
 اصول و قوانین روسیه علیه واقف مراسم و مزاج دوله روسیه به  
 اکاه و عارف بیان کرده بر ذات و جودی ناموجود اولدنی ظاهر  
 و هدیه اوطافیه بر حال و ادوب اعدون صالحی ایلمز نوزمه ندر  
 مقابله تکلیف ایما و مبارت اید کلرک خدمت دوله واقع اولوب  
 صداقه موجب نداده عاقبه اولدیندن صوب عاجزانده ساهه  
 ظهور کردن غیر و صداقتی کتمه کند و رندن و قد عبودن اهل  
 و رضا و صوب عاجزانده اسناده تمام طریق خدمه و صل بود  
 سرودم اوطافیه الان ظهور و شروطه دانش صبه اولوب  
 اقضای مراسم ابراز مصالحه در عبارتند بنای علیه بر قطعه قائمه  
 رعایا بر نف تا تارده رفیقاً ارباب اولدنی کافیه خصوص  
 مذکورده واقع اولوب اعتدال منی لغت عده اولدنی زیر مضمون  
 و مؤخر روسیه دولته بعضی موارد در کار اولدنی منی لغت  
 عاجزانده نظراً خاتمه خصوص عرصه مه احواله بیرون  
 صرف نظر بیرونی لازمه حالت اولدنی بدیهه دیوب  
 اضطراب در دونه خانده بیرون اولوب هفتان رخا  
 خان داده محمد خان حضرتی و مترا بر هاند دیوانه کاتدینی  
 خاتمه مضمون ملخص اولوب محظورات قدیه بیانیه رجایه کنند  
 مضمون افاده بدو جهل میدان اعتذار زیاده اولدیکه و قدعات  
 سابقه و تصفیه یعنی یکدیگر و قوه اوج خبری کار بر رخ  
 بولنیغ صبه بود دفعه دیگر دینی خاتمه روسیه دینی عریضه  
 حدت



صدق و بادنی غضب و ضنوت اوله نوز مکتوب راجد است  
سیدج فاده موفقه اولان ایسم ببع دوله علیه تحفیه  
ماجرایتمه در سون عاقلانه مع وادی صدق و ثوابه باقیمه  
راه و کربق غدا وطنی مدظنون بعبه دکلر بود و جهر آینه  
دجاده دونما اولون اعتذاره صورت ماعی که ستر مدظنون  
فائده ضیاعفظاً و هوار حم الراحمین اراده فاطمه سینه اعتماداً  
مراث خاطرده روی نسبت جلع پیرا اولوب سون مت  
بیضایت خالصه سیه فراسی علی جناح الکستجوار قارمه صبنان  
صوب غارت اولدم

مقاله غریبه

صوب مغریته روان اولوب هنگام غریمتدن ایکی ساعه مروزی  
بودنی عجیب و صوارث غریب و رجب انداز صوب باشا طرفدن  
افق و ابراز اولوب یعنی قانع افندی روسیه دوسته وقع  
اولون ماجرای سابقه نیک ایجاب و اقتضای مومی البره مغریته  
عورت ممکن اولدیفندن بشقه جانب سونندخی تصور اولماز  
بوگونه اراجیف ناسزایه آغاز و صوارث طور و دراز جاگداز  
ایده عکس غنقه دوستوب پریشان اولدقاص خارج فراد  
ایند کلرغ ایکی ساعه بعد مافه صادی کنار کوه درون مقدار  
خاروف و کوسفند نمایان اولطفله هات موصود اولان ایکی قطعه طوبی  
دخی زن ابیبوب مانند طبروصحی هوای مقارنه بر واز  
ایدون برکنج و کرینان اولوب ماصلا جمعه قادر اولدقاص نظر  
عکس به دن تخنیا ایکیست ارمده قواضی قلعه سینه قریب بر وایه صنی



و استوارده خائفاً قرار ایستادید که

### مقاله غارت محرم

یوم غزیه عا جازمه که بوم سبه ایدی قبل المظرب با یبورد  
 قصه سبه و اصل اولدیغی آنه ضابطه ندی بی استقبال  
 ایدوب غراف فرشتا لک او تور دینی قدنا غلغ ساهه سینه  
 بر مقدار توقیف و سمن خیر ایدوب نذر فرشتا له داخل  
 اود قدن بی رفیق به قریب زمان کیچد که با انفس فرشتا ل  
 محندن قیام و ساهه دارده نذر اضغانه سد فانه اهنام ایدوب  
 بودجه نوبت زبان اعتذار ایتدیکه ضرب او طوعه صبیحه  
 اسباب ایچی ضحیه ند فستدن نایج بوکیجه اجرای مراسم  
 و هانتوا زبیر با اضرو و واقع اولون قصوری عهد ایتدیک  
 التماس اولنور

### جواب محرم

دوت عبیه عثمانیه ند و دور سازه ند و کلد و خذمه لرینه  
 هنگامه خذره نرن خواب و ایچی ایلماس و اصبه زمست  
 عیدیت و صدا قدر بعد نر سجان و قلع بو اوان سوت اقتدانه  
 و قد عبودون مصالحه ضریه ند و راسنه دوتد نر سبیه سینه  
 کرس بز و کرس جناب دامت ایزد زر جوابیه مصالحه اشعار  
 و ایما اولند قلع اظهار محنویت ایلدیر

### سوال

قیام ضعیف و نضع و دون خاندیه داخل بر مقدار توقیف  
 و ارامده ملک حاصل اولدیغی قائمندان ملا معلوم اولدق



اینکه صفوتهای مصالحه به صورت اعتماد که تر میباید بن بود  
قائمند و حاوی اولدینی ماله اعتماد اینم دید کلرین

جواب محرد

ظهور و بدیهه شوکت عثمانیه دن الی یومنا هذا صیده و خدعه متضمن  
اوله و دومه دوست و دشمنه و کله دی سطنت سینه دن بر کیفیت نازا  
مضبط خریطه کائنات او طاهر

جواب فتعال

غایب جناب سرعک یکی اکای فروع سراسر ایندیکنه بنا و شایان  
تحیی اوله صبه بر خدمته موفقه و طوعه امنیکه سیل قامت استحقاق  
نکدر سزاوار شریف آفرین بیور طوعه ضیاریه زاهد اولوب  
افضای امر صالحه به اجتناب ایدید

جواب محرد

سایه صاحب شریفیه بدینه ایکی ماه طرقت بدو حور قریحه غوغا  
و خارت دعوائی و متعاقبا اچاره و حور کصد محاربه رزق واقع  
اولون نصرت و غلبه سیرالدرم باعث تحیی اوله صبه خدمت  
و منانت اولدینی و ارسته قید تفصیل و اشعار در

جواب فتعال

حاصلی کلوم و زیات مراحم به بقائه ناس متضمنه اولدینی ماله اعتماد  
اینک اصنامی خاطر کلوم افدی مطلوب ندر بیان اید

جواب محرد

عدم اعتماد علت غائیة عاکر اسدیه ناس بفته هجری فطره ظهور  
ایدرابر بصورت خاطر ضواه سرعک اوسیدی داخل دایره دوم  
سطنت اولیان غیر برآمد رسال اولدیرایدی زیرا واری صیل و خدعه بی



مستحق اولاد مواده خدمه دولت علیه مقرر نمیدهند بشقه  
خلاف شرع شریف بنده فی نفسی و بلکه صیغه انفا ایتیم دید یکیم  
ترجمان فی تصدیقه و تفهیم ابدک

### جواب فتاوا

یا فاتح افندی عنکرم اظهار من شمس در معنی خصوص آن البیان اطرافیه  
معلوم و مجزوم که من غیر معلوم خدمه ایله موجود معین او دولت  
عاکر نضیق تفاتی که کذا اگر آمدن ماعدامه اولیماز

### سوال محرم

اطوار و حکایت ارکان دولت روسیه به معلوم و کیفیت صقیه حال  
عاجرانم بین الناس مجرول او طیفی مجزوم او طیفی به صورت شرع  
صدور و استقامت و یا ضرر کذب و اهانت و اثر صانع طرفه  
استماع او شنید

### جواب فتاوا

اموری و دولتی ماضی صدور و استقامت کافیست مستحق اولیماز  
تحقیق و استماع او شنید

### جواب محرم

چونکه استقامت فدائی منتهی دولت علیه معلوم و مقرر بیرون  
غیر کدخی صادره افعال او بدینی مجزوم به صورت شرع ضابطه افکار  
ایتیم و جهل صالحه به عدم اعتماد نه اسباب مجید ماضی صالحه  
دائر درکن ایجاب ایتیم صالح طرفین متاد که به قرار ویرید  
ضابطه دخی دولت طرفین اقتضای این امر متدب اولیماز لزوم صالح  
ضریبه دندر دیده در انعام مدعای مراتب ایتیم بدین بشقه **مصرع**

**مصرع**  
همه



هر چه بادا باد بگذرد همدیگر کاکله مضنون حق مکتوب اولون معایره  
 عدم اعتماد در اصراری تمام معهود کلمه متوکل علی الله و متوسل  
 بروحانیت رسول الله تیغ جود در غیبه بدو کونه اب و قاب تکلم  
 و یروپ بیلابیه ابراز شعاع بیان اینه که محاربه و عدم محاربه طرفین  
 ظاهرند مرصوص بر کیفیت و بنوعی ابراز صالحی در مقصود مزبور  
 و نیزان مصافی فاضله صادر اولون اراده سه اتباع در عبارت  
 اتباع ذات اینه طرف کردن مراعات اولی فی صورت ساینه صاحب  
 تربیت محاربه و دار عجز خاطر کردن جهتن هر جانی عند کرده  
 سلم ایرافره اولون بذری اولو جود حرکات قش و ابتدایین  
 نوزمه حاضر و موحی کیم و ناصر مطلق

### مقاله

عرب و قار صلح و اتباع خصوصاته دار و ساز خط خواهی اولون  
 جانبی اختیار و اولو جود ویرم و امری شری دوم زبان و نه  
 ارای اب و قاب تکلم و بیان و یروپ اشرب جابت سیرائی و بید  
 و تدن س تفهیم و تقریر فبای غوغاره و اکر ایدنی فرمت له  
 جایگزین اولو بر مقدار غضبانه سکوت و توقف ایدوب بعد  
 بدو کونه میدان تطیفه مطیه ران بیان اولو یک فایق افندی بدو جمل  
 عرصه کدوم ثبات و استقاری مصالحه و ریل قدیر یاریم روی  
 اوص اولو نفقه نام ترجمان جنان اذکره ترفیقاً عکریا  
 حضرت غارمه ارسال ایدوب قواعده سخته صلح و اتحادی طرفین  
 ساهه ابراز و بیان کنونی نوزمه دند لکن سن کدوم استندیکه  
 یاریم علی السوره واره جمل سوره سندن و یا خود بصورت کدوم  
 عدت اینک اصحاب خاطر کدوم دیوتا کید معا ایدوب سیدیکه



کافه ناسی فاتح اقدیس صحنه شادمانه شادمانه کلمه کلمه  
و بنده شادمانه ایدیم دنیا و آخرت ناسرمانه سعادت اوله بقدره  
استباه اینگونه زیرا اختیار از اسایح او همان و دیار اید کلمه  
بوقدرت و زمان مرور نه دونه روسیه طرفه صالحه ضریح  
و انصاریه نصیبه و مغرب بیطی و بویه اندر عظیمه صرت افزا اقدیس  
طرفین سر زده ظهور و رونما اوستی ذاتش مایه اذله اولون صحنه  
براهبه قویه در دیده دل نیکم و خیر تدافعه کس و سبب غایبه  
ضام او در حق مشهود با صفت دفع اولون عقل و درایتند اعتبار  
اولون آینه مقابل صحت ریا و مداهنه فهم اولون ضمیمه  
بدو جمل نمایان اولون تطیفه بر نمنا اید اکتفایه بجز اولون

### جواب حرر

ایجاب و انقضایه منی تکرار عود تم مانع و کدر لکن بدو طرفه عزیمت  
صرف نظر اولون زیرا صافی صالح او علی تحتاً اون بیت مقدس لفظ  
عکس به طرب یونس می نطفه به و در اطفالیه باید و در حداد و عاریتیه  
نازده آتشی فانی قتل و فوزان ایتی ملک و طر سند صیانه  
دخی تحریک زمام عزیمت اینه زیرا اسعد بان حضرت عاکر کیه  
ایده کلید جانشین ضمیمه زن استقرار و طفل اثنای مصالحه طرفین  
مغایر شوق حرکات نابجایه قدم زلاد جارسه و طوطه مناسب و کدر  
اوردوی عکس نه کدر در دیو سئال له ابتداء ایند کلمه مت زایل  
اوردوی فدا صفت جانشین و عرضه می یکی سالی بدو طرفه عیار کون  
مقدارینی سئال ایند کلمه عکس مقدس جاسوس و تنفس  
اولون دیدم غایت خود کشی و تبسم ایتی زلایت صوب عافیه  
بدو جمل



بدو وجهی استعاره و نیز که دقت محکم آورد و من موهود و عا کر کلیه  
 ت ملد و جوابی در حق رسیده ستمند قنای او بدقت تکرار موهود  
 جابیه صورت اقدام کو ستمند با او حق بود کونه افاده به مجبور و کونه  
 دید که ذکر اطفال محله غمخیزان کف به او نیمی حاصل معاذ الله  
 اطراف مجبه اولاد عا کر کثیر است و میده در امر مصالحه به مفایر کیفیت  
 واقع و نمایان اولاد صاعقه آشبار غضب سلطه سینه به دو حاد  
 او به صغیر به رسید به صورتی طلب بدین موهود عا کر کیر و نیمی  
 و کلیه طرفه ملد و تکرار کثرت حق صهار طرفه اعاده قنای خصوص حاد  
 هر طرفه به رقاسی صوب عا فغان مدد ارسال و تبار او نیمی مقتضیه  
 لکن ضابطه باریه هنگام طرح قدر تدقیق ایدت دیدار آنه طریقه  
 ابتدایک مندان اوزره نازید رضا او بدقت اوج قطع مکتوب مضع  
 او به روحه تیر و صورت نه هره ذکر اطفال مکتوب تیر اولاد  
 درون ورقه مضع اولاد مضع بد کونه صحیفه بیای بیان  
 قناییکه بایبورد فصیح کنه دویه دوتی سرک به تقدیم  
 قنای لایحه مدقات و ابراز امر مصالحه او بدقت اقسای صلح و  
 التیامه قیام و اقدام او نیمی معلوم او بدقت معتکزه موهود عا کر  
 کیر و به اعاده التیامه اوزره رند و تبار ایدت او را به مذکور ارسال او نیمی  
 ابر به صوب عا فغان مدد به تخطیفات ضروری بر کونه شدن  
 عبارت او بدین سرک بابت مضر به نانا فاده و ایما التیامه  
 قنای تودیع و تنبیه او نوب صوب عا فغان مدد بدو وجهی طریقه  
 قدح به مدد او بدین حکم و اسباب مارا بیان محله به اجتماع  
 عا کر در قطع نظر تدبیر شدن به نفاد اوج او بدین دویه عا کر  
 طریقه و با خود حق صهار همه ایدر مد خط سینه منی مثبت از بابل



و ضعه او طوع ایجاب ایدى زیرا اور در روز بر کعبه جمع اولوب  
 اور دخی ایکیب آردن عبارت ایدی کافه طهرین سرکریه معاً  
 بر قریه ده نصب ضیاع اقامت ایتمک ایدی بناء علیه فوج صوب  
 سرکریه عدت و در فاقه ترجمان جنرال سفارته غریبه ایچ طینی  
 و صوطه سرکریه و ساز و زرا ابتاییده مدوقه همه بیورک  
 روسیه سرکریه وقع سندان و جواب تخصی و قوف نام ایتمک زینار  
 غیره مدوقه هدکار اولوند

### مقاله

فراسی اولنقه ۲ نام ترجمان جنرال سفارته مورخ و فیه ترفیقاً صوب  
 سرکریه ارسله ابتاییدوب تارالیه دخی علی قدر امکان  
 ابتاییدوب و جمعیه و اظهار سطوت ساخته وقت ایتمی ایسه  
 آنفاذ کی سبقه ایدن کیفیتک ضمیمه حال و حال جواب و سندان  
 اول امرده صوب عاقرانه مدت کفیفه مبارت ایتمک غیره مدوقه  
 رغبت و غریبه اولوند دیوانه اوشیدی خصوص مذکورده در کار  
 اولون فاتح و ضری بموضع هاله اوردوبه و صوطه غیره مهیا  
 و آماده ایدوب خیمه به جمع اولون قدرنت بشقه ماسم و تشریفاته  
 سفارصت نازایه اجترار صدمه با لقمه ختمی اوز اینک بر تقرب تغییر  
 کلامه صوب عاقرانه مدت مبارت اولوب یعنی جنرال ایچ جنابیه  
 بر مقدار تنفی و استراحت میدان و یلوت بعد اقتضاییدن امور و  
 شروع اولون در به در دفع دغدغه و زالت اولوب جمیع حاضرین  
 عدت ایدوب از جمیع نظام صحیفه صیانت غیره قطباً تشریفان  
 غفلت ایدوب سوبدیکه دوستی غراف دستر اصول صیانت و ایتمک  
 زیرا اصحابه زمانه طرفیت سربازکی میدان قتاله عرضی دیدار  
 کارزار ایدوب غوغایه و عدت غلبه نظره واقع اولوب  
 عکری



عکس دخی اول طرفه تابع اولوب دیگر ضمت و جداله حاجه قاطع  
ایمجه بوصور غراف دو سنز ایله بن و یا ضرر بر عکس پاش  
اونغز عرصه جانتان محاربه به حاضر اولوب نصرت نظر فرمود  
ایدار اول طرفه اتباع اولوب غوائل دغغه قای جدال و قاتل  
بر طرف انجیل مناسبی

### جواب غیر

بنم غراف الان شمشیر خون افشان نظرون بسته میان اولور  
کاهی صقه بیلر لکن انلی بیات انفاری مثل اولون عاکی برات  
ضفیفه ایله تنظیم و محاربه به مبارزت ایندیروب اعدایه غالب  
کلام اصولی غایبه اعدا بلور بر عکس دوزخ اولون قنوت  
مربه کب اطلوع تام ایدوب دشمنی داغدن دغغه وار ایندیگر  
والا بر آدم نقد شمع و بلار اولی انجده برادری تفته قار اولور  
وصی به زمانه غوغا بویه ایچی دیدیکل دخی سلم و کدر بیت  
تقریب ایچم چکدیم اولم فکدن زیرا که انت وصفه بر کوننه  
ما نجه هنگام مذکورم غیر مدقلم گذران ایدن کلام و قبل  
قالت کافیه ایما و اشعار ارباب غیبت و دیانته موجب ملول  
اولور مدوظه سیم طی تفصیل بیان قلندک از جمله دوق محله عکس  
کثیره مثل اوردوی اسد صبه مزقب امرکار زاد و بدو علم  
قوت حریبه مز در کادور و نیلوب فتیله ده دخی صدت اعتبار  
بیدار او طشیکه سفیده ابتدا مدقالت صبیله بدو سر بسته  
حادثه دوزکار قاده میدان اشتراک او طفل فصوص مذکورم ظاهر



و انکار اولون حاقص صوب عاقلانه غایت الغایه باعث  
فجالت و اکدار اولند

### لویه

في الواقع قطع مافه مقصوده طاب اولون شاهان و حکمداران  
میدان معکده مردان سجا عتقندوان مانند کجیون سربلیر  
آورده زیر دست تدارک اتمکه راجب اولطفه غالب اوله کلید  
و اندوار زینه چهار اولوب قطع مافه مطلوبه ذاهب اولون  
زوات کرام اجتراندن فیه ایدوب امورینی هبا ایندیگی  
عند العقد مسلم و بدیهه

### مقاله

دفتر داریبی اقد قوت بیم و ذریع سید کشانی در صغیر  
استان طرفین مصالحه اضاریه کوندیریون او فحالت صوب  
سر عکله و درون و حر و خوف روسیه اور و درون اعا  
قندوب مصالحه قرار گیر او بدین استماع ایتطلم او در دوی غزیه  
استار ایدوب کللی ابره غایت عقدون او بدین مافه  
منصب داعیه به ایجاب و اقضا بدن مصالحه شوقه شفه  
ایتمیدب کبه نقد خنده هر کت او در ببطرف  
او بدین صالح او تودری سفیر مذکور او در و عکله ای  
کون ایلی و حضور ایدوب دفعیاب عدوت او بدین نا  
الحروف تدار غادره فوضه زده و اضطراب نمایان او بدین  
ایلی



ایلمی سطور داخل حضور عکس اولوب فاتح افندی نه غارتنه  
 عدوت ایتدی که اوردووزل ارض ورم جانینه عودت منقود و کدر  
 دیوب جدا به قصدی و مبارت ایتکلم بالضرور غارت عافانه  
 مجبور اولوب غیر مقوم عودت ایتضا ایتدی اودنقندن اثنای  
 طریق باطنیه غیره بدو وجه کشف پرده زار ایدوب سویدم  
 یعنی به ابراز امر صالحه ایدم اتحاد مدعی غارت ایدوب عودت  
 ایتدی بعد غراف ضابطه تکراری اعاده به داعب اوطلس نه ایتدی  
 مبنی اودینی هر قدر ظاهر معلوم و کلا ایدوب باطنی ایتدی افکاره  
 معانی نه قلمند مصلوب غرافون نمایان اولون مقدمه  
 مرام ایکی کونه نتیجه ویریه کما ماملور وجه اول فاتح افندی  
 بر زمینده فضا ایتدیروب یکری دوت سنه قدمه ایتدی روشن  
 تکدی اولمنه باری اوله لم وجه ثانی و سعی مضاعف دوت  
 روسیه به ایتدی مخافت و مغایرت کافه محال رفقه معلوم  
 بر کیفیه اوطفییه جمع شدن صرف نظر اولوب وجهه عدیه  
 ایدم اجماع ایتدی صنفه مخافت مقابله اظهار شان دوت  
 و انانیت ایدوب عالمه باعث انگشتنای صیت اوطودی  
 احتمال در لکن بیت ای بکاسنت مدون ایدریه ایدین  
 بنی اول باشی اورتایه قویوب یار دین • فحوا سییه  
 عندی جازانه کافه ظهورات موی اودینی غراف ضابطه  
 افاده و سحر ایتکلم مصلوب کجانه مدر



## مقاله

تکرار غارتها و وسیه اردو سنه شمیر دامن غربت و تنگنای  
 او سوزش اثنا طریق و افکار به استقبال اندویش اردو  
 بعد از صدور ضمیمه گاه فتیله قریب بر محله نزول اولاد  
 جای و قریب اضار به اجرای مراسم و مراسم و عیال و نیت  
 بشقه امرای کربستان اطرافه حاله بند جمعیت اولاد نیکار  
 اوصاف اوطان و دیار و مقدار این غیر مقدمه تحت صمیمه  
 اشعار ابتدای فصول بر مندرج و شروع غراف فتیله  
 تقدیر و بیان ابتکار هات در عقب مقیم او یعنی ضمیمه  
 او سوزش و اردو قیام اردو رت عیال و دین  
 و قیام بر مقدار توقیف رتبه قدم شارت و بر کسی  
 اوزر از ارام او سوزش ترجمان ضمیمه ابتدار ابتدای تقبیل  
 بود و هم ترجمه او را و بضاع و عیان فسترد که فاح افندی قیام  
 رت اتحاد ابتدار مد بعد دولت روسیه و حکم طرفین  
 از هر چه امیه اولوند زیرا حقند مد کل الوجود رعایت  
 و احترام او سوزش کافه الناس و مستلزم قبوله فرین  
 او یعنی یقین به یجب ایجاب و اقتضای این خصوصاً بیاد  
 تردد و احترام طرفه افاده و ابراز اولوند فاح افندی  
 دولت عثمانیه معتد علیه است مد بعد روسیه دولته دخی  
 کند این هر حال طرفین نظر التفات و اکرام اولاد  
 به



دیده در دفع غائبه اشتباه آید در تحقیق بوجه هنگام غیبت  
 بدکونه تراضی معمله ایست باعث دفع ظمان درون او طری  
 نامو الحود فی مجرای خاطر ایست در حد ذاته بسفید غراف قشال  
 در دوت ایران و کرک دوت عبیه آل عثمان غرض بود  
 جنب و قار ایروب ضایع حویه در لاری صبیح عکرتف ایست  
 مکزی غبه و ضبع محاسن ایست دوتنه نخس قوت و شری  
 آید بکندن بشقه استیلا بیکدی بلور والدیه و قصبات و فای  
 غارات و بغداد و قبه ایست در علم و امرا به و محارب بدین  
 دوتنه بدکونه رعایت دقه و غرایه تدفیر و متراضی وضع  
 و حرکت تکمیل ناموس اف تبت آید بیک افکار اولی و مادی  
 او طوبی حاصلی بودند غیر دوسیه دولتی طرف  
 مدت و قدوم بشقه بر عکس شریه جابنه مادی و بی نوز  
 کلید دوت عبیه مادی و زینت ضد اصول و ناسزا هکات  
 غافونه و اظهار جاهد رینه منی محاسن اناطره کافه متفرقه  
 سید فار و فی اولی و راید و اسه طوفه و الحافه

### مقاله

ابتدای هنگام غارتی دفعی ذکر آنی خصوصه دارم معارضه وقوع اولی  
 ابرام به غایه و اقدام مادی و زبانه رینه بناؤ مذاکره بی وقت دیگر  
 تعلیق تمسک یعنی از جمله من بابا و میر میاندن خاتون داده مصطفی  
 بابا و اضنه مصر فی احد بابا نیت حد و رفقه بودند ایجاب  
 ایدر سبب آبی ملک و ستم باری اولی جلد بدیدر زیر آبی



بیان منقذ و مربوط بودن جبل المینی شایع و اتحاد عدم  
رعایت عافیت و جاهد و جارتی ابتداء و مبادرت این حکم  
مکتوب در هر حال عادت و برینه ها و زره ایفا ناسره قبل و قال  
ایرون تکرار باعث خاد و اختلال اولی قریب الی احتمال  
اولی های همان وقت و زمانی به بد افاده ضد ها نه در و نه  
عرض و اتحاد و ق و مارت اینک لازمه حال صداقت  
اشکال و

### جواب محرم

روئین بیت منقذ بودن عهد و شرایط اقوامی احدی  
مدر دافیه نه مدافیه و تعارض اینک در ضدی مذکور طرف  
تکلیف و اتحاد او نمی گویا ضافی امر صالحه او یعنی ظاهر بهر  
فنون و زیر و فزون آدمی استخوان طرف و ضعیف مرار ایمل یعنی  
سنت اینه برار صادر و ضد منکار او طفل نه مردانه نمی گفت  
و ابراز شجاعت اینک صدیق فلاح و رونما او یعنی با هر بد  
اقضای صلح و صلحه مغایر کیفیت بنابر بد و دادن صرف  
نظر اینک ضا سید دیوب جواب ویردیکه نزع ایجا و معارضه  
اولی

### سؤال فرستال

ابتدای فزون بدانه قدر واقع بودن محاربه به راز و ساز طرف  
ساده ظهور بروز ایدن کیفیتن اقلیه و سذیه طبع قبول بودن  
مواد نه بر اتحاد و تعداد ایمل و طبع  
جواب محرم



**غاف و مثال** جناب بنیت مرامی هنگام محاربه ده واقع اولاد  
 متاثرند و گنایه این کیفیت جنس و قال قضیه کربس حال مال  
 صقیقت استخوانه بنی بر حال موقوف نصرت حضرت قادر و زوال  
 بیدریغ احوال مجرده دند و لکن فرمایش جناب بنیت مرامی تا مسیومه  
 بعضی حالات غریبه مشاهده اولنگ و غلبه سه رخ اسباب قوی  
 از جهت ضیق و استیلا اینکی الدیه و قضا و سبی و غارتدن و قایه  
 ایدوب علما و امرا به حرمت و فقر و رعایای از هر جهت محافظه  
 و صیانه اینکلی بین الناس امان و امنیه شریک و بیرو  
 راض اولدنی شری و قصه ده ابراز قاعده انصاف و انانیه  
 ایدوب بدیه فطریه صیه سفیهات اسرار طریقه عمره  
 کلوب میل به نفه مال و عکرتف اینکی کزیر و نشه  
 فخر و دور و استیگی محال و بلوان خواب و بی ایدوب  
 ملک و ملته اینکی صی و معاله و رعایه یعنی بدو و علم اصول کسریا  
 مهابه وضع و حرکت الحقه بنیغ میزان قبول و تحیی عافران  
 اولدر دید و یک جواب و سبب خدمت و ضابط اولدق و رف  
 تصدیقه صورت نسبیبه کد و رجب اظهار محبت ایدوب

## لوحه

**الحقیقه** کیفیت محاربه ده دائر وضع و ترتیب اوشان اسی قوانین  
 و قنون عربیه هر نه قدر مسلم این ده دوت عبیه و دوله ایران  
 و مجرده غنائم و وسیله دوستی واقع اولد و محاربه رندن



بشود و قریب محاربه عجمه نیت کیفیت کس اطلع نام اولوب  
 لکن بدو کواضون غوغار کافه کس بر برینه مضایر و غیر موافقه  
 واقع اولدینی اتفاقا ایدر که عرصه ولوله ادای جواره طدر و طاره  
 بیوریدون عکس غایت نظیه و از کاردن ماضی ارباب تجر به  
 و دوریه اولوب و انما ضلت وصال فوضضه اجهتاده قصد اولوب  
 میدان قتال طهراته دفعه برله اوردوی بیگ و نازا محافظه  
 صرف بازوی اقتدار ایله و اوردو نیت و انما ط و صحنه اهتاج  
 اولوب کون ممکن و کون ملت افرد و عکس واره حق  
 محلی تحفه و رؤیه ایندیکه غنیمتین اجتناب اولنه بقدر  
 اوردوی کلندن ایجاب ایلمدیکه قالدیرو ب تحویل مکان ایلمک  
 خیران و نمود و نصف اول اغتدیه بدندن افواج دیم و استعمال  
 شربت مرهم و بصر بر حال معیت سرعکریه اصحاب تجر و  
 بدینجه و شکر و رانی آرزیده امداد و اعانه ایله بسلامت  
 و کرم عکس ضرورتین بغایت حفظ و حمایت قلمقه و سپه لارم  
 نفوذ نامه اوطه حکم و جوبین اولدینی وارسنه قید و تها در

### سوال محرم

دوله روسیه عکس نیت بدندن اقم شرفه جاننج و اقم اولون  
 محاربه مضبوط جوب خاظمدر لکن ایون ضابطدن وقوعه  
 کلدن حرکات عربیه اصول سابقه توافق ایندیکه و محاربه فوضضه  
 طرفدن شریک اولون ترتیب جدید معیفته کس اطلع نمک  
 بدین



سودا سنجی کیفیت مذکوری ایضا در دغبت و بدستال  
بدانکه رعایت ایتما مستلزم در بوج تکمیل مقاله و سئال  
ایستیکم

### جواب فرمایش

طرفین مطلب اوضح سئال بر حال بر حکمته دال و خصوص مذکور  
محتج اولون سودای سودای ضمیمه هفتایم افاده و اشعار  
ایند که حق عقده خاطر ایتما محال در دید مرآت سئال ابراز صحت  
و است بر له احوال حال ضمیمه عقده انتقال ایتما کتم اسرار محال  
بر اقد بقدر ماعدا دایره صدقه و استقامتی لکه دروغ بیحال ایست  
ایستیکم نقی لویه خاطر ایستیکم مراتب عاقلان می اظهار مجبور و بوج  
دید که بر دفعه دوسه دوخته بدین طرفین دهن و زوال اولوه  
اوزده اندک و بدین تاریخ ارض و استیاد اولند فقر رعایت اسیر  
ایند که اسیر در صدر تا اسیر اولدم و بدین دفعه فی خاتمه کلام  
جای حق صد که ساعه ظهور بیرون امور عجیه غیبیه  
زایتنی بر امر مظهرات نانق و ابرو و بوج دوسه دوسه غریبه  
باو مستفاد تدبیر محاربه به مظهر بیرون اسیر ضمیمه ضمیمه  
کبی بر سر عکس جنات از مادن تحصیل اصول حربه ایستیکم اولوز  
حقیقت حال بدستال اوزده تاریخ انتقال اولدیفون بدین استاده  
دید که ان شاء الله فاتح افند — بدین عنوانه کلام افندی  
کفایت مقداری و سیه مکتمه عنده موجود در دیده دل  
برموده له نقد نکند ایستیکم احوال اوضح ترتیب محاربه ناپیون



اصولیدر دیدی فی الحقیقه اقلیت فصوص مذکوره و قد نزلت  
ممنون اولی و ذی و قد عانت و قد نزلت هه صاحب غیرت و  
مقابله تحیی ایلدی فی الدافع انا طویل و قد عانت کون کار به  
اوربا و نزلت تحقیقه موفقه و طویل مجر و وسیع عکسیت  
غلبه فی اهل و نزلت رضا و نزلت نسبت ایندایر ده صفت حال  
بدن و اولی و طویل ۷ الحوب سجال قضیه سید

### مقاله

فرمانی سند صحتی است که و با بیدر و قضیه سند بر کجه اقا  
و بعد از صدور و جانیه ده نورد و عزیت و کافه قضایا تحلیله به  
دائر الناس اینیکم خصوصاً ماعی ایدوب فقہ از ریخته و فقهی  
صی با شانت قشمنه صدرت ماعی و رخصت کونند و کونند  
آئینہ فی ابرامه مجبوریت اقسا اینک کف بدماضه ایدوب علی السو  
ارض و جانیه بار بند رسه اوطاف شریک و اوج ساعی و ده  
واقع ابلجه نام فیه و فتمت له مخصوصی هاقم و طباضه اجرای مراسم  
ضیافه اولی و بلف و الف بر عده و حفظ اصناف و قشوب  
ساعی اوج صدور و درون شریک داخل اولی و فتمت استماع اولی و فتمت  
۷ گفتگو ایدو اولی و بلف و بازار مصد و فتمت بین الناس  
نام و الحروف ایدو اولی و فتمت طلمی حداد ثانیه بیوت ارض و  
مال و مال اولی و فتمت ۷ بندی غمه صدیکم کیمه فاج ۷ عند  
قضیه ۷ جمل اجبا و اصد فاده بیدار اولی و علی الصبح علی جماع  
اولی و فتمت



استعجال كافة علماء واما ووجهه بدع مفرق اولدغى اوطه نيت  
 خارجى بشفه بر اوطه به انجن پيراي حقيقت اولدورق مدقاته تظا  
 اوزده اولدوقدا صوب عافانه مه ايمان و اتعا اولندج فتمثال  
 ايه كورشمون مقدم كمدكلص تحقيه و استخبار اولندوق ابد اغرافه  
 واروج بعد املدوقه بالو سندان صوب عافانه مه كمدكلص  
 ايجاب واقضاني افاده و تنبيه ابد كيم كافة عازم سوي فتمثال  
 اولدوج صبه مدقاته بعض سندان و بعد ابدن صوب فاع اقدية  
 واروگزي ديوا هالي فتمثال طافدن سندان ابدار اولندج  
 ه ب دخت اولدوقده ايمان و بيان ابد كدرن اذن و رخصت  
 عقين بكونه و زكردان صحيف بيان اوطك فاع اقدى سعت  
 اسديه بيان نوجده ايه ربه و طقت ايسر دغى مولى ايه ربه  
 ايه و سعت انجا ابدن كافة خصوصات طرفيه عزم سة احواله  
 قندر جميع سندان صبه بعد فاع اقدية افاده به مقرر اولدوقدا  
 بيلدج اكاكوس حركات ابدار ايكسز صلي كدام اتم صحت  
 و مراي اولدوج تدار صوب عافانه مه عدوت ابد كدرن مامل  
 ارض و موقارص واضحه اياتلص جدار و بدين اولدوقدن بشفه  
 اوان هجوم ملجا و ماوى فقيدان اوطق عنفوان جداينم  
 علماء و صلي و وزرا و امرا نيت برودده زير جناح نريه رى  
 اولدوقم صبير جلدن صميم دركار اولون ميل و كبت و بر طرفون  
 امدن قديمى ت هم ايشكلص صداقت و برجا نندن استند  
 ايه جركون اولون اهالى و لايه و مملكت صالحه ضريه



خبریه ظهوره کون قبالیه مرت از هر چه کبار  
 و صفاری مصرع کنی بغایه ینه مملکت صبر و خرد و زرق و برق  
 غریبه دریای بکا و جدت او بد قدرش همه نه تسبیح نجی  
 درون و شکر کز ارنج خداوندی چون قند

### مقاله

نثر صوابت صلح و صلوصه دولتی میانش واقع اولون مخادنت  
 و اصود قیدی سایه شکت استویده ده داخل دایره امان و دفع  
 او بد قدری فراخ و ادراکه ناقابل یعنی ست روم و ارضیه و ما بعضا  
 بی شعور و از ازلت معلوم او بد قدری ترک دیار و اوطان  
 او همیشه منت بیضا استویده بازا و از درایه اجتراب و مبادرت  
 و بوفعل نا صوابه ابتداء و جرات صوب عافرانیه افاده اخبار  
 او بد قدری طرفین نرجهان و ساطعیه و تکیه بد گونه ایما و شعار  
 او بد تکیه دوت روسیه نیک صرف خزان بیشتی رایحه انضج  
 و محاسن خصوص هزار تکلف و تدارکاته دویار اوطی مت ارضیه  
 وصل سازه نیک مذاقنی اجرا و داری او بطوب مجز و جمع شده  
 رعایت و اضرامه ایلی و راحت کد ندرت نذیع ناصه محاسن  
 ایندن عبارت اولوب بد و جمل جملاند لقمه میل و رغبت اوزره مرید  
 انقدنییه اولدنی عامه عالم و عالیه هدیاد و امر شکار اوطینی  
 بنای علیه مت نصارانت <sup>صوفی کانت</sup> استویده خیر انجانه بد اشتهاد و دکاد  
 اولون



اودون جفا و مفاد ندرینه رضا لری واد میدر و بود ثقه مفق  
دوت علیه به ترن اونه بقتل کوشی هو شلرینه الفا اولوب  
عرض واد برله اقامت با بنه مثبت صقه و امان اولری  
اباز برله قادیب اولدقندن بشفه حدود خاقانیه ده کافه  
مت نصارانک دوت علیه به ترن اولنی فوضی تکرار سدی  
ایتیکم بدو کرا وطن جواب مکت انضیمیل و تئال افاره وار  
اولدق کافه مذکوره صورت ساع ابرازیه فوضی مذکور  
تظیی امرج صوب یخرازدن ایکی کون له بمریت اولدیر

مقاله

مدت مدد رفت منج کافه ه ثقه روح و ارمینه نیت بطریقه و بریز  
جمع وارضاد و جمل سنه بو کون تبه و اشعار ایشک روسیه دولتی  
ضبه و استیاد اینکی ماکم مدد و جمع ری بانک روسیه علیه به  
ترن اولنی فوضی فتح افندی و تیزدن و جا اینجی اولدقندن  
ناجی عاقه و عیال کماکان بر لوبرنه اقامت و آسایشه زنار بند  
دقه اولدور و فتح عقیق ناقصی صفت ایدوب ایدم افندی  
مدعی البره و ایدوب جمل کز تحیر رضا و عفو ضه استیاد کب  
امینه مبارت و مت اسوده کما فی اب بوعه صمد اید مدامت  
ورقه ایشک ه ثقه مفق بر منال سطر بو تیریاغ استماع  
ایتمک طوعا و کرها اسوده ترضدن کف بدشله بله صوب  
یخرازه کلاب دونه اهعت و دخالت ایشدیر



## مقاله

الحقیقہ و مخدوہ خامہ بیان اودینی اوزرہ بقیچہ خراف  
 فتنان لکیر شریف اف نیمہ صوریہ هاب و دایما متواضعانه  
 حرکاتہ راغب اودیندن بشقہ ایدم خانه و خاندان دولت  
 روسیہ مالک داضنه اولوب مقدا دولت ماریج علی طریق اللو  
 وریبوج میانہ رنج اولدجهلم معروف اولدیندن ماعدا خدش  
 بوشینم دولتہ صارقانه و مردانه اجایتیکم خدمات لایقہ  
 رقت و اصول دولتی اوزرہ صو عا جازہ مع حمت و رعایت  
 درکار اولون مبالغہ ارکان دولت علیہ سواد لظنه  
 زاهب ایتیکی مواردن ازجمله ارض و مہ و صدوق و مش  
 ایالتی و نفی ارض و مہ ویدی قطع فزارینی اکرافا تخلیہ  
 ایتکندن غیرک کافہ رعایا و مہات و شہر مذکور دروش  
 مجدرا بنا و اف ایتکله قصہ صیہ شایخ الوردکان اشعار  
 مندانہ بناء علی صالہ دولت علیہ ترل ایتکله  
 وقوع دولت عثمانیہ کزمانہ مقداری مروت و منفذ  
 قنان مدت اقامتن ایکی ماه تیز اونه بی و مورخو  
 نفیسی طرفہ و درومع جانب ایتکله درین بعض امور  
 لایقہ ناس اجایی شایان و سزاوار قذہ منی فخر صیہ درین  
 اوتشیدی نفیسی طرفہ غریبہ سوز و یکیم صقیقہ فیه  
 اوتشیدب استانیہ عذریم ایجاب ایتکندن ذکر اوطاف فخر صیہ  
 اجایی



اجاسی باینج صوب سرکیردن کند عقل و دانشنه مه بونه و  
 وادراکنه لویه ماضی زمره جهیده فائده مخصوص بر غیره  
 تدبیر ارسانه ابتداء اولی ابرده فتنه لطفدن مستوفیه  
 م عه اولیوب صنی فتنه لطف غیره ویردکی جواب یعنی ضابط  
 سرکیر و مدد معینی اولون و زوای دیگر بازورینی کورپر لکن  
 بر نظری مآله ابتدیل زیرا بر مقربنی کند و بری غیر دیر بازو  
 اینه یارماز مطلب افغان مواد فاتح افغانیه رجاسنه بناؤ  
 قبول اولوب موی لریه تفسیر غریبه اجاسی مربوط  
 قنشیه ریه دل ابراز صورت افعال ایدوب  
 کافه رعایا و مهمانی قالدیروب قنیه مذکورکی دخی هم  
 ایدیردیکند بشقه مدت معلومه دن وقت ماه زیاده  
 ارض و معمال سازه ده اقامه ابتداء ایدیلر

مقاله

اطبای بیوفاقیت غدار و حکمای کدکب نامدافه ناهمدار  
 بازوی مطلب و غیبه وضع سیاه هت ایدرک بوکرش  
 زمانه مخالف رفتار دخی اوقات مقدمه ده مانه فطون  
 حکمت شعار دایما ماف مامه صد دنیای دور و م عه  
 اوله ده هنگام هجوم مدت مقدمه صلونه قدر بر تقضای  
 احکام قضا و قدر منبدا و بدینجه رجحه رهیم نایزیره ادویه  
 شینه سخاسان کورونی مرها ابتدیل امنیه بلر ضیای نابجایه



زاهد و امیدوار و طبع ایمن بیت صانع و صمد  
 صومر و ستیج دل سوزانده اول کجانه ابر و جگرده نیر  
 مژگان آرد و نیر و نجه مکتوب زیر ناصیه و ریب  
 و مستورای پرده غیب اولان الام و کت نتیجه سینه  
 تکرار مقدمه تا که نظر بدور اولدنی ترجمه حال غداش استقامت  
 نظر و رفت بیدران ادب باب سحر و عرفانه نما باند طبر  
 عبدالرحمن خالوک نامه خوف بیت ساعی در مان  
 بدینماز در و بیدر مانده کلامی صاحب زمان غیبی میانی  
 فی الحقیقه فی زماننا شروع ابتدای اظدار و عکاتره ایضاً  
 ضعیفی خاطر پسند عرفا و ابیانه

## غزل

پروانه ای که از همه شتاب ایلمک مانند زده و دوشه است که هلاک بدو صادرانه منته نفی صیه ایکن ایندی بویل مقاطعة عصیان التزام	یا فقیه که در دلو کباب ایلمک راهب که در جان تراب ایلمک بیدر ده حال هم غاب ایلمک تحصیل جمع منع ثواب ایلمک
---	---

به هب هدایع صانع استی  
 فاتح بنای جاہی غراب ایلمک

## مقاله رد قلعه جدید

مصلحت بقای غراف و تثنان صفر بنای قدی اودکان تو ضعیف  
 استحکام و بیرو ب ساحة بندرگاه تطیفه وضع ایلمک استی  
 حرم



حرم و چار دای مدوت وقت مانند قلعه افساب متین  
 و استدار و ارتفاع برج و بادوی رعایت خیمه ساز عیدت  
 معارضان و شمار اوطین یعنی از هر باب کلید و دانستنی به  
 خربک مضاعفان ابتدایم ساعت و آن دو آن فتح و کاد و بوز<sup>میش</sup>  
 خانه دل ناس و معدر و آباد اولوب از هر جهت دست ابریم  
 صفة باب رجایه موصول اولدن مقدم سایه حضرت سلطان  
 انبیاده و دانستن صدای بندنای قبول رسید صاف ساعده  
 موصول اوله روه من کل الوجوه صوب عافران می محمد ابتدایکن  
 ناجی بقدر الدرع و الامکان بر رسیده اینه نصیر رضا و صوب  
 قلوب داعیه سنه اولدیفی ترجمان جناراله ایمان و اعتبار اینه یکیم  
 بدگونه خفه کن مقام و تقیر اولدیکه اطعمه صومنیای  
 مختارته نمکین لذت اوله روه تکرار کیت دیت اشتراک ایدوب  
 نداله مجننه سیر اوطه جایگیر ضحیه اولدیفی حاله دستا دعوت  
 اویندن اقم بعد نظر انشای طمع به نطف غنیمه طرفه زدن  
 مبارزت اولنه غافق موجب منندیت و باری منوطیت اوله صفی  
 بدیهی و اشکاد در فی الواقع فدای دست مقدم اولوب هم حرکت  
 و بد دعوت عزبت اینه یکیم غایبه لغایه ابراز منندیت و اظهار  
 ب شبه ایدید و الحاصل ارضدم در وقت مجددا بنا و اف  
 ایدیکه قلعه صیه ندر دوت علیه تران اولنی قصصی بوغز<sup>تمه</sup>  
 بنا قشرب بعد طعم انشادون بری نامه کو و فی برابر الدج



سیر و تشاد نطق قلعه مذکور در دهنه ترک اوله جفتی  
 و ترکنه اسباب حکمت نه اولدیفنی بیان ایدک فی الحقیقه  
 ذکر اوفان قلعه کوردلرکین مهندس ضیاء انچه یکدی بیل  
 کیه انچه اید میدان کلدیختی ثبت جریده اجمال ایدک  
 حاصل طبع کثرت الحاح و ابرام و سیده صول مراعی اولور  
 سوادنه دشمنیدب رجماند اولدیفنی خصوصیات مفایر شروه  
 تمجید دن احتراز نام برله اعتدال اوزده حرکاته ابتداء  
 و مصالح ضمنی مدقات آفقا ایشیکه عودت سرعت و تحمل قیام  
 اوانه اهتاج وقت ایدر ایدم بر

### مقاله

ماد بیان بعض خصوصیات دزمه نه اجماع معذور اولدیفن  
 بشقه اضحی ایاپی حدودینه و انرا ایجاب ایدن مواد کدی  
 آفقا سینه باقمی تفصیه عزیمت و دروغا جزایزه <sup>توقف</sup> قبلد  
 ارض و مه و صولات اوله برنجی کف روسیه دوتی طرف  
 ببق مذکور کیدفات نصب و تعبیه اولون یا نقایض نام  
 جنرال بر عظمی ضیافت ترتیبه ابتداء و مبارزت ایدوب  
 مفتی اباهیم ادهم افدی و اعیان عراغا معیت عافا جزایزه <sup>توقف</sup> بولوب  
 اجرای مراسم مدالوت و مهانتواذکیه دقت و رعایت اوله دوه  
 بعد اظفار نوش شربت مصالحه برله دفع حضرت ذهابه قال  
 اولدیفنی اتحاد و یکد درگاه حضرت ناصر مطلقه و قضی  
 الحاکمات



الحیات طرقتن حمد و مناجاته خیرت زبان نضیع و نیاز اوندی  
 چونکه تفسیه غزیت هر حال دوت طرفین مآذون او طرقتن ملکاً  
 و صلیاً مآذ ضمیر ده صدوت مناسبت کو ستریدوب تکرار صد  
 سرعکری عدوت و مراجعته مصر او دیندوت بالضرور هدایا  
 عندانیه بر طلوع اعداسمدر و بر قطره باقوت ضایع و بر عدو مرصع  
 ضعی صدوب سرعکری ارساله مجبور اولوب تفسیه طرقتن عجالت  
 بخت و ارساله <sup>فصلی</sup> ایجا و انکار اییدوب معبران دوت روسیه دن  
 نامه الحرفه بر غیر رقیقاً تیرایدوب ارض درمه و طلوع  
 او دیشجی کون علی السحر مقاوله اولدینبی و جهل و مثال تفسیه  
 طرقتن غزیت و مور حروفی بر ساعه مروزه او دروی  
 سرعکری مرصه پیرای عدوت اولوب غیر مذبور تفسیه  
 هدایای مذکور اییدوب بنج و کندور نیل با تسجیل سریقاً عدوت  
 اقتضای مکتون او دینبی شرح و بیان اینکلمه مترا ایردین  
 اقتضای اعاد که ترتیب هدایای لویه به موقوفه دیو ابراز  
 اعتدال اییدکدرنه غیر مسطور طبیعت ارکان دوتی بلیمه دل  
 هدایای لویه اذن فاتح اقتضای عدوتیدر دیوب تأیید <sup>الظنه</sup> سواد  
 مدار و باری اوطح او دیندن بشقه و مثال طرفین بالاسندعا  
 تران و تحلیه اییدر یکم الوبه و قضا ران فصوصه الیدغم سند  
 ریحی سرعکری تصدیقه و غیره کمار حقتدن جارت اییدوب  
 ایلمی مذبوران بجی کون اقامتدینکله اعاده نه وار ویریدوب  
 بعد یکم کون مروزه مقدما و مثال بیدرتیب اودان اصول



شایسته او زده صیه تخیه به قدر طرخیدن ماضیه اولمیدب  
 علی حاله ترج اولمینه قرار ویر دیگر قضا ردن تر جان قضا  
 صیه باث حذف شروه و معاهه عک کوندر یکی دوسیه  
 طرخدن استماع اولمذوقه کفتگو ایله بر اولدی بینه شیه  
 بازار قضیه بیه انسی ظاهر و بدیدار اولوب قضا مذبوره  
 دوسیه طرخدن اوچیل مقدار سدهات ارسال و بسیار  
 اولمذوقیدن بشقه سرحدون و سازدن حذف نظایره رس  
 صوب عافانه به بر قطع مکتوبه بر ادم کوندر و صیه باث  
 طرخدن قضا مذبوره کوندریون عک دفعی وارایدوب دوسیه  
 عک دفعی تدار قضای مذکوره اقامت استقرار او زده اولدینی  
 افاده دن بشقه فاتح اندکی مفید شروه حکایت ایتدکن  
 فدیله طرخ استازت ایتسون افاده سیه کوندر یکی سفیه  
 صوب سرحدیدن ترتیب اوضاع خانه یه واریدوب یقیم اولدیم  
 قدناغه کلج و بنی سرحدی متعلق خدمت و صحتی ارباب بود  
 فاتح اندکی ایله مدفاته ملوک ریجی دجور و دفعی بر ساعت  
 مافیه واقع بعد باث حضرت بنی یقیم اولد قضا فیه یکوشن  
 رایحه سیه واریدیم سرحد طرخدن عده تکه ضرور و ایتدکن  
 هان سرفا عدرت و کیفیت ناسزایه واقف و مخیر اولد یقین غیری  
 کافه ممالک اسلامیه نفی عذر به محابه به شروع اولدی حوادثایله  
 حاصل اولون غوائل و دهشت ناصیه کوخه مستغرقه عمده صیرت اینجی  
 ایسه ده بر آن صوب عافانه دن جواب کسه ایرادیه  
 سفیه



خبری مطیه دان عدوت ایدوب بانقا تیف جنازله  
 مکتوب عاجزانم وصوله قضای مذکور دن عکس  
 ارضی جانته اعاده به مبادوت ایتدیگی خبری وسیع  
 سمع عکس اولدوق <sup>س</sup> بادج زبان هزه دراجی  
 بریم باد مائه ماصدمه من باشا و سار عونه خونه  
 بیجاری بکونه تحریک زبان ژاژا اولدی که یعنی  
 فاتح افندی روسیه عکس کل دیدیکی آن کلید و کیت  
 دیدیکی اوانه <sup>سید</sup> مضمون احوه فریبانه اینه صفح تکرار دل  
 بازاد ارا صیف و صواش اولدی ماصصل دولت علیه  
 دکار اولون عدم تحفیه و دق و مودانه ساعه  
 ظهور کردن حماقت و نفائیت و اعداده صاحب تعداد  
 کلز غالبیت و بحکمت الله قوت ملت بیضا اسد صیه ده نمایان  
 مغلوبیت و بدصا <sup>س</sup> سایه صاحب تربیت تدارک و دره  
 ایتدیگم فرصت قوت اولوه اماره و عذیبی فرام و ادراک  
 اولدوب ازهر جهت غریبه دریای صیرت و غوطه خود  
 قلمی ضحوت اولوب بیت دگر نیر مژگ جانان  
 بیچاره باب برده طب عقل تشوکیع <sup>یار</sup> اونیجه بیای  
 برده مال صکت اشتعالی اوزده مدت مرقوم کیفیت  
 مذکور دن باکفور کف ید انیمت ایجاب ایتدیکنند  
 وجدان اولدولم قراع مجدرا و شیدم

اولد



## مقاله

تفصیل طرقه عزیمت عافرانم طریقه و محال  
 غتانه اهم اولد یقینت اولد جهل قرار ویرطی ایسه ده  
 قصص مذکوره دایر طرقت تردد و احوال بر طرف اولده  
 داعیه سیر ذکر اوضاع دعوت خاتم کافه امرای کرجستان  
 حاضر مجلس اولوب بدکونه بجهان مقال وینا اولدیکه  
 دولت علیه ایله واقع شماره ده فائز میجر و جنابز ایله  
 اصل اولون موافقت عبارت اولدک دولت روسیه  
 طرقتن ولایت جانیله عزیمت اقدام اونمی و جنابز  
 دفعی کلمه سوز ویروب بدکونه تشریفز معود و صلح  
 ایسه ده بزر دخی کافه شی ولایت دعوت کلدن  
 صلی کلدن ولایت دهنی کوروب و کورین تشنه  
 زلزل دیدار فرام اولون قبائل قزاق و اولکه کرجستان  
 محاب فیضان وصال ایله رسبز وریان و جمل اقربا و  
 تعلقاتی و ارسته غوائل هوان ایدوب قرالین  
 و خندان ایکنز اقضای احوال و فترای مهاب کبت  
 اشتغالزدور دیده دن طی صافه بیان ایدکدرن تدار  
 صوب عافرانم دعوت و عد عزیمت اولدوب اولد جهل و داع  
 اوننیری بنا دعه کون فوئشار و کون محال کرفه  
 بر ماهدن زیاده عزیمت کورم متقب اولمشد ایسه ده  
 بد کیفیت نهایت ددکار اولون فوئشار علیه دولت  
 علیه



عید و کله رفت ایتیمید بعض فونته هزه فارح  
 ازایله صفه شایع اولون قید قالدن بشقه فونته لک  
 رعمه مصالح لزومه اجرایه وارث نامه اولوفت تفسیه  
 عدوتی میده خیر ایتیک قائمه دخی قید کتدای کتم ایتیکلم  
 ماحول در عارنه جب و احضار فیضی استی ان اویشتی  
 بان شمع ارم و صونقه مقدر فریبی سده دجب  
 افردنیت اویشتی کون متی اورودون قلد رابطه  
 اقامت و سبحان المظلمه سطح استانیه واصل حضور  
 و استاضه نازل اولوب یوم نائیکه ابتدای شهر رمضان  
 المبارک ایدک بعد از ظهر باب عتیه واروجب  
 کتدای صوری علی بیت افک حضرتیه مدقات اولوفت  
 شایان تکلیف و انتفات اوله دوه جبهه فقیه دوه حکم  
 حضور قاضی محیه احضار اولوفت مت رایه دخی صفه  
 نوازش و انتفات ایتدار ایدک بر ساعت مردونه  
 صه لم نیاب اسمه فی کتاب یعنی مدق مقدمه  
 دیش کتاب افندی اوطه سنه کلاب مدی الیردخی  
 بانی صوره اشارت و ابای ایتیکلم از مرفوق الادب  
 قضیه سنه امثال تکلیف ایتیکلم محله قعود ایدوب  
 مدی الیه دخی صورتا انتفات نامی کوه تریدر و استیجال  
 عافانه کی حاوی تکرار زنجیر و ارسانه مبارک



اوفان امر و تاتار و قذیفی رفی مکذبه صدعت  
 افذیه اشکار اولدوب بد کونه دفعه تلم اضماره خضوی  
 التزام اولدیفندت فرامی دسیه راز ایدوب لکون  
 تحقیق سوراسنه دشمی ماضی اولدوب محاربه  
 و مصالحه ده صوب عافانه مدت میدان ابرازده کلون  
 خدمت و صداقت بر تقیب نزد شاهانه بنی و شایان  
 تحیی اوطی اولدیفی ارکان سلطنتن بعضی بنی  
 اولدیفندن مؤظرا وقوع کلون اقل و افترا به طرف  
 حضرت شاهانه دن صورت اعتماد که مترن ضیار به  
 نیه مقدمه معلی اشکار اولدیفندت ناجی بعضی اران  
 اقبال رست صفح تقدیر معلی ایدر لایق بیت  
 زاد فی الظهور نفه افی زمزمه بنه و قاکه کامی  
 زاده نیک بر و سه دن صبه قدیمی اولون کاتب افذیه  
 کوندردیکی عریفه نیک مالی حضور شاهانه عرض  
 اولدوق عامه مذورینی بوساره امدال بیت اطال  
 رفی تأیید و کاتب افذیه رفی مرفوعت قول نازان  
 تصدیقه و تأکید زیرا مرفوعت مامورینه سب اولدیفندن  
 نایار بنای کلام خفیه تشبیه ایشیکندت ضمیر نایار  
 غبار انفصال عارض اولوب همه عافانه مع غریب  
 بر کیفیت نایا و نازانی سنه مرفوعه سوال الکر نیک  
 بدخون



کز بختی کون اراده و اشعار بیدر خیزد قانعقام بان هفت زینت  
 اندر صای و رجا رینه نظاً نامده الحروف عفو شایان و زواو  
 بیدر یوب بیت به که زیر خرقه به حکم سری شکر  
 هکده جالون فلت تابع هایدون سایه مفری و زره قدی  
 نزدی خزان مع مرغوب اولون کوشه و صحت و اثر و ایه مدت  
 او سبب طبع فربیت او طبعه انکشت دوستی اگر خیا مدار  
 شکریم مانند خانم بوز قواسیم کورمون مایل شکر و تنایه طبت  
 ربنا افغ بیتا و بیی قوسا بالحه و انت خیر الفانین کلمه  
 اعجاز انتظمی حی و رود اجاسنه دیک کای نضیع و صیت  
 و رعای غریبانه ایه دست برداشته درگاه اجابت و عدد  
 فندی

## مقاله

هذکر بقید فتنه غراف صه الانصاف کافه اندر ده  
 ناقول ترجمه احوال و سرانجام یعنی نامده الحروفه رخصت  
 و استقلال نام و یرو ب نفیس جانیه غریبه فصد صنی افرام  
 و اهتمام اینمدرک هفت تیر ناشره فروزار و در حرب قال  
 راتر خاتمان سوز صبت و اخلاص اسیر طریقی انطقه  
 بولوب نکرار دوت روسیه محال مذکور ایه کارزار  
 تکلفه و صیر او طیب طریقی نفا تن و قابیه نیست



ثانیاً دولت علیه به بدولت ایران به بر عظیم خدمت ابراز به  
 طبیعی دولت عثمانیه به اتحاد مجبور شدن عبارت اوطین  
 ثالثاً و چهارم دولت ایران عباسی مزار دخی صنعه عجمانه  
 ابراهیم راس عاقبت در کائنات طیفه صدرت مدار دخی به  
 کوثر یکدن دولت علیه ایل ایران روت و دولت رتبه  
 اتفاق و انحراف صحیح و ضمیمه بذل حاصل قدرت  
 اینک نیت و غایت ایدی حاصل خدمت خصوصی مذکور  
 ابراهیمی امری و عروفاً اسباب قویه دن معدود ادب  
 بود که مندی ضمیر او در آنجا به دست صنعه تربیتی کمال  
 و نادر الوقوع حالاتی به فانی فوت اوطان تکرار او به  
 غیث و رفعت ابدیج آستانه ده دخی کیفیت نصرت  
 کسب اینکینی بالاحتیاج در سعادت مخصوصی بسته ارسال  
 ابدوب مضاعفاً احوال در میان فنان ضمیمه مفرد  
 او به رفاه بر تقرب شرف جاذبه غیبت ضمیمه ایما و شعار  
 اینک او در فتنه نفوذی یافت داعیه به فقه بر نه  
 کامه صدقه رفعت و طبیعی باینه تقدیمه ابتداء اینک  
 آینه صفوتی تفریح صورت ماعی کوثر یکدن  
 بشقه ضمیمه مذکور قائل و ارکان سلطنت انفعال



اینک هدی سابعه در کتاب الحج عکف افتر حضرت  
 صوب عیفرانه مه افاده و اخبار اینج اولد یقینان قصصی  
 مذکوره و کتار کافه مداردن کف پد احتیاج فتنه  
 مدت مرقومدن درت ماه روزی بیت بدکوی بدشت  
 بداندای و کفا بدبخته و بدزاد و اموز و بدینند و صدقه  
 نائل اولون ایلی مار صیب مطعون بی ادب و ثابوت  
 متعالی بصل و بدترار یعنی هادی اعد در مفعول  
 حایر و اسباب دینی بر خورده اولی و دوند در مابجه  
 کنایه ای سند صد ارتینا هم ظلمت افکند ادبار اولد قدره قطعه  
 اصحاب حاله جاهل اگر قدر قیامه معذور در مدتی  
 اینک روادکون جاهل طبیعت مذکور کمال بدونه هر نفس  
 اقدای طبیعت ضحاک افست هیت و عی اولد رت نطق  
 جاهل فضیلت اهل ایله اسنادکن منطوقه قدیمی عجم  
 صوب عیفرانه مه در کار اولون عداوت و نفاقتی اجوابه  
 خارج هنگام فرصت عداوت کنایه ماندی روض  
 معونیندن برینه تعلیم ایدرج یعنی فاتح افتر البکم  
 روسیه دوسته تابع اولوب ایلی بیت و طینر راهی  
 اولدیر دیو هداث ایشیروب برضدال شروع رت کتاب



انی برعه طرقتی مصنع اوله روه سرکاتینه خیر اولو  
 حضرت شاهانیه عرض و تفریر ایتمی اولدقلص انی ماه مروت  
 تابع و استماع اولندب ه اذاملت الازال هلت  
 الفاضل قضیه سه نمایان اولدک مردود مرقوم بواره  
 عبدتمانت رسیده ص قضا بولدی شری رضاه الطبارک  
 مألوف اولدی عقیقه نکر مصفت توأمی جان جان عازم  
 دارالبواد مفاد هدر اولندر بیت قویده ظاهر  
 او بجه عجز و قدر انتقامه الدرا اند غیور مآل اوزره صه  
 عافانه مع مثبت ازبال صل و افترا اولندن عمل  
 اجرای راسم عبدیت و صداقه موفقه اولدیوب کثیر  
 دوستی امره بالضرور بولمستی اختیار و اجرای کبر  
 اولدقدندن برای مایبقدر عدالة عرف مثبت غیر  
 ذوانتقام قسندب اما هاری مقهور باسب هدی  
 نف نیکینه تابع اولدب افترای اعدایه رواج و نقدیت  
 ویروب طرف سلطنت سیه انفعاله باری اولدقدندن  
 نانی باعث نفست قلوب خدای و عدم او طعه رای سل  
 مردود دنیا و اخرت اوطی ضمه اطوار قیامی  
 الاموم انصایم اصحاب حال و هذ میانش ثبت جریه دواعی  
 لری



## لایحه حقیقت حال

بانقض خوش باز که نه چو نه تمام شد از در بخت و زبیر زوای  
 شکستنی مادر حقیقت اشتباه بناد و الحقیقه بی واسطه  
 اسباب عاریه دولت روسیه طرفین صفت ضریف  
 مثل در کار و بیدار اولون رعایت و دولت فحیمه  
 ایران جانبدن دخی و نیا اولون صورت مساعی  
 و صمت و کافه ممالک اناطولی عاتق امداده  
 صوب عاقرانه مراجعت و ممالک شریفه دخی  
 میدان ابراز کدون انقیاد و اطاعت حاصل بدو تبه  
 بیه اودنام کب اشتراک <sup>و امتیاز</sup> ایستیکه می طوط او طیب  
 داتا وضامت انجا مکاردن اجتناب و احتراز اوزره  
 ایلم فطم و روانه ایدالم یارشدی فریاد که محرومی  
 زویدارشدی داتم زبیدی هجی میزدید افریحات  
 بد گرفتار شدی فرایارندن بشقه بیت هبا  
 اودک بونجه کلیده املت سینه بدو طغه چو و زغله  
 کون مای دخی و دوزبان افغان خندگی

## غزل جمال

نیت همینه ضربه بویله اشرده در <sup>هسته</sup> اهل دوله صاحب نظر ده در



بی وزلار باشمه مانند افجا	بد واریت هوارت دور خورده در
قوی و قه های خلد صایطون	دوتاجانه سایه خیل بشده در
نکیر ایندرا ایده نقدیه خلد نی	انجام سور زیور شام خورده در
مغور او طه لذت دوت کماله	ضخ عروسی شربت صبح مفده در
نقصانه قانع اوف بره های تیرکشا	وقف کمال ماه مندر خط ده در
مانند تل ویرمه بوی به بار نغمه	هنگامه عزان عقیب خورده در
دکانجه جلا نلت ادا نیه بویه	کرچه مناع سوو معارف ضرده در
کسب معارف ایتمک سی ایلر فاشا	سرمایه عمارت سوو هنده در

مقاله غریبه

ارض و ملک بدو محاربه نسیم اونی سترغا و قانونا جواز و پیلور  
 مواردن اولیوب همدار قناله مجبرم دیور عکس صاحب  
 هفتنر اشعار و ابراز ایدکدرن ارض و ملک مدوینیه بکام  
 بیور بدون قاضی افدر علم مداناس سوو ارایه  
 و بدو جهل سخته ناهموار ابتدا رایتیکه رایت رایت دوسیه  
 دوتی اوان استبداد ضربه و سخر ایتل اوزره اولدینی  
 ت بیو اولشیکه سه ارض و ملک عیان و اولورینی  
 بازده بی و غارت ایندیرمک داعیه سنه که لکن محاربه  
 ایلدن کلز دیرن جهل ناسه اضافه و اغدا و رفتار  
 افیدنی



۴۱۰

افزیدنی قول قاضی تصدیقه و ایضا ابیدوب قلمه تسبیح سبب

منقول او بدقدندن ماعدا دقت دار مدعی الیه خزینه مرتبی  
کتم و اخفا یعنی کتباً سرقه اجزای ایتی یکیه ۱۲ وفاته  
منتفت ارکان دولت اولوب قاضی فرقد مدعی ایتی یکی  
اهانت و خیانت مفاہنه با اراده شاهان تکرار اضرار  
مدیونتی منصبه نائل او ملکه حکمت خدا بدسفرده ابراز  
لوزمه صداقلم اجرای مراسم دیانت و عبودیت ایستند  
نزد دولت ذیل و شرع خیانت و اهانت اجزا ایستند  
منتفت و مکرم اولدیر بفعل الله مایه و حکم مایه

رضی بنور فودود

بدیده ابیدوب و فطرب مودنه عظیمه نیت زبانی نصرت  
کدندگی افضای طبع و کدندگی کدند مرات خط ده نیا  
اولدیندن بشقه فودور اسنده نیدر فودور نام قنبار  
هنگام موقار به دو جهل زنده زبان دار ابیدوب سوبدیکه  
یا فاتح افند سه صاحب شرف و شرفه مودر و کدند دولت  
در سیه میانشه ناز به جهان و فدا کرده ایچی خانه و خاندان  
صدقه و استغفار شرف عالم و عاقلانه اولدیندن مایه ابیدوب



اقبا و تعلقات روسیه دولتی عنذ من منت و معتبران  
 اولوب بدوچله ایدم دولت علیه به انتی و لغوت و بوانتاده  
 مصالحه ضیه خبریه غیت ایتیکلک مثل نامسوره بر  
 کیفیت اولدیندن فی الحقیقه ایلان دوستلر هکیم مصالحه  
 و عهده بدوحت و رعایت اولدک بینی بدوچله صفله  
 و رکار اولون صی معلوم و رضت دولت علیه به انتی و لغوت  
 زاهد ایدوب شی بر بدوچله منتی ایتیکلک تمام صلیب و طغیانه  
 مه بقدر اذن کشیف و شتیه بیان ایتیکلک مروارید کرانه  
 بند و نهایی قلمه کردن قبول و اویزه بنا کوشی نصیب  
 ایدوب و تثنای ایدم نصیب مع غیت و اور روی  
 رعایت به عوددن صرف نظر هت و مبارک بیدیک  
 هکیم ضیه لوظه ایدم زیرا دولت روسیه طرفه صفله  
 ایجاب ایدم ضیه و اثر قوت اوضاع مواد افاده میدان  
 ابراز اولدن مقدمه جنابزه روسیه علیه دن معلوم دیگر  
 اقتضا ایدم بناؤ علیه انتی ایتیکلک بینی معود اوضاع صفه  
 کافه عدول اولدر و بعد مقدمه سی و اجتناب بر فائز  
 نتیجه ویر و طرفیه بر برینه نسبت بشیوب بریده انا طو  
 اها بسنه بر بدوچله ضرر ترتیب ایدم باغ نزاع علم و بموجب  
 خدمت



کلامه ضام ویرد که طوفانیت مانند زده دوستی  
 او شمس هدا سینه راهنه جسم و جانی تراب ایلکیم  
 مانی بعد از تبار بود کونه خنجه پیری گفتار و مراغی اولدیکه  
 فی الواقع قوه مفکوره پرورشیاب بیدریخت و آبی و مهلم  
 یرنه در و ساه و قوه کلمات دفعی کتدر لکن دونه عیبه  
 دن بد اذن و رخصت تفصیل طرقة عزیت مفایر ماسم  
 ارباب عبدیت اولدیفنت بشقه فایق افندی دوسیه  
 دوسته ابراز صداقه برله و لایق اقامت و اسایشه  
 نصیر رخصت و کب امتی ایدی رنیدر یکی ظاهر و بعد  
 حد و روضه شرق باب الیوبابه قدر فتح و تخییر موفه  
 اولوب ضخم حالت دوت عثمانیه ایسم بر وجه صدوب  
 عافانه سفت سینه و کلام اعتماد اینیه صکری  
 باه در بر حال بقدر الامکان اجای نوزمه  
 صداقت نصیر رضایه کجدریت شرعا و قانونا واجبه زبیر  
 قادیکی مضامات مذکور به دوت طرفین رقبه سید طیب  
 صدهی جفانه مد عذری موجب خدو شروع و قانون  
 بر کفینه مبارت ایدر ابر تداو ناریار و طعه استمالی  
 خاطر کلون الحکم به الواضات نقار مقابلیه انما مدعای



مرا به ایندی که ناچار به مقدمه بگردم اختیار اید که  
 غرض از خالی کردن بند و نهایی عدم اجتماع و قبول  
 زیاده بکسر طعام اید و ب افارعه عقیده استغاثه  
 مبارک و بعد حمامه غزیت و هنگام فروضه نشسته  
 شربت عدس ایتام کی هر یک در بیت هر کسی که نصیب  
 زحمات نکند کوش بسیار بخاید سرانگشت نداشت  
 فدای در کار برده بیت به او مر و ایام راغب  
 ایتمی صانع ایدم امتان بکون جوخ صبا انداز بکشا  
 ناطقه سیر ازلی مندر او بدینم روحانیت رسول الله  
 شریعت و تدبیر اهل آب تاثیر عنایت اینکلم بحکمت الله  
 و قدرت به سبب صومع افراخ مع غرض و نف نیشه  
 بابتغاه اجزای مرا و هداه ایدند فطر غضب عزیز ذوق  
 او طفل هبری بر ربوبیه مبتدا اولوب زمان قبل طرقة  
 ریت و تار مار او در قاص عبده لدولی الابصار  
 ثبت صحیفه آثار قدسی بیت کی کور در غرض  
 اجزایه روشمندون ایشان اولی بعد آفری فیروز  
 اولدی



قصه عیبه

انشای خاتم و غنای ابدیه میان ده جاری اولوت  
 و قد عاتدن بر مقدار تحیر و امل و در دوشه عرض و ازها  
 او نمیدک بعضی مفرد هر ده فا بدگونه لب جنبان مذاقه  
 و استرزا اولوب یعنی فاتح افدک دولت روسیه ایسه  
 بیاهات انیمکه در اقصای صکت جناب کبریا هنگام سعادت  
 انجام انبیاده علیهم السلام مبتدی بیانات افتر اولندر  
 صفحه عقد بنی سینه ابیات بیانات و با قدر وحی اولام  
 ربانی ترول و ظهوریه ظاهر الذیل اوله کلندر اما بعد  
 البندت مضمونه بصره یان طینه اسناره صارت افعان  
 زامنه جناب رب العالیه و اسرع الحاسبین جل جلاله  
 اولقدک مبتدا انیمکه ضقه اظهار قدرت و ابراز احکام  
 فی طعه عدالت انیمکی بدیدیدر و هو علی کل شیء قدیر  
 و هو ضیاحی کلین فی الدایع بازار کرانه ربان عالمه خیردار  
 در کرامت صداقت اولندر نف نفود حیات ایسه کد کد  
 ثبت جریق کائناتدر

قصه لطیفه

اسبعه اناطوی قاضی کرمی می داده مصلوح السید محمد اسعد  
 افندر حضرت بن کرمه ربه عقد بند نکاح و از دو واج



رایحه سبز او بدین اثنا ده الحث رفوتنه امر لطیفه  
 امثال و اجرائی مندی ضمیمه و ضیال او هر دو عازم بی  
 حارسوی و بازار اولدی سابقه الفتنه اولیان بر سر روی  
 ضمیمه تصادف او سبب کف پرده زار ایندیکه صبح  
 عافانه به نگاه انداز التفات اولوب دیدیکه ای مخدوم  
 دنداز الان بنی ستمی متجاوز در انتمی ستم دندرو  
 وقعات کائنات محضه صلا ادرال و از بر صدر ملل  
 در عارت بر کنه نیت خانه و احوالی گذره او بد قدر  
 محتاج و مفلس او بدین اشد و بر امدنی کباره و احاد  
 اولوب راضه ایندیکه کدرم و صد اقد جانبارانه  
 دولت عید اجای مراحم رفیه و خدمت ایندین انجام  
 کار و وضع و مهلت او طیب بکام او بد قدر استماع  
 ایندیم ریدوب اسود علیک فیه و راع اید

### مقاله در فضیله محمد رسول

بیت می شرم ایدی رافکنه بنی ساعصون فالدیرک  
 پستی ساقی ابریم دفعه شمار نفایه مقدم و صدق بونین  
 مصالح و صد عافانه به بود کرامت شهید و ظاهر اولون  
 صورت فیه بود وجه نفس صلیفه سطر و امد فند که  
 عنفوان



عنقدانه اوان جداينج امرای محالست رقیه میان رنجه  
 تحصیل علم و کتب معارف نافعہ عیب عد او ندریکه  
 قصد تحصیل علم و افتایه رغبت ایدوب کافه انبای  
 ضعیفی تنویقه سبب نقل اولی روه مع وجهه العلم  
 مطلع شمس طعارف قدم اولشیکه دولت عده عثمانیه ده  
 زن طریقہ سلطه سرمایه ایلی و معارف و دوجار  
 بازار کاسه اعتبار ایدوب هباؤ شندرا ایتدیلمدر  
 ثانیاً افه و رقیه خاندان داده رندن بدو شیعری اسبابه  
 بنی ارضومه و نورا غریبه عامه ناسه الف و صبا  
 قدیمه سید اعظمی امدت کوشیه بعض خصوصه راز و کات  
 عاقبت خیرن اجواسی مزاج وقفه می اف کله حکم و  
 وزرای عظمی مضامین دخی بر وجه صفایت امتزاج  
 محال و غیر ممکنه اودینی هدیه الیکه شوه اردوسنه  
 مقدسیتی قبول و هلب اودیندر ثانیاً تبدیل طیار  
 ان نیه خصوصه قدرت <sup>ناقصه</sup> محالست مدون و جلاندر  
 عجز و درکار اطفال بنی کی صورت اعجز و اخصر بدو شیعری  
 صالحه و سعی مرتبه هرکسی طریقه صدق و سزاده سعی  
 و رغب اودیندر رابعاً عباست ثانیاً



مدت مرفوعه مدوله قدر دولت علیه ایله ایران دوتی  
 میانجی جایی وضع فدائی اساس اتحاد دوتی اولی  
 ایسه ده بر وجه قابل امکان و التیام اولیان بویه  
 اصد عظیمیه دوتی بیتی تشید دایمه غیرت ایتدیکدر  
 ضایع هنگامی سفارتی ارض و مرصه اقامت و تعلیمی  
 طرفه طمانینه غیرتی دوسیه فتنی طرفین تکلیف  
 اولندوب ایجاب و اقضا ایدن مسؤله صده کل الوجوه  
 م عی اولی مقصود ایله ذکر اوضاع محله بر مقدار تدقیق  
 ایله درن احوال ایتدیکم لازمه قضای میدان بیاف  
 و ابراز کند در کافه اقضا ایدن معاون اجرایی  
 دولت علیه دن عرقی خزانده احواله و تفدیش ایتدیر  
 ملکا و صحتی حیث امکان اوطافیه بدکونه غفله تدار  
 ارض و مدن اوردوی عسکری عدوت ایتدیکدر ادا  
 اوردویه در و مرصه ضررانی مقصود حذف عاوقه  
 دوتی از لایحه معلوم عافران اودفع بنقیب ارض و  
 عدوت و مجتهدن واقع اولون اهاوت و رضایت  
 کی هدفه در دوتی عرض و اتعا ایتدیکدر بند ساد  
 ذکر اوضاع مقصود عی اجماع فی الواقع فیه ایسه  
 طرف دوتی ایله اولیوب بر ارنایان ایله دوسیه  
 دوتی



دوخته انجامیده بکودراوردی هوارنی بیه الام شایع  
 اولوب صوبی جفانه مه باعث راحت صوری و صفندی  
 اولور استرازینه بناؤ انذار و لالهار قضیه کربیکر صبر  
 و ایتاریم اوطدر سبباً سرحد لوصه عثمانه پاشا  
 کی برستون و باغینت سمه سلوتمه اختیار ایدوب  
 وزرای ساره نت صفه عداوت و نف نبدینه بادی  
 اولدیفدر فی الحقیقه مکارا لیه امر دیانت و حق هرا  
 صدیقی و زکار ابرده امور دنیا به لازم طلاق حق تدبیر  
 یاری اولدیفی اننه ناسه جارید زیرا غیریان  
 و باضضی عدوریت رائیه تابع اولوب دیدان اقبیلی  
 کی بوز و یفهم و اسغی غارنه کوندوب صوب  
 عافانه مه تعید اوفات ضد صانت اوانده لب  
 اولدقدنم و تثن طرفت قبول اولمیدب سوز  
 میدانم در اعا سوز و بریدیه ارم یوده بیرل باب  
 انهای سده وسینه طلدینه دست و داوریدب جهت  
 فرقیه مطیه ران عدت اولدوقه کافه رعایا  
 و رهات کلیاً قالدیرب ممالک دولتی و ذات سلطنتی  
 اقد قیل او صیدزین کی افجه ضرع و یار ایندیکی



اها تمیذ یا ضرر صد اقتیدار و نامش له ایله بند و  
و عدمی اودا که دفعی فرامی اوندور بیت حاضر اولسون  
لخا الفت ابدن ای غنی ره ره دایمه صبرینی حال  
ایتمکه خار ازار خدیجه فی الحقیقه ریاضی دوستی کلچین  
دو صده صداقت اوندور عاقبت دست و دایمه غیری  
تبیجی ضرر خار ازار اولدیغی ثبت و فایع دوزکادور

### مقاله

بیت صوره قلمی بر دست غدار بود • دو جرم ضرر بر دار بود •  
ما صدق اوزره بوقیل وقال اثنا عشر باب عیبه  
تقدیمه ابتداء اوتان انی ابیان تقدیر عجزانی  
اعد رهای کنی و اخفا ایشیروب بکلی اذکیه زخم  
وامد ایشیکم بر قطعه شفه ندی قائلش کویا دولت  
عبدی ندی خدمتدن استکاف و استغنا اینی ریه ر  
ضد ف موقوفه ی انیا اینی اولدقدیه بناؤ تقدیر مذکور  
صدور عکس اندازمات کائنات اوطعه رایحیه سیم  
قید ورقه آثار قنطریه

### صورت نقیب

اوان طفولیتدن بداند قدر بقدر کوسع والو مکان می نقطه  
اصولیه



امور دینه بینه و حمایت ناموس دولت عمیه ابد قرین  
 سودا سنده خانه و خاندان دود او هر دو ترک استی  
 و اختیار کنت غبت ایدوب سایه سلطنت عیایه نه رای  
 ایدیه پناه آرنه هجت و انبی اولدیم کافه عالم و عایانه  
 نه ه و هدی اوطغیه یکدی یکی تاریخ رخ و خن سرفه اور سنده  
 بولندج دینه و دولت موفقه اولدیم خدمات لایقه ایدیه  
 بیه اوانام کسب و تحصیل شہرت صدقہ و رعایه نمود  
 نام جملہ باہر و غایا ایکہ بود قدر شرفه اور در سنده دفتر دار  
 خدمتہ مشور و بنام پیر یون اقدس بنوری دولہ عمیه  
 مقنع استیکی رضایت و سر عکسابہ صالح باب حضرت  
 کبی بر سر ہار قوتی اوقداران امور و مقصدہ ویر دیک  
 کتہ و خامدن بشقہ اور دویہ مرتب پیر یون قرینہ  
 شرف بر وجہ مراحم کتہ جارت و صنی و حید باب مخلف شدن  
 کلون بیب کیہ اقمی افضایہ جرات استی اولدیندن  
 ناشی خصوص مذکوران صوب عاخانہ مدن اویای  
 امودہ افشای مدظریہ بناؤ ارض دومہ وصولندن  
 انی الاون صوب بنوع کا نہ اظهار نف نسیہ و عداوت ابدار  
 ایدوب از جملہ و دینہ تفسیل بدینہ اورن ایکہ صافہ  
 واقع الیوم داخل حکومت دولت روسیہ اوطغای



دفتدار صومالی الیه دفعاتیه فاتح افندیلی و بوی  
 روسیه دولتی تبعه شدند و برادران ابراهیم پاشا  
 و صی پاشا و صبی پاشا و جعفر پاشا و فی روسیه  
 دوستی معبرانشند و دیدارن با جاسوسیه و محال  
 سازد به عرض و ازنا ایلمی غالباً مرقوم و صی  
 پاشا در بدو شد و واقعاً او در کلام یعنی مرآت خط  
 و کلام دولتی اخبار عارضه شده باریک اوطقی بیت  
 الحکوم علی و روسیه علییه حاصل بفار و عین حدود  
 خاقانیه به قدر محدود است بیضا و اسودیه بر تقضای  
 قضا و قدر روسیه دولتی مقلد بیدری صبیله معذور  
 اولد قدر معلوم و یا خود فرض کمال جاده متفق  
 شریعت عذارن کریمه صدف و ضلالت و هند و عربیت  
 اوطق در راه سایه تنگه اسوده اتجا ایستاده  
 و روسیه و تعلقاتی بد اعداد در دیدارن عز و شرف  
 راحت ایلمات مغایر رضای شریعت و مخالف قوانین  
 مرعیه ملت اولدینی بخ و مدر زیر المله بدر کبراره  
 صفد فی مدوکه کرامه مستطیع ارباب تحصیل و تکمیل  
 کمالوت انانیه ایله بدرنه برات فی و با هات  
 ابدک اعظم بیدریون صیبه و لا جرنیت تعلقاتی



معیه کفار و فریجی او در قدرند بنفشه موکده جلد سوز  
 کائنات اولون اهدکار پسر سعدیه ابی وقاص  
 ارم یاسد فزان امی و ابی ضحیه فیه مظهر دولت دارین  
 پدید افتد کوه دندان عطرهای راستی کف در صندوقه  
 قدر ایدک یعنی هر فردن و دیقه زلایخانه سیدی  
 ضحیدی اولون ایمان می فقه کند و به نوزم و هر کسی کنی  
 افغانند مستدر با خصوص در تیز بیل عجمی کری  
 شمر محاسن غنائت امری در روضه صوبت  
 و صداقت شرقاً و غرباً معلوم کافه انامی اوطین  
 زکرا و فغان محاسن هنگام صبا و نمن الایدضا هذا احکام  
 واجب الامتثال ربعه مغایر و کات نبه کانه مشهور  
 الاطلاق خدمت ری و دولت دار بر قاج دفعه  
 اندر منظر و صیه ده هنر تکلیف و اشعار اولشیه  
 سایه حضرت نبویه بدو نزد مخالفت ابتکاری مجود  
 بدینج بی و به معینه و دولت علیه ابد قرینه خارج و دره  
 بدین قدریه بنا و اولدینی مجزوع کافه بریادر مهمل امور  
 دولت علیه ده اهانت و رضا و ندر در کار و مصالح طقت  
 سیه ده عدم صداقت و غیبتها اشکار اولون بعض  
 زوانت یرده ناصح و نفع عار و حیا و سه نفع



جان اولور خطائنه روحار اولدقدنه بنار حق  
 بنه کانه مع افتادن حق اولطوب دریای صفوتنهای  
 دولت انداخته خاتان غبار اشتباه اوله روه محاربه  
 وصاله ده جانب دولت علیه فداشد کثیر نفع صلب  
 و اجاسه مانع اولدقدن ماعدا بیه اناس نفوه شکر  
 مویکه دانه مفاوت کونا کند دولت علیه صمیمی  
 از قسیم در کار و بیدار اولون صدقتم عذر نه معلوم  
 و اشکار اولون دولت و دشمنه باعث انگشتکرای  
 نجب و طفیل با نصوص عوفاً باید راستی و سندن  
 رعک و فرمجه و وزرای بیک و صبور معتد بهضامن  
 عکرایه قاری واره تبدیل و تکارضار و زراعتی  
 کب و تخصیص اینکندن بالضرور سفارتم ایجاب ایدوب  
 و تن رطوفه و صطلح صوب عافانه مدن ملک و صلوة  
 هنر اناس اولندیر جمله قبله مقرون اولدقدن شفه  
 و وساعت کیرویه صوب عافانه مدن بالوسند عاشرت  
 ایدوب ارض و ده و صطلح موش ایالتی و ریک اولند  
 و نریمان و کدله و اسیر و نورندم و کلکیده و شیران و نریمان  
 قضا رینی کینا زن و تخیه ایلیدب رعایا و مهمانی  
 رفی



دخی توقیفه سوز ویر یوب وارض دولت و محال سازه نیت  
 رعیت تخفیه تفصیه غریب شریعه موعود فساد ب قصد  
 مذکور ساینده حضرت پیغمبری و پادشاهی معی و غیرت  
 حاکمان مملکت و کجی فساد و طغیان بکونه مانع مصالح ضریه  
 دولت علیه <sup>و حقه</sup> اجبار و ابتدار ایدن ذواته ادعای عافوان  
 تحقیر و طرفیه التزام و حمایت اولیه و نه اجرای مابقیه نایب  
 بیرونه باینه و اضکیر رجا اولدیف می طعلی عیدیه بیدردن  
 او باینه امر و فرمان حضرت مود الامر کدر

مقدمه مقاله

موضع قریب باغی بیت فخر یکم فلک ثابت و سیاره که واد  
 اولقدر سینه ده هجران اوقاف یار که وار مانی ایما  
 ایدرت ترجمه احوال قبائل قزاقه بیانش کویا ندش  
 ابتدیکم سرکه ترش تلخ آمیز مکه روزگار به صور نا اند و حکم  
 و بود و جلد صور تغای چیه چیه اولدیف می اعدایه موجب  
 شریعت لذت کد و انکیه و دماغ احبا و اصحاب انصافه  
 مرادت افزای شربت خویه اولدیه نقی لوصه ضعیفیت  
 ابتدیکم مواد مجرد امریه و غیرت احکام شریعتیه و در سینه  
 کب سرف افانیت ایدن ادم عهد قدیم و دیریه اوزره



ایینه بند استقامت اولاد ترک رفاه و آسایشی  
 شمار و تحمل بیات ابرار اوطفی اختیار ایدوب اولوچله  
 نصیر رضای رسول سرود کلاه جوهه کرانی بیات  
 مستفاری بند و نثار ایتکه اخوانه ری و ارباب  
 یقینی زیج و توفیق عبارتدر و انو جناب صو و فیض  
 مظهر حضرتیت صدری و مصلحتی بو کثر کار برین  
 دوز کار مصلحت نه و بیدار بیوریدون عنایات ازیه  
 الهیه قابل صیغه نثار و شمار و کدر بیت نه و  
 باطنه مستفاده اصانیم انی برجه بیدرم برده بر الله

بیدر

## مقاله

رونقه آرای ریاض جهان و زیب اقزای ساهه تره کاه  
 عالم و عاظمیان لاله آل و کل خندان و سوسه و زرکدنی  
 زبور کشتن زمان اولدنی برب و کمان ایسه ده  
 لوله آل را غدار کشت بدی جفا و کل صد برن خارا زار  
 بدیه مبتدو سوندنی مانند صلت فنی بی بر و نوا  
 و زرکدنی سر بریختی فحالت برهنکی عریان و بی سرویا  
 قاطع اوطفی ایجه باغ عاظم کلچین روضه کام و کثره  
 دامن



دامن مرام اولون بهر وسیر قات اندر قات پوشیده  
صبر ایند کلرک بد معنایه دال و شاه صادر که زیب  
سریحه کتاب افانه اولون ارباب فہانت و از عیان  
و کتبہ اصحاب عرفان بیت حبیبہ سینہ صافان رستہ  
حبیبہ مدد اولار نمایاندر بوحالت اضطراب مدح و ریا  
مذہبہ و انشا راغ درون و تراجم قدسون محتہ جک فزون  
اولارک و ارستہ قید استبہ و ظنند در ماضی اصحاب  
فضل و عرفان میند کہ بی پایان اولعه امر مقرر و کما اطر  
محب علیہ ارادہ قاطعہ نہ نظر آیدوی کر اینرای فضل و معارف  
جریح مخفی فنا ده رزقہ مقدم فی نفسی سر مقدم و اطفال  
بناد علیہ ثبت صیغہ اخبار الفرائب قنات انار لہائف  
و عجائب و حد زاتہ اوضاع زمانہ در شکایت اولیدوب  
فقہ بدیعہ و حکایت غریبہ اشعار یہ منہ برخد مت  
اب از دت عبارت اولاب رسالہ مذکور حاکم  
اولدینی و قدعات و عجیباندر بشقہ الاشیاء تنزل  
مدالسماء مفہوم ترفی اوزرہ اول و قدعات لفظ غریب  
تاریخہ مصادر و اسم کتابد فی مد غیر قصد و ارادہ اخبار  
الفرائب فی منہ مصادر ابتدیک مدہبہ الہیہ اولدینی



زور العقده هویداد

## مقاله

ثبت و اشعار واجب عریضه خاصه بیان اولون بعض  
 مدار مقتضیه نک سرشته سیرازه کتاب وسیع غایه تم  
 الخصاب اولون مقدمه و فخره کتب بیان قلمی الزم  
 و اهم اوطین یعنی رابع اداب مکتوبه و قدانی خدمت  
 و کتب علم و معرفه و اصول اف و کتابته و ترتیب  
 اشعار و آیه بدعنه و اثر تحبیه خاصه جرات اولون  
 بعد اثار قلم نامه الحروف بر قطعه مکتوب و یک  
 تقریف گونه تقریف زیر شرح مشدک وصل رموز  
 اسمیه شری شانه نامه آیه عرض میدان هند و ضمای  
 ابتیکم قصیه نصیه رفیع اورا و اشعار و امده قشیه

## بند اول

کسوف فافخ وجود افانیه و ممدوح کمال روحانیه  
 و مقبول طابع جری صانیه حایه و نقد و ابد که  
 از جمله نطق و کلمه شریفه نوع افان صیدان ساره  
 ممتاز و مستش او بدینی کبی خلعت ادابه روش استحقاق  
 فطرت مزیه اولون آدم افان ساره دن اگر م اولدینی  
 بدیای و سلمه ادابه رعایته صدر و معنی  
 حاصل



حاصل و بیدار اولون سعادت و عدم دعا یتیمه در کاد  
 و ظهوره کدون و ضامت و شامت بر وجه تفصیل کذا  
 فتوحات نام رساله مزده قید جریح نظیر قلمی آورده  
 بر مقدار بیان اوصاف ادبیه ذیب صحائف اخبار ایلک  
 داعیه سیل ثبت کتابه تحریق خندک فی الواقع ذمت نفع  
 بنی آدمه واجب و از مدرکه شان انبیا و شان خاندان  
 انبیا علیهم السلام تعظیم و زمره اجا ثانیاً قدر اولیا و  
 علمایه تقدیر و حرمت ثالثاً مدون و حکمرانان ادبیه  
 اهانت و احترام و نام عظمت و اکابرک صفاتیه نصیر  
 بغایت هذر و بجانب ابیده ر و مناصب ظاهر و کسب  
 مراتب اقصای انسانیه ابدی زوانه علی مراتب تکبیر  
 مبارزت اولاد و صاحب سائر نام او بیای امدی  
 زمره وقع انبیا و جناب و اعتبار ابیده ر زیرا اولاد  
 عالم گشت بار عالم و کافله خطوب صمیمه بنی آدمه  
 صورتاً آینه حائز صورتی اولون صدرا بی و نمایی  
 منظمه نیرخ و تنقیل الهم و مشقت اولاد اکر و اندو  
 اجناس سازه در زیاده اولفیه نفع صمیمه اقبال  
 شان مضنون کن و بیدون فتح اولفیه و نشانه لویه  
 ضمیرها اولون رموز کدورات و جفا نیا بیان و هدی اوطه  
 بهم اند



نوزم کلیدی کافه کاشات اندر آقبال نعمته  
 غبطه ایتدیج بر حال از جان و دل اندر جالب  
 اعانه ربانی اولون اریه خیریه موافقت ایدر ایدی  
 ارایه قیام و قعوده اهتم تام و اجهت زمت انام  
 اولمفلر مجلس توفیه دلس علما و کبراده قوت قعود و صلاح  
 و سرعت قیام نوزمه رندر عامه ناس رجاسه استرغام  
 اولد فدرک مضامین حکام انبساطه توفیق ایدر  
 باعث حصول ارام اولور ضعیف است عارده ابرام و بالقرین  
 تمایج و مباحث ایتیه زیاکذت ابرام و الحاح  
 تصدیقه بادی اولمفلر تحریک ضد غضبه باعث اولور

### بند ثانی نوزم حکمت

عامه فقرا و ضعیفا و کافه رعایا و برابرا و دینه ضابط  
 کیریا و ضاوه اتباع انبیا اولد قدرین بشقه اسکی  
 بنیان قوی اولرکان سلطنت و چاردرای دیوار دولت  
 اولد قدرین بدیه بدیه بدیه اسباب شکوفه قدرین  
 عدالت رفاه و اسایش دینه اهتم و زمت ایتیه  
 و باطن نوزمه حال و شان حکمدار اندر سوطین روی  
 زحمه و جلا نذاران نصف ایتیه مضار و انما راضی احکام  
 مقتدریه الوده لکه زمت ضد ناصحه ایتیه و در  
 و مباحث



مباد و هوای غضبه تابع اولوب امریش تجیه اجترانه  
 مبتدی بلیه تجیل و تلون او طبع بر قومه عمدتاً سیه ایی  
 صاحب حکومت طردن عقیقه معمله بیوطی تکیه فاره باری  
 او دنفیدن بشقه انجامکار اولفوق صداقه مجدرینه امر غت  
 و عیدتی طبیعت و شمار ایدر بر حال ساهه غبرای حکومتی  
 قزنفه الهوده خد غب و جدول ایدن و لکه روی ایی  
 و راحت مستور و کثرت شامت ظهور برج و باروی شوکتی  
 قریه دخته ذوال او دینی مطهر صائف طورد و امور  
 جزئی و کلی به داز ملوک و کلد و ضمه به شفاها ایجاب  
 ایدن تیرات کلمنی تکرار ایدوب فصولی مذکورده می  
 فهم و ادراک اینه کب و قوف نام اینه کچه قطع  
 رشته ضارب و کلمه اینه ر زیرا اول امرده و لایت  
 سهه مانع ضبط افاده اوطی ملو طدر بنا و عیه تکرار  
 کلم ملوک و حکمدارانه از می و صندر امر و تینه ملوک  
 عدم ادراک و استی علی ذات پادشاهین اعاده سوال  
 اجتناب سودا ایدن عد و شمار او دینی ضد سرهنا  
 هر دوساده واقع اوطیه تجیز تکرار سوال بیانش  
 کذا رفعت نام رساله درج و تطیر اوطی ایضاح  
 و تأویله خدا هنکده له اولون ذوات کرام و اجمعه



درخت و اهتاف تمام بیور در کلام ملوک و سرفرازان  
 فضا و فضا و اوطان مقدم و بر خضد صید فی حکایه  
 طریق صید انکار اید و بتمام اوطان فی صمیمه جوابه ابتداء  
 اینگونه

### بنده ثالث

سازندون یعنی داخل دایره تشریفات اوطیان  
 اشخاص و امتیازات ایجابیه منی و کثرت طیفه مراتبه  
 کوره القاب و ابیده قواعد مخصوصه بوزمردن  
 اولوب با فرضی مدویه غفیر مضارنه ابده رسمه  
 مقتضید زیرا انواب سلطنت قافیه اسباب و مایه  
 دوت اودیفی اصحاب دقه نما باندرد ارکان دولت  
 و حکومت میانش بوقاعه مرعیه رعایت اونیوب  
 هذر مشوار و فراجه یعنی علی حاله تری اولی  
 بعضی اسبیه رشی الکتاب جانب افک کبی  
 بیت دامن کوه قاعته می بندی بلغم بر پازینه کبی  
 نیجه یلدر سبیل مزایای اوزره افک صوری الی آخر  
 الامر بواحد بنیتان فویکی صورتی بریش  
 بنی و بر کبود جبهه ایله قاعته ایدر و بعضی بدی  
 بعضی



۴۴۴

بعض ذوات مملو پوشیده در بفت و دریا اول دره  
مانند زنان جلع نما حاضر صواجر اجبا و اعدا اول دره  
بودنی یعنی و ناسزا در ماضی شایان نامه رجال  
اولان ابله و اندوه بخیز زن دقه و کمر بند هست  
اوله لازمه عنوان لطیف

### بند رابع

ساقه بعبیده بوظن سیرالودان و وکلده فضا محض  
اولیان مواده مباشرت استکدره ملوکه و دکاب ملوکه  
بودن اولیان امده عرض و انزای مباشرت اینها ای  
ایمان و اول امده فضا ریدی فروع کلدار طرف  
سختن انفعال اقضا این زیاده خارج ضد صدور  
مواد و کلده عرض و افاده اولندب فضا مذکوره  
عدم اطمینان سیرالودان فضا استکدره فضا  
خوبه فضا و از بر صدر امده ریدی سیرالودان  
مقدمه نصرت مظهر نفوذ نامه و استقلول کامده ای  
در خدمت عبارت در خدمه دولت مدفعه و ریدی خدمت  
ملوکه امتنان اینیدب ساقه ستم کب و تحصیل  
استکدره مراتب علیا به بنا و ملو و بیدار اولان خدمت



لایقه و مدوره و دائی اقبال و توجه ملوک نسبت  
 ایشان را اصحاب معارفی هنر معروضا خواهش  
 و مجبور اولدنی تکامل و استفاد از اجتناب این در  
 بهر حال میدان ابراز کتور یکی سرمایه هنر و معارف  
 آن و اسباب سوطیه عفت ملک کارخانه نو و رسید  
 حکومت و جدی لازم اولون ذواته و اثر ايجاب این  
 امر نه سرعت و تدبیر صاعده و نازل دندر امریست  
 نفوذ ملوک قوانین رعیه به احتیاطه صنی غایب بیدج  
 احکام دیگره قانون نفوذ ملوک ترجیح ایست ايجاب  
 صلحت اولدنی در باب دفعه هدیاد در ذریاتی  
 نصیحت انداز قاتع بدرم میبویا طرندن قوع یا  
 معده استماع اولور ایدک یعنی ایجابنه بنی بر امر  
 اداره سنه صاحب حکومت طرندن برینک نصب  
 و تصینی اقضا ایندک مجر ذاتنه در کار اولون  
 غیبه و نفوذ اعتماد ایدر نفاق به نفوذین امور  
 انبیا فیه در و دخی اغا محبت هات سفینه ویری  
 جواب صوابنا رند در دین و جانشین عرضی و لادن  
 امیه اولیان قودون تکلیف انبیا علیه الصید صدف  
 ایست غفلت و عینه اشتغال در بودنی میبوی  
 ابراهیم



ابراهیم کلیات حکمت امیزندند که موجب  
 ضرر اوطیان مایه دانه خدمت و قعود کلافت  
 تفدهات ناسازانک عقد و عدم استیغی احسنند  
 و فصدی مذکور یعنی علی الحکایه در بعضی امکداران در برسی  
 فقیه شمه جارت اینیکه استماع ایدرب فصدی مذکور  
 مکتوب رده کتان قاطنی استماع ایدرب دفعی تبه و تانکه  
 ایدرب بر مندان شروع بیان شروع ایدرب موی  
 هفتزدن تدارکت حافظه دفعه ایدرب کلیات مرغوب  
 بری بود و چهره زیب ورقه انعام کنند که احسان دهه توبه  
 دینه دفعه فصدی اوطیان و کلافت تبه بیه انساب بحمت  
 اولور ینه مدی لیدر زید صافی استماع و قعود کردن  
 ایدرب ایدرب جهاد کلافت مقاله دند که فصدی و کلافت  
 غضب و انفعالی عدم عقد له صدرت ثبات و اصدار  
 کدندن مکتوب رونق بازار سلطنتی به اشتغال و حجب  
 کلا مایه رجعتی بیه انساب کعبه اولور

### بند خامس

با وقفا بر فصدی اجرائه کونید غایت رشید با عدالت  
 بیدریب ضرر و صعدنی موجب اولور حادیت ظهوری  
 مکتوب و مکتوب اولور مکتوب افون و قعود احداث



اوتخیدب بین اولاد مع عدم اقدامت فارنگدوت  
 ایدر خاطرک خاطرگذار اولدینی حایع اولر عزیزمده کف  
 ید ایدیدب وقه ریکه تعصیه وهنگام فرصت تدقیق ایلک  
 لازمه عرق اصحاب سلطنتدر جایجا مالک ده ساهه  
 ظهیر کلدیه فیه ومغایرتنه عفتیه معمله برله تأمین  
 ایدوب اول وادیر سوارکسیه بجاست اولک عاقبتی  
 سوطیه وهکدارانه موجب سکتة سکلایخ فرتر

### حکایه

انلار بدیده اثار قدرت الیه دن مالک شرفیه واقع کور  
 تعبیر اولنان زهر عظیمکه جویانه نیل مبارکه مک برادر  
 زهر مذکور منعی ضمه ایالتدن ترشح ونشت برله  
 جانب کجستان روان اولوب ستر نفلیله دروش  
 ایکی صنف صیه میانی شفته جویانه ایدر برضی صافه  
 اطرافنی قبائل صیه قوافه احاطه ایدوب ه غلته  
 و روان ووتیدیه اذربایجان میانی فی صدر  
 عالم صیفیه واسطه وصول اولون رشد کمال رانته  
 دست آویز نیاز اولون سالکانه طریقه مستقیم آب دریای  
 روانه واصل اولون مقدم صیطة صابون بیرون  
 و صیای اعدادون افزون بر صوفیه انلا صیه و درود  
 اطرافون



و اطراف جمع اوله روه درون کوره و در ایدوب  
 و بندر از جمله تفیسی مرور است که خط و خطی  
 و آفتاب و جانب هفتانند فنیه و تروان زمین  
 زهر اری که منبری ارض و مع واقع بیک کور و انجید  
 مدتی اولوب بعد کیدون و دار طرز ایله نیدر قید  
 میانش بر قاج قور اوله روه بک هزده مکده و منصب اولور  
 ذکر اوظون در بانی قه هده بر طرفه جریان اولوب  
 جبار البرز تختون بک سیاهه منقذک اوطعه کور  
 فاما زهر کور که منبندون فزایشه و انجیر و کیه جایشی  
 طراوت رهفت جهنم ریح سکون بر کته نسیه و ریت  
 قید انجیدب حاصل جنازه جلا نه تعبیه نرا و یاندر  
 اوان طفلیتم اکثر اوقات با رضی حکم فضا  
 افتاده سحرده کنار زهر مذکورده کلکت سیر و تماشا  
 مجید ایسم مدت مطرده معاد اوزده نایقه  
 عزم انجیدب کلک بلار خنده کنار جدیار ناطقه  
 بعد الطلع میل کنار جدیار انجیدیم اور آنه بر صاذه  
 کذب دوم مطلوب انقار قدر انجیدیم در عقب اوله  
 بر سمل مانند حریه نفه صدام دنیا دهکت اولوب  
 تار سوز بلایه منبت اودوق سمل کفر رضی و هیاه



صرف دندان افتاد و صیاد در فی جنبه دبه بازوی  
 رعه و مکنه ابتداء ایدوب طرفین حاصل و در کار  
 اوون کنج شدت صیاد بدندان قطع رشته قوت  
 ایدوب صیاد مذکور بر دندان مطهر فحیه مبارک  
 اندیکه تا بدوب و بیضه او طغی خائبا قطع افزای  
 جبر اوون کندی بعد دیگر بر صیاد بدو حاله عدم اطمینان  
 کنار زرع و صور بدوب اوون اوون طایه تا مذکور  
 اتفاق ایدوب بدو کندی دام تناسله بر سمت صیاد  
 ایدوب صیاد طرفین بر مقدار کندی حکم مبارک  
 اوون دفع اوون صیاد نفعه خوب و ترکیه عد و طبع شکی  
 دام صیاد و کینه و بدفعه صیاد ایدوب جانب زرع بر تاب  
 اندیکه صیاد ارضای عنان صیاد ایدوب در تنویم ایدوب  
 شدت و نفعه صیاد اضطراب کندی صیاد  
 صفت صیاد ایدوب صیاد صیاد افتاده بیام طبعین  
 مه فانه مذکور صیاد صیاد بر قاع و قاع و قاع  
 قاع ایدوب صیاد صیاد ایدوب کندی طرفه صیاد  
 سمت بجهان کناره قیاب اوون کانی و قاع جان  
 ناندان و صیاد ایدوب نیش سوزن انچه مکرر  
 و نیش اوون کندی اوون نیش و نیش ابتداء ابتکام  
 صیاد



صیاد مذکور تدارهت اونی او زره ایچی برافدی  
 ماصی درت بی دفعه بر وجه شروع تدبیر عطف پسند  
 ایبه عمل و حرکت مدفعه اولوب بالافض ممکن افتاد  
 تاب و تدان قاطبی م هم و نمایان او دفعه در حال  
 یکدب کنار دریای خفیه نمایه کند روی مخرج فقه  
 صفت در الفقه غرض مدیحه تأخیر و تألیف ایبه صمدی  
 اسیر و شول اولون کیفیانه ابراز صدمت سرعت و صل  
 انبیب اسلوب حکیمان طریقه صل و توفیق لازم  
 عنوان مدوطیه و ملول او مدینی می جو دلول و برهیه  
 اولدینی و ارسته قیدار تبا بدر

### مقاله

استعاره و بیان ضمیمه تأخیر اولون ذکر آن مضامین  
 ابرازینه را اثر محکم گذارانه ابتدایی نه های برده بهر حال  
 تدلیفه در خاطر اولون مدلول و لزوم در آن ثبت اورا  
 عیار قسمة منقسمه علی بیاندر یعنی دائرة مدینه ارباب  
 مدق و تنجی علت گذشته میل و رغبت ایبه هان  
 و حکم دارانه جهات از مراتب ضمیمه حاصل و در کار اولون  
 ایبه ف و عنایتی اصحاب حیثه خاص و موقوف ایملک



وزمه دندر و خدمات سهند مشهور و ترفیاب  
 بیدربدون و کلد و بندکانه دخی و انشا داخل دائرة مظهر  
 او طفره مائل اولوب اولوب جهل حکانه بذل نقدینه  
 قدرت ابدیه و زیارای عز مظهر دت بعید و دور  
 اولون خدمه دائرة باب التفان دن مجبور اولور  
 بابوره ایما اولندی و جهل بیه اولکلد تحت ایدن  
 اقتدار و مغایرت و عدم انحرایله و قد عبدلون  
 نف نیت ادر ظاهره ضرت شبه بادی او طار  
 اما اصدھا اخره مانع فیض اولمه رای سلیم و انشا  
 تدبیرده قدرده و رای صدای قدر اینه در سکنه  
 عظیمه به باعث اولدرک و ارسته قید اشتباهدر

### مقاله

ملوک و حکمرانه مضائقه کب شرف نقب ایدنه زواته  
 نقاقه دائر مدارون اعتدال اینه الزم و اهر اولدیغی  
 و هنقدیر طبع سوطیه عظم بیه اولکلد عدم اتفاقه مائل اولور  
 نهایت <sup>نقاع</sup> خاطر ملوکانه غبار انفعاله بادی اولوب انجا مکار  
 منافع سیاسته و اربوبه صنی ظاهر در ملوک و سوطین  
 اعراض و انفعالن دن تأییدی و انتفاعنه اعتنا نه مفور  
 اولمه فطور و انشا ملوکات ملکا و صنی فطری نمایان  
 اولدیغی



نمایان اولدوق دفعه و نیاز ایله صوب هوا به ترغیبه بذل  
ماحصل غایت ایمل و کهدیه واجبه زمتدر ملوک و بادشاهان  
ناظر اولدوقی انتفات فضیه می مرشد کماله انتاب ایملی  
سالم طریقه صوم سامند ریده کتمان تیزی فیض و ایشته  
بارک اولدوقی عاریدر

### بند سادوق

ارکان سلطنت بوضان ذوات دایمه نقرده ابدی نه مشیت  
اسباب هرکه اوله روه یعنی منی دیکر نیسه سورا سته دشمنی  
اورده حاله قناعت و محبور غرض نیافتی اولون خدمت صدمه  
تجارت و زراعت مشله مواردی آینه احتیاج رعایا به صدقهای  
انصاف و عدالت واردات حکومت و منافع رعیت مصادرات  
و اعتدال اوزره حکانه دفعه بهر حال طرفینی غدر و حمایت مجتنب  
دقت سلطنت مدار مستقر عدل و وضوح اعمار محاکمه بذل نفوذ هست  
ماحصل بیخ شیخ سلطنت واهی دولتمند اولون ولایتی  
از هر جهت محافظه و حیانت واجبه زمت و کهد روست اولدوقی  
وارسته فی جریحه تفصیل و بیاندر اختیار کوشه راحت و غلبت  
ایدون طالب مناصب دنیا اولطیان ذوات طرف بادشاهیدن  
تدبیه بهر بیرون منصفه ابراز صدمت استغبار به داعی لذت



خلوت و صریح شهادت اثر و اولیه زیرا طریقه تفویض  
و طریقت خدمت فتنه سلوک عبارت اولوب عبارت  
قویه نامه خدمت غیری دکندر و مفید دماغ امور و قوار  
اولون مواده یعنی مانند صید و شکار و بوندن امثال تطیل  
ملاح نامه مدار و اسباب عداوضت مخصوصه هدیکار اولونه  
ارکان دولت شایان و سزاوار دکندر

### مقاله منع شکار

مانع صیای صید و شکار اولونه مراسم امرای عاشر و قبائدر زیرا قبا  
اهدیه کی امور متفرقه ایله عدم استقلاص درکار اولونه  
اولونه دفعه توغل افکار ضمیمه صید هدیکار اولونه مانع دکندر  
اقا سوطیه عظمی و وکادی فخری هراته سفور خطوب صیده ملاح  
انام اولونه موجب تطیل و موثر هداده و اولون مواده و صفت  
و یکندر حکایه لطیفه کوسه برده سنی غنای تابع میخایم  
قصیده جوارخ واقع قنار دن برنق انتمیله اعیان صیده اغا  
دیکلم موقوف و مشهور که اقصای اعطای و اگر امی انتمی باره دن  
عبارت اولونه نیمی مقدار اصان مرقومه محض و انقاب  
اشتراک اولونه صید کردن برک موی البره برت هییه  
اهداسنه استر ایکنه اعیان طرفین اکل و ترینه دانشوار  
اطوار



اطوارت هیندن سذاله ابتدار اولنرق صیاد مرقوم بود و هر نوبت  
 دینان بیان ایشک جایجا و ضایع روزگار دن ایینه ظاهر عاضه غبار کدر  
 رونما اولدایم کاه بکاه بدشاهی به بند پرواز ایله غم صید کاه  
 ایلیوب اخلاکبان بیایان ایدوب وتذر و خوشتر قنار دخی  
 آویزه نخه درنجه اولدقجه دفع غداش افکار باری اولور  
 و دخی ایشتهای نازکانه ای افقده سندن غیره باز و درسه معده طریقه  
 کشت و برون ماعدا به دزار اولار و ایکی کلب معلّم دخی تهریز کورده  
 هفتان صاحب اولمه لازم دندر دیوب انعام مدعی مراده  
 قار ویردک مدعی لیلک عمان امانه معلوم و قدیم موج انگیز  
 اوله روه برعد مسکون التکلف اعلا ایلیوب زنایت صیاده  
 فهاب ایدوب ریشک ای مخدوم بر صیدانل که بدکی طلعه ات  
 اوله و مصاصی دخی ات اوله آنده صیانت یوقدر هماره سز بدهیه  
 هار وازی فدون آرمه اعلا واضاره قارمه صنان هست  
 اوله سز دیه رس دفع ایشیک واقعه مطابق قدر زیرانا مود و  
 دخی عنقدان جدایه یعنی هنگام طفولتیه بر مدت کشته  
 صوای غفلت اوله روه بد سوری و سده فمایه روحار  
 و مجبور اولوب صلیان تدرکجه انچه و قرق تعبیه و فغان  
 طبودن بر اوته یه ایکی سنه مقداره بر ورده بازوی کبت



و آورده کنار رخت اینستیم ناکاه بر کون المون فرادواج  
 حماده قرار ایتکیه فی الحقیقه تا عقل و هوشم بسته مندان صیغای  
 آورده اول بازجه هدایه پرواز ایدک بیت هدمغ از قفس  
 رفت بکست قید و کرده نکرد بدام تو صید مؤدبانه هنر قدر صل  
 عاریه صیادان اوزره دام مقصود و تمنایه کنور ملک سودا  
 روشم ابر ده کارک اوطی اقضای هدای طفولیت مرغ  
 مذبورن فانی جان دام صبر و آرام ایدرب جانب حمایه  
 نظر انداز رفت اودینجه کویان حال ایه صوب عی فزانم  
 ضارب ایتیب بد کوزل معنای شکار و مقدر ایدیک معنی  
 بنم اورا و بوقلمون دند بال و برمه نمایان اولان نقوش  
 غریبه عدم و فائده محروم و دیوار آشیانه الفتم حکم و ستوار اولیک  
 لونه انیتیم عاقبت دام تأسف و کدر اودین مدظمه  
 وادرا ایتیب بدیده سودای سریع از دالیه و بایره اول  
 رشته اصدای ناقوس بیثاله دبسته و قنار اولوب  
 زیور نوع بنی آدم عداوتان علوم و معارف کسبیدن حرف نظر  
 ایتیم صرع زهی تصور بطل زهی ضایر حال مفید می صانع معه  
 خاطر سانه پیرای ظهور اطفال با عنایت اولها و خداوند  
 عزوجل ستمه نغمه پرواز اولان آواز صفیه مرغانه رفته رفته  
 صیر



صبر خامه به مبتدا و بوج بعد طریقه هد او هدیه سلوک  
ایتمید بجام شبنم قلمی جاده فی معارفه و بیک ایلم

### بند سابع

شیرازه کتاب صفت عالم اولون نوع نبی آمده تحصیل علم و حکم  
و کسب فنون و معارف از هم دهم اوطفییه فصوص مذکور می و غیرت  
و بیضه ذمت ان نیت و واجبه رقیه آدینه در بنم صلیه نائل  
او طبیب کسب و تحسین مانند نامه خوف ناقابل او ندر بیه لول  
و الحیدان و بیکه مادون صیدانه او دینی عیانه و مراتب عیای اصحاب  
علم انما یجسی الله من عباده لعلی و او ندر العالم درجات اراده  
قلم رنند معلوم و مستبانه اوطفییه بدو یکگاه حکمت و در بکارخانه  
کینه بازار عالمی سوداگر جواهر کز انقدر علم و تجاری کمالی هنر و معارف  
اوطفییه لب اوله زوات اول آمده اهم فتح صرف و نحوه صرف نقد  
اوقانه بند و جود اتمیک راغب اولوب اول ام العلم و ابوالمعارف  
خیر الاولاد اوطفییه غیت و بعد هفتون نسخه لطیفه ذات و صفی  
متونه مبارک و ضیفه نفه همت ابیدب مالت سرمایه علم و شرف  
و قیاسی استواج و هیئت اوله روه نسخه کبرای و جودی مجدی معنی کمال  
ان نیت ابیدب اولو جه و اقفیر آدیت و کسب حکمت و قیاسیه  
تشریح عدم رعیت ابیدر هنگام خیر انجام تحصیل رینه تقویم و تقوی



و امر معاشه فوت لا یجوز فاعت واکتفا و در بعضی هزده  
 غریب باغبان هست اولون شجره علوم و معارف و شرحیه تنفی  
 و هیا اولون مبرا ایدر حاصل علت غائیة خلقت ان نیت  
 خالق عبارات و عبودیت نفس ناطقه فوت کسبه رقه و غیرت  
 ایلمدر بافصوص صلوٰه مفروضه جمیع ضی و برکات حادی و سلیمان  
 عبارات سائر اهل معنا فوائد کثیره گندی اولد یغنیه بشقه  
 صحت بدن و طول عمر باری اولوب وجود ان نری رضی اولون  
 عمل و مکنه رافع و جریة عصیان و مرضه مرهم نافعه صتی جد حرر  
 مدعیات الدینک دانه عمری سرحد غرض مایه کامل و آسیب  
 عثرینه یعنی عمر طبعیه و اصل اولوب مدت العمر بر رقه نمازی  
 فضایه قلوب عاقبت نامه ایله اخراوقاتی رفی تعدد و قدر  
 ضل کلیدب صحیحی و سالی دگوب و نزوله قدر ایدی طول عمر  
 و عبادت شرفه منی الیوم خاندانرا سمنه نسبت قلندر رحمت  
 الله توفی علیه و علی سائر المسلمین

### بند ثامن

جاب منافع دنیا و باعث اسباب جاه و منزلت عقبا دف  
 بری فن لطیف اسدوان اولدنی فیه و هدیدار فیه مذکوره  
 هب و تحبزه کاهی راغب اولون ذوات لازم دندر که ابتدا حقه  
 خاتمه



خامه غیرتی ثبت و ادیرینه پرواز و برمدت هباز کلاک  
 خوش آواز همت آسینانه قلم اندوده لایه ساز ایدوب ساعه  
 صوای و صفای هنر ده صن نظم سرفراز و عرب و فارسی سازنده  
 فارس میدان بدوخت اولوب اقلان میانخ ممدوم و ممتاز اود قرصه  
 اسرار العباده تحریات بدیع ند بهر نو عین اوده و یا خور یکری  
 قطعه مکتوب فقط بزل حاصل مکتب ایدور اقل قیل التی  
 تیرجی مکتوبی ثانی ثبت ورقه از بر ایدوب بعد ریبام تقریف  
 مکمل الفاظ بیغاف و صبه تعبیر اید اداوندان فصیحی دخی فقط  
 صرف از خانه رفت سیر و سی و ذیل نابی و بدو و انتی افشای  
 تواریخ اصحاب فصاحت مدامت و صکر اعدا و طاز ایدوده  
 ادره الحال ارباب انت و امدون برینک ساعه تربیه کسسه  
 سیرز اندی قلم عنبرین رفته رفعت جدولان ویروب قواعده  
 انت به کتب اطلوع تا م ایدور مصالح و امدوره داز او طیب نبدیک  
 و ترشید و یا خور افرمودن ایجاب <sup>بنی</sup> تحریر اوضاع مکتب منشیایه ترقیم اولیا  
 مخاطبه منسوب اولون خصوص مراعات اوزره ترتیب و تلخیص و مضامین  
 لایقه و نکات و رموزات مستحکمه تصنیف و توضیح ایدور  
 رسیف غایبه ختام و اولد جهل رونق تام ویر هر کریمه زلفانها  
 فردی مراتبه نسبت القاب و کتابت خصوص ریدم عاده عجمیت  
 درکار یعنی اقانند اعدون ادنایه و بالکس تحریر اوضاع



ورقه در محنت او طیب حاصل قدر نبه انقاب مانند شمع  
 تنای قریه بازار اشتغال درون ساقه و او جزد و درون بلا اولدی  
 بدیهی و انکار برده نه کاتب بظنه ذواته حقیقت کتبه است  
 اوله لازمه دندر مدون و حکم داره مضامنه و کتب مراتب اقصای  
 ان نه ایدن ذواته تقسیم اوضه موضوعاته ترقیم اشعار و ابیانه  
 ابتدار ایلمت مغایر رسوم و اداب کتبه بتدر اقا صاحب عریضه  
 کوه تعدادن بوشیفی حاصله کلام مدزومه و ابیات تحریریه مبارکه  
 ایتله مناسبدر زیرا ابراز صنعت فیه و کدر از جمیع اشرف  
 انقاب غزلت و عادتدر ایلمت استعار اوضه محله دقت  
 اونس اصول کتبه عدم رعایت دوله واضحه در عربی  
 و فارسی نندینه نسبت زبان بدیه بیان ترکی جامع الاطراف  
 او طیب قدیمی بر سه قیل و بیه اولی ضعیف و ذیل اولدی  
 فیه و ایلمت مانند دولت مجده مؤید ضیف فطنه زبان سازه  
 ایتکلم تدسیع دازه قوت و اصطلاح ایتیکی باه و طغین  
 اوتون ترکی ناهاروی اولدی فی فصاحت و بدوخت صی بیان  
 مسلم کافه عالم و عالمیان و بدوایی ناه انتساب صید زبان  
 غلمان جنات اولمات یاندر ناه مذکوره منبع جو بیار بیعت  
 سواکه استانه عادت و قطران طویل بونان اصحاب هذ و فشر  
 خطه تریفه لای ان طوی منسنة علوم و اداب منبع قدح  
 و خطاب



و خطب مستجاب مقدر فخر و فطنت ینبوع دریای دینیت  
عمان معارف و حکمت اوطین مد کل الوجوه ابروی ملت بیضا  
و نونه ارای اصحاب تربیت غرا اود قدس قهرا و باطن اصحاب  
دقت و فطانت هدی دار مد جهت العلم والدیان قاصد ارض و  
واضح و نفس ارض و متاع و صلب و دیار یک و عینا  
و معنی و کلیس و انکوری و موصی بدو سه و قیصری  
و قدینه و اوده علوم و دیانتک نظیر صعبه بدر که انا طریقه  
در کار اولون میل و کجتم و اول فاعل پاکه صیمی بدیدار و شکار  
اولون استیاده و غنیمت و کافه سیر ساعه ظهور کلامه مدافست  
و انفتح قابل صلاخه خیر دهر اول قدمه رعایتیه صل اولون  
فیض و نصرت رانده سؤ قصیده از او بصفایه اجترایه ندره  
و قد عبدون تانت مضیه جریق اصحاب دقت اللهم اعظم  
خاک دنیا و اخره

غل

انا طولا کبی کور دنی عج بر جایی سرب عالمی مانند فلک دور استم انا طولا کبی خود شید فلک هربعت بذل امدال تحسیه اید اهل مکه هدیه بیدیکم الحقه اوفان بملک	علمای کبی کور دنی صلح سیاهی کور مردم بدیده بر اقلیم ادب افزایی بدله مزه صلح دواشیر بدون دنیایی یعنی هنگام زیارتش سه بطحایی کدر سه خد بانی مجنون او ندور لیلایی
--	--



میراث او بر بادم او بکار برده است و اصل سلطنت دارایی  
طوت ان طولا افافه مزج فاح

### بند ناسع

ممالک غیر ملکی ان طویل مودر کافه علی و امر و بر یا احوای مراکم  
اداب شرعی و قانونیه ده و می باشد به و محافظه امور دین  
و اهل ملک و مدینه و شرع آیین و رعایت غربا و ملاجری  
و صحت انقیاد و تدبیر عینه اهتمام و رفد و طغیه بنا علیه  
شایان مدح و ثناء بر او کله دیانت ادا و دینی عامه جوانی نه  
هدید اور داخل دایره ادب شرعی اولیان قوم و صلوات  
و اهل حق و صفت صفت استقامت در بارش ها و عکس  
فت معتدیه و عارفانه رأی علم و صفت بنا علیه هر قوم  
با قوال کلم حفظ بود و نفورده قادر بر اولاد و اولاد و جدی  
لازمه دندر اما عقود و ملت افند اصول و سببیتی التزام  
و حکم دخی انت جاره ایله مجموع اولاد و اولاد و جویان دم  
صفا منه نیشتر ایله تکرار فان المغه اقدام ایتدیز ملاحظ  
اولاد فدائره کبایط و ایتدیز مصلح بریم ش هفتد پیرای  
سببیه مفند و در بسته اولاد مشد شانه تدبیر و امیدی  
عقود زلف اقتدار ایله رفند یاب و شکسته اولاد و اخلاص  
عبود جمعند کیدی دوزای خواب و تراحم است اوینی



مجبوبات و هدیه دندر طرح بیت اولدی جهانیه باعث ازاد  
 معرفت خلقه قباصت ایتدرا اظهار معرفت اخذ فداعه  
 ابتکله لدن کتابی هر کیم اولورک یعنی هدیه کار معرفت  
 ثانی بعد از شمار مدعیه فائده بدیده کفایت اولورک آثار  
 عارفانه مدن از جمله شیخ الحرم السیدی درویش بابا حضرت  
 مقدس شام ایالتی تدبیه بیدر بدینی اثناده مقیاده  
 مقیم اولدینی ساری دخی محترمه اوطفییه اوتوزانتی تاریخیه  
 تدبیر و تفسیر حاوی صوب عارفانه مدن قله انانیت  
 قائمیت صدرت و ذیل شرح مشدی تقریفه هشتین و اوضاح  
 تقریفه بروجه اتی دونه اقزای صیفا اخبار قشقه

### صورت قاضیه

همداره ذات کرامت ایاتیه عتبه کعبه و صفایه و اصل  
 و مقرون و داخل کفیه عرفات اولشک المقربون اولدیه  
 رعایت قدسی اراتی بسبب زن اجابتگاه بیت الطهر خندینی  
 و راستی عرضحال عبد مراعیم مهندیدر که خدمات مطهر رسول  
 کائنات و شفیع مدجد دانه مقدمه قبل اولون واقعه هائیه  
 حزن انگیز اعتدافه صده اصفانه رزق نیکه نجی سرور عظمی اولدینی  
 مشهور و منظور افاده اوطد در فی الحقیقه اراده تقدیر و حکمت  
 غرضیله عده الازل عوسی سرته تنوع اندوه والامک



و دانسته و شاهباز روز مکان پیری مطهری که سارا خوان  
 و اکداران عدوق قصداً نه وضع این کلمه حضرت  
 جدول الدین و البقیه شمع بزم ادای انجن و اصیل  
 طب بیماران عاشقان و رونق افروز معارفان  
 مدونا قدس الله سراره حضرتین بیت فائزید کور  
 حلا فروغ بر نیامد بجای بی بجوش بیت لطیفی  
 بود مضایقه دال و شاه حادر اگر چه قامت خلقت  
 کرامت رفقای نه بود ذمت صبیحه ناز خلعت رست  
 ضیاء قدردم مودود و مهابا ابرده اماروش مراحم  
 پوش دستگیریه کسی بر خلق الهیه موقوف  
 و مهند ایمنی کرامت اشم حضرت ذات بر بود و مودود  
 آری که کرماده ظهور و شهادت اولدینی او اندن برو  
 محله جدول و جمال معانی اولی از هجرت صدی  
 و معندی امتیاز بطح اولد قدردن نای بیت  
 عیدن باله حقار صاف و مبارک و رینور هر طیکم کرم  
 آنی سوزانه دگر ضحی تدار صفا نرغ وقوع  
 کلمی ابرده ضحی مضایقه تخیر نرغ مکرز اولون صبر  
 و نخل و هر حال جدول الدین الهاف الهیه تدر و تکرری  
 مقابلی



مقابلی کوه کجینه نبوت نبر اعظم صبح رساله بنجر خوانه  
امانت و دیکتای دریای شفاعت بانی مبانی شریعت  
مذتبی بخیان طریقت سالار میدان حقیقت یکتا سوار  
ساحه معرفت فهرسه کتاب حقیقت ینبوع زلزل حکمت  
مجموعه فکارخانه صنایع اعجوبه کارخانه بدایع مرصع  
ضدغه سموات و ارضیه یسوع الانبیاء و اطہرین محبوب  
خداوند یحییٰ نظر قسبه قدیونک قدلام انا نعم میرون  
و ما بعلمون صدر دادوس دیوان محشر خیر اطلع و لبشر  
صلوات الله تعالی علیه مآد ارت الشی و لقمه اقدس حضرت  
مه زاره قبرک حدیث تریقت حاوی اولدینی بارت  
عبیه نظر نیک برب و استباه اراده قاطع شفاعت  
ینا هک فلقه ابدیکی شجراغ ساریده دولت مزین  
عند ان افاده سلطنت مالت رقبه ملک و صلت و قع عید  
کافه مسلمین سرمایه بازار افتی رسو طین دوی زمین همام  
قدایم الظلم و ارجتاف بانی مبانی العدل و الانصاف  
ظلاله و ضیفته فی العالم و سیفه بین بنی ادم قطب فلق سلطنت  
و نا جداری مرکز دائره صدف و شریاری بیت الذی اصاب  
صله السیف و الظلم و خلف عدله انداج برعی مع الفنی توکل  
قدتله و ما نبله یاشاه عالمیناه اقدس حضرت نیک ضیالام



پذیر خروانه رنج بوا مضی رمی بیدرید ببالو جوده  
 بونیم صیده ایله شان جلوت عند اندک نیکی قلند در  
 فوت بخت عادت انتظا مکه منبع انداز التزیل و نظرگاه  
 حضرت رب الجلیل مرابط جناب جبریل امینی و مصاف اوینی  
 و لا فین قانذ کتبه از باب یقین حضرت نیت دوشه مطهره  
 مبارکه و هایدی ذیبت علیه نه نائل اوله و اندن حرم  
 محترم خاصانی صد صد و سداد ایله یول بدله حبذا طالع  
 فرضه انجی مکه و عائفای خافقی و امام القبلین  
 اشرف الانبیاء و اطریقی افروز مقام والدریه و شی  
 صبیبه عبدیت ابیدوب توتیا حیم جهان بی زنی و صفت  
 اولون عیار مرقد فلک و ساری کج دینه جان و سرمد  
 عینی روان ایله اولوجه قیده ابد الانبیاء یعنی حرم  
 سید الخاومه رامن کیرجا و انبی اولوب محفظه سندات  
 ارواح و خار جمال ارای بیت الله یعنی حرم اولور و هدی  
 تقبینه راه مقید نزار عشق و خلوص بیت یارب بحو کعبه  
 سند بنان نفی در زمرع عدم فکن از قبه گاه ما نفی  
 زمزمه ساز نیاز اولوب کیم زهی توجه بخت ضحیه انار که  
 بر ذات کرامت سمانت عمره باقنه بد حضرت جلیل  
 صدره هداله افریه طیت اقبال سفا که بدیده خطوب  
 مودله



مودنه جیب مضیع کردن هکته احواله بیدریه حاصل  
 چاره ساز و در دندان رجا و نیاز متم مکارم اخلاقیه  
 و اعجاز نذر مدح چشم نیستی برترین مناع کارگاه انجمن  
 کین کشته نشین زبانه غار کان علم و علم و صبر و وفادار  
 محرم اسرار دنی قدر ضیف معدود ضیافتی نه قاب  
 قدسی او ادنی جیب ضباب کبریا نرسد دوحه مازاع  
 البصر و عاطفی غنای کشتن و ما بنطوعه لایه ای بیت  
 طیت ادم او ملوک تحید اول ابدی راز دارچین فیر لسان  
 کدنی و رسول الثقلین اقدس حضرتین بای روف پیمای  
 ربانیا هدیه ویرانه و مرف بیدریه امانه مبارکه  
 زیارته ضباب دولت آباد رعدت نعم الدعوق و نعم طوف  
 اوزره اولد قس صاف سافه عالمیانی رضیه ابتکله  
 جلد پرور و سرت سار و خاصه بدعبد دیرینه ربه عبود  
 بنزایت حاصل اولفیه مجرتشید بنیان عبودیت و تجرید  
 چارهای خضعتیم سیاف و اقضای مطالب ربه و دولت  
 اربون زیارته تازیانه تدفیه نعم ارفیقده تحریک عنان  
 غنیمت خدیوان رنیک تبدیل و ترشیدنی حادی تقدیم  
 عرضیه اجزا اولدک ان شاکه تک لدی شرف الوصول



کیفیت صدق و ضد صیغ می طعمی را محسوس بیدرد دفع ثالث  
 او بدینجهت توجهات را هم آیات اصفافه را محاکات حق  
 عاقلانه مع مقروا بقا بیدر طعمه باینجه او طعمه مدله را مکرر

### تقریف مانند تقریفه

کلامی اعجاز انتظامی متکلم نطعمه آفرین برات نبوت رسول  
 انشایی حجت قاطعه سید المرسلین شامل رموز و لطایف  
 و لایالی الا فی کتاب صبیح تنزیل من وج المعاطی  
 عندان ترقیة فی ارسال بسمه کتاب عقل کل نطعمه به  
 کیف خداوند پیچون لزومه عندانی درجه ایوا طهر و ن  
 بیدریدون کلام فیم و نظم کریم معنای لطیفی مشتمل  
 مرآت صافیة اشیا فظهر خطاب و ما یطعمه عده الهی سید  
 الوری صلوات الله تعالی علیه و سلم حضرت نیک معانی احاربت  
 شریفه رب محبت و شامل اولاد مشغولی شریفه انفع و  
 دریکلم بی الانام مقبول و موقوف کتاب مستطاب  
 صریح با صدق شرح مشغولی تاریخی و درجه الف و ن  
 او افرز خدیو اکرم را ورمعظم قانع ابواب الخیر و الکرم  
 نادر الزمان و الف حکون افریم و الحج محمد علی حفظه  
 بطرفه الحلی حضرت نیک دار الطباعه را وریدین بعد از بجانده  
 و نفع رفته



رونده ادای حزمه غایبه و زیب صائف سطور و زها به  
او طدر و من التذفیه والاعانه

### غزل

طبعه تکمیل اولوب شرح جناب مشدی  
شان مولانا به برهاندر کتاب مشدی

مرشد کمال دیمه نایاب ای سالک همام  
مرشد کمال در آفاقه ضحی مشدی

مشکران دهم مانند کند ریکی سحر  
احدی بیت وحدت و عرفانه باب مشدی

عاشقه کوندی روی شاهد اسرار حق  
چرخ معیند احقر نقاب مشدی

ابلیس فاتح سنی الهم قیام داوره  
قدی بدختر یعنی انتخاب مشدی

### بنده عاشر

هر قدر در مباحث امکان تمییز می و غیرت و حفظ صحت مدار اولی  
مقدار فقه حکمت و طبابت اخذینه دامن در میان همه ایدوب  
مطالعه ندرنج اسلافه هر اوقات یل و زلاره بندر ملل  
افزار ایدوب بیت رتبه عی بقیع اولیا اولی مرتبه افزکیا  
مخدون حقیقت مشدی از زره با طبع خلق طبیعت شریفه اصحاب  
هر قدر فقه عروضا محتاج دکلایسه ده بر مقدار علم عروضا  
هدکار اولی قوت طبیعت و انشاء مدار اولی نقیض بشقه



مانع معارضة صادر و اغیار در بر حال ارباب شهر  
 رانت اصحاب حال و اتقاید بدینچه لازم دند  
 زیرا که وجود نفس و هدایت کسب قوت روحانیه اینکلی  
 مانع گفتاری مؤثر اولور اصل قوت اتحاد بر  
 فیه تاریخ ذکره قدمای نمای عجم بر کعبه ایله ضامه پیرای  
 و قلم او را کلمه در از جمله مدونا عبدالرحمن جامی قدس سره  
 ابی حضرت نیک تاریخ ارتقا نص فرودند و جناب معارف  
 ثاب خواجه حافظ شیرازی طی سافه عفا اینکله اول  
 منازل افزای سافه مصطفی او طفل و فانی تاریخی دخی خان  
 مصطفی دیوخی رواه امد قندب دیک صاحب صفات  
 سرفشان زول گفتار اولدنی قطع تاریخ ذکره فی الواقع  
 راهوان جریال و سالت صراف منقح الوزان  
 بدعت اشتار اولون صی بیان اصی بند فرود احد  
 مانندی ثبت طوره ایدان کائنات اینکله موفقه او طاهر  
 بیت زفده ماکذیم زتی ماکذود ازان سبب شمع تاریخ  
 او کذره ما فی الحقیقه بدینچه ضلی خاطر بند شمع  
 نظم و ادایمدر مؤلف دود نادری مرزا مهدی  
 خاندن رفی دوله علیه ایله ایران دوتی میانشه عقد بندتار  
 قطع البیام اولون مصالحه به دائر ایراد و افای ایدیک  
 تاریخ قضای پسند و صرع جد رفت از میان سرگردان  
 اتحاد



اتحاد آمد تاریخچه شرای روم و دخی منی رفته در حصار  
 ابدان بدست قندر مصرع هندی کفر کردی بفراده  
 سلمان بدو قعر دخی بیه الشرا اصول مرغوبه دندر  
 اما شرای بدوخت افزای روم مدخو ایجا و اختراع اینده  
 رسوم تاریخ قتلیم تمام بر مصرع اولعه اوزره وار ویریدج  
 ایانه منی تعیه به رخصت جواز دیرطدر تعیه تاریخ  
 یکدیجی عده قدرتسب اولندب زیاده مقبول اولیدج  
 بلکه تعیه ده رموز و مناسبت نامه اوله اولافه زیاده اولنه  
 درکار اولون منیات انکار اولخان و ان تعیه ده قنت  
 اصندر منار تاریخ تمام مصرع دکلر دور ارم یکدی  
 بدو و دکلر مدلولت بخندن شیخ محمد دره ناک مشیختی  
 و ارم دره ناک وفای تاریخچه شیخ الاسلام اسبغه عاشر  
 افدی حضرتنیک روش استخفاف اکای ذوق بیضافوی  
 و انکنت بین اقبال نزه خاتمه نام اورامضای اف  
 او در قدره شرای در روی مرصع ثبت قداخانه مهد  
 اینده مصرع برجسته و در اراک زین جریخ منتهیات  
 فندی مصرع موفقدر مجر عقد عاشر نقل فتاده  
 و نامعده الحوفا یکی تعیه ایله تزییه صی ثیف کلزار گفتار  
 ایندیکی تاریخ بودجهای تزییر ورقه انار قندر که بیست



بیت ایک عالم سروری معنی امداد ایدک شاه محمد  
 عکس مضد ایجاد ایدک و دیگر معنی بیخ محمد  
 اقتدر سر حضرت زینب دار بقایه ارتحال دین بر نعمه اید  
 نامه الحروف ثبت اوراقه جوات ایتیک تاریخ نظم  
 فاتی و صده چون مثل ایدک بیل و زلزل مرشد کماله مقبول  
 انام محمد کدی چون و صده اوانی ویدم تاریخ دوصه  
 ضدیریم اولدی مقام محمد بر دودة کنار مجتبی اولدیغم والد  
 و فاته با نعمه زیب صیفه اثار ایتیکم تاریخ نظم کیدوب  
 دار دنیا ی تر ایدک اونقدی کزین او عصمت و  
 هم استار هم والدی فاتی که غم بقا ایدک و سرنا  
 ری ایتیک نارنجی اویدر دیک مکانک جنات اوله  
 ضیانت قادیک صرع نارینه خیر و مطور دشمن  
 صیفه طدر اولون هنر و الف مدی بضیضا صابه  
 داخل و بضیض رد ایدید یعنی مضاده مدخلی  
 او طیب مجرد ارباب و زنه مدار و خارج طدر ترقم  
 اونان هنر به اعتبار اونان فته اغیارده اولون  
 هنر کی مداه عاقله داخل دانش صاب او طدر قدنه  
 بضیض انابع او طری ایدم / ایتیکم فی داخل سجه  
 صاب قنندر و رخی لوم لفظه جدولی بیه انصاف  
 واقع اولدو معادله



معارضه نه حقیقتی بود و چهار ثبت صحیفه توجیه و بیان  
 قنبر که شیخ اکبر قدس سره الا نور حضرت نیک اجتهاد دینه  
 مبنی لام نقطه جدول واحد ذوالجلال یکدیگر اما صدیق  
 قندی اناراسه مرفوع حضرت مسند اولون دواینه اوجدر  
 بدینیه عالم امکان و بحرین عمان فضائل عرفان حضرتانکه  
 دریای اجتهاد رنجبر دجانبه میل و جریان ایتندن فای اوضان  
 اسرار بگونه زیور طهر عیان قنبر که نقطه جدول اضرع  
 لام اولویه کلیمه مضاف اولطوب لامی جود فی داخل اولطوبی  
 صانع قول حضرت شیخ رضی الله عنه اوزره یکدیگر دنیور والو  
 قول جناب صدیق الدینه مراجعت قنبر بحث تکرر قافیه از جمله  
 بی بی بی ها و قطعه غزل بیت ناشی و یا خود فقط من  
 قافیه تکرر و قافی جازد و قصائد و مقاله شرایط  
 قصید اجرا و نسخه یعنی غائبه و مخاطبه قطب بکلی  
 حدیث تکرر قافیه به رخصت و بدینگونه بنفشه کربانه فی  
 قافیه تکرر قنبر حاصل نمیشد بیجا و زایدن قصائدی  
 براسمه قلمه لزومه عرفان ندارد قواعد نظم راژ مدای  
 رسد مرجع اشعار واقف و استخوان اولون اصحاب هنر و معارف  
 ثبت صحیفه اصعد و اشعار اینده کل صفا و هدی اوطینه کن  
 دیوانه نظم و بدینصنای و اعظم اموری ترغیب نظام



بدیعہ انتظام قصائد اولیٰ فی مالد کلد مدر قدا ویا نهی  
 متاخرین شہای دولت غدر رخ شایه سته مذوح اطفی  
 اقا نامه الحوف ات دایلیکم قصائد اوج شری الحی و شری  
 ایدوب طغوز عدد شرطه انحصار اولدی زکرا و طعن کرابطه  
 ایکی یا خود اوج شری بدندار بر ماسی عاریه قصائد تکلیف  
 اولدی اولور شرح تفصیل شری قصائد بدکون وضع میزان  
 شمار قصید که شری اول کرینگاه یعنی ترتیب مقدمه  
 شرط ثانی غائبه ضحج شری ثالث مخاطبه ضحج  
 شری رابع مخلص شری خامی دی شری سادس غزل  
 شری سابع مخاطبه کفاد و بیانه کتدرست شری ثامن  
 قائل قصید مقابله در جوابه ابراز سخن ایتمک شری  
 تاسع ایجابیه کوی مقدمه موافقه جمعه معتضه ارضاء  
 ایلمت ذکر اوضاع شرط صحنه حادثه <sup>حاله موافقه</sup> حل رموز  
 اسمیکسی نامی نامی ضمیمه ایله اتانیه طغریاب اولدیغ  
 قصید نصیف بحب الترتیب نادر و ناشیه و جوابده  
 کثیر طوریان وثبت جریده اوران قصیدی

### قصیده مذکور

بدکون بر سر صراطی کلنا اوزره	الدور در لیس و قدرتی اغدسی جانیه
آجوب کیوردیه شرایلی صحره چنذاره	دشمنی کویا تار حیرار غوان اوزره



کور و ب اول کعبه نازی فردی لاله چمن  
 هزار خند و آرزو ساز او طی فردن اوزده  
 کور و ب خاری کل سبزه بیکانه بیکر  
 اول و ب مانند خار بر سنبل باغبان اوزده  
 دهان اول قدر باریکتر دیگر کور و ب  
 قدیمی نقطه موهوم سبب اصفهان اوزده  
 کور و ب کمرغان اول شمع سبب افروزی  
 فروغ سعه دن تاب آور او طاز آینه اوزده  
 قرار نیم بدنه ربع دن دنده امیه او طاز  
 قنات به حصار روح روان اول صحن و آنه اوزده  
 هفتاد و پنج ساع باره کلکون ایدر تکلیف  
 سرب عشق در نوحی ایلین پیر و جدا ان اوزده  
 شهادت کوه فی الکونین بدو برنگته در باقی  
 بدو در دونه بدو جای نوحی ایند جاوردان اوزده  
 کور و ب هندوی خال کردن بلند و بیده  
 که طبعی تکی شکری هندوستانه اوزده  
 صحن به جاده معطر اودی بوی یکسان  
 طوفان صبا اورا کل غنچه دن اوزده  
 صندل کهنه مرغ طبعی لونه ساز اولدی



هدی فلک غم ایندیری اوج لعلکانه اوزره  
 او شوق دوی خشت تیر بر فضا اعانه کدریم  
 دیدیم وجهه نذر بد فضا باز طبع ابر وانه اوزره  
 نوازنج گویندوب عشق پسند اظهار اید و اظهار  
 دیدی مضنون فضا عهد وفادری عشقانه اوزره  
 امید وطم دیدیم اول فطرت بن هوشی ظاهر در  
 بفادری عازمت ای ماه رو افتاده کانه اوزره  
 تجا هدی کلان سبب کی صبر نمی وار سینه  
 نمایاندر بد فضا نذر ظهور نکتہ دان اوزره  
 نکتہ دهر دن صفا ایدج اول نام الای  
 خدیون سایه عین عالمی اوطق هب امان اوزره  
 جهان آسوده اودی ملل صوابیه آب  
 کند صفتی زنجیر در کردنک ن اوزره  
 ایدری خدیو شمس ساعده رزم و شجاعت  
 شعاع تیغ براف دوستی فرمان اوزره  
 هده دوسوه بوفقه قصه دیگر در فاج  
 ندر سینه بد صفتی شمس این و آن اوزره  
 دیدیم کمال و دل آسوده در سبب عالم  
 قاسم وار کوه صفتی اوی کجی خان اوزره  
 فضا در وین برید و ضایع اولدی اوقاتم



مکدر در دروغ ضایع طبعی عنفوان اوزر  
 آتش هم صانع بلدم کیم آدی کیم صاندی  
 مزاد اولدم عجائب و وحی دلاور زبان اوزر  
 دیدی سی شرفه و نور اولدنیق ایامین کوردم  
 که هکدر اولقد شمشیر غیتره شمعان اوزر  
 کیر و به دفع ابدرب اول ربه کیمی خسارتید  
 رهبا اولمشیکن عکرایران وان اوزر  
 خصصاً فتیان دوله روسی ابدوجالرام  
 سله اولمشیکه بر دخی سدیمان اوزر  
 ولی ایران و طغتنان و کرجهستان شاهدر  
 که صفات قادری کوه دوت عثمانیان اوزر  
 سنی سندن زیاده پید ارم صد اقرع  
 بدبار همتی صوره کوریدر بر خدایگان اوزر  
 بیگمتی نیت سی هر برندن بشقه بر درسی آل  
 کلدر صحن و جوده مرد کامل امتحان اوزر  
 جهانیه مهمل بدتسی آقار و طلع  
 زمینه ایندیکه پای حقاز نزدیکان اوزر  
 در شنه لونه ساز اوس نه قاف توکل  
 حقار سیمغ همه یرده قاف آشیان اوزر



سنی بر زاتہ تابع ایتھ ایچہ شیوخ تقدیر  
 دو چار ایتھی بدو کھلا ابتدوی ناکرمان اوزرہ  
 کھلا ایتھی سبکھی سبک غنیت داور مرور  
 بدو زیدانه صفه عرض فی جہان اوزرہ  
 عبدی کھلی یعنی نظام مدح و مستح  
 کہ فی ایہ جہان او در و صاحب قران اوزرہ  
 مؤید و بدامش اول ذاتی صحت پیرا  
 دعا یار دولتی واجب او بدو دیمہ پروان اوزرہ  
 سدا صد مخناد در هم حیدر کز آد  
 بوجہ اسم مجدد آنہ جمع اولی عیان اوزرہ  
 او بر ذات مکرر در دی جوابی عاظمہ  
 بدو بت مدلی سیم واجبانی و جان اوزرہ  
 نجائی خدا و ذاتہ کھت ایدہ  
 کہ بر مدد ضعیفی غائب ایدار سون اوزرہ  
 و بر مانند لقمان نازہ جان سبابة لطفی  
 طوفانہ فری بیماریہ نبض ناتوان اوزرہ  
 بدو در کاهلی قبة مقصود عاظمہ  
 کہ مایوس اوطالی خا اولو بدستان اوزرہ  
 او تدر مشم اگر چه کدشتہ و حدتہ حدتہ



که غیبت ویران کلمه بنه زانوی بیان اوزره  
 کلای تبریک فامه سافه مدح و جود ایت  
 که اوصاف صفای از ارضه و صحن سما اوزره  
 کند رمل و صف زانی عرصه امکان قیامی  
 صدود و دوصع مدح و اولون نظم آوردان اوزره  
 که ز صیل رغبت قاطی کل صف هانه  
 که ایشی خاکبای سر مه مدح شمع روان اوزره  
 اورتبه سفا انقادی بسطه اولدی فاقه  
 نمکبای فاعله اوطاز عتفا استخوان اوزره  
 اورتبه زیب رونقه نجی اوکد بازار دنیا به  
 نقدی قاطی برکنه نیک جب زبان اوزره  
 ویروب اولد رتبه زیب و رونقه ماطه لطفی  
 سراسر اتم دنیا غبطه و صادر جهان اوزره  
 بد لب آب حیات کند ریه لطفندن  
 به نبلد آفتی دود بج بیکان اوزره  
 او دریای هم نی اوزره به جب بنا ایتی  
 مابه طور و عرضی آسمان کسریکان اوزره  
 ده بیلدن شب و کجودن اول سافه شریا  
 طلوع ایتی بارت شمس و قوسیه اوزره



خدیو داد او را امری عتیق و سخی و تنوع  
 که در جهانیت او طبعی مملو سرودان اوزره  
 نظر قدس سراسر قصه شاهان اسدوفه  
 که مشك او طبعی مبدوعه اوزره کما اوزره  
 بحدسه که او لدی قسسه قاشیکه زمانه  
 که زهرت صیقله ظاهر جوده تیغ و شان اوزره  
 طباغیکه مدح غازیان دیدار حیرت  
 یازدی صدمت فتح ظفرشت کمان اوزره  
 کلدر فریاد آقیم فها دن چیه مارچیندن  
 هجره ایدر چینه فطه افغانیه اوزره  
 تنجای صنعتی حاصل کدرک لقمه  
 نفقه ایدر سرعکون چنکیزخان اوزره  
 که معارفه ضعیفیه سورانه عدیل او طاز  
 کماضت کدهارون قلعه مازندران اوزره  
 نجابت نشسته تاریخ کدر وقعه دارا  
 که فرقه طهتک فایق در اول ساسانیات اوزره  
 جوان معدن لطفکله کینج تالکان ویرج  
 که مخارج تکلف ایندک دنیای کان اوزره  
 که اوطی سببان مانده کرون ضمیمه لطفک  
 جوانه نیمه بد زبید یکی بنی نغان اوزره



غروب ایتزدی ماه خاندانی افوه ظلمند  
 طلوع ایتزدی شمی هکت عبا بیان اوزره  
 که نه ه اوطیدی سداووردی کعبه مقصود  
 سحاب قره و بره طودک و هابیان اوزره  
 اولوردی غوه سیدج فنی بخت بیضا  
 اگر سداویدک فته افزمان اوزره  
 کواطناب ایتمه فاتح یعنی هنکاهی اجابتد  
 دعایت ایتمه تکلیف اعانه قسیان اوزره  
 ضیاء یون جوانه افتاب طوره و شانه  
 سماویرد که زیب و رونعه بدضا کدان اوزره  
 نیه ای ماه دوبرنگه سربسته مرقادی  
 که واقف اوطعه سترخاطم رازنان اوزره  
 عجب بدی روزاق و نه به صیرتیه سوبه  
 ندر باغ تفده ایدک هب و هوشان اوزره  
 که بر کون سید قدم سیدکی بن باغ شیرالی  
 طراوتنجی اولوب آب و هداک صی و آن اوزره  
 که وادرم لوصی الله اریه بر باغ جلا نیوا  
 زمیندن دخی نقاره ممکنه رجنان اوزره  
 سکندر کوراهی مانده نی مرات رؤیا ده



متن باز می دفعه نوبت داستان اوزر  
 جد هرب کوشه سنه نیمه بیت قذیب روح افرا  
 که مانند ثریا ذیب ویشی افتاد اوزر  
 قدسه کرباخیان دهر برده بر او طاز  
 او کشید و باضلع چار باغ اصفهان اوزر  
 عجب رونقه ویریز در بای نیل اتصاف  
 قدیمی کویا آینه در آینه دان اوزر  
 فصداریم و حیدر غاصر امتزاج اینی  
 بهار اید هدای که کربار قزان اوزر  
 خدیو اگر مه کوش ایلم مرغ سحر در ج  
 بد مضمون ایله ایدری عمارت اوزر  
 سعاد دور ایستیکه قبه اصحاب حاجات اول  
 زمینه دور دفعه سنه سایه انداز اوزر  
 نخل کریمه تا غلره ذیل قصا شده  
 او هر و بر معاصرت استی عیان اوزر  
 زنگیم ناودان بک قدر تدر عیان اوزر  
 بر صکت بتون ابر اولوب اول ناودان اوزر  
 وجدده کلیم مکمل دگر خاتمه هقدر  
 مجید بر جلانده هرنه دور ایدسان اوزر  
 کده هم علی سیمه بر زان دجی اسوف



اولور محمد و سایه غریبه و سیمه خاوران اوزره

منبر جمی اوردی خاتم بودیم بر سر ابراهیم

که صحنه صحبتی نفیسم لایحه تر جان اوزره

میکه اوندقمه سقف سمان یا قانع الالبواب

کات رایت باب فتح و نصرتا بوضاحت اوزره

صفت بر حیات ابر و اوزره سر و جان اوزره

ایدوج بر ضیعی صحت داغ سرداغ اود دوی اوزره

طیائی شاف سروه صحت دیواره دوشی هم

اوده حیدر دد مانند صحت ص و آن اوزره

اولور شاه ابر فیض دعت روح مادره

اوجار ابر و کیده جار باغ اصفهان اوزره

دید یکره اوزره وضع ابر از غزل قلعه

خدف سحر تر غزل بیت عان اوزره

که سینه خود سندان وار کیه بد باغ عالمه

اوجار و سکنه طریقه همان ده اوزره

حیدر بجه اینه الحله لطف ابد و اوجار اوزره

کند درم بر غزل تکرار طر زار صفان اوزره

اود اوزر کیم تفهوه اینه شاه سلون اوزره

اگر قوی ایسم شسته صدفه مع اوزره



بدست تیغ خامی دامی اولی که تیر طالع  
 مرام خلی و مد غم اقیع بیان اوزره و  
 نه دے دماز آغاز اوسم اوصافیه علم  
 که خام سبقت اید ضعیف است و بیان اوزره  
 وفا تصدیق اید و دوزخ کو یا خامه تقدیر  
 مصداق وطن نقی صفایم بیان اوزره  
 خدیو اید که بددی دوزخ بازار لطفه  
 متاع قاطان آخر دوزخ دلال زبان اوزره  
 بد اخبار غائب کیم دید انخانه نامله  
 مرجع در انفضی او کثر رایگان اوزره  
 ریاض در صدراوسه در انتفاکت  
 اوزره بد در نظم سعه اوزره زمان اوزره  
 بد اثار کیدر خطه فایده و روانه  
 بازار رصرت مضرت ایدان اوزره  
 دکل بد قدر بند یعنی بد قدر مجرب  
 فلت بر سایه بد هزما بر دوزخ اوزره  
 هند مندان اولدی ملجا هیدین لطفه  
 قادر اثار مدد حشره دوزخ کون و مکان اوزره  
 دوزخ صورت غیبه ماصدقه که بد معنایه



کرامتی رسم بلکم ندیم نکته دان اوزره  
 فندطون جهانیکم استه صمد تدبیری  
 بیار بار دوته مخزن تعلیم دن اچارون اوزره  
 کی داید جهان فاتی مضاع احسان  
 اوردی رکطیسی کنج شایسته اوزره

### مقاله

نظم اول در درج انفاض که حکمت دایمیه تشریحیه بجان  
 برودین ترقیاتی تشریحیه بود و احاطه بر کلی فاقصه  
 اول که کاملاً در آنی محتاج زیور قلمی مدونیه و آن کتبخانه حضرت  
 انداد التزیل الله حکمت تفسیر حضرت آیت الله برهان  
 قاطع نوریکاه هر دو جهان مجدمه کمالات عقاید اشیا طود  
 تجلیات جناب کبریا سیدنا و نبینا صلوات الله علیه و سلم حضرت  
 کلیم لای انتظم در دیاری اهل مراتب عیالی اعجاز اتمی  
 او در قدردن و ما علما الله و ما یسفی له اراده قاطعیه  
 بناء قاصد و سبیلاری محتاج زیور حضرت اشعار اوطیب  
 صدری و معنوی که هر ذات شفاعت ارایه مکرر که هر  
 بازار حقیقتی کامل العیار او طالع ذات هایدن نبوت  
 ایات تشریحیه نسبت سرفه سزاوار قدردن به نیاز اولوج



مخلوقات سائر ملک ذیب روحی استحقاق اولیاء کلامی موزون  
 ابرازندن مستغنی و میرا بیدار طشینه بیت کلید  
 و در که اسرار صفیحه کیفیت کیم: بواسطه باب ممکن جمعه فیضند  
 و بیادش بنابر عیبه علماء کرام و ادب علمای انبیای عظمی علیهم  
 السلام اولی قدرند منظومه دیدان صراف اولون رساله  
 حال سعادت اشتغال شیرازه بند تار اشعار اولون مستغنی  
 اولی واجب زیور ذوبفت علم و عرفانه قامت استعداد  
 اراده اولی طبع اولی صفت کجوب انقلاب بر جسم و کسوی  
 فضائل محتاج شانه شانه نظم و شعر اولی ملک  
 خیر الملوک اعدای مضحک کبی خیر العلماء رفی امور دنیا  
 انقائیه نکر علم و فضائیه دقت و تعداد رفی زمر و قدح  
 و سرقه آثار سائر مشله فاهت و شامی موجب اولی طریقه  
 بغایت حذر و بی نیت و امنی سلطنت رفی امور حکومت  
 صداقت و جلب اموال و مباحث بر له رعایا ایله حکومت  
 میانشه و مفاخرت اولی طیب بر برینه موقوف علیه  
 اولی رفی بالاداران طرفینی و قایده به صرف نقدینه جوده  
 هیت و غیرت ایله در مصالح فیضیه نوع بنی آدم  
 اعمد قبال و فعال اولی فعال مارونی مجی و قوالدر  
 اما کلام موزون ملوک و حکمداران و وزیرا و سیرالاران  
 حضرت



هفتاد و دو ساله به زینت آن موهبایان لسیا قدس شریفی  
اوزره مالتس کب الطوعه تکبیر سواد فطانت و تدبیر  
دائرة ظرافت و تحصیل مایه قوت زکاوت و اتمکام قبول  
عامه اولادین موجب اولاد از جمله فضیلتی تیغ جوده داری  
جاذب آهن خردن اعدا و ملاقات آب شمشیر دشمنی صفت  
و به سیدب فار دنیا سرعک حفظ پیکر و سیرها لور نصرت  
بر و رهنم باغ بیت القیم و خاتم جمیع عندانی فطر سرسبز  
علی ابراهیم مؤید احکام القیم مزین مقام اکبر ابراهیم  
حضرت نیک قدان عابدی همصالح فزادق مدح اسوده  
غمدف تمکین اولاد قحط الطوع اخبار خیر آثار اسوده صرف  
اوقات دقت و مضمون تدوین آیه کب و قوف تافه  
بیهت بیور و قدندن بشقه نزد مکار صوف شجیعانه زرع  
مد کل الوجوه رعایت و حرمت عرفا الزم و اهل اولاد فی عامه  
جای نیانه ظاهر و هدیاد و مرناد و القه هنگام غمخیز  
بیان طفره سایه انداز جدول و ارام بیور می اولاد قدندن  
نامی نامه الحروفه مدقات خیر انجاء سیرا رید صیر  
اولاد بوج و قاکه نشسته بیت تشریف صره صدرت  
بیجانه جان ویر فیض قدوسی عالمه روح روان ویر مودا  
سنة ایل تاریخی شهر رمضان المبارک کلت عکرا و ننه مانند شمع



پیا جنب محال شرفه دن ضیعی اقصا و غیب و اتم دنیا  
 اولد قدرده ذره وار هداوار شرف مدقات کردون  
 وقارها اوله ده حضور فیض کنجی سیرها لوریه و قوس  
 اورمرت و غنیمت اونجی ایسه ده نظر اکبر اثر رینه  
 سابقه معارفه و مناسبت اولد یقین مدت مرقوم اول  
 آفتاب جهان ارادن بود ذره بمقدار نابدار ندجه و لطف  
 اولم سحاب نجلی مقدر هائل اولمینی مثر الیه حضرت  
 تدار برات طرفدیه امانه بای نصرت و عدوت بید و خیزه  
 اثنای طریقه بر تقرب حضور عایدیه کلوب کتیکم معلوم علم  
 رصیانه بیدردق ذات شجاعت ایاتدیه مکنذ ازلی  
 بیدردون جدا هر که انبهای لطف و شفقت رؤفانه افضا  
 خصی مذکور ذات نظر عالمی رینه سب عارضه غبار  
 تأثا اولدنی استعاعی صوره بود که بودا که بمقداری  
 منفرد دریای صرت و غوطه خدار عمان محذویت ایلوب  
 نامقه نظم اجتنابینی اجایه که اعدیه هیت طو  
 رنگی او و در دربانک نامی اصانه شروع ایته اندک  
 تطیفی محذات کدکلی زلفدن اندر میدانک  
 مزایه اوزره بد اثر لطف ساهه فرمود طمی اوزره تحبک  
 شبنم قلم ایتمکه توج غائبانه تازبان غیبت اولدر



## مدح مشارب

تشریف روح صورت بیجان جان ویرد  
فضیله قوی عالمه روح روان ویرد

اول سوار سارمه اقیم رحمت  
نیم التفات طبع حسن بیان ویرد

عقاید بخدی لطیف اولسیدی و ظری  
بد قدر ههای همته برایشان ویرد

ابا مشیارم بد زهق فلک  
سایه ذال دهم مذاقه جودان ویرد

دنیا به میلانم جهان اولدی رونما

شاططه عنایت اولد کلدان ویرد

اوقاتی دعا ننه صرف ایده فای

یعنی دعای دوتی زیبایان ویرد

بے نامی او نباشد یارب جریف

مارامه زیب عالمه صاحب دلون ویرد

## مقاله

ترتیب کتب و تدوین شیاره بنده صحایف آثار اولون ذواته لوزم رند که  
تحریر و اختراع از ابتداء همدکار اولد یعنی موادی ابتداء نفس صحیفه  
ضمیمه ادب بعد رخنه ورقه نظیر ایله تألیف موفقه اوضاع



کتاب رسیده خاتمه ص ۱۴۵ ب اول دفعه برمدن فی عرص  
 میدان ابراز ایتیموب مترقب سندات غیبیه و معنیه اوله  
 زیبا اکثر یا ترقیم رفیع اثر قدیمی تألیف عامه به ساله ۱۳۰۰  
 رموزانه باطنیه تدافعه تیکله بدکونه ساعه ظهور کله و قدع  
 غیبیه تکثیر سواد افکاره بادی اولدیفند بشقه قحاج ذراندوز  
 تألیفی رونق بازار اشترار اولدر حتی قروه ایکی سنه تا یخیز غری  
 ریاض بیانه ایتیکم کذا فندسات نام رساله ده رشته تا بیفه  
 حکیمیه جواهر کرانی مدق غریک برورک اینرالی و یکنان  
 عذاص خامه قسیمی ضیالده افراج و ابرازی فصوصی برورده  
 اصداف مدوظه و مهلم قلیلی ایدک و قدعات یکربانه  
 تصادف ایتیم اولطفیه اور کوه کرانقدر بدعتی نظم سجه  
 بیان ایتیکه هب هدا و هوس بیجا اوله روه جایی خرف  
 قدح وزم رفی عود و الحاه اولتوب کویا ایتیموب تدقیات  
 داعیه سیر زم القدر مشغول قضیه کندن اهتزاز ایتیموب  
 بدستل سدرای خامه و سوس فوای بخت دیب رماغ غفلت  
 ایتیکه ندانسته زاندرت تأتف و صیرت اولوب نجارانه  
 غم شیان و عهتیا نام مفایله استغفار ایدر رساله مذکور  
 نسخه ثانیه صریحه که ترجمه قبائل قرآنی حاویدر ایتیموب  
 تاریخ



تاریخ تصحیح اوله زو محمد و اثبات فتنه در ارباب معارف و هنر  
مرصود در که ترجمه احوال قبائل مذکور اوطیان رساله اعتبار  
ایته در و الله تعالی اصحاب تألیف الزم و اهل اوله کیفیات  
بسیار آوده اولدینی ملوک و حکمداران صفاتی ثن صفیات  
اثر ایستیکینت بنف کندی ابا و اجداد و قبائلی رفته کلام  
بیان ایدوب ابقای از کار جمید رجه کب شرفیات ثانی  
ایتمدیه اجای لازم غیبت ابدیات مقدره اجداده دی سیر تبرکات  
بعضی ذوات کرام و انقیای ذوی الوصرا مکذخی نامی سحر انجی مدیده  
تتلا ارحمه قول شریفه امتثال ایدوب <sup>عند ذکر اصحاب</sup> اثره مدفعه اوطیان  
ارباب کمال و عرفانیدی باطنیه ثبت جریح اثر ایدوب  
و بعضی اصحاب آثار اولدینی دخی زیب و رفته گفتار ایتمدیه و با  
مضامین زیر جناح تربیه رنجه تحیر فیض معارف ایتمدیه ذوات  
نامی سعادت ارتقا مدیده تنبیه صحائف آثار ایدوب زیر اسباب  
نعت معارف از جمله محروم و فک ابتدا مضمر معارف موفد رنجه  
بدا فتنه علمه شروع ایتمدیه جامع المقبول و المنقول حادی  
الفروع و الاصول قوافی مدونا مدی افندی ثانیاً قاصی  
ارض و می خانداننده و اعف ذاده السید محمد صمد افندی و بعضی ستانیم  
چهار تنبیه دی الی جمیع مدیده افندی و ضمیمه دی علی فکری افندی  
صفاتی سیر نجات دارینه نائل و مظهر فیضات ربانیه اصل اوله را صلی



بجا به سید الطریق زهد منزله تدریج یافته زهد فرمونی قدس  
 یافته مفارجه اصول کتابته و اثر امداد و انسابه قاص  
 از ضروری و ایسی مدرس زاده السید عبدالله یاسا حضرت تندر  
 و لسان بدیع بیان لسان فارسی ابتدا با لاده مطهر مدنی آفری  
 حضرت تندر بعد علی رضای اصفهانیدین اولاد ابی مکار زود  
 خدمت در دولت الحاکم اولادین تکرار کردن انشایه پس رغبت  
 ایدوب اولادین اسیران بیان همه اولاد تحریک بحال غیرت  
 ایدوب مؤلفان به عارفانه به ثبت صحائف تطهیر فنان  
 زینب الحاکم نامه رساله لطیف مؤلف و مصنفی طاعت و صبی  
 آفری حضرت تندر استفادیه بنده در رقه اولاد اصحاب  
 فضائل و عرفان حق و کلام که تألیف اوضاع کتب بسط حادی  
 اولادین وقایع و مناقبه اوج یا ضد ایکی دفعه منظمه لعل  
 کذرات اینجه که رموز معارفه کتب الطبع و وقف ایدوب  
 هر معانی تحیه موقوف عقده اعتراض اولاد و رقی تألیف  
 اولاد کتابت تحریر و ترقیه رفته اشتغال اولاد زانلی حضرت  
 نه و بیاد اولاد آثار مینته رقه اولاد زینب کثیره همه تطهیر اینکم  
 اولاد اخبار الفرائد سجه پیرای غایه ضام اولاد حضرت فیض کجدر  
 داوریه عرض و تقدیمه ابتداء اولاد مقدم ایل اوج نه که محسنات  
 شمس وضع اوضاع فدائیه جدید بنا دیدانه معلو ادکان قدیوس  
 ترتیب و کتار بیدریون تمییز قلمی نظر زینب دیدانه مکینه صریح بیدری



حب اقدی حضرت نیک معتدینه سنه مرقوم صفایه نیک  
اونچی کون مقرریدریدوب تدسیع دائره معاشی و اعتباره شایان  
ومدفعه اولدی اللهم اغفر لی باخیر آمین

نظم

بنه دل ویریکه بریار کلدور خاطر مه  
هدس زلف سیرکار کلدور خاطر مه  
به بوغنی نه ده مرآتہ نظر قدح مه  
هبت صورت دیدار کلدور خاطر مه  
حدوه زمانه اولدیکه ماجد رسال یار مه  
بنه اول دولت دیدار کلدور خاطر مه  
کرم بیخانه ده مدهوچی خواجه ای شیخ  
تکه ده ویردیکلک اسرار کلدور خاطر مه  
باقه کی دفترینه صرف اونسانه اوقات  
قدرقیم گنت اغیار کلدور خاطر مه  
طرز افدول بواطداره قاطاز فاتح  
عمادت کردی دوار کلدور خاطر مه  
غیر یاسباه قشبت ایدهم سمه نه  
دامه احمد مختار کلدور خاطر مه

مقاله خاتمه

ناتمه نظم حمد اول حضرت آسمه عظیم الشان • ایردی بدنام ده پاینه  
بدکوننده دخی • بعد از به وقتی اوصاف رسوله صرف ایست •



اول ویر سویمه افان بدکونده دخی • صبت مهیده شروانی  
 نکر خا اید • وارده بدنامه هفتان بدکونده دخی • باورده  
 یکان یکان نفی صحیف بیان اوون خدیت و سخی عافران  
 مانند مکافات سنار زکار اطر محمد علی سرتی انکار اولوب  
 صد عافران مع درکار و بیدار بیدریون معامله ارکان دولت  
 موصو بدکونه مشهور افان اوون اجتنار و صداقت خدوف  
 مانور عاتمه سامة ظهور کله مکافات اجتنار و اعدایه باعث  
 انگشتنای قبی و صیرت اولغنی **مصراع** مستندت یا تحمل یافرد  
 حادک • قضیه نه بناء بو معامله نامشودن کران کلوب کافه  
 اسدیه میانجی سر درستی فحالت اوله روه و لوتیه و یا خور دولت  
 ایرانیه عزیمت کرمینیت اولوب اولو جهل رساله ضیاله برکت  
 صرف با صرغ مه بد و رفت اونجی ابرده حقا که هیچ بر جانب  
 مقدار عافران مع اوزره منوی ضمیمه اوون ادعای قدیمه توافق  
 و مه یقت ایتمکند **بیت** فاتح ابداب کرم الجناب •  
 هر که برید زدن اید رفیع باب • انیکه سیر ره نورد فیضی صیرت  
 انیکه **بیت** آیه سیم فاطمه کلد و سیم ایدم • بار یا نمه اویمکه  
 ضوئی کلوب استی روزه ظهور آینه درون مضر و درکار اوون  
 بیج تاب زلزل و خلیجان سیدی جان مانده زلف خدبان ویرم  
 هدشربای دیران و ضامه صاطره نمایان اولغی باشید باوضه  
 شاطره عوسی سیمه سدی کیدی اتم دنیا به شان زن میل و غبت ایدین  
 بشفه



بشقه تقطبی عامه امته فرضی یعنی اشرف اماکن کفر ارض  
 اولون عربستانه جانبیه کل شیئی بر جمع الاصله منظومه شریفی اوزره  
 اختیار هجت اولند بیک ایکیدز قوه طقدز سنه و ماه جمادی اولون  
 یکدی دودخی کون اسلوبودن فلک رابطه اقامت سیر و سنه  
 مذکور دجبالفردینک واسطه مرصاده الله وصت عافانم  
 مقدار طغیه بیت بیک شریفی و مذاق مفه • هست بر اندازه پنج  
 صفر • ماصدقجه زکراویان شهر مبارکه اقامت وفیجی بیک  
 واستراحت اولند فرج مربی هندوران زمان • مؤید ابدیت بیضا  
 اسلوبان • فاتح محاسن دوران • نادره العبد والدوران • معیه ملت  
 ابهم • حکران اقصیم صائقهم • خدیو دریاهم • دود محمد و شیخ  
 محمد علی • صانه الله بطفه الجبل • مرضی • نامقه بیت • بیکه الی خدیو  
 زمان دیار • اصباحه نص لطفدر اعدایه قلم • رضدیلر ساز  
 اسبجی اویغیم مدته تخصیص معانیه مافتمه رعایت و دیوان  
 خدیوانه میر • حب اند • حضرتنیک معینه شهنشاه  
 اوده واثرت بیدربوب بعد ماه مردنم بدو قوه واقع  
 دارالطباعه نظره رتبه تایات و خدمت مذکور ده اویکرمه اعداد  
 نذر مولودنای تکمیل و خانه عافانم مرص اقامت آرام ایدوب مشک  
 ضمیمه اولون اخبار الفرائد رضی تألیف و اتمامه نوس خاتمه  
 کماله ارفای عنایت و اماله بجای ایتیکه جای اهتدای ایتیکه اید



ستمند سپید قلم دوچار سکنه سنه اوضاع زمان و لم اولان  
 فتح اولوب او بوجهره پای بند عقده کند تا خیر اوطاید

### مقاله اتمام مقاله


تألیف و اتمامه بذل و وصل غیت ایتدیلم اخبار الفرائد ریاض  
 حکومت صریحه ثمه باقیه اولدیفن با امانت هر میر دیوانه خدیوی  
 حب اذن حضرتی نیکو <sup>تتمه</sup> خضوعه ایما و اشارت بیدر قدردن  
 بشقه <sup>مؤلفه نظم</sup> اوقات ضایع ایله ای دل امان کیچ • ایرمز بوز  
 زلایه بریده زمان کیچ • هر فعل و هر مقاله ده وار حکمت خدا •  
 حکمت و جوده کلمه صیت نه آن کیچ • مصروفیه و وصل فضائیه زال  
 طبیعت خبیث که دارة محنت ایدرس برورده آنجی صیت  
 ایتدیکی زاده بانوی خاتمه ضیاء اولون بو طفل ناز برورک  
 آورده کنار قلمدان محبت درخت ایتدی که <sup>صع</sup> کون طوغدن شیه  
 تیرن ند طوغر • در مسیده توهر اوضاع روزگار وضع نامقول  
 ابراز و اظهار ایدرس بر ضیعت برورشیب جاحه نمده و استقامت  
 اوطنه مانع اولدیفن و در دایه ضیاع قامت استعدای مدعته الله  
 رسیده اوله روه اتم دنیا به طبعیکم اوئدن ذکر اتی ایما و انصاره قدر  
 بدشیر قاصد تر و فنیان اوطایدی ذکر اوضاعه اشار مانند طفل  
 شیر خوار مانع عطفه تکه کریبان و بستان مادر دگر و اوطاید  
 لایوی کلات شکر باریده و رای پرده ردن چون خدیبه نوسیده  
 ض



خضه پر اوردہ صوم و بیان اوطی فصدنی شجرای دریای نبی بت  
 نیر اعظم صبح شرافت قمر برج سیادت شریف مکہ مکرمہ شریف  
 محمد بن عدون حضرت شرفیاد بوقت اولدینے باطن سبہ سنی علی  
 اتقانہ ابرام و انارہ بیدرملہ تکرار باری شود و نظارت و طغنیہ  
 بر مندر اشارت تکبیر خامہ جنبان غیبت اولدنب بلیک  
 ایکیدز الی یکی سنہ ۵۵ رمضان المبارک اونیبرخی یوم الثانیہ  
 بعد من استمع و قدرته رسیہ غایۃ فقام اوطیہ الفیت  
 هذه الرسالة القائه في محوۃ الاموال الله مفيضا في عطفته الصلاه  
 وانا الحقير المحتاج الي من على كل شيء قدير خيل فاني ابن  
 مريد يوسف بن مريد غياث الدين بن مريد يوسف رحمة الله  
 عليهم اجمعين اللهم ارحلنا زلف من جاد على الحبه وذهب  
 الى الحبه على صراط مستقيم و صلى الله على سيدنا ونبينا محمد سيد  
 الانبياء وارض عن وعلی الہ واصحابہ اجمعین  
 الى يوم الدين امين يا معصية سبحان  
 ربك ربنا انقذ عما يصفون  
 وسوم على المرسلين  
 والحمد لله رب  
 العالمين  
 م م



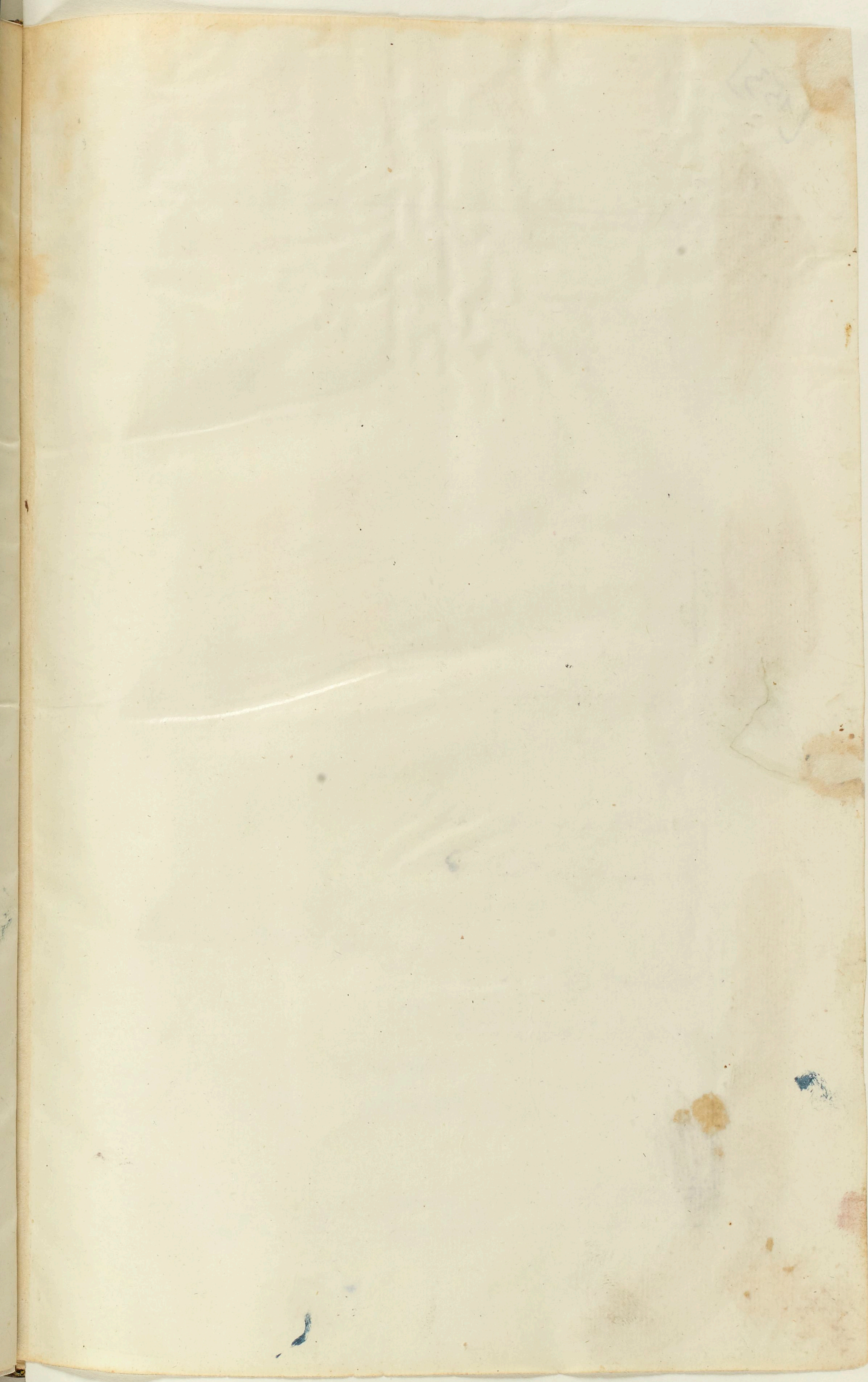
## خل خاتمه

مذات صوف و صفت او بود کثرت قبول این  
و صاحب کثرت شیوه و صفت قبول این  
او دلدیم سرودای زلف کلمه بریت ندر  
غیرم عالم دنیا ده صفت قبول این  
شفا یاب او طراز افخته دیدار جانان  
طیبا حکم زحمت و در صحنه قبول این  
بود بازار جهان صحنه سوداگر طبع  
مزارده صفه کرمایه و احصه قبول این  
صدایم سننوی اب صابونه فنا غل  
بدو کاب جهان دامن همه قبول این  
او کیم مانند سرو ازاده در بار عدوت  
فراشته رنک و بر من رفته آفته قبول این  
قبول زخم ایدوب مانند لعل جود عرفان  
او لوب نام آور قضای شربت قبول این  
فدوضه جفادن ویزه سنت صد اشدن  
شکسته او دی که کل اینده صفه قبول این  
دو تره بیج و تابه بر جم و کبود استغنا  
اصوب زلف و جای تانه منت قبول این  
وطنه مایه دار شود تم ظل بیمر ده  
ولی تره و بار غریب غیرت قبول این  
بیشمار فنی اجمی صله دوتا دنیا  مفیر کوشه فقر و قانروت قبول این



[153]

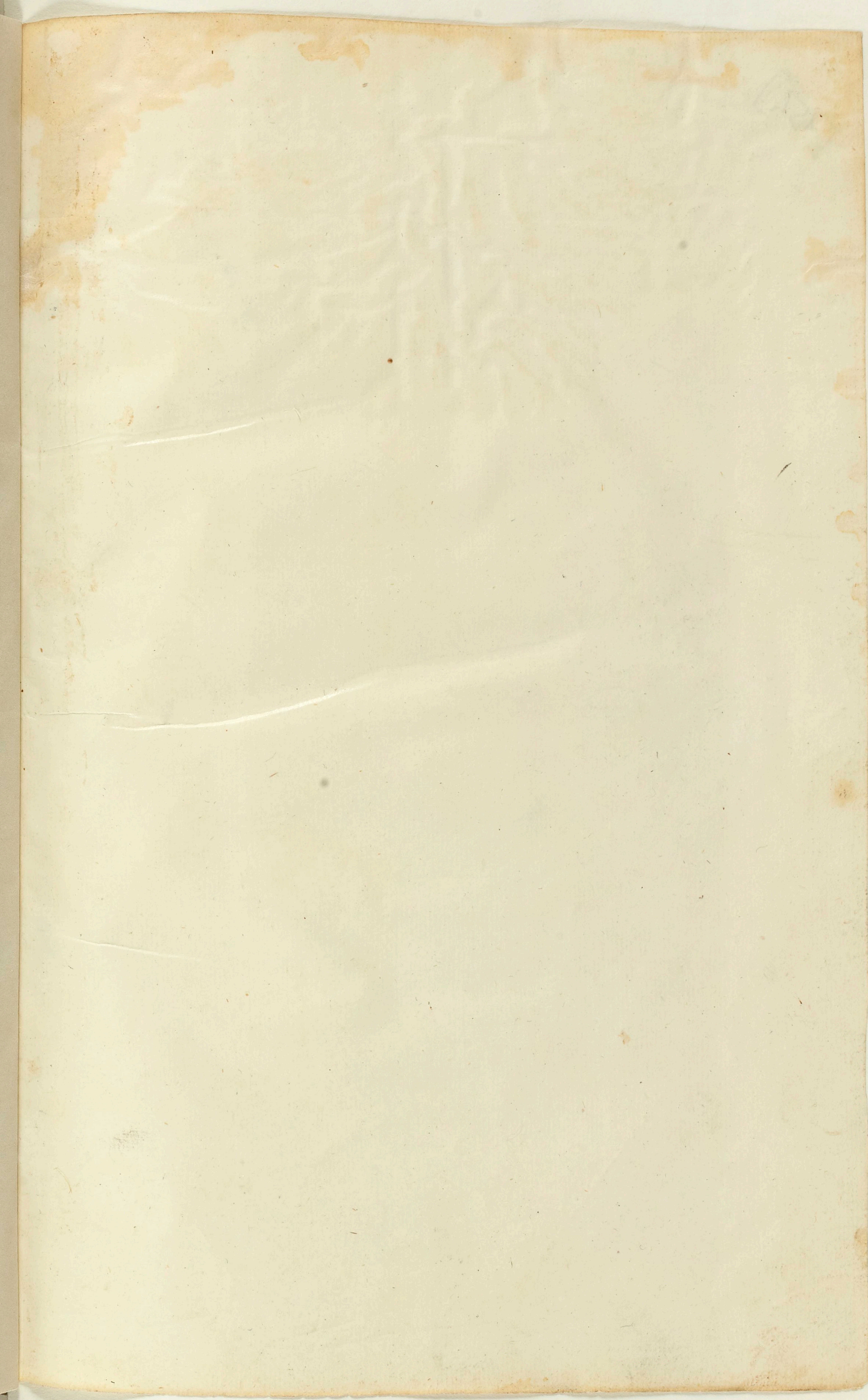






[154]







[5517]

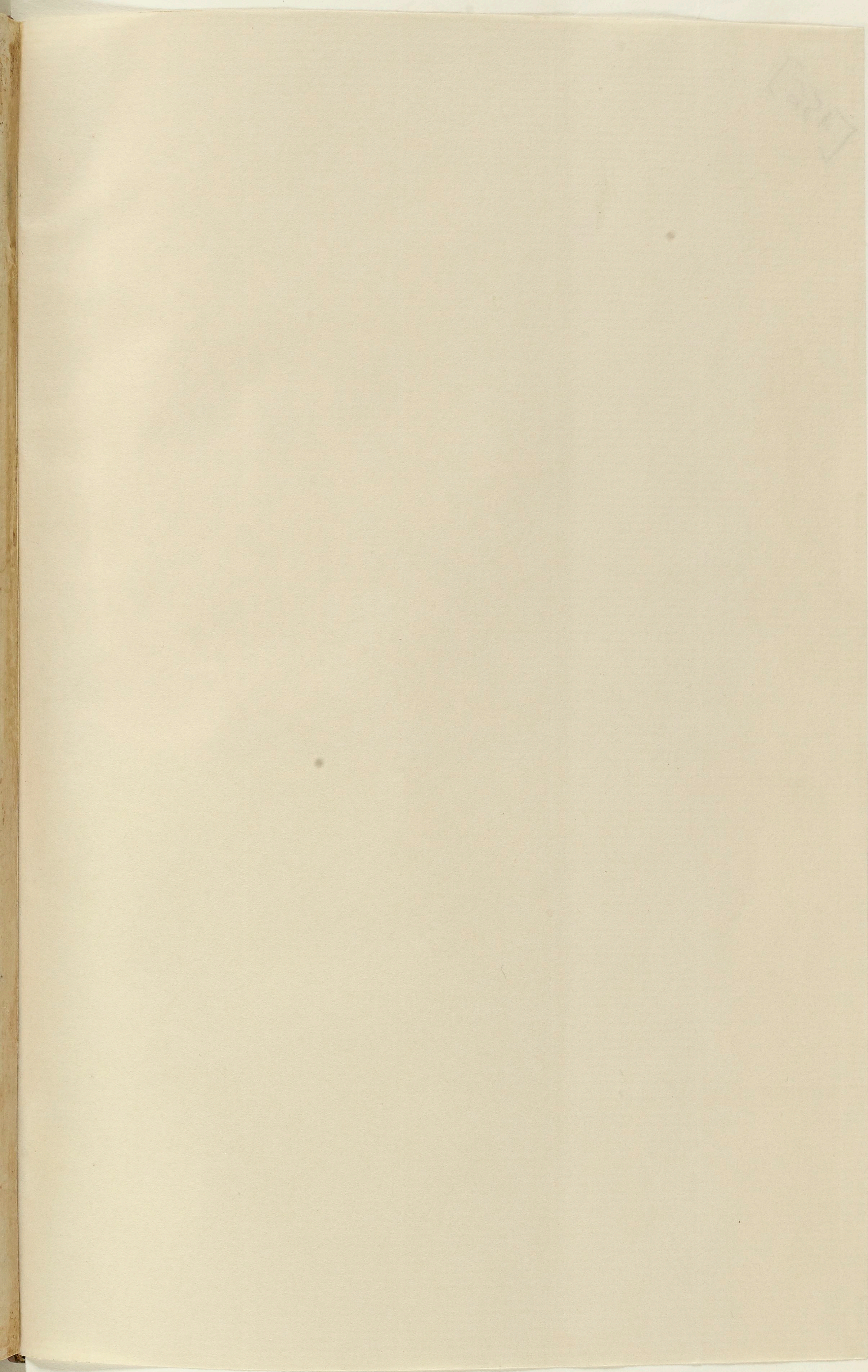


[227]



[156]





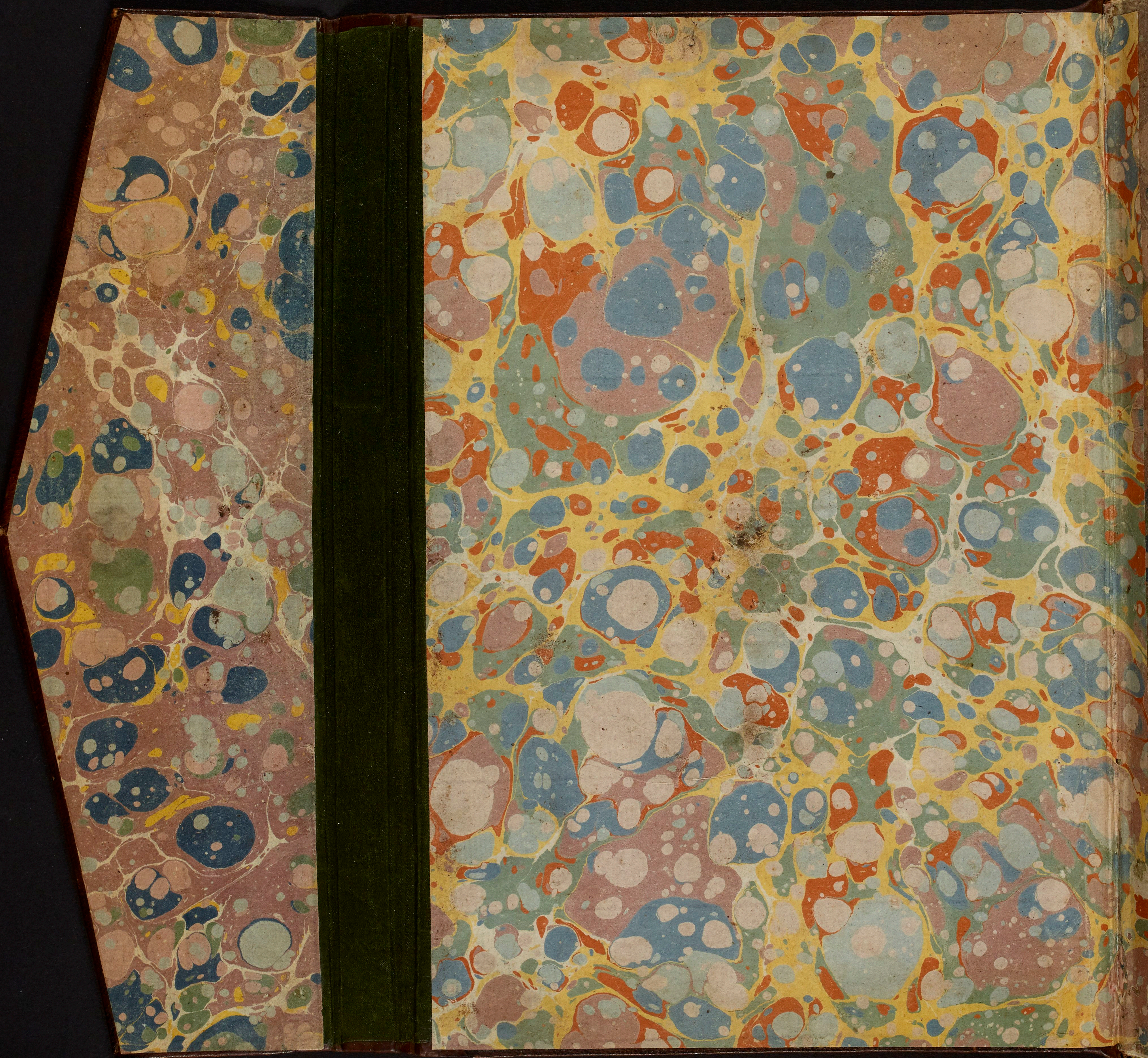


[157]



























Redtaupier D. Des Fontaines

Nov. 2004

1332,05 €